۱۱۱

پرسش و پاسخ

درباره امام زمان

(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یا صاحب الامر ادرکنی

محمد امینی گلستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مشخصات کتاب

سرشناسه : امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : ۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف/ محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر : قم: سپهر آذین، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۹۴ص.

شابک : ۴۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۰-۸۰-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Mohammad Amini Golestani. ۱۱۱ questions and answers about Imam Mahdi(A. S).

یادداشت : عنوان دیگر: ۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان (عج)

عنوان دیگر : ۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان (عج).

عنوان گسترده : صد و یازده پرسش و پاسخ درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : مهدویت-- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره : BP۵۱/۳۵/الف۷۷ص ۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۲۷۲۴

ص: ۱

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

فهرست موضوعات

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۱

ص: ۱۲

ص: ۱۳

ص: ۱۵

ص: ۱۶

ص: ۱۷

ص: ۱۸

ص: ۱۹

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

الحمـد للّه ربّ العـالمين والصّلوه والسّلام على سيّد الأنبيـاء و المرسـلين و على أهل بيته الطّيّبين الطّاهرين سيّما على ولـده بقيّه اللّه الأعظم حجّه بن الحسن روحى وأرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء.

واللّعنه الدّائمه الأبديّه على أعدائهم أجمعين من الان الى قيام يوم الدّين.

پیشگفتار

۱

اشـخاص بصـير و بينا مى داننـد كه ما در مقطعى از زمان و تاريخ قرار گرفته ايم كه رسم بر اين است براى روشن شدن افكار جامعه به ويژه جوانـان عزيز، امّهات مسائل و معتقـدات اسـلامى، مخصوصاً اعتقادات خاصّ جهان تشيّع بالأخصّ در باره حضـرت بقيّه اللّه الأعظم روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و عجّل اللّه تعالى فرجه الشّـريف سؤالات زيادى را مطرح مى نمايند، و براى هر پرسشـى، پاسخ كافى و قانع كننده مى خواهند! و اينجانب نيز بنا به اقتضاى شغل تبليغ و نويسندگى ام، در اماكن مختلف در تهران و اردبيـل مخصوصاً در محل تبليغ پنجاه ساله ام شـهر توريستى (سـرعين) در اسـتان اردبيل از اين مقوله مسـتثنى نبودم، در طول ساليان دراز، در جلسـات مختلف، در تابسـتان هـا و شـبهاى مـاه مبارك رمضان و محرم و صـفر، مجالسـى كه تشـكيل مى گرديـد، توسـط گروهى از جوانان عزيز دانشجو و سايرين در

ص: ۲۰

این موارد سؤالاتی مطرح می کردند و اینجانب نیز در حد اطلاعات خود و متناسب باحال و هوای افراد مجالس، پاسخ می دادم.

لـذا با درک نیاز جامعه و احساس مسؤلیت شـرعی و دینی، خود را موظّف و مکلّف دیـدم که تعـدادی از آن سؤالات و پاسـخ های آنهارا به صورت فشـرده و به صورت سؤال و جواب تنظیم کرده و اسـناد پاسخ هارا نیز در پاورقی، ثبت نموده و با استعانت از دربار ملکوتی آن امام همام، در اختیار عزیزان پژوهشـگر و حقیقت جو و نیز در منظر علاقمندان و دوستداران آن آخرین امید جهان، قرار دهم، باشـد که از این رهگـذر، گروهی را آمـاده دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السـلام نموده و مشـمول عنایت خاصّه آن حضـرت قرار گرفته و ذخیره ای برای روز ناتوانی و درماندگی خود (یعنی قیامت) اندوخته باشم انشاءاللّه تعالی.(۱)

۲

مطلبی که تـذکرش لازم است، چون سؤالات این مجموعه در مجـالس گونـاگون و سالهای متمادی و اماکن متعـدد و عبارت های مختلف بوده لذا بعضی سؤال ها بگونه ای شبیه همدیگر و یا تکراری است به این

۱- البته توجه داشته باشید درباره آن حضرت وکیفیت حکومتشان(از نظر اقتصادی و اجتماعی و قضائی و فرهنگی و نظامی وغیره)، کتاب مفصـلی در دو جلد با نام« سیمای جهان در عصر امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه» تألیف و تنظیم نموده ام که علاوه بر مطالب مربوطه، سؤالات نوین زیـاد بـا پاسـخ های مفصل، در آن کتاب مطرح گردیـده و توسط انتشارات مسـجد مقـدس جمکران چاپ و دردسترس علاقمندان قرار گرفته است؛ طالبین تفصیل به آنجا مراجعه نمایند.

ص: ۲۱

خاطر از عزیزان پوزش می طلبم.

۳

در این مجموعه برای رعـایت اختصار، اسـناد روایات ذکر نگردیـده ولی مصـدر آن در پاورقی آورده شـده است تا در مورد نیاز به آنجا مراجعه شود.

۴

ممکن است در ضـمن پاره از روایات، مطالبی نا معقول و یانامفهوم و یا این که با سـلیقه اشخاص، مورد قبول نباشد، در این صورت یـا بایـد کـل روایت را حـذف نمود و یـا روایت به طور کامـل آورده شود؛ زیرا تقطیع روایت برخلاـف امـانت داری است و خیانت محسوب می شود.

۵

اگر عزیزان در خلال مطالعه این مختصر به اشـتباهاتی برخوردنـد لطفاً به همراهم که در شناسـنامه کتاب مـذکور است زنگ زده و اینجانب را آگاه نمایند تا در چاپ های بعدی اصلاح شود.

ص: ۲۲

پرسش و پاسخ

۱]– س– آیا جوامع بشری برای وجود امام زمان نیازی دارد؟!.

ج– پیش از پرداختن به پاسخ سؤال ها، از عزیزان استدعا دارم از ابتداء تا انتهاء این مجالس دو مطلب را به خاطر داشته باشند و در ضمن سؤال هایتان آن دو مطلب را فراموش نفرمایند.

۱– حضرت امام زمان عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف در زمان امامت و دوران حکومت خود، کوچکترین عملی بر خلاف شریعت اسلام، انجام نخواهد داد و با سیره جدّ بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رفتار خواهد نمود، پس در سؤالهایتان به این نکته توجه داشته باشید، اگر روایت یا مطلبی در باره آن حضرت بر خلاف اسلام و قرآن دیده یا شنیده باشید، آن را مطرح ننموده و از آن صرف نظر نمائید؛

۲– اگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام مسئله یاجریانی در باره آن امام عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف، رسیده و مسلّم و ثابت شود اما در نظر ما صحیح نباشد، باید آن را بپذیریم زیرا کارشناسان حقیقی قرآن و اسلام آنها هستند نه ما (أهل البیت أدری بما فی البیت).

با توجه به دو تذکر بالا به پاسخ مورد سؤال می پردازیم، اوّلًا به روشنی و بدون ابهام مشاهده می کنیم که، جوامع بشری در همه ابعاد زندگی و زوایای کشف مجهولات، رو به ترقی روز افزون و پیشرفت عجیب می رود، از جهت علمی و فرهنگی، اقتصادی و نظامی، اجتماعی و قضائی، به طور کلی، از هرحیث دارای ترقیات همه جانبه و فراگیر است که قابل شمارش نیست؛

این پیشرفت های محیّرالعقول، ادامه خواهد یافت تا روزی برسد که

ص: ۲۳

بشریت لیاقت برخورداری از یک نظام آسمانی با عدالت واقعی و شایستگی پذیرش مصلح و نجات دهنده ای باشد که تمامی دستورهای الهی و فرامین خداوندی را در روی زمین، بی کم و کاست، پیاده نموده و به صورت یک کشور واحد در آورد، یعنی در کل روی زمین، یک رهبر و یک دین و یک آئین، حکم فرما شود و ابناء آدم در زیر یک پرچم زندگی نمایند و زمین از لوث وجود مستکبران و جنایت کاران و ستمگران، پاک شود و انسان ها روی خوشی و آرامش و امنیت فراگیر را، لمس نمایند؛

بدینجهت جوامع بشری به طور یقین به وجود چنین موقعیت وچنان شخصیتی، نیاز مبرم پیدا خواهد کرد که متناسب با لیاقت و استعداد وو .. آن روزگاران باشد؛

آن شخصیت را با هر نامی می خواهید بنامید، منجی، مصلح جهانی، سوشیانس، پسر انسان، وو ... یا امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف.

۲]- س- آیا در ادیان قدیم و کتاب های آسمانی پیشینیان ذکری در باره آن حضرت، به میان آمده است؟!.

ج- در تمام ادیان آسمانی و مذاهبی که مخلوط و برگرفته از ادیان آسمانی است مانند زرتشتی و هندوئی و غیره، با تعبیرهای گوناگون و بیانات مختلف، از آن شخصیت بزرگوار، ذکری به میان آورده و خبر داده اند.(۱)

۱- تعداد ۶۴ نام از نام های فراوان آن حضرت را در ادیان مختلف جهان، در کتاب« سیمای جهان» آورده ام که بعد از این با کلمه« سیما» به طور اختصار نام می بریم، مراجعه نمایید.

ص: ۲۴

۳]- س- آیا در میان کاهنان و پیشگویان پیش از اسلام در باره آن حضرت، صحبتی بوده یا بعدها پدید آمده است؟!.

ج- بلی این مطلب در میـان آنهـا، شـهرت تـام داشـته است، حتی در میـان دربـار پادشاهـان ایران مخصوصاً ساسانیان به گونه ای جا افتـاده بود هنگامی که در جنگ میان مسـلمانان و ایرانیان (ارتش مجهز ایران) در قادسـیّه عقب نشـینی کرد و قاصـد آمـد و قتل عام پنجاه هزار نفر را در جریان قادسیه و عقب نشینی ارتش از آن را به شاه گزارش داد.

یزدگرد (سوّم، آخرین پادشاه ساسانی) گمان کرد رستم فرّخ زاد سـردار نامی ایران و ارتش فارس همگی کشـته شـده انـد، با افراد خـانواده اش آمـاده فرار شدنـد، (شاه) هنگام ترک کاخ با شـکوه و مجلّل ایوان مـداین، برابر ایوان ایسـتاد (و این جملات را بر زبان رانـد) «سـلام بر تـو بـاد ای ایوان! من هم اکنون از تو رو بر می تـابم (و می روم!، ولی به زودی یـا) خودم بر می گردم، یـا مردی از فرزندانم که هنوز زمان آمدنش نزدیک نشده و وقت ظهور او نرسیده است، به سوی تو بر می گردد».

سلیمان دیلمی گویـد: من به محضـر امام صادق علیه السـلام وارد شـدم و مقصود یزدگرد از این گفتار «یا یکی از فرزنـدان خود» را سؤال نمودم؟! فرمود: «او صاحب شـما است که به فرمان خداونـد در آخر الزّمان ظهور می کند، او ششـمین فرزند من و فرزند دختر یزدگرد است یزدگرد نیز پدر او می باشد.»(۱)

۱- سیمای جهان در عصر امام زمان(عج): ۱/ ۴۲ بنقل از بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۶۳ باب ۱۱ از کتـاب المقتضب ابن عیاش فیما أخبر به الکهنه.

ص: ۲۵

البتّه روشن است که مادر امام سجّاد علیه السلام «شاه زنان» یا «شهربانو» دختر یزدگرد بن شهریار آخرین پادشاه ساسانی است که واقعاً از طرف مادر، پدر بزرگ امام قائم روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است.

یا کاهنانی قبل از اسلام، مانند «سُطیح» کاهن و جز او پس از بیان طولانی از اوضاع جهان در تاریخ قبل از ظهور آن حضرت با صراحت کامل بدین گونه خبرداده است، ... این جریان ها نزدیک طلوع ستاره دنباله دار که عرب ها از دیدن آن به وحشت خواهند افتاد؛

آن زمان باران نمی بارد و نهرها خشک می شود و قیمت ها در همه جا، بالا رود (در این هنگام) می آیند بربرها با پرچمهای زرد بر اسبان تاتاری تندرو تا فرود آیند بر (سرزمین) مصر، سپس خروج می کند مردی از (اولاد) صخر، پرچم های سیاه را به سرخ تبدیل می نماید، و حرام هارا مباح گرداند و زنان را از پستان هایشان می آویزد و اوست غارت کننده کوفه، چقدر (جسد) زنان در راه ها افتاده و در میان اسب ها مانده و شوهرانشان کشته شده و واعضایشان مکشوفه، و آبروها ریخته ووو .... در این هنگام فرزند پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مهدی عجّل اللّه فرجه ظهور می کند و این، آن وقت پیش خواهد آمد که مظلومی در یثرب «مدینه» و پسر عمویش در حرم کشته شود ...

در آن زمان ظاهر می شود (شخصیت) با برکت و پاک و هادی و مهدی و سید علوی، پس با آمدنش با منت خدائی که آنها را هدایت کرده، مردم

ص: ۲۶

را نجات می دهد، پس بانور خود، تاریکی را از میان بر میدارد وبسبب او حق بعد از مخفی ماندن، ظاهر شود و میان مردم، مال به طور مساوی، پخش می کند و شمشیر (زنی) او را غمگین می کند* پس خونهارا نمی ریزدو (در زمان او) مردم در شادی و گوا رائی، زندگی می کند و آب عدالتش، چشم روزگار را از ریگ (فرورفته) می شویدو حق را به شهرها بر می گرداند ودر میان مردم، میهمانی و رفت و آمد، زیاد می شود و با عدالت او، ستمگری و کوری، برداشته شود مانند این که، غبار آلود بود و روشن گردید، پس پرکند زمین را از عدل و داد و روزهارا از خوشی (و خرمی)، و (آمدن) اوست بلا شک نشانه قیامت (و رستاخیز).(۱)

ومشابه این سخنان را، سایرکاهنان و پیشگویان بیان داشته اند که نمونه هائی از آن را مرحوم علامه مجلسی قدس سره در بحارالأنوار: آورده است.

۴]- س- آیادر میان عرفاء گذشته یادی از آن حضرت آمده و به آمدن او معتقد بوده اند یانه؟!.

ج- بلی بنا به نقل شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع الموده و سایر

۱- فهناک یظهر مبارکا زکیا، وهادیا مهدیا، وسیدا علویا فیفرج الناس إذا أتاهم بمن الله الذی هداهم، فیکشف بنوره الظلماء، ویظهر به الحق بعد الخفاء، ویفرق الاموال فی الناس بالسواء، ویغمه السیف فلا یسفک الدماء، ویعیش الناس فی البشر والهناء، ویغسل بماء عدله عین الدهر من القذاء ویرد الحق علی أهل القری، ویکثر فی الناس الضیافه والقری، ویرفع بعدله الغوایه والعمی، کأنه کان غبار فانجلی، فیملا الارض عدلا وقسطا والایام حباء، وهو علم للساعه بلا امتراء. بحارالانوار: ۵۱/ ۱۶۳ ب ۱۱.

ص: ۲۷

بزرگـان اهـل سـنت، در میـان اعـاظم و بزرگـان عرفـا؛ ماننـد محیی الـدین عربی در «فتوحات مکیه» و احمـد جامی و نامقی و عطّار نیشابوری و شـمس الدّین تبریزی و ملّای رومی و شـیخ نعمت اللّه ولی و سیّد نسیمی وو ... اشـعاری پیرامون امامان معصوم صلوات اللّه و سلامه علیهم أجمعین سروده اند و مدایح خود را با مدح «مهدی» موعود صلوات اللّه و سلامه علیه روحی و أرواح العالمین- لتراب مقدمه الفداء به پایان برده اند.(۱)

هم چنین پیرامون حضرت مهدی موعود علیه السلام سخنان بسیار و بیانات فراوان آمده است. برای نمونه به چند مورد از آن اشاره می شود.

عبدالوهاب شعرانی در کتاب «الیواقیت والجواهر» درمبحث ۶۵ می گوید: مهدی از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام است و ولادتش شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می باشد و او باقی می ماند تا با عیسی بن مریم یک جا باشند.»(۲)

و در میان عرفاء خیلی هستند که از آن حضرت یاد نموده و حتی ادعاء تشرف به خدمت آن حضرت را کرده اند، مانند.

محیی الدّین بن العربی گوید: او از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از اولاد فاطمه علیها السلام است، جدّ او حسین بن علی و پدرش حسن عسکری علیه السلام است.».(۳)

شیخ عبدالوهاب شعرانی در کتاب انوار القدسیه گوید: همانا بعضی از

۱- ینابیع الموده ۳/ ۱۳۸.
۲- ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۶ ب ۸۵ از کتاب مذکور.
۳- الزام النّاصب: ص ۱۷۳ از فتوحات المکّیه.

ص: ۲۸

مشایخ ما گفتند: ما با مهدی علیه السلام در دمشق شام بیعت کردیم و هفت روز هم مهمانش بودیم.»(۱)

نیز گفت: در تاریخ ۱۲۷۳ هق. شیخ عبداللّطیف به من گفت: پدرم ابراهیم گفت: یکی از مشایخ مصر گفت: «بایعنا الإمام المهدیّ؛ ما باامام مهدی علیه السلام بیعت کردیم.»

شیخ صدرالدّین قونوی اشعار لطیفی درباره حضرت مهدی موعود عجل اللّه تعالی فرجه دارد که این گونه افتتاح می کند.

یقوم بأمراللّه فی الأرض ظاهراً***علی رغم شیاطین یمحق الکفر

یؤیّد شرع المصطفی وهو ختمه***ویمتد من میم بأحکامها یدری

تا آخر اشعار، طالبین به کتاب ینابیع المودّه: ۳/ ۱۳۳ باب ۸۴ و منابع دیگر رجوع نماید.

۵]- س- آیا در قرآن کریم آیاتی در باره آن حضرت وجود دارد؟!.

ج- بلی آیـاتی که از امامـان شـیعه درباره حضـرت- عجّل اللّه فرجه الشـریف- تأویل شـده است متجاوز از ۲۱۷(۲) آیـه است و در کتاب معجم أحادیث الامام المهـدی ۳۶۵ آیه ذکر کرده است، که قسـمتی از آن ها را عالم بزرگوار سیّد هاشم بن سـلیمان بحرانی قـدس سـره در کتـاب خود به نـام «المحجّه فیمـا نزل فی القائم الحجّه» ۱۶۱ آیـه بـا روایـات آن، گرد آوری کرده است و در کتـاب مستدرک ۱۴ آیه آورده است و این حقیر نیز ۴

۱- ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۶ ب ۸۵.

۲- مهدی منتظر ص ۲۱۱، در معجم الاحادیث المهدی بیش از ۳۶۰ آیه وبعضی بیش چهارصد آیه نیز ذکر کرده است.

ص: ۲۹

آیه از بحارالانوار ج ۵۱ آوردم که جمعاً می شود ۱۷۹ آیه قرآن درباره آن حضرت.(۱) آیات از سوره بقره شروع و در سوره عصر و مستدرک آن از بقره شروع و در سوره مطفّفین پایان می یابد.

طالبین تفصیل، به کتاب سیمای جهان و کتابهای مذکور در پاورقی مراجعه نمایند.

۶]- س- آیا از زبان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره آن حضرت، مطالبی به میان آمده و یا بیاناتی صادر شده است؟!.

ج- بلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایات فراوان، صریحاً و با تعابیر و عبارات گوناگون، از آن حضرت خبر داده است که فقط چند مورد آن را می آوریم.

۱- جابر بن عبداللَّه انصاری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از اولاد من است. نام او، نام من و کنیه او، کنیه من است. شبیه ترین مردم است به من، از حیث خِلقت و اخلاق؛ برای او غیبت و سرگردانی خواهد بود که در آن، امّت ها گمراه خواهند شد؛ سپس مانند شهاب سوراخ کننده (برق آسا) می آید و زمین را از عدل و داد پر کند، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است.».(۲)

۱- برای روشن شدن مطلب و تحقیق بیشتر به کتاب های(۱- المهدیّ فی القرآن ۲- موعود قرآن ۳- شواهد التّنزیل ۴- سیمای امام زمان در آئینه قرآن و ۵- المحجّه بحرانی و کتب فراوان دیگر) مراجعه فرمایند.

۲- بحار: ج ۵۱/ ص ۷۲ باب ۱ ح ۱۳ و مثل آن نیز در ح ۱۶ از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام هردو روایت به نقل از کمال الدّین ولی در روایت امام صادق علیه السلام به جای« له غیبه و حیره تضلّ فیه الامم ثمّ یقبل کاالشهاب الثّاقب» در روایت جابر عبارت« و حیره حتی یضلّ الخلق عن أدیانهم فعند ذلک یقبل کاالشّهاب الثّاقب» ... آمده است.

ص: ۳۰

۲- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند، اوّل آن ها توئی ای علی! و آخر آن ها «قائمی» است که خدای عزّ و جلّ با دستان او مشرق ها و مغرب های زمین را می گشاید.»(۱)

۳- صالح بن عقبه از پدرش از حضرت امام باقر علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش: نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهـدی» از فرزنـدان من است. او غیبتی طولانی خواهـد داشت و در آن شـرایط، حیرت و سـرگردانی سایه می افکند و امتها در آن حیرت و سـرگردانی، گمراه می شوند. او با ذخایر انبیا می آید و جهان را همان گونه که پیش از ظهورش از ظلم و ستم پر شده است، از عدالت و دادگری لبریز خواهد ساخت.»(۲)

۴- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «خداونـد این دین را بـا علی گشود و قـتی که شـهید شـد، (کسـی ویرانی آن را) اصلاح نمی کند، مگر مهدی.»(۳)

۵- علی بن عاصم گویـد که ابی جعفر دوّم (امام جواد) علیه السلام از پـدران بزرگواش علیهم السـلام فرمود: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در وصف حضـرت قـائم علیه السـلام به ابیّ بن کعب فرمود: خـدای تعـالی در صـلب (حسن عسـکری علیه السلام) نطفه مبارک و پاک و طیّب و طاهر و مطهّر ترکیب نمود، همه مؤمنانی که پیمانش را در ولایت از او گرفته است، به آن راضی می شوند و تمام منکران به او کافر می شوند، پس او امام تقی، نقی، مرضی، هادی

۱- کمال الدین: ص ۲۸۲.
۲- همان مدرک: ج ۵۱/ ص ۷۲ باب ۱ ح ۱۷
۳- منتخب الأثر: ص ۲۰۵ ح ۳۸.

ص: ۳۱

مهدی علیه السلام است، به عدالت حکم می نماید و با آن امر می کند، خداوند عزّو جلّ را تصدیق می نماید و خدا نیز او را در گفتارش تصدیق می کند، وقتی که دلایل و علامت ها آشکار شود از تهامه بیرون آید، برای او گنج هایی است، نه از زر و سیم، بلکه اسبان زیبا و خوش منظر و مردان نشان دار که خداوند از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر سی صد و سیزده مرد جمع نموده است و صحیفه مهر شده ای با او باشد و در آن تعداد یاران او با نام و شهرها و طبیعت ها و زینت ها و کنیه هایشان است، ایشان زحمت کشان و تلاش کنندگان در اطاعت او (قائم علیه السلام) هستند.(۱)

۷]- س- آیا در میان فرقه های مختلف مسلمان ها به آمدن و وجود آن حضرت معتقدانی وجود دارد؟!

ج- بلی در میان فرقه های اهل تسنّن دانشمندان زیاد، در باره، آن حضرت کتاب های مستقل نوشته اند و ضمن روایات خود نیز مطالب فراوان آورده اند که چند مورد از آن را می آوریم و برای اطلاعات بیشتر به جلد اول «سیمای جهان در عصر امام زمان» مراجعه نمایید.

۱- «مهدی ملتفت می شود که عیسی بن مریم فرود آمده است؛ مانند این که از موهایش، آب می چکد. مهدی به او می گوید: جلو ایستاده برای مردم نماز بخوان. می گوید: یقیناً نماز به خاطر تو اقامه شده است، پس پشت سر مردی از اولاد من، (یعنی مهدی) نماز

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۰ ب ۲۷ ح ۴؛ بشارهالإسلام: ص ۹؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۰ قسمتی ازآن؛ الزام النّاصب: ص ۶۳.

ص: ۳۲

می گذارد.»(۱)

۲- «از ماست کسی (یعنی مهدی) که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند.»(۲)

۳- «مهدی طاوس اهل بهشت است.»(۳)

۴- «بعد از من دوازده امیر است همگی از قریش می باشد.»(۴)

۵- «مهدی از ما است و دین را به پایان می برد آن گونه که با ما (آغاز کرد و) گشود.»(۵)

۶- ابی سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر فرمود: «مهدی از عترت من و از اهل بیتم است که در آخرالزّمان خروج می کند.

آسمان قطراتش را به او فرو می ریزد و زمین تخم هایش را می رویاند.

پس زمین را از عدل و قسط لبریز می نماید، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است.»(۶)

۷- زرّبن حبیش از عبد اللّه بن مسعود گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا پایان نمی یابد تا این که زمام امور امّتم را مردی از اهل بیت من به

۱- الصواعق المحرقه ص ۹۸؛ عقد الدرر: ص ۱۷.

۲- عقد الدرر: ص ۲۵.

۳- بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۰۵ ب ۱ ح ۴۱ از الطرائف؛ عقدالدرر: ص ۱۴۸.

۴- سنن ترمذی: ۴/ ۵۰۱.

۵- الصواعق المحرقه: ص ۱۶۳ و قریب به این مضمون در المعجم الأوسط: ۱/ ۱۳۶؛ عقد الدّرر: باب ۷ ص ۱۴۵ و کتب دیگر عامه بحارالأنوار: ۵۱/ ۹۳ و کتب دیگر خاصه.

۶- بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۴ ب ۱ ح ۲۵ از غیبت طوسی راویان این حدیث از طریق اهل سنّت است.

ص: ۳۳

دست گیرد که به او مهدی گفته می شود.»(۱)

و در میان شیعیان شهرت آن حضرت بگونه ایست که به آوردن نمونه هم نیاز نیست زیرا عقیده ایشان بر روی مورد سؤال استوار شده و اظهر من الشمس است.

۸]- س- آیا تکذیب مهدی عجل اللّه تعالی فرجه و آمدن او از نظر شرعی چه حکمی دارد؟.

ج- تکذیب هر یک از حجّت های الهی، کاشف از این است که این فرد، خدا را قبول ندارد و قبول نداشتن خدا، کفر مطلق است؛ زیرا کسی که خدا را قبول داشته باشد، باید أمناء و حجّت ها و فرستادگان او را نیز بی چون و چرا بپذیرد و اطاعت نماید، چون صحیح نیست که کسی خدا را به ألوهیت و معبودیّت بپذیرد، امّا از عبودیت و بندگی او سرباز زند.

لذا:

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... من کذّب بالمهدیّ فقد کفر؛(۲) هر کس مهدی را تکذیب کند، به یقین کافر شده است».

۲- امام سجّاد علیه السلام فرمود: «... ومن أبغضنا وردّنا أو ردّ واحداً منّا، فهو کافر باللّٰه وبآیاته؛(۳) هرکس به ما بغض ورزد و ما و یا یکی از ما را ردّ نماید،

۱- بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۴ ب ۱ ح ۲۸ از غیبت طوسی راویان این حدیث از طریق اهل سنّت است.

۲- عقدالدرر: ۱۵۷؛ یاد مهدی: ص ۱۶۲ به نقل از آن.

۳- وسائل الشّیعه: ۱۸/ ۵۶۳ ح ۲۹؛ یوم الخلاص: ص ۳۹.

ص: ۳۴

پس او به خدا و آیاتش کافر شده است.»

۳- أبان بن تغلب گوید: به ابی عبداللَّه علیه السلام عرض کردم: «من عرف الأئمّه ولم یعرف الإمام الّذی فی زمانه، أ هو مؤمن؟ قال: لا. قلت: أ مسلم؟

قال: نعم؛(۱) هرکس همه امامان را بشناسد، ولی امام زمان خود را نشناسد، آیا او مؤمن است؟!

فرمود: نه، گفتم: مسلمان است؟ فرمود: بلی» زیرا اوتعدادی از امامان را می شناسد و امام زمان خود را نمی شناسد ولی بغض ندارد و تکذیب نمی کند (تا مشمول دو روایت قبل شود).

۹]- س- می گویند بردن نام آن حضرت حرام است آیا این حرف درست است و چرا؟.

ج- علمای یهود و نصارا حقّیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسالتش را مانند بچّه های خود می شناختند،(۲) امّا برای از دست ندادن ریاست

و حفظ موقعیّت خود، او را تکذیب می کردند و می گفتند: «محمّد و احمد» که در کتاب های آسمانی به ما خبر داده شده است، هنوز نیامده و در آخر الزّمان خواهد آمد.

در اثر این تبلیغ، قوم یهود و نصارا از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوری جسته و تکذیبش کردند.

۱- کمال الدّین: ص ۲۲۹؛ بحارالأنوار: ۲۳/ ۹۶ ب ۵ ح ۲.

۲- « ألّذین آتیناهم الکتاب، یعرفونه کما یعرفون أبنائهم و إنّ فریقاً منهم یکتمون الحق و هم یعلمون»(بقره/ ۱۴۶) کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده ایم، او(پیامبر) را هم چون فرزندان خود می شناسند؛(ولی) جمعی از آنان، حقّ را آگاهانه، کتمان می کنند.

ص: ۳۵

از سوی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و أئمّه هدی علیهم السلام آمدن قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- را به مردم و مؤمنین مژده می دادند و برای این که اذهان، از سوء تبلیغ علمای یهود و نصارا، تخدیر و تخریب نشود و جان امام مصون بماند، بردن نام «م ح م د» را تا ظهور او مجاز ندانسته و تحریمش کردند.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «صاحب هذا الأمر لایسمّیه إلّاکافر؛(۱) نام صاحب این امر را نمی برد، مگر کافر.»

۲- قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- فرمود: «ملعون ملعون من سمّانی فی مجمع من الناس باسمی؛(۲) ملعون است ملعون است کسی که در جمع مردم، اسم مرا ببرد.»

این روایت بردن نام را در جمع مردم نهی نموده است که اشاعه نیابد و وجود مبارک او، از آسیب و خطر محفوظ بماند.

۳- عبد العظیم حسنی از جانب امام جواد علیه السلام فرمود: «هو الّذی یخفی علی الناس ولادته ویغیب عنهم شخصه ویحرم علیهم تسمیته؛(۳) او کسی است که ولادتش بر مردم مخفی می ماند و شخص او از مردم غایب و بردن نامش حرام می شود».

۴- از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مهدی از کیست؟ آیا از اولاد شماست؟!

فرمود: «الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولایحلّ لکم تسمیته

۱- الزام النّاصب: ص ۸۲؛ یوم الخلاص: ص ۳۳.

۲- همان مدرک: ص ۸۲؛ اعلام الوری: ص ۴۲۳؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۳۳؛ یوم الخلاص: ص ۳۳.

۳- بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۵۷ ب ۵ ح ۴ از کفایه.

ص: ۳۶

؛(۱) پنجمين فرزند امام هفتم است، شخص او از شما غايب و بردن نامش حرام مى شود».

۵- ابى هاشم جعفرى گويـد: شـنيدم اباالحسن صاحب العسـكر امام هادى عليه السـلام مى گفت: جانشـين بعد از من، فرزندم حسـن است، چگونه خواهيد بود (درباره) جانشين بعد از جانشين (من)؟

گفتم: خدا مرا فداى تو كند، چرا؟!

فرمود: زيرا شخص او را نمى بينيد و بردن نام او هم براى شما حلال نخواهد بود!

گفتم: پس او را چگونه نام ببريم؟

فرمود: «قولوا الحجّه من آل محمّد عليهم السلام».(۲)

۱۰]- س- چرابايد امام زمان در آخرالزمان ظهور كند و عالم را نجات دهد؟.

ج- آن گونه كه مى دانيم هر روز بلكه هرسـاعت كه از عمر دنيـا سپرى مى شود، همه موجودات و تكنيـك ها و صـنعت ها به طور كلّى هرچيزى، رو به كمال و ترقى مى رود، مثلًا روزى بشـر قدرت سوارشدن بر چهار پايان را هم نداشت، الان بافضا پيما در فضاى بيكران به پرواز در مى آيـد و توان معـالجه درد دنـدانى را نـداشت، حالا- سـلولهاى بنيـادى مى سـازد و در اعمـال ريزه كـارى ها و مويرگهاى مغز

۱- همان مدرك: ۵۱/ ۱۴۳، ب ۶، ح ۴، از كمال الدّين با دو طريق.

۲- منتخب الأثر: ص ۱۲۷ و ۲۲۶؛ غيبت طوسى: ص ۱۲۲؛ اعلام الورى: ص ۴۱۰؛ الزام النّاصب: ص ۶۹ و ۸۲؛ اصول كافى: ۱/ ۳۳۲ بـاتغيير؛ يوم الخلاص: ۴۵؛ بحارالأـنوار: ۵۱/ ۱۵۸ ب ۱۰، ح ۱، از عيون أخبـار الرّضـاء و كمـال الـدّين. در حرمت بردن نام مهـدى موعود عليه السلام روايات زياد است كه در منابع معتبر آمده است.

ص: ۳۷

بازی می کند و از فاصله شش هزار کیلومتری عمل جراحی انجام می دهد و مثال های نامتناهی دیگر.

پس بشریت روزی و روزگاری از این مسیرها به پایان راه و انتهای آنها رسیده و سردوشی به کمال رسیدن را، بر دوش خود خواهد زد.

به موازات این حرکت های مادی حرکت های معنوی نیز روزی بایـد، به کمال برسـد و شایسـتگی پذیرش و ظرفیت قبول این کمال را از هر جهت داشـته باشد و آن نخواهد بود مگر در زمانی که خداوند شخصـیت برگزیده و ذخیره نهائی خود را به جامعه ابناء بشر ارزانی دارد تا بادست او دین واقعی و عدالت حقیقی را در روی زمین پیاده کرده و به اجرا درآورد.

چنـانکه در روایات داریم که علم ۲۷ حرف است، تازمان ظهور ۲ حرف آن پیـاده می شود و ۲۵ حرف آن به وسیله آخرین حجت الهی، پیاده و به اجرا درخواهد آمد.

نتیجه این که علم و عقـل به مـا می گویـد: که جریانهـای کمال مادی و معنوی، این کره خاکی، در عرض هم و بموازات همـدیگر، پیش می رود و باید هم این طور باشد پس الزاماً امام زمان علیه السلام باید در آخر الزمان ظهور نماید.

۱۱]- س- آیا امام زمان متولد شده یا هنوز به دنیا نیامده است؟!

ج- بلی طبق روایات شـیعه و وبرخی از اهل تسنّن، آنحضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری، به دنیا آمده و خیلی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام آن حضرت را دیده اند یا خود امام نیز او را به گروهی از

ص: ۳۸

اصحاب، معرفی نموده است.

در کتاب های معتبر، در مورد معرّفی حضرت مهدی موعود علیه السلام «بشخصه وبعینه» توسّط امام حسن عسکری علیه السلام برای اصحاب خاص و دوستان، روایات و سرگذشت های زیاد ذکر شده است.(۱)

۱- جعفر بن مالک نقل می کند: معاویه بن حکیم، محمّد بن ایوب و محمّد بن عثمان گفتند: ابا محمّد حسن (عسکری) علیه السلام فرزندش را در منزل خود به ما نشان داد، در حالی که ما چهل نفر بودیم و فرمود: «این امام شماست و جانشین من است، بعد از من، او را اطاعت کنید و بعد از من متفرّق نشوید تا در دینتان هلاک شوید، آگاه باشید شما بعد از امروز، او را نخواهید دید.»(۲)

۲- عمر اهوازی گوید: ابومحمّد فرزندش را به من نشان داد و فرمود:

«هذا إمامکم بعدی این بعد از من امام شماست!».(۳)

۳- خادم فارسی گوید: من دم در خانه (امام عسکری) بودم، کنیزی از خانه بیرون آمد و همراه او چیز سرپوشیده ای بود، ابو محمّد به او فرمود: آن چه که باتو است باز کن! باز کرد، دیدم پسری سفید رویی است، (حضرت) فرمود: «این امام شما بعد از من است؛ دیگر بعد از آن او را ندیدم».(۴)

۴- محمّد بن اسماعیل بن موسی کاظم- رضی اللّه عنهم- که

۱- ینابیع المودّه: اهل سنّت ج ۳، ص ۱۲۳، باب ۸۲، او هم از کتاب الغیبه و از سایر کتب نقل کرده است.

۲- ینابیع المودّه: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲؛ کمال الدّین: ص ۴۳۵؛ کشف الغمّه: ۳/ ۳۱۷ إعلام الوری: ص ۴۱۴.

۳- ینابیع المودّه: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

۴- هذا إمامکم من بعدی فما رأیته بعد ذلک؛ همان مدرک: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

ص: ۳۹

سالخورده ترین اولاد امام کاظم علیه السلام بود، گفت: «من فرزند ابی محمّد عسکری را دیدم، او پسر بچّه ای بود».(۱)

۵- علی بن مطهر گوید: «من فرزند ابی محمّد را دیدم جلیل القدر

(بزرگوار بود)».(۲)

۶- کامل بن ابراهیم مدنی گفت: به محضر ابی محمّد حسن رسیدم، پرده ای به درآویخته بود، بادی آمد و پرده را کنار زد ناگهان پسری مانند ماه را دیدم! ابومحمّد فرمود: «ای کامل! حاجتت را به تو خبر دادم (امامت را که در جستجویش بودی، نشانت دادم بدان که) این است حجّت (خدا) بعد از من.»(۳)

۷- ابی غانم خادم گوید: برای ابومحمّد حسن (عسکری) فرزندی متولّد شد نامش را «م ح م د» نامید و در روز سوم آن را به اصحابش نشان داد و فرمود:

«این امام شما بعد از من و جانشین من است و اوست قائمی که کشیده می شود به سوی او گردن ها با انتظار کشیدن پس زمانی که زمین پر از ظلم و ستم شد او، خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند.»(۴)

۸- ابراهیم بن ادریس گوید: من مهدی را بعد از در گذشت ابی محمّد علیه السلام دیدم، در حالی که پسر نوجوان بود و دست ها و سر شریفش را بوسیدم.(۵)

۱- رأیت ولد أبی محمّد الحسن العسکریّ وهو غلام؛ همان مدرک: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

۲- رأیت ولد أبی محمّد وله قدر جلیل؛ همان مدرک: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

۳- یا کامل! قد أنبئتک بحاجتک هذا الحجّه من بعدی؛ همان مدرک: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

۴- ینابیع الموده: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲ از کتاب الغیبه؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۵ ب ۱ ح ۱۱ از کمال الدّین.

۵- همان مدرک: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲.

ص: ۴۰

۹- یعقوب بن منقوش (یا یعقوب بن منفوس) گوید: به خدمت امام عسکری علیه السلام داخل شدم، بر روی سکویی نشسته بود و از کنار آن حضرت پرده ای آویزان بود، عرض کردم: مولای من! بعد از شما صاحب این امر (امامت) کیست؟!

فرمود: پرده را کنار بزن! پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد ... و روی زانوی پدر نشست. امام خطاب به او (یعقوب) فرمود: این صاحب شماست. پس درنگ کرده و فرمود: «یا بُنی! أدخل إلی الوقت المعلوم، فدخل البیت وأنا أنظر الیه ...؛ فرزندم داخل شو تا وقت تعیین شده، پس حجّت خدا در حالی که من او را می نگریستم داخل خانه شد؛ آن گاه امام خطاب به من فرمود: ای یعقوب! نگاه کن ببین چه کسی در خانه هست؟! وارد خانه شدم و کسی را نیافتم!!(۱)

۱۰- محمّد بن صالح بن علی بن محمّد بن قنبر بن قنبر الکبیر گوید:

«صاحب الزمان به سوی عمویش جعفر (کذّاب) بیرون آمد، زمانی که به مال ابی محمّد متعرّض شد و فرمود: ای عمو!! چرا به حقوق من متعرّض می شوی؟! پس عمویش جعفر متحیّر و بهت زده شد و سپس حضرت غایب گردید.»(۲)

۱۱- وقتی که «امّ الحسن» مادربزرگ صاحب الزمان فوت کرد، وصیت کرد در خانه (امام حسن عسکری علیه السلام پسرش) دفن شود، جعفر نزاع

۱- فی المصدر ج ۲ ص ۱۱۰: عن علی بن الحسن بن هارون عن جعفر .. عن یعقوب بن منقوش .. کمال الدّین: ۲/ ۱۱۰؛ ۳/ ۱۲۴ ب ۸۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۵؛ کشف الغمّه: ۳/ ۳۱۷؛ إعلام الوری: ص ۴۱۳؛ آخرین امّید: ص ۴۲ از آن منتخب الأثر: ص ۳۵۶ با تفصیل؛ الزام النّاصب: ص ۱۰۴؛ یوم الخلاص: ص ۷۸.

۲- ینابیع الموذّه: ۳/ ۱۲۴ ب ۸۲.

ص: ۴۱

کرد (مانع شد و) گفت: خانه من است (برادرم وارث نداشت به من رسیده است)، صاحب الزّمان بیرون آمد و فرمود: «ای عمو! آن خانه تو نیست، سپس حضرت غایب شد.»(۱)

۱۲- حمدان قلانسی گوید: به محمّد بن عثمان عمری (از نوّاب خاص) گفتم: ابومحمّد از دنیا رفت؟! (در جوابم) به من گفت: «رفت ولیکن در میان ما جانشینی گذاشت که گردن های ما در زیر بیعت اوست» یعنی حضرت مهدی موعودعجل اللّه تعالی فرجه.(۲)

در کتاب های شیعه و سنّی از روایات فوق و جریان های مذکور، فراوان هست که برای رعایت اختصار به این تعداد اکتفا می شود.

۱۲]- س- در صورتی که متولد شده، آیا امکان دارد بشر این همه عمر طولانی را داشته باشد؟!.

ج- اوّلًا خدای قادر مطلقی که این همه نظام آفرینش را میلیاردها سال سرپا نگهداشته، آیانمی تواند یکفرد از اولیاء خود را میلیون ها سال نگهدارد!!.

و ثانیاً پیرامون طول عمر قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- مباحث گوناگون و مقاله های مستقل و مطالب متقن و مبرهن زیادی نوشته شده است که نیازی به اثبات آن نیست

وثالثاً امکان عمر طولانی، هم از نظرپزشکی و طبیعی و هم از نظر

۱- یا عمّ! ما دارك هی، ثمّ غاب؛ ینابیع المودّه: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲ از کتاب الغیبه.

۲- مضی ولکن قد خلّف فینا من رقبتنا فی بیعته!؛ همان مدرك: ۳/ ۱۲۳ باب ۸۲ از کتاب الغیبه.

ص: ۴۲

نیروی مافوق طبیعی به اثبات رسیده است و جای هیچ گونه تردید و تشکیک وجود ندارد و عمر طبیعی به هیچ وجه، حدّ ثابتی ندارد.

هم چنین آزمایش های مختلف روی انسان ها و حیوان ها و گیاهان ثابت کرده است که عمر طولانی برای همه این صنوف، امکان پذیر بوده و هست و خواهد بود.

آنان که در این زمینه، دچار وسوسه می شوند، فقط کافی است در این باره به کتاب های علمی و تحقیقی مراجعه کرده و از کارشناسان فن جستجو نمایند.

درحالی که خود این افراد اشکال کننده، به طول عمر از اولیای خدا اعتراف دارند، حضرات خضر(۱) و الیاس و نوح ۲۳۰۰ که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است ۸۵۰ سال پیش از بعثت خویش زیست و ۹۵۰ سال به پیام رسانی گذرانید و ۵۰۰ سال هم پس از طوفان و نابودی ستمکاران بود که از کشتی معروف خود فرود آمد، آب فروکش کرد و بنای شهرهاو زندگی نوین رانهاد و فرزندان خویش را در شهرها سکونت داد(۲) و در روایت دیگری آمده است که «نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال (۳) و نیز به طول عمر شیطان تا یوم وقت معلوم و دجّال

۱- امام رضا علیه السلام« خضر از آب حیات نوشید و اینک زنده است و تا روز رستاخیز ودمیده شدن صور، زنده خواهد بود او هرسال در مراسم حج حاضر می گردد، و در عرفه می ایستد و به دعای مردم آمین می گوید و خداوند به وسیله او تنهائی قائم ما را در دوران غیبتش بر طرف می کند و او به قائم ما می پیوندند اکمال الدین ج ۲ ص ۳۹۰ امام مهدی ص ۴۴۵ از آن.

۲- تفسیر برهان ذیل آیه شریفه و اکمال الدین ج ۲ ص ۵۲۳، امام مهدی: ص ۴۴۸ ازآن.

۳- امام مهدی ازولادت تاظهور: ص ۴۴۸.

ص: ۴۳

اعتراف دارند.

از حضرت صادق علیه السلام روایت آمده است که ... «امّا بنده صالح خدا خضر خداوند عمر اورا نه به خاطر رسالتش طولانی گردانید و نه بخاطر کتابی که به او نازل کند و نه به خاطر این که به وسیله او و شریعت او؛ شریعت پیامبران را نسخ کند و نه به خاطر امامتی که بندگانش به او اقتدانمایند و نه به خاطر طاعتی که خدا براو واجب ساخته بود، بلکه خدای جهان آفرین، بدان دلیل که اراده فرموده بود عمرگرامی قائم علیه السلام را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد و می دانست که بندگانش برطول عمر او، ایراد و اشکال خواهند نمود؛ به همین جهت عمر این بنده صالح خویش «خضر» را طولانی ساخت که به آن استدلال شود و عمر قائم علیه السلام بدان تشبیه گردد و بدینوسیله اشکال و ایراددشمنان و بد اندیشان باطل گردد ...(۱)

امام سجاد علیه السلام فرموده است: «فی القائم سنّه من نوح وهی طول العمر» در قائم خصلت و نشانی از نوح است و آن هم طول عمر می باشد.(۲)

قرآن کریم در بار ه حضرت یونس علیه السلام فرموده است «التقمه الحوت و هو ملیم، فلولاـ کان من المسبّحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون»(۳) ماهی اورا به کام خود فرو برد درحالی که مورد ملامت بود و اگر نه این بود که او از تسبیح گویان بود، بی تردید در شکم ماهی تا روز قیامت می ماند.

در تفسیر کشّاف گوید: ظاهر آیه شریفه «لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ» ماندن به

۱- اکمال الدین: ج ۳ ص ۳۵۷، بلحارالانوار: ج ۵۱ ص ۲۲۲، امام مهدی: ۴۴۵ از آن.

۲- اکمال الدین: ج ۱ ص ۳۲۲ و ۵۲۴، معجم أحادیث الامام المهدی علیه السلام ج ۳ ص ۱۹۲.

۳- صافّات: آیه ۱۴۴- ۱۴۲.

ص: ۴۴

صورت زنده است تاروز رستاخیز است؛ ونظیر این را تفسیر بیضاوی دارد(۱)

و عوج بن عناق (از عمالقه) ۳۶۰۰ سال یا ۳۰۰۰ سال)(۲)

ذومغ ۳۵۰۰ ساله،(۳) (عناق دختر حضرت آدم علیه السلام ۳۰۰۰ سال، ریّان ۱۷۰۰ ساله، بخت نصر ۱۵۰۷ ساله،(۴) (صاحب مهرگان ۱۵۰۰ سال، ضحاك ماردوش ۱۲۰۰ ساله، فریدون بالای ۱۰۰۰ عمروبن مزیقیا ۸۰۰ جلهمه بن أددبن زید و یُحارب بن مالك هر كدام ۵۰۰ سال)(۵) یوشالفرس بن كالب ۱۰۰۰ سال، افرادی جزاین ها از ۱۰۰۰ سال به پایین، از اشخاص عادی انسان ها زیاد است كه به جهت روشنی آن، نیازی برای شمردن آن ها نیست.

لقمان بن عاد ۳۵۰۰ سال (۶)

«و لقمان حكیم ۴۰۰۰ سال و حضرت سلیمان ۹۳۰ شدادبن عاد ۹۰۰(۷) عمربن عامر ۸۰۰ قس بن ساعده ۶۰۰ عزیزمصر ۷۰۰ ریان پدر عزیز مصر ۱۷۰۰(۸) حضرت آدم ۹۳۰ لوط ۷۳۲ شیث ۹۱۲

۱- كشّاف: ج ۳ ص ۳۱۱ چاپ دارالمعرفه بیروت؛ تفسیربیضاوی: ج ۳ ص ۴۷۱ چاپ مؤسسه أعلمی- بیروت.

۲- مهدی منتظر ص ۱۰۵،

۳- سیمای جهان در عصر امام زمان(عج) ج ۱ ص ۲۱۸.

۴- سیمای جهان در عصر امام زمان(عج) ج ۱ ص ۲۱۸.

۵- بحار ۵۱ ص ۲۸۸ ببعد

۶- الغیبه شیخ طوسی ص ۱۱۳، موعود ادیان منتظری ص ۱۳۴ بنقل از آن. بحار ۵۱ ص ۲۸۸.

۷- بحار ۵۱ ص ۲۳۶

۸- (امام مهدی از ولادت تا ظهور) ص ۴۵۸ بنقل از(خورشید مغرب) ص ۲۴۰ تألیف محمد رضا حكیمی و(كتاب او خواهد آمد) ص ۸۹ و(امام مهدی حماسه ای از نور) شهید صدر و(نوید امن وامان) و(امامت و مهدویت) آیت الله صافی گلپایگانی(رهبربزرگترین انقلاب جهان) حسن شجاعان و(طول عمرامام زمان) علی اكبر مهدی پورو(دیر زیستی حضرت مهدی) مهدی كامران(راز طول عمر) از سید احمد علم الهدی و(چند مقاله) از علامه طباطبائی و(اكمالدین) از صدوق و بحار ج ۵۱ ص ۲۲۵ ببعد)» مسعودی در مروج الذهب آورده است

ص: ۴۵

کیومرث ۱۰۰۰ انوش ۹۶۰ میوشالح ۹۶۰ قینان ۹۲۰ عاد ۱۲۰۰ جمشید ۸۰۰ لمک ۷۹۰ عمربن عامر ۸۰۰ وو ...(۱) مهلائل ۸۹۵ وبرد ۹۶۲ ادریس ۹۶۵ و متوشلح ۹۶۹ و لمک ۷۶۷ و سام ۶۰۰ سال عمر کرده اند وو ..(۲)

هم چنین به وجود درختان ۵۰۰۰ ساله باقطر تنه ۹۰ پا در اسکاتلند و ۶۰۰۰ ساله با طول قامت ۱۰۰ متر و قطر طرف پایین ۱۰ متر در کالیفرنیا و بیش از حدود ۵۰۰ سال درختان از نوع (عندم) یا به تعبیر دیگر (خون سیاوش) در جزایر کاناری و ...(۳) اعتراف دارند، امّا در مورد یک ذخیره الهی، دچار وسواس و شک شده اند.

در مناطق استوایی زمین درختانی وجود دارند با عمر جاویدان؛ یعنی مرتباً در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ گاه عمرشان پایان نمی پذیرد.

در میان گیاهان و حلزون های باعمر چند هزارسال و کشف دانشمندان زیست شناس، ماهی هایی با عمر سه ملیون سال در میان

۱- دادگستر جهان ص ۱۹۹.

۲- بحار ۵۱ ص ۲۹۲ از توراه برای نوضیح بیشتر در باره طول عمرها به کتاب اکمال الدین صدوق ج ۲ ص ۵۲۳ ببعد و بحارالانوار: ۵۱ ص ۲۲۵ ببعد مراجعه شود ۹۹.

۳- سیمای جهان در عصر امام زمان(عج) ج ۱ ص ۲۱۸.

ص: ۴۶

حیوانات خزنده و غیره را می پذیرند و به همه این مطالب، در جای خود اعتراف می کنند، امّا شگفت آور است هنگامی که در مورد طول عمر حضرت مهدی موعود عجل اللّه تعالی فرجه باعقیده شیعه روبرو می شوند، انگشت حیرت به دندان می گیرند و سرخود را به علامت انکار، تکان می دهند و لبخندهای تمسخرآمیز می زنند که آیا این گونه عقاید غیر عاقلانه و غیر منطقی نیست و می تواند پیروانی داشته باشد؟!

ولی همان گونه که می دانیم مسأله طول عمر با قطع نظر از اعتقادات مذهبی خداپرستان، درباره اعجاز و قدرت خداوند، اگر ما به راستی خود را از قید و بند پیش داوری ها، تعصب های خاص و عادات و رسومی که به آن خو گرفته ایم، رها سازیم و با حرّیّت و آزادی کامل، تسلیم دلیل و منطق باشیم، با علوم طبیعی روز کاملًا مطابقت دارد؛

۱۳]- س- بنابر این که برای آن حضرت این عمر طولانی امکان پذیر است پس این مدت را در کجا زندگی می کند؟!.

ج- برابر روایات وارده، حضرت در غیبت صغری در مدینه، در کوه «رضوی» اقامت داشت (۱) و «خواصّ» از مکان آن حضرت اطّلاع داشتند، ولی بعد از غیبت کبری، دیگر برای آن حضرت مکانی معیّن نگردیده است و احدی از محلّ وی اطّلاع ندارد یعنی آن حضرت در

۱- کوه« رضوی» در میان مکّه و مدینه و در یک مرحله ای« ینبع» واقع شده است.

ص: ۴۷

محل معینی زندگی نمی کند بلکه به تمام زوایای کره زمین اشراف دارد «که در پاسخ معنای «غیبت» مشروحاً بیان خواهد شد.

۱- ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «به ناچار برای صاحب این امر، غیبتی و به ناچار در غیبتش، عزلتی خواهد بود و چه منزل خوبی است «طیبه» و با وجود سی (نفر) وحشتی نیست.»(۱)

۲- ابی بصیر از ابی جعفر علیه السلام فرمود: «به ناچار برای صاحب این امر عزلتی و به ناچار در عزلتش قوّتی است و با سی نفر وحشتی نیست و چه خوب منزلی است طیبه.»(۲)

۳- عبد الأعلی مولا سام گفت: «همراه ابی عبد اللّه علیه السلام بیرون رفتم، وقتی که به «روحا» فرود آمدیم، به سوی کوهی در آن جا نظر انداخت و به آن دقّت کرد، پس به من فرمود: این کوه را می بینی؟ این کوهی است به آن «رضوی» گویند، از کوه های فارس است، ما را دوست داشت، پس خداوند آن را برای ما انتقال داد.

آگاه باش در آن از همه درختان غذائی وجود دارد و چه امان خوبی است برای ترسنده ها.

آگاه باش! برای صاحب این امر در آن، دو غیبتی است، یکی کوتاه

۱- اصول کافی: ۱/ ۳۳۸ و ۳۴۰؛ غیبت نعمانی: ص ۹۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۷ ب ۲۳ ح ۲۰؛ غیبت طوسی: ص ۱۰۲.

۲- غیبت طوسی: ص ۱۱۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۳ ب ۲۳ ح ۶ با تغییر کمی کافی: ۱/ ۳۴۰؛

ص: ۴۸

و دیگری طولانی.»(۱)

با توجّه به روایات مختلف، چنین استفاده می شود که مکان زندگی آن حضرت در روزگاران غیبت:

۱- در مدینه است.

۲- در اطراف مکّه است.

۳- در حوالی مکّه و مدینه است.

۴- درهمه جا هست و از دیده ها مستور می باشد.

ممکن است همه این روایات صحیح باشد و در کوه های مکّه و مدینه منزل و مأوایی داشته و از نظرها غایب باشند، آن گونه که درباره بهشت شداد و سدّ فولادین اسکندر یا «جزایر خضراء گفته می شود و یا در اماکن مختلف کره زمین استراحتگاه داشته باشند».

۱۴]- س- آیا آن حضرت زن و فرزند دارد؟!.

ج- مسأله ازدواج و داشتن اولاد آن حضرت، از مسایلی است که ندانستن آن مشکلی را به بار نمی آورد؛ زیرا از مسایل عقیدتی و اعتقادی نیست و نیز در این باره به طور قطع و یقین، نمی توان اظهار نظر کرد، امّا آن چه می توان گفت، طبق روایات زیاد، آن حضرت تشابهی به انبیاء سلف دارد و به صورت طبیعی زندگی می کند و داشتن اهل و عیال و اولاد برای آن حضرت را قوّت می بخشد؛ زیرا در زمان غیبت، ظاهر نبودن و شناخته نشدن آن حضرت منظور

۱- غیبت طوسی: ص ۱۱۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۳ ب ۲۳ ح ۷.

ص: ۴۹

است؛ نه بدون شناخت و حاضر نبودن. (شرح این جمله در معنای غیبت می آید).

پس با قطع نظر از جنبه ملکوتی وجود شریف امام، او یک بشر و یک انسان است و مانند آباء کرام و اجداد طاهرینش و مانند سایر انبیا و اولیا علیهم السلام غریزه انسانی دارد و هیچ انسانی مبرّاء از غریزه جنسی نیست و هم چنین ازدواج یک اصل مسلّم برای هر انسان است و این کار یک سنّت مؤکّد در شریعت و تبعیّت از این سنّت را با آن همه تأکیدات و امتیازات، مورد تشویق قرار داده است و هم چنین «مجرّد» زیستن و «رهبانیت» پیشه ساختن را توبیخ و مذمّت نموده است.

بنابراین به نظر صحیح نمی آید که حضرت قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- این مدّت طولانی را بدون تأهّل مانده باشد و عقل و شرع نیز، به ما حکم می کند که امام علیه السلام باید در عمل به شریعت اسلام، از همه پیش قدم تر باشد، امّا این که اولاد و عیالاتش در کجا و چگونه و تحت چه شرایطی زندگی می کنند و به چه صورتی با مردم معاشرت دارند؟! سؤالاتی است که جوابش آسان نیست! امّا آن چه که به نظر قابل قبول می آید، این است که آن ها نیز باتربیت صحیح خانوادگی در بطن همین جامعه به زندگی خود ادامه می دهند.

علاوه بر این، دعاهایی که برای سلامتی وجود مبارک امام علیه السلام و ذریّه اش، به ما می آموزند که آن حضرت، مانند دیگر انبیا و رُسُلْ، در پشت پرده غیبت زندگی طبیعی دارد و نباید با برداشت اخلاقی و عاطفی و با فکر عامیانه، به زندگی آن حضرت از این جهت، جنبه ملکوتی داده و از مواهب الهی بی نصیب کرد.

ص: ۵۰

بـا این اسـتدلال و دلایـل دیگر، به نظر عاقلانه می آیـد که عیال و اولاد داشـتن «امام غایب عجل اللَّه تعالی فرجه» را بپـذیریم و هیچ مشـکلی هم پیش نمی آید و هم چنین با مسایل و تکالیف غیبت هیچ گونه منافاتی ندارد و بعید نیست که حضـرت به طور ناشـناس ازدواج نموده و اولاد ناشناسـی هم داشـته باشد و هر گونه صلاح بداند، عمل کند و بعید نیست پس از یکی دو پشت، مانند سادات دیگر به زندگیشان ادامه دهند بدون اینکه پدر یا پدر بزرگشان را آن گونه که هست بشناسند.

به روایت هایی که مشعر به داشتن اولاد آن حضرت است، توجّه فرمایید.

۱- مفضّـل بن عمر از امـام صادق علیه السـلام نقل کرد که فرمود: «به محلّ او کسـی مطّلع نمی شود نه از «اولادش» و نه از دیگران، مگر خادمی که به کارهایش می رسد.»(۱)

برابر این روایت آن حضـرت در زمان غیبت، دارای اولاد می باشد ولکن اولادش هم از محلّ اسـتقرارش اطّلاعی ندارند؛ زیرا ایشان نیز جزء این امّتند و معنای غیبت شامل حال آن ها نیز می شود.

۲- ابی بصـیر از ابی عبـد اللَّه علیه السـلام فرمود: «همین اکنون می بینم نزول قـائم عجّـل اللَّه فرجه الشـریف- را بـا اهل و عیالش در مسجد «سهله».

گفتم: آن جارا منزل خواهد نمود؟! فرمود: بلی.»(۲)

۱- ... لایطّلع علی موضـعه أحـد من ولده ولا غیره إلّاالمولی الّذی یلی أمره؛ غیبت طوسـی: ص ۱۰۲؛ الأخبار الدّخیله ۱/ ۱۵۰؛ تاریخ الغیبه الکبری: ص ۶۹؛ النّجم الثّاقب: ص ۲۲۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۲، ب ۲۳، ح ۵ از غیبت طوسی و از غیبت نعمانی باتفاوت کمی.

۲- یا أبامحمّد! کأنّی أری نزول القآئم فی مسجد السهله بأهله وعیاله، قلت: یکون منزله؟ قال: نعم ...؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۳ از قصص الأنبیاء و از مزار بعضی قدماء اصحاب باتغییر کمی.

ص: ۵۱

۳- صالح بن اسود گوید: پیش ابی عبد اللَّه علیه السلام صحبتی از مسجد سهله به میان آمد، فرمود: «آگاه باش! زمانی مسجد سهله منزل صاحب ما است که با اهلش آید.»(۱)

از جمله های دو روایت فوق (بأهله و عیاله) در روایت اوّل و (بأهله) در روایت دوّم، صراحت دارد بر این که آن حضرت، دارای اهل و عیال است که هنگام ظهور در مسجد سهله ساکن خواهد شد، وگرنه باید صحت روایت ها را مورد تردید قرار داد.

۴- در صلواتی که از ناحیه مقدّسه صادر شده است، می فرماید:

«خدایا به او عطا فرما، در جانش و ذریّه اش و شیعه اش و رعیتش و (دوستان) خاص و عامش و در (باره) دشمنانش و تمامی اهل دنیا، آنچه را که چشمان او را روشن سازد»(۲)

۵- یونس بن عبدالرّحمن می گوید: امام رضا علیه السلام امر می فرمود، به دعا کردن از برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام با این دعا: «خدایا به او عطا فرما در خودش و اهلش و اولادش و ذریّه اش و امّت و جمیع رعیّتش، آن چه را که با آن، چشمش را روشن وخودش را شاد نمایی ...»(۳)

امام رضا علیه السلام در این دعای شریف با صراحت تمام به اهل و عیال

۱- فروع کافی: ۳/ ۴۹۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۱ ب ۲۷ ح ۵۴ از غیبت طوسی.)

۲- مفاتیح الجنان؛ جزیره خضراء افسانه یا واقعیّت: ص ۲۱۹ از آن.

۳- اللهمّ أعطه فی نفسه وأهله وولده وذرّیّته وأمّته وجمیع رعیّته ما تقرّ به عینه وتسرّ به نفسه ...؛ جمال الأسبوع: ۵۱۶- ۵۱۰؛ جزیره خضراء در ترازوی نقد: ۲۱۹ از آن؛ مفاتیح الجنان: امر چهارم در دعا برای امام زمان علیه السلام ص ۵۴۱ به نقل از مصباح شیخ طوسی قدس سره در اعمال روز جمعه.

ص: ۵۲

و اولاد و ذریّه و تمام امّت و رعیّت امام زمان علیه السلام دعا می نمایند.

پرواضح است که این دعا برای اهل و عیالی که هنوز وجود ندارند و به دنیا نیامده اند، به نظر بی معنا و عبث و بیهوده می آید، پس به احتمال قوی در دوران غیبت، آنها وجود دارند که برای ایشان دستور دعا کردن صادر شده است.

بنابر نوشته کتاب جنات الخلود، یک زوجه دایمی دارد که نام و نشان او معلوم نیست و ایضاً معلوم نیست که از او فرزند دارد یا نه؟! و هم چنین تعداد اولاد آن حضرت و مکان ایشان معلوم نیست و محتمل است که اولاد بسیار به هم رسانیده و در اطراف عالم منتشر شده باشند؛ چرا که حضرت ارباع و اقطار ربع مسکون را سیاحت می نماید، به دلیل این که در شریعت، ترک تأهّل جایز نیست، مروی است که مادام هزار پسر رشید قابل سواری از او به هم نرسد، وفات نیابد.(۱)

ناگفته نماند ممکن است آن حضرت در سال های طولانی، دارای همسر یا همسرانی باشد که بر فرض آگاهی خود آن ها از شخصیّت واقعی امام علیه السلام، کسی را از آن مطّلع نساخته و موضوع را از فرزندانش بپوشاند و متناوباً با سپری شدن دوران یک نسل، مسأله برای نسل بعد به صورت عادی در آید.(۲)

۱- تلخیص از کتاب« السّتره عن وجه الغیبه» ص ۱۴۱.

۲- مشروح پاسخ این مطلب در« سیمای جهان» بیان گردیده است که در اینجا مجال بیش از این نیست.

ص: ۵۳

۱۵]- س- اگر امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف، وجود دارد پس چرا غایب شده و از منظر مردم، نامرئی گشته است اساساً غیبت چرا؟!.

ج- درباره علت غیبت «مهدی موعود علیه السلام» روایت های گوناگون آمده و علت های زیاد گفته شده است، از قبیل:

۱- نبودن بیعت کسی در ذمّه اش

۲- ترس

۳- هر چه در امّت های گذشته بوده مانند غیبت های انبیا، در این امّت نیز پیش می آید که این غیبت هم یکی از آن وقایع است!

حدیث از شوق آن شه گوی و سرّ غیبتش کم جو***که کس نگشود ونگشاید به حکمت این معمارا

چیست باعث برخفای مهدی آخر زمان***زین معماهیچ دانا درجهان آگاه نیست

مپرس سرّ نهان بودن امام ای فیض***که کارهای خدارا سؤال بی ادبیست

حدیث سرّ نهان که او چراست نهان***دقیقه ایست که هیچ آفریده نگشادست

سبب غیبت مهدی زخرد جستم گفت***فیض این قصه دراز است به قرآن که مپرس

مپرس فیض زمن سرّ غیبتش که در آن***به هیچ جا سخن دل نشان نمی بینم (۱)

۱- برگزیده از کتاب« شوق مهدی» سروده علامه بزرگوار فیض کاشانی قدس سره بترتیب اشعار در صفحات متفرقه آن کتاب ۱۰۳- ۱۱۲- ۱۱۳- ۱۱۴- ۱۳۵- ۱۴۲ موجود است. در این باره اشعار و سروده ها زیاد است به چند خط آن اکتفا گردید.

ص: ۵۴

*** پیرامون حکمت و علّت غیبت قائم- عجّل اللَّه فرجه الشریف- تا کنون نظریه ها و برداشت های زیادی اظهار و ابراز شده و در روایات وارده نیز در این باره سخن ها رفته است، امّا آن چه که معقول و مقبول است، این مسأله اختصاصاً مربوط به تشکیلات خداوند و حکمت آن نیز انحصاراً در اختیار آن تشکیلات است و ما هرچه گوییم، زاییده فکر و برداشت و دانش شخصی خود ما است و ره به جایی نمی بریم!

چنان که در سوره مبارکه کهف می خوانیم، حضرت موسی بن عمران علیه السلام با داشتن مقام رسالت و نبوّت و بودن یکی از پیامبران اولواالعزم و صاحب شریعت، از سرّ و حکمت، کارهای حضرت خضر علیه السلام سر در نیاورد و بر او مکشوف نگردید مانند:

الف: شکستن و سوراخ نمودن کشتی که بر آن سوار بودند.

ب: کشتن بچه نابالغی که هنوز درحدّ تکلیف نبود.

ج: اصلاح دیوار کسانی که آن ها را به خانه هایشان، راه ندادند و مهمانشان نکردند.

و نهایتاً با اظهار عجز و ناتوانی از درک حکمت ها و کشف اسرار، از یکدیگر جدا شدند!!

پس زیر سؤال بردن چنین مسایل، دور از منطق و ادب است، متأسفانه بعضی ها تا جایی پیش رفته و به خود جرأت داده است که به کار خدا چون و چرا کرده و به خیال خود، ایراد گرفته و اشکال تراشی

ص: ۵۵

می نماید.

با توجّه به روایات ذیل، چشم پوشی از این گونه سؤالات، مقرون به صواب است و عاقلانه! چون جولان نمودن در این میدان وسیع، در صلاحیت ما نیست و درک حکمت آن نیز بیرون از حیطه دانش من و شما و به گِلْ نشاننده مَرکب فکر ما است.

۱- جابر از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کار و سرگذشت ما سخت و سخت تر است و برای درک آن متحمّل نمی شود، مگر فرشته مقرّب یا پیامبر مرسل و یا بنده ای که خداوند، دل او را با ایمان سنجیده و آزمایش کرده باشد.»(۱)

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: «ای جابر! محقّقاً این غیبت قائم- عجّل اللَّه فرجه الشریف- امری است از کارهای خدا، و سرّی است از اسرار خدا، (فهمیدن حکمت آن) پیچیده شده (و دور) از (فهم) بندگان خداست، مبادا در آن شک نمایی، چون شک در کارهای خدا کفر است.»(۲)

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به جابر بن عبداللَّه انصاری

۱- إنّ أمرنا(حدیثنا، خبرنا) صعب مستصعب، لایحتمله إلّاملک مقرّب، أو نبیّ مرسل، أو عبد امتحن اللَّه قلبه بالإیمان؛ بصائر الدرجات: ص ۴۰؛ قرب الاسناد: ص ۲۱؛ اصول کافی: ۱/ ۴۰۱؛ الخصال: ص ۲۰۸؛ الأمالی: ص ۵۲؛ معانی الأخبار: ص ۱۸۸؛ روضه الواعظین: ص ۲۱۱؛ وسائل الشّیعه: ۲۷/ ۹۳؛ بحارالأنوار: ۱۰/ ۱۰۲ شرح اصول کافی: ۶/ ۳۹۸. و ۲۰۰ کتاب دیگر که از فریقین در دسترس این حقیر است و با عبارت های متفاوت.

۲- یا جابر! إنّ هذا الأمر من أمر اللَّه وسرّ من سرّ اللَّه مطویّ من عباد اللَّه، فإیّاک والشکّ فیه، فإنّ الشّکّ فی أمر اللَّه عزّوجلّ کفر؛ منتخب الأثر: ص ۲۴۳؛ ینابیع الموده: ص ۴۹۴ و در ص ۴۴۸ از فرائد السّمطین و در ص ۴۸۸؛ و در کتاب های دیگراز سنّی و شیعه این روایت را، آورده اند.

ص: ۵۶

فرمود: «از شیعیانش غایب می شود، به عقیده امامت او ثابت نمی ماند، مگر کسی که خداوند قلبش را با ایمان، امتحان کرده باشد ... این از مکنونات اسرار خدا، و گنجینه علم اوست، پس آن را پنهان بدار، مگر از اهلش.»(۱)

۴- سعید بن جبیر از عبداللَّه بن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره امام قایم علیه السلام بیاناتی فرمود: «پس جابر بن عبداللَّه انصاری برخاست و گفت: ای رسول خدا! برای قائم از اولاد تو غیبتی است؟ فرمود: بلی، به پروردگار قسم! «تا مؤمنان را برگزیند و کافران را محو نماید» ای جابر! محقّقاً این (غیبت) کاری است از کارهای خدا و سرّی است از اسرار خدا، پیچیده (و فوق فهم) بندگان خدا، مبادا در آن شک نمایی چون شک در کارهای خدا کفر است.»(۲)

۵- امام صادق علیه السلام به عبداللَّه بن فضل هاشمی فرمود: «ای فرزند فضل! این کار از کارهای خداست و سرّی است از اسرار خدا، و غیبی است از غیب های خدا، وقتی که می دانیم خدای عزّ و جلّ حکیم است و کارهایش از روی حکمت انجام می گیرد، تصدیق می کنیم همه کارهای

۱- یغیب عن شیعته، لایثبت علی القول بإمامته إلّامن امتحن اللَّه قلبه بالإیمان ... هذا من مکنون سرّ اللَّه ومخزون علم اللَّه، فاکتمه إلّاعن أهله؛ الزام النّاصب: ص ۱۹؛ یوم الخلاص: ص ۱۶۲؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۷۰ ب ۹۴ از کتاب غایه المرام.
۲- فقام إلیه جابر بن عبداللَّه الأنصاری فقال: یا رسول اللَّه! وللقائم من ولدک غیبه؟ فقال: إی وربّی(لِیُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَیَمْحَقَ الکافِرِینَ) یا جابر! إنّ هذا الأمر من أمر اللَّه وسرّ من سرّ اللَّه مطویّ من عباد اللَّه، فإیّاک والشکّ فیه، فإنّ الشکّ فی أمر اللَّه عزّوجلّ کفر؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۳ ب ۱ ح ۱۸ از کمال الدّین. منتخب الأثر: ص ۲۴۳؛ ینابیع الموده: ص ۴۹۴ و در ص ۴۴۸ از فرائد السّمطین و در ص ۴۸۸؛ و در کتاب های دیگراز سنّی و شیعه این روایت را، آورده اند.

ص: ۵۷

او حکمت است، اگر چه سببش برای ما کشف «و روشن» نشود.»(۱)

امّا آنچه که بایـد توجّه داشت و وجود مبـارک قائم- عجّل اللَّه فرجه الشـریف- بر آن تأکیـد دارد، ترک پرس و جو کردن از علّت «غیبت» است.

۶- امام حسن عسکری علیه السلام ضمن حدیثی به احمد بن اسحاق قمی فرمود: «ای احمد فرزند اسحاق این (غیبت) کاری است از کارهای خـدا و سـرّیست از اسـرار خدا و غیبی است از غیبهای خدا، پس، بگیر آنچه را که به تو دادم و پنهانش دار و از شـکرکنان باش تا فردا در مقام علیین باشی».(۲)

۷- حضـرت قائم علیه السـلام در نامه ای به سـفیرش محمّد بن عثمان رضـی الله عنه نوشت: «... پس درهای پرسـش از آن چه را که برای شـما فایده ندارد، ببندید و خود را به خاطر آن چه که از شـما خواسته نشده است، به زحمت نیندازید و برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید، چون فرج شما در آن است.»(۳)

۱- یابن الفضل! إنّ هذا الأمر أمر من اللَّه وسرّ من سرّ اللَّه وغیب من غیب اللَّه، ومتی علمنا أنّه عزّوجلّ حکیم، صدّقنا بأنّ أفعاله کلّها حکمه، وإن کان وجهها غیر منکشف لنا؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۵۸ ح ۹۰۶.
۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۴ ب ۱۸ ح ۱۶ از کمال الدّین.
۳- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاتَسْأَلُوا عَنْ أَشْیآءَ إِنْ تُبْدِلَکُمْ تَسُوؤُکُمْ)(- مائده: ۱۰۴.) فـأغلقوا أبواب السؤال عمّا لایعنیکم، ولاتتکلّفوا علی مـا قـد کفیتم، وأکثروا الـدعاء بتعجیـل الفرج فإنّ ذلک فرجکم؛ ابن عصام، عن الکلینی مثله. بحارالأنوار: ۵۲/ ۹۲ ب ۲۰ ح ۷ و ۵۳/ ۱۸۲- ۱۸۱؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۰؛ منتخب الأثر: ص ۲۶۷؛ غیبت طوسی: ص ۱۷۷؛ اعلام الوری: ص ۴۲۴؛ کشف الغمّه: ۳/ ۳۲۲؛ کمال الدّین: ۲/ ۱۶۲؛ احتجاج طبرسی: ص ۲۶۳.

ص: ۵۸

۱۶]- س- حجّتی که غایب است و به درد جامعه نمی خورد؛ بود و نبودش چه فرقی داردو اگرتولّدش نزدیک ظهور انجام می گرفت و جامعه را رهبری می کرد چه می شد؟!.

ج- البته این یک بحث داغی است که فعلًا در میان مخالفین و بد خواهان شیعیان و گروهی از نادانان و یا کنجکاوان خود شیعه، در جریان و رواج پیدا کرده و طولانی شدن مدت غیبت نیز، این بحث را داغ تر کرده و زیاد مطرح می شود، امام و رهبری که در دسترس مردم نیست و یا خود او اداره کارها را مستقیماً به دست نمی گیرد، چه فایده ای برای مردم دارد؟! وو ..

در پاسخ باید دقیقاً به چند مطلب، توجه داشت.

۱- از پاسخ پرسش های گوناگون متوجه می شوید که، امام عجل اللّه تعالی فرجه از ما غائب نیست، بلکه ما در اثر اعمال سوء خود، از او غائبیم و شایستگی دیدار او را نداریم، نه این که او از ما غائب است.

۲- غیبت به معنای عدم ظهور است، نه عدم حضور، او، همیشه در بطن جامعه و در همه جای حوزه مأموریّتش، که به وسعت تمامی کره زمین است، حضور دارد، نه ظهور، و در همه جا حاضر است نه ظاهر. (این مطالب بعداً مشروحاً بیان می شود).

۳- چون خداوند هرکاری را روی حکمت مخصوص خود انجام می دهد، روزی و روزگاری باید روی زمین، گلستان و پر از عدالت واقعی و امنیت فراگیر باشد ولی نه مردم و نه اوضاع و روند طبیعی زمین، هنوز آن آمادگی را پیدا نکرده است که، برنامه نهائی خداوند، پیاده شود و جهان از یوغ اسارت و نا بسامانی، ستمگران، نجات یافته

ص: ۵۹

و عدالت واقعی در روی زمین بر قرار شود.

۴- اگرچه خود امام علیه السلام ظهور ندارد اما نمایندگان او با صفات و شرائط خاص تعیین شده،(۱) برای اداره کشور، در هر عصری، حضور دارند و اگر مردم از برنامه های دینی آن نمایندگان، تبعیت نمایند، هیچگونه خللی به دین و امور دینی و مدیریت کشور وارد نمی شود، این مردمند که باید راه خود را، بسنجند و پیدا کنند و ربطی به غیبت و عدم ظهور امام عجل اللّه تعالی فرجه ندارد.

و اما وجود امام علیه السلام در عصر عدم ظهور چه اثرات مثبت و منافعی دارد.

می دانیم خورشید یک سلسله اشعه نامرئی دارد که از ترکیب آنها باهم هفت رنگ معروف پیدا می شود، و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام (اشعه مافوق بنفش) واشعه (مادون قرمز) نامیده می شود.

همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه «نبی» باشد یا «امام» علاوه برتربیت تشریعی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی بر دلها و فکرها دارد که، می توان آن را تربیت تکوینی نام گذاری کرد، در آنجا الفاظ وکلمات و گفتار و کردار، کار نمی کند بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار می کند.

۱- « وأمّا الحوادث الواقعه فارجعوا فيها الى روات أحاديثنا(شيعتناخ ل) فإنّهم حجّتى عليكم و أنا حجّهاللّه» معجم أحاديث الإمام المهدى: ۴/ ۲۹۳ ح ۱۳۱۸؛ كمال الدّين: ۲/ ۴۸۴ ب ۴۵ ح ۴« و أمّا من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام ان يقلّدوه» احتجاج: ۲/ ۴۵۶؛ بحارالأنوار: ۲/ ۸۸ ب ۱۴ ح ۱۲؛ وسائل الشّيعه: ۱۸/ ۹۵).

ص: ۶۰

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصر با آنها، به کلی تغییر مسیر می دادند، و سرنوشتشان یکباره دگرگون می شد، و به قول معروف با یک چرخش ۱۸۰ درجه، راه کاملًا تازه ای را انتخاب می کردند یک مرتبه، فردی پاک و مؤمن و فداکار، از آب در می آمدند که از بذل همه وجود خویش نیز: مضایقه نمی کردند.

این دگرگونی تند و سریع و همه جانبه، این انقلابهای جهش آسا و فراگیر، آن هم با یک تماس مختصر (البته برای آنهائی که در عین آلودگی، یک نوع آمادگی هدایت یافتن نیز داشتند) نمی تواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد، بلکه معلول یک سلسله اثرات روانی نامرئی و یک جاذبه ناخود آگاه است که گاهی از آن تعبیر به نفوذ شخصیت نیز می شود.

داستانهای «بشر حافی» و همسایه ابوبصیر و حرّ و زهیر و اسعد بن زراره و یا کنیز عشوه گر، که هارون برای به انحراف کشاندن امام هفتم علیه السلام، مأمور کرده بود و مانند آنها که در تاریخ فراوان آمده، شاهد و مؤید این مطلب است.

وجود امام علیه السلام در پشت ابرهای غیبت نیز این اثر را دارد که از اشعه نیرومند و پر دامنه نفوذ شخصیت خود، دلهای آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جذبه مخصوص قرار داده و به تربیت و تکامل آنها می پردازد و از آنها انسانهای کامل می سازند.

قطب های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی بینیم ولی اثر آنهارا روی عقربه های قطب نما که، در دریاها راهنمای کشتی ها، و در

ص: ۶۱

صحراها و آسمانها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است، می بینیم؛

در سرتاسر زمین از برکت این امواج مغناطیسی، میلیونها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده، یا وسائل نقلیه بزرگ و کوچک، با فرمان همین عقربه های سرگردان، رهائی می یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود امام علیه السلام در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و جانهای زیادی را که در دور و نزدیک قرار دارند، هدایت کرده و از سرگردانی رهائی بخشد.

ولی نمی توان و نباید فراموش کرد که همانگونه که امواج مغناطیسی زمین روی هر آهن پاره بی ارزش اثر نمی گذارد بلکه روی عقربه های ظریف و حساسی که آب مغناطیسی خورده اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده اند اثر می گذارد، همان طور دلهائی که راهی با «امام» دارند و شباهتی را درخود ذخیره نموده اند، تحت تأثیر آن جذبه غیر قابل توصیف روحانی قرار می گیرند.

با در نظر گرفتن آنچه دربالا گفتیم، یکی دیگر از آثار وفلسفه های وجودی امام علیه السلام در چنین دورانی آشکار می گردد.

پس علاوه به برکت وجودی امام علیه السلام در زمان غیبت، به تعدادی از اثرات مهم فراوان دیگر نیز، توجه فرمایید.

۱- اگر وجود حجت الهی در روی زمین نباشد، زمین و زمان استقرار نخواهد یافت «لولاالحجّه لساخت الأرض» اگر حجّت نباشد، زمین فرومی ریزد.

ص: ۶۲

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جواب جابر بن عبداللّه انصاری که از اثر وجودی امام، در زمان غیبت پرسید؟ فرمود «آری سوگند به خدائی که مرا به پیامبری، بر انگیخته است، مردم از نور ولایتی (و رهبری تکوینی) او در دوران غیبتش بدانگونه بهره مند می شوند که در هوای ابری از آفتاب، بهره می برند.(۱)

می دانیم که خورشید دو گونه نور افشانی و منافع دارد؛

الف: مستقیم و آشکار؛

ب: نور افشانی پنهانی و غیر مستقیم؛

در هر دو صورت اثرات و برکات خود را، در رشد و نموّ وو ... انسانها و حیوانات و گیاهان می بخشد، به همان منوال است وجود امام و حجت زمان عجل اللّه تعالی فرجه.

در توقیع مبارك ناحیه مقدسه که در پاسخ اسحق بن یعقوب کلینی (برادر صاحب اصول کافی) به دست محمد بن عثمان (نائب خاص امام) که عین این پرسش را نموده بود، صادر گردیده است نوشت؛

۳- انتفاع از وجود من در زمان غیبت مانند انتفاع از خورشید است زمانی که ابر او را از چشمها پنهان می سازد.(۲)

۱- ای والّذی بعثنی بالنّبوّه، إنّهم ینتفعون(یستضیئون) بنور ولایته فی غیبته کانتفاع النّاس بالشّمس و ان جلّلها السّحاب» بحارالأنوار: ۵۲/ ۹۲ ب ۲۰ ح ۸ از کمال الدّین و امالی؛ الزام النّاصب: ص ۶۲ و ۹۲ و ۱۲۶ و ۱۲۸- ۱۲۷؛ اعلام الوری: ص ۲۷۶؛ ینابیع الموده: ۳/ ۷۸ و ۱۴۸ و ۱۷۰ ب ۹۴ از کتاب غایهالمرام و غیره؛ منتخب الأثر: ص ۲۷۱ آخر روایت را از امام صادق علیه السلام الزام النّاصب: ۱/ ۴۲۹؛ گفتمان مهدویت: ص ۲۱۸ به نقل از آن.

۲- الإنتفاع فی غیبتی فکالإنتفاع بالشّمس اذا غیّبها عن الأبصار، السّحاب. بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۸۱ توقیع شماره ۱۰ از احتجاج طبرسی.

ص: ۶۳

می شود گفت: ابر کنایه از مخفی بودن عنوان و شخصیّت است و «خورشید» کنایه از تأثیر سود بخش آن حضرت در جامعه انسانی.(۱)

۴- سلیمان اعمش گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم از وجود حجت غائب مستور، چگونه بهره مند می شوند؟ فرمود: «آنطور که از خورشید بهره مند می شوند هنگامی که ابر آن را می پوشاند.(۲)

وانگهی غیبت او مانع از ایفای وظیفه امامت و حجیّت او نیست، بلکه هفته ای یک بار اعمال مردم به حضرتش عرضه می شود و بر آن نظارت دارد، خلاصه پاسخ کوتاه و مختصر به این گونه سؤالات این است، بنا به مثل مشهور «صلاح مملکت خویش خسروان داند» ما عبدیم و به اطاعت از مولا مأموریم و معذور!

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست***عِرض خود می بری و زحمت ما می داری

۱۷]- س- لطفاً برای غیبت یک معنای صحیح ارائه نمائید که قابل قبول باشد؟.

ج- مسئله غیبت و چگونگی آن، از مسایل پیچیده و پر گفت و گو است که:

۱- آیا امام علیه السلام در ایّام غیبت در جای به خصوصی زندگی می کند و از هر چه غیر آن، چشم پوشیده و در گوشه انزوا نشسته است؟!

۲- آیا در همه جا هست و فقط از انظار غایب و با مردم و در جمع

۱- تاریخ الغیبه الکبری: ص ۵۱.

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۹۲ ب ۲۰ ح ۶ از امالی؛ ینابیع المودّه: ۳/ ۱۴۳ ط نجف منشورات مکتبه العرفان. از فرائدالسّمطین.

ص: ۶۴

مردم حضور دارد؟!

۳- آیا با مردم قطع رابطه کرده و در موارد ضروری ارتباط بر قرار می کند؟!

پیش از پاسخ این آیاها، ابتدا به یک مطلب توجّه داشته باشید، در روایات مربوط به حضرت قائم علیه السلام سه کلمه «ظهور» و «خروج» و «قیام» زیاد به کار رفته است «که فرق این سه را در ج ۱ و ج ۲ کتاب «سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام» مفصلًا توضیح داده ام برای اطلاع بیشتر به آنجا مراجعه شود.

امّا آن چه در این جا لازم است بدانیم، فرق دو کلمه ظهور و حضور است، ظهور یعنی وجود آشکاری که باید دیده شود، ولی حضور اعم از آن است.

می گوییم حضرت غایب است و ظاهر نیست؛ یعنی ظهور فیزیکی ندارد، نه این که حضور عینی ندارد.

آن حضرت را غایب نامیده اند، چون ظاهر نیست، نه آن که حاضر نیست و غیبت به معنای حاضر نبودن، تهمت نارواست.

به عبارت دیگر، معنای غیبت او نامرئی بودن او نیست و نباید چنین تصوّر شود که حضرت در تمام مدّت غیبت تا وقت ظهور، یک وجود نامرئی است و دیده نمی شود، بلکه از روایات زیاد استفاده می شود، امام در میان کوچه و بازار، در رفت و آمد، است و در مجالس مؤمنان و مردم شرکت می کند و به روی فرش های آن ها قدم می گذارد، ولی شناخته نمی شود، نه این که به طور کلّی از میان مردم خارج و در

ص: ۶۵

گوشه ای از زمین زندگی می کند و از جامعه بریده است.(۱)

مگر او «امام زمان» نیست و نباید از اوضاع دنیا اطّلاع داشته باشد، درست است که هنوز به او ظهور و عمل به رهبریت ظاهری اجازه داده نشده است، امّا رهبری باطنی و تکوینی اش که تعطیل نشده است!!

پس، آن حضرت تا زمان ظهور در میان مردم به طور ناشناس، زندگی و رفت و آمد می کند و به وظایف محوّله ولایی و تکوینی خود عمل می نماید و در میان جماعت حضور دارد و همه را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند، مگر عاشقانی که دایم در آتش عشق او می سوزند و خاکستر می شوند و تا روز وصل، شوق دیدار او را در دل می پرورانند، از منظر او دور است؟!.

شاهد تفسیر و توضیح بالا که امام علیه السلام در میان جمع حضور دارد و ظهور ندارد، معنا و مفهوم و مضمون احادیث ذیل است.

۱- حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در ضمن حدیث طولانی که در آن، آیات و نشانه های رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیان داشته است، فرمود: «و (یکی) از این آیات است که امّ جمیل زن ابولهب (۲) بعد از

۱- (بنفسی أنت من مغیّب، لم یخل منّا بنفسی أنت من نازح مانزح عنّا) جانم فدای توباد که از ما بی خبر(دور) نیستی، جانم فدای آن کوچ کننده(دوری گزیده ای که) از مادور نگشته است.(دعای ندبه).
۲- علیّ بن ابراهیم قمی قدس سره در تفسیر« وامرأته حمّاله الحطب» گوید: امّ جمیل دخترصخر(خواهر ابی سفیان و عمه معاویه) سخن چینی می کرد هرچه از رسول خدا: صلی الله علیه و آله می دید به کفّار سخن چینی می کرد(و خبر می داد و از اسرار رسول خدا آگاه می کرد!!).

ص: ۶۶

نزول سوره تبّت با عصبانیّت تمام، در حالی که سنگی در دست داشت، به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و ابوبکر بن ابی قحافه نیز با او بود، ابوبکر گفت: ای رسول خدا! ام جمیل است و با عصبانیّت، به دنبال تو می گردد و می خواهد تو را بزند؟!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او مرا نمی بیند!! (ام جمیل آمد و کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و) به ابی بکر گفت: رفیقت کجاست؟!

گفت: هر جا که خدا خواهد.

گفت: اگر او را می دیدم، این سنگ را به سوی او پرتاب می کردم، او مرا هجو کرده (وبدگفته) است. قسم به لات و عزّی! من هم شاعرم (او را هجو می کنم).

ابوبکر (با تعجّب) گفت: ای رسول خدا! او تو را ندید؟!

فرمود: نه، خداوند میان من و او حجاب زد (وپرده کشید).(۱)

۲- ابوبصیر گوید: همراه امام باقر علیه السلام به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدیم، در حالی که مردم به مسجد رفت و آمد می کردند. حضرت به من فرمود: از مردم، حضور مرا بپرس، آیا مرا می بینند یا نه؟! من از هر کس می پرسیدم، آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟! می گفت: نه، در حالی که

۱- قرب الأسناد: ص ۴۰؛ تفسیرالمیزان: ۲۰/ ۵۴۲ از قرب الأسناد؛ کنزالدّقائق: ۱۱/ ۵۹۲؛ نورالثّقلین: ۵/ ۶۹۸؛ تفسیر کبیر فخرالرّازی: ۳۰ ۳۵۴ تفسیر روح المعانی: ۳/ ۲۶۴؛ تفسیر مجمع البیان: تفسیر سوره تبّت؛ و تفسیر الدّرّالمنثور: و تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر فی ظلال القرآن در تفسیر سوره تبّت؛ تاریخ الکامل ابن أثیر: ۲/ ۶۰؛ مشابه این حدیث را در تفسیر المیزان: ۱۳/ ۱۳۰ در تفسیر آیه ۴۵ أسری\؛i وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً\)E نیز آورده است و در بحارالأنوار هم این جریان را از امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل کرده است.).

ص: ۶۷

ایشان همان جا ایستاده بود؛ تا این که ابوهارون مکفوف (نابینا) وارد شد، حضرت فرمود: از او هم بپرس. من گفتم: (ای ابا هارون) آیا اباجعفر را دیدی؟! او گفت: مگر این جا نایستاده است! گفتم: از کجا فهمیدی؟! گفت: چگونه ندانم در حالی که نوری است درخشان، درست است که من چشم ظاهری ام را از دست داده ام، امّا چشم دلم باز است.(۱)

پس با توجّه به این روایات، روشن می شود که ما از او غاییم، نه او از ما، ما شایستگی دیدارش را نداریم، ولی او با ما و مراقب اعمال ماست، زیرا حجّت الهی زمان ما اوست، هر چند ظهور فیزیکی ندارد، امّا حضور دارد و از اعمال ما بی خبر نیست!

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: به تحقیق، یوسف پادشاه مصر بود و میان او و پدرش هیجده روز راه بود، اگر می خواست جای خود را به پدر نشان دهد، می توانست! به خدا سوگند! یعقوب با فرزندانش پس از مژده (پیدا شدن یوسف) نُه روزه خود را به مصر رسانید، پس چرا این امّت، منکر آن هستند که خداوند به حجّت خود، قائم- عجّل اللَّه فرجه الشریف- آن کند که به یوسف کرد و این که صاحب مظلوم و انکار حقّ شده شما (یعنی) صاحب این امر، مانند یوسف باشد، در میان آن ها تردّد کند و در بازارهایشان راه رود و روی فرش هایشان قدم زند، ولی او را نشناسند تا روزی که خداوند اجازه دهد خود را بشناساند، هم چنان که به یوسف اجازه داد و برادرانش که او را فراموش کرده بودند، بعد از آن که یوسف خود را به آن ها نشان داد، گفتند: آیا تو یوسفی؟! گفت: من یوسفم.(۲)

۱- مکیال المکارم: ۱/ ۵۰۰: یوم وقت معلوم: ص ۵۵ از آن.

۲- اصول کافی: ۲/ ۱۳۴ ح ۴ مشابه این روایت کمی کوتاهتر رااز سدیر صیرفی آورده است اوگوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: ... غیبت نعمانی: ص ۸۴؛ کافی: ۱/ ۳۳۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۴ ب ۲۳ ح ۹ از دلائل الإمامه ..

ص: ۶۸

امام صادق علیه السلام ایشان را به یوسف یعقوب تشبیه می کند که برادرانش او را می دیدند، ولی نمی شناختند، یوسف زهرا علیها السلام نیز برادران دینی گناهکارش او را می بینند، ولی نمی شناسند.

امام باقر علیه السلام نیز ظهورش را به درست شدن کار یوسف با خواب دیدن پادشاه مصر، تشبیه می نماید.(۱)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: امّا آن چه که از سنّت های انبیا گذشته در مورد غیبت هایشان، به وقوع پیوسته است، همانا درباره قائم ما اهل بیت: اجرا خواهد شد.(۲)

۵- در روایت دیگر از امیر آزادگان، علی علیه السلام چنین آمده است:

«سوگند به خدای علی! حجّت زمین، در روی زمین وجود دارد، در راه های آن، راه می رود، به خانه ها و قصرهای زمین داخل می شود و در شرق و غرب زمین می چرخد، گفتار مردم را می شنود و بر ایشان سلام می کند و آن ها را می بیند.»(۳)

بنابراین او در همه جا حاضر است، امّا بر نامحرمان ظاهر نیست، نور دهنده و شمع جمع است، امّا جمع از او غایب هستند!(۴)

۱- کمال الدین: ۱/ ۳۲۹ ح ۱۲.

۲- کمال الدین: ۲/ ۳۴۵.

۳- « فو ربّ علیّ، انّ حجتها علیها قائمه، ماشیه فی طرقاتها، داخله فی دورها و قصورها، جوّاله فی شرق الأرض و غربها، تسمع الکلام و تسلّم علی الجماعه، ...» غیبت نعمانی: ص ۷۲؛ یوم الخلاص: ص ۱۱۱ و ترجمه آن، روزگار رهایی: ۱/ ۲۲۳؛.

۴- طالبین به کتاب سیمای جهان درعصرامام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف ج ۱ از ص ۱۶۷ تا ۲۳۳.(فصل« عدم ظهور چرا» و« حضور در میان مردم» مراجعه نمایند.

ص: ۶۹

در کتاب های فراوان؛ مانند مکیال المکارم و غیره جهات مختلف شباهت امام به انبیا و ائمه علیهم السلام را به ترتیب از آدم تا حضرت سید الشّهداء علیه السلام با استفاده از روایات، دسته بندی کرده و مرتّب نموده و بیان کرده است.

۱۸]- س- آیا خود امام عجل اللّه تعالی فرجه الشریف وقت ظهور را دقیقاً می داند؟!.

ج- درباره این که خود حضرت مهدی موعود علیه السلام وقت ظهور را می داند یانه؛ دو نظریه وجود دارد

۱- به استناد روایات وارده فراوان در باره حجج الهی بر اینکه خداوند علم «ماکان و ما یکون» را، در اختیار آنان قرار داده است وامتیازات زیادی برایشان، اختصاص داده است.

پس وقت ظهور را هم به آنان روشن ساخته است

و در بعضی روایات از لحن جمله ها و تعبیرهای: «ما برای احدی وقت نگفته ایم.»(۱)

و «ما براین امر وقت گذاری نمی کنیم.»(۲) «ما اهل بیتی نیستیم که وقت گذاری کنیم»(۳)

و جز آن ها شایبه دانستن امامان وقت ظهور را می رساند، منتهی روی مصالحی که خود می دانند از تعیین دقیق وقت آن، خود داری

۱- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۷۷ ح ۹۲۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۰۴ ب ۲۱ ح ۸.

۲- همان مدرک: ۳/ ۳۷۸ ح ۹۲۸؛ غیبت نعمانی: ص ۱۹۵.

۳- همان مدرک: ۳ ۳۷۸ ح ۹۲۸؛ بحار الأنوار: ۱۹/ ۳۲۰ ب ۱۰ ح ۷۵ و ۵۲/ ۱۱۸ ب ۲۱ ح ۴۴ از غیبت نعمانی و از کتاب های دیگر با تغییراتی؛ اصول کافی: ۱/ ۴۱۵ ح ۹۳۶/ ۴.

ص: ۷۰

نموده اند.

۲- به استناد روایات وارده در این مورد استفاده می شود، امام علیه السلام (وقت ظهور را) دقیقاً نمی داند، چون امامان پیشین و خود آن حضرت، زمانی که در برابر این سؤال قرار می گرفتند، اظهار بی اطّلاعی می کردند، ولی علایم نزدیک ظهور را بیان می فرمودند.

۱- آیاتی که درباره «ساعه» مانند (یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَهِ)(۱) و (فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَهَ)(۲) و (عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَهِ)(۳) و (اقْتَرَبَتِ السَّاعَهُ)(۴) و (ما یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَهَ قَرِیبٌ)(۵) و (یَسْتَعْجِلُ بِهَا)(۶) و (إِنَّ الَّذِینَ یُمارُونَ فِی السَّاعَهِ لَفِی ضَلالٍ بَعِیدٍ)(۷) و جز آن ها را، در روایات به حالات و ظهور امام مهدی علیه السلام تأویل و معنا کرده اند.(۸)

فرمود: او (یعنی قائم) آن «ساعتی» است که خداوند در قرآن فرموده:

از تو از وقت ساعت سؤال کنند، بگو علم آن نزد خداست (۹) چون «علم الساعه» را فقط خدا می داند، پس علم ظهور هم مخصوص خداست.

۲- اخبار و احادیثی که فرموده است مسأله غیبت، سرّی از اسرار و ...

خداست. برای اطلاع تفصیلی در این مورد به پاسخ سؤال ۱۵ گذشته و کتاب «سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)» ج ۱ ص ۲۰۹ ببعد، مراجعه شود.

۱- اعراف/ ۱۸۶، و نازعات/ ۴۲.

۲- زخرف: ۶۶ و محمد/ ۱۸.

۳- لقمان/ ۳۴ و زخرف ۶۱.

۴- قمر: ۱.

۵- احزاب/ ۶۳.

۶- شوری: ۱۸- ۱۷.

۷- سوره شوری، آیه ۱۸.

۸- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱ ب ۲۵ ح ۱؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ذیل آیات.

۹- اعراف: ۱۸۶؛ مختصر بصائرالدّرجات: ص ۱۷۹؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱- ۳ ب ۲۵.

ص: ۷۱

۳- خود آن حضرت همیشه برای تعجیل فرج دعا می کند و شیعیان را نیز بر دعا کردن دستور می دهد و ثواب های بی شماری برای منتظران و دعاکنندگان بر تعجیل فرج، بیان و وارد شده است. بنابراین اگر وقت دقیق ظهور را بداند، این دعاها اثری نداشته و عبث و بی معنا خواهد بود، مگر این که بگوییم، این دعاها با توجّه به اصل «بداء» برای جلو کشیدن وقت ظهور باشد، ولی اگر وقت دقیق برایش مشخّص شود، این مسأله از جمله امور حتمیه و تغییرناپذیر می شود.

باز در این صورت عبث بودن دعاها پیش می آید، مگر این که وقت دقیق را نداند و دعا به تعجیل شود.

۴- با دقّت به لحن روایات از لعن و تکذیب توقیت کنندگان و بیزاری از آن ها وو ... مطلب مقداری برای ما روشن می شود و ما را از بلا تکلیفی در می آورد.

۵- ... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطّلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس برحذر باشید و بیدار شده دعا کنید؛ زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.(۱)

امامان علیهم السلام طبق علایم حتمیّه قریبه، وقت ظهور را تخمین می زدند، نه به طور دقیق تعیین نمایند.

صعصعه بن صوحان (یکی از اصحاب بزرگوار) از امیرمؤمنان علیه السلام از وقت خروج دجّال که مقارن ظهور آن حضرت خواهد بود سؤال نمود، آن حضرت فرمود: «واللّٰه ما المسؤول بأعلم من السآئل ...؛(۲) به

۱- انجیل مرقس: فصل ۱۳- جمله های ۲۶- ۲۷- ۳۱- ۳۳.

۲- « النزال بن سبره قال: خطبنا علیّ بن أبی طالب فحمد اللّٰه وأثنی علیه، ثمّ قال: سلونی أیّها الناس قبل أن تفقدونی- ثلاثاً- فقام إلیه صعصعه بن صوحان فقال: یا أمیرالمؤمنین! متی یخرج الدجّال؟ فقال له علیّ علیه السلام: اقعد فقد سمع اللّٰه کلامک وعلم ما أردت، واللّٰه ما المسؤول عنه بأعلم من السائل، ولکن لذلک علامات وهیئات یتبع بعضها بعضاً کحذو النعل بالنعل وإن شئت أنبأتک بها؟! قال: نعم یا أمیرالمؤمنین! ...» معجم أحادیث الإمام المهدیّ: ۳/ ۱۳۱ ح ۶۷۰؛ بحار الأنوار: ۵۲/ ۱۹۲- ۱۹۵ ب ۲۵ ح ۲۶.

ص: ۷۲

خدا قسم (در این مورد) سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست.» ولکن برای آن نشانه هاو جریان هائی است که بعضی در پی بعضی مانند جای نعل پای اسب با همدیگر، (مترادفاً) خواهد آمد اگر بخواهی آن علامت هارا به تو خبر می دهم ...

امام علیه السلام در این حدیث به تعدادی از آن علامت ها اشاره می کند و لی از تعیین دقیق وقت خروج دجال خود داری می نماید چون طبق سوگندی که یاد کرد خودش نیز وقت معین آن را نمی دانست. (طالبین تفصیل به کتاب «سیمای جهان در عصر امام زمان عج» و جز آن مراجعه نمایند).

۱۹]- س- آیا اساساً برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام وقتی برای ظهور او تعیین شده و دقیقاً وقت آن را می دانستند یانه؟.

ج- این سؤال مانند سؤال قبل و جوابش هم مشابه آن است ولی از روایات فراوان استفاده می شود که علم آن مانند روز قیامت مخصوص خداست و از بشر مخفی نگهداشته شده است.

دلیل:

۱- فضیل گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: «جعلت فداك! فمتی یکون ذلک؟!

ص: ۷۳

قال: أما إنّه لم یوقّت لنا فیه وقت، ولکن إذا حدّثناکم بشیء فکان کما نقول، فقولوا: صدق اللَّه ورسوله. وإن کان بخلاف ذلک، فقولوا: صدق اللَّه ورسوله، توجروا مرتین؛(۱) فدایت شوم! این (قضایا) کی خواهد آمد؟!

فرمود: آگاه باش! (در این مورد) برای ما وقتی تعیین نشده است، ولکن هر وقت به شما حدیثی گفتیم و درست درآمد، بگویید: خدا و رسولش راست گفته اند و اگر برخلاف آن پیش آمد، باز بگویید: خدا و رسولش درست گفته اند، (تا این که در برابر این تسلیم) دو بار اجر ببرید ...»(۲)

۲- ابراهیم بن مهزم از پدرش نقل می کند: در خدمت امام صادق علیه السلام سخن از پادشاهان فلان خاندان به میان آمد، فرمود: مردم از بس برای این کار شتاب زدگی کردند هلاک شدند، خداوند با شتاب بندگان عجله نمی کند، همانا این کار را پایانی هست که باید به آن برسد، همین که به آن مرحله رسید، نه یک ساعت جلو می افتد و نه یک ساعت عقب.(۳)

۳- مفضّل پرسید: آیا برای مهدی، آن مأمور منتظر وقت معیّنی هست که مردم آن را بدانند؟!

فرمود: «حاشَ للَّه که وقت معیّنی باشد که شیعه ما بدانند»

گفت: چرا ای آقای من! فرمود: چون او، آن «ساعتی» است که خداوند

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۸۵ ب ۲۵ ح ۹ از تفسیر علی بن ابراهیم؛ مشابه این روایت از محمّد بن حنفیّه ۲ در ص ۲۴۶ ب ۲۵ ح ۱۲۷ از غیبت نعمانی و در ص ۲۷۰ ب ۲۵ ح ۱۶۱ ا ز کتاب سرور الإیمان نقل کرده است.
۲- مشروح روایت در فصل(فرج شما کی خواهد بود) گذشت.
۳- غیبت نعمانی: باب ۱۶ نهی از تعیین وقت ص ۲۴۹؛ مقصود از اولاد فلان خاندان، عباسیان و مقصود از هلاکت مردم در شتاب زدگی، جمعی مانند زید بن علی و بنی حسن که می خواستند پیش از پایان دوران حکومت باطل، آن را سرنگون نمایند که خود کشته شدند.

ص: ۷۴

در قرآن فرموده: از تو از وقت ساعت سؤال کنند، بگو علم آن نزد خداست (۱).

سپس حضرت چند آیه درباره انحصار علم ساعت که برای خداست را تلاوت نمود.

دوباره مفضّل عرض کرد: آیا هیچ تعیین وقتی بر آن امکان پذیر نیست!

فرمود: «ای مفضّل! من برای آن تعیین وقت نمی کنم و هیچ وقتی هم برای آن گذاشته نمی شود، به تحقیق، هر کس برای مهدی ما وقتی معین کند، پس او خود را در علم خدا شریک قرار داده و ادّعا می کند که بر سرّ خدا ظفر یافته است.»(۲)

۴- آن حضرت در توقیع مبارک صادر شده به اسحاق بن یعقوب فرمود: «و ظهور فرج، پس (علم) این امر، تحقیقاً برای خداست و کذب الوقّاتون؛ وقت گذارندگان دروغ می گویند.»(۳)

۵- به محمّد بن مسلم فرمود: «هرکس برای تو (درمورد قائم- عجّل اللّه

۱- اعراف: ۱۸۶.

۲- مختصر بصائرالدّرجات: ص ۱۷۹؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱- ۳ ب ۲۵.

۳- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۲۹۴ ح ۱۳۱۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۱۱ ب ۲۱ ح ۱۹ در این موردروایات قریب المضامین زیاد آمده است از جمله(- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۷۷ ح ۹۲۷؛ غیبت طوسی: ص ۴۲۶ ح ۴۱۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۰۳ ب ۲۱ ح ۶.)(- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۷۹ ح ۹۳۰؛ غیبت طوسی: ص ۴۲۶ ح ۴۱۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۰۴- ۱۰۳ ب ۲۱ ح ۷؛ غیبت نعمانی: باب ۱۶ باب نهی از تعیین وقت ص ۳۴۶؛ وکتاب الامامه و التبصره.)(- همان مدرک: ۳/ ۴۷۲ ح ۱۰۳۶؛ اثبات الهداه: ۳/ ۴۷۷ ب ۳۲ ح ۴۰ منتخب الأثر: ص ۵۵۹ ف ۶ ب ۵ ح ۳؛ اصول کافی: ۱/ ۴۱۵ ح ۹۳۵/ ۳؛ کمال الدّین: ص ۳۳۳.)(- همان مدرک: ۳/ ۲۶۰ ح ۷۸۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۰۳ ب ۲۱ ح ۵ از غیبت طوسی؛ اصول کافی: ۱/ ۴۱۶ ح ۹۳۷/ ۵.).

ص: ۷۵

فرجه الشریف-) وقت معیّن کند، نترس او را تکذیب کن؛ چون ما برای احدی وقت نگفته ایم»(۱).

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: «من وقّت لمهدیّنا فقد شارک اللّه فی علمه وادّعی أنّه ظهر علی سرّه؛(۲) هرکس به مهدی ما وقت تعیین نماید، به تحقیق در علم خدا مشارکت کرده و ادّعا نموده است که به سرّ خدا دست یافته است.»

۷- حضرت رضا در روایت مفصّلی به دعبل خزاعی فرمود: «حدیث کرد مرا پدرم از آباء خود از امیرمؤمنان: شخصی، از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چه وقت قائم خروج خواهد کرد؟ فرمود: مثل او، مانند ساعت (قیامت) است که خدافرموده: «لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛(۳) پرده از روی وقت آن برنمی دارد مگر او (خدا)، قضیه وقت در آسمان ها و زمین سنگین است، نمی آید برای شما مگر ناگهان.»

از تمام این روایات نتیجه گیری می شود که علم قیام قائم- عجّل اللّه فرجه

۱- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۷۷ ح ۹۲۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۰۴ ب ۲۱ ح ۸(- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۷۸ ح ۹۲۸؛ غیبت نعمانی: ص ۱۹۵.).

۲- بحارالأنوار: ۵۳/ ۳ ب ۲۵ ح ۱؛ یوم الخلاص: ص ۱۴۴ از آن در این مضامین در(- کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۵۹؛ غیبت طوسی: ص ۱۴۲؛ ۳/ ۳۷ و ۱۱۳؛ یوم الخلاص: ص ۱۴۲.)(- همان مدرک: ۳ ۳۷۸ ح ۹۲۸؛ بحارالأنوار: ۱۹/ ۳۲۰ ب ۱۰ ح ۷۵ و ۵۲/ ۱۱۸ ب ۲۱ ح ۴۴ از غیبت نعمانی و از کتاب های دیگر با تغییراتی؛ اصول کافی: ۱/ ۴۱۵ ح ۹۳۶/ ۴.).

۳- آیه در سوره مبارکه اعراف: ۱۸۷؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۱/ ۲۶۰ ح ۱۶۲؛ کمال الدّین: ۲/ ۳۷۳ ب ۳۵ ح ۶؛ اثباهالهداه: ۳/ ۴۵۷؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۵۴ ب ۸ ح ۴.

ص: ۷۶

الشریف- مخصوص خداوند است و جز او، کسی از آن اطّلاع ندارد و نتیجه آن، این است که اگر امام اطّلاع داشت، اصحاب، از کنجکاوی دست بر نمی داشتند یا اگر مدّتی معیّن می شد و یا شاید در لوح محو اثبات تغییری پیش می آمد، مردم از دین برمی گشتند، مانند وقت معیّن کردن حضرت موسی علیه السلام ۳۰ روز به ۴۰ روز تغییر کرد که سبب شد بسیاری از قومش برگشتند و سایر مصالح دیگر که از ما و بر ما، پوشیده است.

۲۰]- س- چرا امام ظهور نمی کند آیا این همه مدت برای غیبت کافی نیست؟!.

ج- أوّلًا باید زمینه ظهور فراهم شود و جامعه برای پذیرش آن حضرت، آمادگی پیدا کند.

و ثانیاً در مورد زمینه ظهور نیز سخن فراوان است، که به سه مورد آن متذکرمی شویم.

۱- وجود مقدّس مهدی موعود علیه السلام ذخیره الهی است و ظهورش صرفاً به مشیّت و خواست خداوندی بستگی دارد، هروقت خود مصلحت دید، اجازه ظهور را صادر می فرماید (صلاح مملکت خویش خسروان داند).

۲- هرگاه با گذشت زمان، استعداد و روحیّات و اخلاقیّات جوامع و انسان ها از جهت فکری و روحی، به گونه ای ترقی یافت و به کمال رسید که شایستگی قبول و لیاقت پذیرش حضرت بقیّه اللّه الأعظم- روحی وأرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء- را داشته باشد، اجازه ظهور و پیاده کردن قوانین آسمانی در روی زمین داده می شود.

ص: ۷۷

زیرا تا زمانی که انسان تحمّل و برداشت و ظرفیّت پـذیرفتن برنامه ها و آورده های مترقّیانه حجّت الهی را نداشـته باشـد و راه درک حقـایق و دریـافت دانش پیشـرفته دولت حقّ را بر خود هموار نکنـد، هنوز زمینه ظهور فراهم نشـده است و ظهور نیز به تأخیر خواهد افتاد!

۳- تا زمانی که روی زمین را فساد و ظلم و جور فرانگیرد و جوامع بشـری در انحطاط فکری قرارنگیرد و در باتلاق شهوات و تجاوز فرو نرود و درلجن زار تبـاهی غرق نشـود، هنـوز زمینه ظهـور فراهم نشـده و بایـد منتظر هم چون روزی بود و به انتظـار چنین زمـانی نشست!

گروه هایی از گفتار سه گانه بالا، نظریّه شماره ۳ را انتخاب کرده اند و روی آن تبلیغ می کنند.

و می گوینـد: تـا روی زمین، پر از ظلم و سـتم وو ..، نشود (آقا امام زمان- عجّل اللّه فرجه الشـریف-) ظهور نخواهـد کرد، پس بهتر است که هر چه زودتر فساد روی زمین را فراگیرد، تا ظهور «آقا» نیز نزدیکتر شود! و امثال این حرف ها.

این برداشت ناهموار از چند جهت مردود است.

۱- اگر بنا باشـد ظهور حضـرت مهـدی موعود- عجّل اللّه فرجه الشـریف- به رهائی و آزادی مردم از بنـد اوامر و نواهی الهی و فرو رفتن در منجلاـب فحشـاء و فسـاد منکرات حیـوانی، بسـتگی داشـته باشـد، بایـد دَرِ وظـایف «امر به معروف و نهی از منکر» را که از ضروریّات دین است، بست و آیات و روایات بی شـمار آن را، از صـفحات قرآن کریم و کتب معتبر مـذهبی محو ونابود ساخت! و باید آن همه تشویق و تحریص بزرگان و دانشمندان دین، به خصوص امامان بزرگوار علیهم السلام را، برای تبلیغ

ص: ۷۸

و تعلیم و تربیت، که از بزرگ ترین تکالیف و وظایف دینی بشمار آورده و تنبلی و کسالت در این مورد را، مذمّت و نکوهش نموده اند، باید نادیده گرفت و روی آن ها قلم سرخ کشید و دور ریخت، زیرا دیگر نیازی به این کار نیست و ظهور را نباید به تأخیر انداخت!!.

۲- یا گفته شود که از زمان غیبت به بعد، شهدا و علما و صلحا و مؤمنین، همگی به بیراهه رفته اند و ره افسانه زده و معنا و مفهوم زمینه سازی «ظهور» را نفهمیده و تشخیص نداده اند! و باید آنان را زیر ضربات توهین و سبّ و شتم قرار داد و زیر سؤال بُرد که چرا با فداکاری و زندان رفتن و شکنجه دیدن و صد هامسایل دیگر، ظهور امام را به تأخیر انداخته اند!!

کدام عاقل با وجدانی به خود اجازه می دهد که چنین فکری را از مخیله خود گذرانده و در مغز خویش بپروراند.

پس منظورِ روایات فراوانی که پیرامون عباراتی هم چون «یملأالأرض قسطاً وعدلًا کما ملئت ظلماً وجوراً» آمده است؛ چیست؟

البتّه واضح و روشن است که باید به وظایف شرعی و اخلاقی خود عمل کنیم و در به کار بستن «امر به معروف و نهی ازمنکر» کوشا باشیم و هرچه در توان داریم، در پیش برد فرامین دین و قرآن، از تلاش و کوشش خود، دست بر نداشته و عقب نشینی نکنیم (گو این که با گذشت زمان و در عین اینکه استعداد پذیرش و تشخیص و درک مردم بالا می رود، ولی آن فساد و ستم هاپیش خواهد آمد)؛ اما برای «زمینه سازی ظهور» تنها راه منحصر به آن نیست که این گروه تشخیص داده اند، بلکه «راه دوّمی» نیز وجود دارد و آن، اصلاح خود و جامعه

ص: ۷۹

و عمل به دستورات قرآن و اسلام است، نه دوری جستن و دست برداشتن و کنار گذاشتن آن پس در مورد زمینه سازی ظهور از خود آن حضرت، الهام گرفته و از راه «مثبت» و رحمانی پیش برویم، نه از راه «منفی» و شیطانی (به مطالب بعد توجه نمائید).

۱- خود قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- در نامه مفصّلی به شیخ مفید رضی الله عنه نوشت:

«... اگر شیعیان ما که خداونـد به اطاعت خود موفّقشان بدارد، با اجتماع دل ها به عهد قدیم، وفادار بودند، برکت دیدن ما از آن ها به تأخیر نمی افتاد، و البتّه سعادت مشاهده ما به خاطر حقّ معرفت و راستگویی آن ها، برای آن ها شتاب می کرد (و رو می آورد) پس حبس نمی کنـد ما را از آنها مگر اعمالی که از آن ها به ما می رسـد که دوست نـداریم و از آن ها انتظار نداریم و خدا کمک کننده است و برای ما بس است و چه نیکو وکیلی است خدا.»(۱)

۲- در جریـان مفصّـل تشـرّف علیّ بن مهزیـار اهوازی رضـی الله عنه به حضور مبارک مقام ولایت عظما، نکات مهمّ و جالبی را می بینیم.

الف- او گوید مأمور قائم- عجّل اللّه فرجه الشـریف- که برای بردن من به حضور مبارک امام علیه السـلام آمده بود: «سـپس مرا در آغوش گرفت و گفت:

ای اباالحسن چه می خواهی؟! گفتم: دیدار امامی که از عالم محجوب مانده است.

گفت: او از شما پنهان نیست، بلکه اعمال بد شما، او را از شما پنهان

۱- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۷۷؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۶؛ یوم الخلاص: ص ۱۶۱.

ص: ۸۰

نموده است.»(۱)

ب- وقتی که به حضور حضرت رسید، به او فرمود: «ای ابالحسن! ماشب و روز انتظار تو را داشتیم! سبب تأخیر چه بود که دیر آمدی؟!

عرض کردم: ای آقای من! من تا کنون کسی را نیافته بودم که مرا راهنمایی کند.

(با تعجّب) به من فرمود: کسی را نیافته بودی راهنمایی ات کند؟!

سپس در حالی که با انگشت خود به زمین خط می کشید، فرمود: هر گز، ولکن اموالتان را زیاد کردید و بر ناتوانان مؤمنان ستم نمودید و رَحِمی که در میانتان بود را قطع کردید، پس حال چه عذری دارید؟! عرض کردم، توبه توبه درگذرید درگذرید ...»(۲)

ج- سپس فرمود: «ای پسر مهزیار، اگر نبود استغفار شما برای همدیگر، جز خواص شیعه که- سخنانشان شبیه افعالشان است- هر که روی زمین است هلاک می شد.»(۳)

سه فراز بالاـ گویای این مطلب است که توجّه دقیق امام علیه السلام به اعمال خوب و مثبت مردم است، نه اعمال بد و منفی، چنان که فرمود: اگر استغفار خوبان بعضی از شما نبود، در اثر اعمال بدِ بدان، همه مردم روی زمین به هلاکت می رسیدند.

با توجّه به مراتب بالا، امام عجل اللّه تعالی فرجه به زمینه مثبت ظهور بیشتر علاقه مند است تا زمینه منفی آن و اگر زمینه منفی را مدّ نظر قرار

۱- دلائل الإمامه: ص ۲۹۶؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ص ۱۱۸.

۲- دلائل الإمامه: ص ۲۹۶؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ص ۱۱۸.

۳- همان مدرک: ص ۲۹۶؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ص ۱۱۸.

ص: ۸۱

دهیم، باز از حیطه فکر ما بیرون است که کی و چه وقت انجام خواهد گرفت!

۲۱]- س- آیا امام وقتی که ظهور نمود، دست به کشتار بی امان، خواهد زد یا مسئله چیز دیگری است؟!.

ج- این مطلب را همه می دانیم که خدای مهربان سنگ بنای جهان آفرینش را روی «رحمت و محبّت» قرار داده، چنان که در آیات مکرّر قرآن کریم با بیان «رحمت (و بخشش) را به خود حتم کرده است»(۱) «و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است».(۲) و «اگر کلمه ای (اتمام حجّت، یا وسعت رحمت) از خدا سبقت نمی گرفت (مهلت داده نمی شدید)»،(۳)

«ای خدایی که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است»(۴) مسئله را روشن نموده است آن گونه که در زندگی مادّی، اصل را بر طهارت و پاکی بنا نهاده است؛

خدای تبارک و تعالی، خاتم الأنبیا صلی الله علیه و آله (۵) وخاتم الأوصیا علیه السلام (۶) را با آخرین درجه رحمت و رأفت و نهایی ترین رتبه کمال، مفتخر نموده

۱- i(کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ\)E؛ انعام: ۱۲ و ۵۴.
۲- i(وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ\)E؛ اعراف: ۱۵۵.
۳- i(وَ لَوْ لا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ\)E؛ هود: ۱۱۰؛ طه: ۱۲۹؛ حم سجده: ۴۵؛ شوری: ۱۴.
۴- یا من سبقت رحمته غضبه؛ از دعاهاست.
۵- i وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ\»E ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم(انبیاء:/ ۱۰۷.
۶- « ثمّ أکمّل ذلک بإبنه رحمةً للعالمین» سپس آن« دینم» را با پسر رحمةً للعالمینش، به کمال می رسانم!!(کافی: ۱/ ۵۲۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۴۳ ب ۲۲ ح ۵۹ و ج ۳۶/ ۱۹۵.

ص: ۸۲

و به اوج عظمت ارتقا داده است.

پس حضرت مهدی موعود- عجّل اللّه فرجه الشریف- را مانند جدّ بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله «رحمت عالمیان» قرار داده و این مقام خاص را به او عطا فرموده است.

برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال بعدی نیز توجه نمایید.

۲۲]- س- آیا آن حضرت با مردم جهان چه رفتار و چگونه برخوردی خواهند داشت؟.

ج- در مورد رفتار «قائم آل محمد» علیهم السلام بعد از ظهور و خروج، با مردم روی زمین، روایات و نظرهای متفاوت به دست ما رسیده است.

۱- اهل سنّت معتقدند به اندازه پَر پشه خون ریزی نخواهد شد و کل روی زمین، بدون مقاومت و سرکشی به امام و ارتش او تسلیم خواهند شد.

۲- گروهی بر این باورند که امام علیه السلام ستمگران و کافران و ... را بدون سؤال و جواب از دَم تیغ شرر بار خواهد گذراند و کافر و خارج از اسلام، با آتش قهر امام که آتش قهر خداست، سوخته و نابود خواهند گردید.

دلیل اعتقاد این گروه، تأویل بعضی از آیات و روایات و عباراتی؛ مثل «أین قاصم شوكه الجبّارین وأین هادم أبنیه الشرک والنفاق» و مانند این است که مورد استناد خود قرار داده اند و از آن فرزند «رحمهً للعالمین» نعوذ باللّه، چهره سفّاک، خونریز، خشن و بدون گذشت ساخته اند، اما آن چه تأویل آیات، و صراحت اخبار و منطوق احادیث فراوان

ص: ۸۳

و هم چنین عقل سلیم، وجدان سالم و منطق صحیح حکم می کند و عدلی که امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف- در روی زمین بر قرار خواهد ساخت و درایت کشور داری و سیرت مدیریتی که خلاصه انبیا و چکیده اولیا، آن را داراست، می گوید: راه سومی وجود دارد که جز آن دو راه است و درخور شأن مقام ولایت و بر گرفته شده از صفات خداوندی می باشد.

۳- امام رحمت عالمیان برای جلوگیری از تلفات و نابودی و خونریزی زیاد با اتمام حجّت و تفهیم راه درست و صحیح به وسیله رسانه های گروهی پیشرفته آن روزگاران و در نهایت با ایجاد رعب و وحشت تلاش خواهد کرد که بندگان خدا را، به خدا متوجّه نموده و به راه او برگرداند و آرامش کامل را برقرار سازد؛ مخصوصاً بانزول حضرت عیسی علیه السلام و پخش کیفیت تسلیم و خواندن نماز پشت سر آن حضرت، اکثریت نصارا و دیگر فرقه ها، از آن حضرت اطاعت خواهند کرد وو ... در غیر این صورت است که دستورات دشمن شکن «با آن ها بجنگید تا فتنه (کفر) برچیده شود و تمامی دین (روی زمین) برای خدا باشد»(۱) و «هرکجا پیدا کردید آن ها را بکشید (اعدام کنید)»(۲) و

«هرجا آن ها را یافتید بگیرید (اسیر کنید و) بکشید ..»(۳). و حکمی همانند این آیات، پس از طی مراحل تبلیغ و و ایجاد رعب و وحشت و غیره، بدون گذشت و دلسوزی بادست قهّار آن قهر الهی به اجرا در آمده، ریشه ظلم و فساد سوخته و جهان روی خوشبختی را دیده و طعم

۱- i وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ\E؛ بقره: ۱۹۳؛ و انفال: ۳۹.

۲- بقره: ۱۹۱.

۳- نساء: ۸۹.

ص: ۸۴

زندگی درست را خواهد چشید.

البتّه کسانی که از اخبار و روایات ظهور و قیام و خروج حضرت «مهدی» موعود علیه السلام آگاهند، می دانند که بعد از قیام «قائم» علیه السلام مردم، نه به صورت دست بسته و دربست تسلیم خواهند شد و نه با خواهش و تمنا، چون از ارتش سفیانی گرفته تا مکّیان و اهل مدینه و خروجیان مسجد و زیدی ها و بُتریّه ها و متمرّدین بازار «تمّارین» کوفه و بصریان متکبر و .... در سراسر روی زمین، در برابر امام- عجّل اللّه فرجه الشریف- ایستادگی و مقاومت خواهند کرد.

امّا آن گونه نخواهد شد که امام- عجّل اللّه فرجه الشریف- قهر سوزان الهی باشد و همه مخالفین خود را بی چون و چرا، به قتل عام رسانده و همه را یک جا بسوزاند و خاکستر کند، بلکه با همان راه سوم که در بالا گفته شد، پیش خواهد رفت.

۲۳]- س- آیا پیش از ظهور آن حضرت، در اوضاع جهان دگرگونی وتحول اساسی پیش خواهد آمد؟

ج- از اوضاع عمومی جهان و پیشرفت اختراعات خطرناک و مسابقه تسلیحاتی قدرت ها و تنزّل اخلاق بشریت، چنین به نظر می رسد که در طول زمان، دولت های بزرگ به یکدیگر یورش خواهند برد و با سلاح های مخرّب و مرگ بار همدیگر را در هم خواهند کوبید و بسیاری از اقطار و اقشار را به خاک و خون خواهند کشید و گروهی نیز در اثر این جنگ ها، به امراض گوناگون از جمله طاعون مبتلا شده و جان خود را از دست خواهند داد.

ص: ۸۵

علاوه بر آن، زلزله های مخرّب، جهان را فرا خواهد گرفت، به طوری که مردم آرزوی مرگ خواهند نمود و بر سر قبرها آمده و می گویند:

کاش من به جای تو بودم!.

در این زمان است که اوضاع جهان بهم ریخته و خواسته و ناخواسته، گرفتار جنگ های ویران گر خواهد بود و زندگی به حدّی بر مردم فشار خواهد آورد که همه مستأصل خواهند شد و دست به دعا برداشته و از خداوند راه نجات و رهایی خواهند خواست و زمینه برای پذیرش یک مصلح دلسوز و ارتش او فراهم خواهد شد به طوری که با یک دعوت به او لبّیک گفته و تسلیم خواهند شد.

در این موقعیّت استثنایی است که ندای آسمانی بلند شود که «ای اهل عالم! مهدی آل محمّد: ظهور کرد، با او بیعت نمایید» و این ندا در سراسر گیتی طنین انداز می شود مرد و زن، کوچک و بزرگ، ایستاده و نشسته، خوابیده و بیدار و حتّی زنان پشت پرده، این ندا را می شنوند و آماده پذیرش و پاسخ دادن خواهند شد.(۱)

۱- علی بن محمّد اودی از پدرش، از جدّش نقل می کند: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «بین یدی القآئم موت أحمر وموت أبیض وجراد فی حینه وجراد فی غیر حینه أحمر کألوان الدم، فأمّا الموت الأحمر فالسیف، وأمّا الموت الأبیض فالطاعون؛(۲) پیشاپیش قائم عجّل اللّه فرجه الشریف-

---

۱- البتّه چون بنای ما بر اختصار است و در مورد فتنه های قبل از ظهور روایات زیادی با تعبیرها و الفاظ گوناگون آمده برای اطّلاعات بیشتر به« سیمای جهان» و کتاب های مربوطه مراجعه شود.
۲- عقد الدّرر: ص ۵۶؛ غیبت طوسی: ص ۲۶۷؛ غیبت نعمانی: ۲۷۸؛ امام مهدی ازولادت تاظهور ص ۴۳۵ به نقل از فصول المهمه، بشاره الإسلام: ص ۵۰ و ۵۱ و ص ۸۰ و ۱۲۳ با لفظ دیگر از امام صادق علیه السلام و ص ۱۷۶ و مانند آن در الزام النّاصب ص ۱۸۴ و ص ۱۸۵ و الإمام المهدی ص ۲۱۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۱۱ ب ۲۵ ح ۵۹ از غیبت طوسی و ارشاد و غیبت نعمانی.

ص: ۸۶

مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخ سرخ به رنگ خون، وقت و بی وقت خواهد بود، امّا مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است.»

۲- ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای ابامحمّد! به ناچار پیش از ظهور دو گونه طاعون سفید و سرخ خواهد بود!

گفتم: فدایت شوم، طاعون سفید و سرخ چیست؟!

فرمود: طاعون سفید مرگ همگانی و سریع و طاعون سرخ مرگ با شمشیر می باشد.»(۱)

این روایت، جنگ جهانی ویران گری که دو سوّم مردم را از بین خواهد برد و پی آمد آن جنگ، از قبیل بروز طاعون و هجوم همگانی به موقع و بی موقع ملخ قبل یا بعد از جنگ قحطی و مرگ سرخ را تشریح می کند.(۲)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

«ترس، اهل عراق و بغداد را فرا می گیرد، مرگ و میر شایع می شود، نقص اموال جان ها و ثمرات پیش می آید»(۳)

۴- بزنطی گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام فرمود: «پیش از این امر (ظهور) مرگ بیوح خواهد بود. من معنای بیوح را ندانستم تا این که به حج مشرّف شدم و شنیدم یک اعرابی می گفت: امروز روز بیوح است!

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۵۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۱۹ ب ۲۱ ح ۴۸ به نقل از آن.

۲- بشاره الإسلام ص ۷۸؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۱۰؛ یوم الخلاص: ص ۴۳۱.

۳- غیبت نعمانی: ص ۱۵۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۱۹ ب ۲۱ ح ۴۸ به نقل از آن.

ص: ۸۷

گفتم: بیوح چیست؟ گفت: گرمای شدید.»(۱)

۵- حسن بن محبوب از عبد اللّه بن سنان نقل می کند که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم را مرگ و کشته شدن فراگیرد تا این که به حرم پناهنده شوند و منادی از شدّت کشتار ندا کند چرا کشت و کشتار؟! صاحب شما فلانی است.»(۲)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: «و در آن هنگام اختلاف سال ها به وجود می آید و (شروع) سلطنت و ریاست از اوّل روز و قتل و خلع (کشتن و برداشتن) در آخر روز خواهد بود!»(۳)

کشتار سه میلیونی

۱- محمّد بن مسلم و ابوبصیر هردو گفتند: شنیدیم امام صادق علیه السلام فرمود: «پس در آن روز سه میلیون نفر بین مغرب و مشرق کشته می شوند، آن ها یکدیگر را می کشند و در آن روز تأویل این آیه ظاهر می شود؛ همواره سخن ایشان این بود تا آن گاه که آنان را درو شده و خاموش گردانیدیم.»(۴)

کشتار یک سوم

۱- نعیم بن حماد سنّی در کتاب «الملاحم والفتن» روایاتی درباره امام

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۴۲ ب ۲۴ ح ۱۱۳ از غیبت نعمانی در روایت دیگر حضرت بیوح را به دائم و بلاانطاع معنا نم. ده است بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۸۲ ب ۲۴ ح ۶ از قرب الأسناد.

۲- همان مدرک: ۵۲/ ۲۹۷ ب ۲۶ ح ۵۳ از غیبت نعمانی.

۳- همان مدرک: ص ۲۸؛ یوم الخلاص: ص ۴۳۴ از آن.

۴- أنبیاء: ۱۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۷۴ ب ۲۵ ح ۱۶۷؛ از کتاب سرور الإیمان.

ص: ۸۸

«مهـدی» علیه السـلام نقـل کرده است از جمله آن که بـا سـند خـود از ابن عبـاس روایت نمـوده، این است که از حضـرت علی علیه السلام شنیدم، فرمود:

«لا یخرج- المهـدیّ حتّی یُقتل ثلث ویموت ثلث ویبقی ثلث؛ مهـدی ظهور نمی کند تا این که یک سوم (اهل زمین) کشـته شوند و یک سوم (با طاعون و امراض دیگر) بمیرند و یک سوم باقی بماند.»

۲- کیسان رواش از قول مولایش گوید: از حضـرت علی علیه السـلام شنیدم، فرمود: «مهدی» علیه السلام قیام نخواهد کرد تا آن که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم مرده و یک سوم آن ها زنده بماند.(۱)

کشتار دو سوم

۱- محمّد بن مسـلم و ابی بصـیر گفتند: شـنیدیم اباعبد اللَّه علیه السلام فرمود: «این امر تحقّق نمی یابد تا دو سوم مردم از بین بروند! گفتیم: اگر دو سوم مردم از بین بروند پس چه کسی می ماند؟ فرمود: آیا راضی نیستید در یک سوم باقیمانده باشید؟!»(۲)

مرگ پنج- هفتم

۱- سـلیمان بن خالـد گوید: امام صادق علیه السـلام فرمود: «پیش از قیام قائم- عجّل اللَّه فرجه الشـریف- دو مرگ واقع خواهد شد؛ یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید تا از هر هفت نفر، پنج نفر (از بین) برود، مرگ

۱- برهان المتقی: ص ۱۱۱؛ ملاحم ابن طاووس: ص ۵۸ الملاحم و الفتن: ص ۱۹۸ ب ۴ ف ۲ ح ۴؛ پاسخ به شبهات احمدالکاتب: ۴/ ۴۴۶؛ این روایت را در منتخب الأثر: ص ۵۶۰ ف ۶ ب ۵ از البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ب ۴ و کشف الأستار و بشاره الإسلام و عقدالدرر از علی علیه السلام نقل کرده است.

۲- منتخب الأثر: ص ۵۵۸ ف ۶ ب ۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۱۳ ب ۲۱ ح ۳۷ از غیبت طوسی و ص ۲۰۷ ب ۲۵ ح ۴۴ از کمال الدّین.

ص: ۸۹

سرخ کشته شدن است مرگ سفید به وسیله طاعون خواهد بود.»(۱)

کشتار هفت نهم

ابن شوذب از قول ابن سیرین گوید: «لا یخرج- المهدیّ حتّی یقتل من کلّ تسعه سبعه؛(۲) مهدی خروج نمی کند تا هفت نفر از نُه نفر کشته شوند!»

کشتار نُه دهم مردم

۱- حسن بن محبوب از هشام بن سالم، از زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا ندای آسمانی حقّ است؟ فرمود: بله، به خدا قسم! تا همه گروه ها (آن ندا را) با گوش خود بشنوند و این نخواهد شد تا نُه دهم مردم از بین بروند.»(۳)

از مجموع این روایات نتیجه گرفته می شود که پیش از ظهور تحولات خونین زیاد پیش خواهد آمد و بشریت گرفتار نابسامانی های خانمانسوز خواهدشد.

۲۴]- س- آیا ظهور حضرت در این گیر ودار ها خواهد بود یا بعد ازآرامش؟.

ج- از جواب سؤال های قبل پاسخ این پرسش مشخص است زیرا

۱- (۱) اثباهالهداه: ۷/ ۴۰۱؛ کمال الدّین: ۲/ ۶۵۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۰۷ ب ۲۵ ح ۴۲ از آن؛ امام مهدی: ص ۴۳؛ دادگستر جهان: ص ۳۱۴.

۲- منتخب الأثر: ص ۵۶۰ ف ۶ ب ۵ ح ۵ از الملاحم و الفتن ب ۱۷۳.

۳- الزام النّاصب: ص ۱۷۸؛ بشارهالإسلام: ص ۱۲۶؛ یوم الخلاص: ص ۴۹۰؛ غیبت نعمانی: ص ۲۳۰؛ پاسخ به شبهات ۴/ ۴۳۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۴۴ ب ۲۵ ح ۱۲۰؛ دادگستر جهان: ص ۳۱۴؛ برهان المتّقی ص ۱۱۱؛ ملاحم ابن طاوس: ص ۵۸؛ این روایت را نیز کیسان رواش از امیرمؤمنان علیه السلام آورده است عقد الدّرر گوید: این حدیث را نعیم بن حماد استاد بخاری در کتاب فتن و مقری در سنن خود آورده است.

ص: ۹۰

ظهور آن امام همام، هنگامی خواهد بود که روی زمین را فساد، فرا گیرد و مردم از نا امنی ها مستأصل شوند، در این موقعیت، با این که دنیا از نظر مسائل مادی و صنایع وو .. به حد کمال، نزدیک می شوند، حضرت هم به ظهور مأموریت یافته و با برقراری آرامش و امنیت کامل، جهان را به سوی کمال معنوی و دنیوی، سوق داده و رهنمون خواهد بود به روایات ذیل توجه نمائید.

۱- ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی را به شما مژده می دهم در امّت من زمانی مبعوث می شود که اختلاف و زلزله مردم را فرا گیرد! ...»(۱)

۲- هم چنین سه بار فرمود: «مژده باد به شما «مهدی» که در حال اختلاف مردم و زلزله شدید خروج می نماید ...»(۲)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «ای اباحمزه! قائم قیام نمی کند مگر در هنگام فراگیری ترس و زلزله و فتنه و بلایی که به مردم می رسد، پیش از آن نیز طاعون و شمشیر برّان است. میان عرب اختلاف شدید افتد. پراکندگی در میان مردم رخ دهد. هم چنین در دینشان و تغییراتی در حالشان به وجود آید که مردم در میان گرفتاری ها و خوردن مردم همدیگر را صبح و شام مرگ را آرزو می کنند و خروج او (قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف-) هنگام یأس و نومیدی خواهد شد! ای خوشا به حال آنان که او را درک نمایند و از یاران او باشند! وای بر کسی که با او مخالفت کند و به او

۱- همان مدرک: ۵۱/ ۷۴ ب ۱ ح ۲۳ از غیبت طوسی.

۲- بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۴ ب ۱ ح ۲۴ از غیبت طوسی.

ص: ۹۱

دشمنی ورزد!(۱)

پیش از ظهور حضرت، نابسامانی و کشتارهای طاقت فرسا به گونه ای خواهد بود که هر کس کنار قبری می رسد، می گوید: کاش من جای تو بودم!

۱- امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: «تا آرزو کننده ای از گرفتاری های مردم، صبح و شام مرگ را آرزو می کند.»(۲)

۲- «و در آن هنگام آرزوی مرگ کند و به قبرستان می رود و خود را بر روی قبر می افکند و مانند چارپایان در خاک می غلطد و می گوید: ای کاش من به جای تو بودم!»(۳)

۳- «و می گوید: نجات یافتی و نجات یافتی، کاش من به جای تو بودم! تا این که نماند خانه ای مگر این که فتنه داخل آن شود و نماند هیچ مسلمانی مگر این که آسیبی به او می رسد تا این که مردی از عترت من خروج کند.»(۴)

۲۵]- س- شنیده ایم در آن زمان در برابر یک مرد پنجاه زن خواهدبود که در

۱- همان مدرک: ۵۲/ ۲۳۱ ب ۲۵ ح ۹۶ و ص ۳۴۸ ب ۲۶ ح ۹۹ از غیبت نعمانی؛ بشاره المصطفی: ص ۱۰۵؛ یاد مهدی: ص ۱۷۰.

۲- (یقال دفعت عنک« کَلَبَ» فلان بالتّحریک- ای أذاه و شرّه.) غیبت نعمانی: ص ۱۲۳ و ۱۳۵؛ منتخب الأثر: ص ۴۳۴؛ الزام النّاصب: ص ۱۸۸ و ۲۲۷؛ المهد: ص ۱۸۹ جز آخرش؛ بشارهالإسلام: ص ۹۲ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵؛ الإمام المهدی: ص ۲۲۹- ۲۲۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۳۱ ب ۲۵ ح ۹۶ و ص ۳۴۸ ب ۲۶ ح ۹۹ از غیبت نعمانی.

۳- التّشریف بالمنن: ص ۷۲ ب ۱۳ ح ۱۳- ۱۴.

۴- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۱/ ۸۱ ح ۴۳؛ منتخب الأثر: ص ۵۴۸ ف ۶ ب ۳ ح ۱۷؛ التّشریف بالمنن: ص ۷۰ ب ۹ ح ۹.

ص: ۹۲

خواست سرپستی خواهند نمود آیا این گفتار صحیح است؟.

ج– طبیعی است نزدیک ظهور که آن همه کشتارهای فجیع، توسط حکومت ها و دولت های خود کامه آن زمان پیش خواهد آمد، علاوه بر این قحطی ها و طاعون ها و مرگ سرخ و سفید که مردم را مستأصل نموده و تا از بین رفتن دو سوم یا پنج هفتم و یا نُه دهم مردم منجر خواهد شد، اکثریت زنده ها را بانوان تشکیل خواهند داد که در نتیجه به سر پرست و چرخش دهنده زندگیشان نیاز مبرم پیدا خواهند کرد.

۱– حذیفه گوید: «شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند جدا می کند اولیا و اصفیای خود را تا این که زمین را پاک گرداند از منافقین و گمراهان و گمراه زادگان که در اثر کشته شدن مردان، پنجاه زن به یک مرد می رسد. زمانی که زنان به مردی می رسند، یکی می گوید: ای بنده خدا! مرا بخر و دیگری می گوید بنده خدا! برای من جا و پناه بده.»(۱)

۲– رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علم برداشته می شود و جهل آشکار می گردد و شراب خورده می شود و زنا شیوع پیدا می نماید مردها کم و زنان بیشتر می شود میان پنجاه زن، یک مرد وجود خواهد داشت.»(۲)

۲۶]– س– لطفاً در باره کسانی که در مناطق قطبی زندگی می کنند و از همه جا بی خبرند توضیح دهید که تکلیفشان چهِ خواهد شد؟!.

۱– بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۲۵ ب ۲۵ ح ۸۸؛ أمالی مفید: ص ۱۴۴ مجلس ۱۱ ح ۲؛ بشارهالإسلام: ص ۲۲؛ الملاحم و الفتن: ص ۱۳۰ و ۲۳۱؛ یوم الخلاص: ص ۴۷۹.

۲– نهج الفصاحه: ۱/ ۱۸۴؛ بشارهالإسلام: ۲۵؛ صحیح مسلم: ۸/ ۵۸؛ منتخب الأثر: ص ۴۲۵؛ کشف ۳/ ۳۲۴ مختصراً.

ص: ۹۳

ج- اولًا: تا ظهور امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف- در روی زمین با آن رسانه های گروهی پیشرفته، منطقه ای وجود نخواهد داشت که از دنیا و جریانات مذهبی آن بی خبر بماند؛

و ثانیاً: آن هایی که در آخرین نقطه قطب شمال یا قطب جنوب و یا در بیابان های سرزمین سیبری و امثال آن، زندگی می کنند، از اسلام چیزی نشنیده اند و با روال عادی دین پدران و اجدادشان به وسیله پدران و مادران، به آن ها انتقال یافته و یا اساساً معتقد به دینی نیستند، بدون اتمام حجّت، و راههای انسانی دیگر، برخورد نامناسب نخواهد شد بلکه با مهربانی و رأفت اسلامی و ولائی، روبرو گشته و تا آنجا که ممکن است از خشونت و کشتار جلوگیری خواهد شد.

و برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و مهار کردن افسار گسیختگان روی زمین، با ایجاد «رُعب ووحشت» به وسیله رعد و برق و باد و شاید با شکستن دیوار صوتی و بلکه با تجهیزات مافوق آن که از فاصله یک ماه راه جلوتر از خود، حرکت خواهد کرد. روح تکبر متکبران را شکسته و روحیه عموم مردم را متزلزل می نماید تا از تسلیم و انقیاد سرپیچی نکرده و با اظهار اطاعت و فرمانبرداری با «قائم»- عجّل اللَّه فرجه الشریف- روبرو شوند و از پایمال شدن زیر سم اسبان و یا تانک و زره پوش های ارتش پیروز «امام» علیه السلام مصون بمانند.

بنابراین حضرت «مهدی» موعود علیه السلام بدون اتمام حجّت و پیش از آن که از ایمان و هدایت مردم مأیوس شود، به جنگ و خونریزی اقدام نخواهد کرد، مگر این که راهی غیر از آن پیدا نکند.

ص: ۹۴

۲۷]- س- آیا امام برای فصل کردن و انتقام جوئی می آید یا وصل کردن و مهربانی که خواسته تمام شرایع آسمانی است؟!.

ج- آن حضرت، فرزند رحمهً للعالمین است، او سلاله کرم و بخشش و صاحب عفو و گذشت است. او برای وصل کردن می آید، نه برای فصل کردن، او می آید صفات کمال را در جامعه پیاده نماید و خُلق و خوی انسانی را به اجرا درآورد. او با اعمال اسلامی خود، به جوامع بشری، درس سیادت و آقایی و اعمال مثبت، خواهد آموخت، نه درّنده خویی و کینه توزی و انتقام جویی و کردار زشت و اعمال منفی.

او کشور خود را روی پایه الفت و آرامش و نوع دوستی و هزاران کمالات انسانی بنا خواهد کرد و شالوده جاذبه را خواهد ریخت، نه دافعه و گریز از مرکز را.

اوست که سه بار با یاغیان مکّه و اعدام فرماندارش مواجه خواهد شد، اماباز خود برای مجازات و برانداختن آن ها نخواهد رفت، بلکه «لشکری» از ارتش خویش را می فرستد و می فرماید: «رحمت خدا همه موجودات را شامل است و من همان رحمتم نمی خواهم خودم برای تسویه آن ها بروم».

امام رضا علیه السلام فرمود: «او برای مردم از خودشان سزاوارتر و از پدران و مادرانشان مهربان تر و در برابر خداوند از همه متواضع تر است. آن چه به مردم فرمان می دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و از

ص: ۹۵

آن چه مردم را نهی کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می کند.»(۱)

۲۸]- س- آیا امام با چه سیرتی پیش خواهد رفت؟!.

ج- آن حضرت با سیرت جدّ بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رفتار خواهد نمود، و در جنگ ها مانند او سمت فرماندهی خواهد داشت زیرا او مانند جدش رحمه للعالمین است، برای توضیح بیشتر به روایات ذیل توجه نمایید.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «در میان آن ها با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می کند و در میان آن ها راه و روش او را (پیاده می کند و) عمل نماید.»(۲)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی می کند و شیوه زندگی اش هم چون امیرالمؤمنین علیه السلام (در سطح پائین) خواهد بود.»(۳)

۳- عبداللَّه بن عطا گوید: از بزرگ فقها، یعنی امام صادق علیه السلام از سیرت مهدی سؤال کردم که چگونه خواهد شد؟

فرمود: «کاری را می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از او می کرد، ویران می کند آن را که پیش از او بود (از بدعتها و بناهای حرام) و اسلام را از نو می سازد.»(۴)

۱- الزام الناصب: ص ۱۰.

۲- یسیر فیهم بسیره رسول اللَّه ویعمل بینهم بعمله؛ ارشاد مفید: ص ۳۹۱؛ سفینه البحار: ۲/ ۷۰۵؛ روزگار رهائی: ۱/ ۲۶۴.

۳- غیبت شیخ طوسی: ص ۲۷۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۴.

۴- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۲ ب ۲۷ ح ۱۰۸ از غیبت نعمانی.

ص: ۹۶

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من خطا نمی کند.»(۱)

۲۹]- س- آیا زندگی امام به چه صورتی خواهد بود، مانند مردم عادی و فقیرانه و یا طاغوتی و متکبرانه؟!.

ج- از روایات متعدد چنین استفاده می شود که ائمّه علیهم السلام در دوران حکومت و زمامداری خود تکلیف خاصّ دارند، یکی از آن ها تطبیق دادن زندگی خود با فقیرترین افراد کشورش می باشد تا این قشر از جامعه از صبر بیرون نروند، چنان که امیر آزادگان علی علیه السلام در پاسخ عاصم بن زیاد بصری که گفت: شما این گونه (فقیرانه) زندگی می کنید پس باید ما از دنیا دست بکشیم؟!؛ فرمود: شما مانند ما نیستید! ما در ایام حکومت مکلّف به تطبیق زندگی خود با کمترین فرد مملکت هستیم.

امیرمومنان علیه السلام فرمود: «خداوند مرا برای خلق خود امام قرار داد و بر من واجب گردانیده است که در نفس و خوراک و نوشیدنی و پوشاک خود مانند ضعیفان مردم تقدیر (وتطبیق) نمایم تا که فقیر به فقر من اقتدا کند و ثروت غنی او را به طغیان وا ندارد.»(۲)

روش امام زمان- عجّل اللّه فرجه الشریف- نیز در زندگی حکومتی، همان روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام «الفقر فخری» خواهد بود، غذای خشک و سخت و لباس زبر و خشن.

۱- منتخب الأثر: ص ۴۹۱.

۲- اصول کافی: ۱/ ۴۶۶ ح ۱۰۷۳/ ۱.

ص: ۹۷

۱- معلّی بن خنیس به امام صادق علیه السلام عرض کرد: اگر امر دست شما بود هر آینه با شما زندگی خوشی داشتیم؟

فرمود: قسم به خدا! اگر این امر (حکومت) به دست ما آید، نخواهد بود مگر خوراک خشن و پوشاک درشت.»(۱)

۲- به مفضّل فرمود: نخواهد بود مگر زندگی پیغمبر صلی الله علیه و آله و روش امیرمؤمنان علیه السلام.(۲)

۳- حماد بن عثمان گوید که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس را در آن زمان می پوشید، بر او خرده نمی گرفتند و اگر امروز آن لباس را بپوشد، لباس شهرت خواهد بود، بهترین لباس هر زمان لباس مردم آن زمان است.

اما «قائم» ما اهل بیت: زمانی که ظهور می کند، لباس علی علیه السلام را می پوشد و به شیوه آن حضرت عمل می کند.(۳)

۳۰]- س- آیا خانه مسکونی امام در کجا خواهد بود؟.

ج- از روایات استفاده می شود که محل سکونت آن حضرت «مسجد سهله» که در کنار کوفه است، خواهد بود.

دلیل:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابا محمّد! گویا می بینم نزول «قائم عجّل

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۹۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۰ ب ۲۷ ح ۸۸ از دعوات راوندی؛ در این مضمون روایات آمده است از جمله در(- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۱۶۴ ح ۱۲۲۴؛ غیبت نعمانی: باب ۱۵ ص ۱۹۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۸ ب ۲۷ ح ۱۲۶.).

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۰ ب ۲۷ ح ۸۸.

۳- اصول کافی: ۱/ ۴۱۱؛ بحارالأنوار: ۴۰/ ۳۳۶.

ص: ۹۸

اللَّه فرجه الشریف-» را با اهل و عیالش در مسجد «سهله». گفتم: منزلش آن جاست؟ فرمود: بلی! آن منزل ادریس علیه السلام است و پیغمبری مبعوث نشده مگر این که در آن جا نماز خوانده است، اقامت کننده در آن مانند مقیم در چادر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مؤمن و مؤمنه ای نیست، مگر این که دلش به سوی آن پَر می زند، شب و روزی نیست، مگر این که فرشته ها رو به سوی آن مسجد می آورند و در آن جا به عبادت خدا مشغول می شوند. ای ابا محمد! آگاه باش! اگر من به آن مسجد نزدیک بودم، نمازی نمی خواندم، مگر در آن، زمانی که «قائم» ما قیام کرد، برای خدا و رسولش و برای ما انتقام می گیرد.»(۱)

۲- هم چنین فرمود: «گویا می بینم نزول «قائم علیه السلام را با اهل و عیال خود در مسجد سهله.

ابوبصیر عرض کرد: فدای تو شوم! آیا منزل او در مسجد سهله خواهد بود؟

فرمود: بلی! منزل ادریس و ابراهیم خلیل علیهما السلام در آن بوده و هیچ پیغمبری را خداوند نفرستاده، مگر این که در آن نماز خوانده بود و

۱- بحارالانوار: ۵۲ / ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۳ و ۳۷۶ ب ۲۷ ح ۱۷۷ از قصص الأنبیاء و از مزار بعضی قدماء اصحاب باتغییر کمی؛ بشارهالإسلام: ص ۲۵۷؛ در مورد بودن آن مسجد منزل قائم علیه السلام روایاتی أما إنّه منزل صاحبنا إذا قدم بأهله؛ درارشاد: ص ۳۴۲؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۱ ب ۲۷ ح ۵۴ از غیبت طوسی. معجم احادیث الامام المهدی ۷ /۳ /۵۰۲ ح ۱۰۷۴؛ فروع کافی: ۳/ ۴۹۵ ح ۳، غیبت طوسی: ص ۴۷۱ ف ۸ ح ۴۸۸؛ منتخب الانوار المضیئه ص ۳۳۴ ف ۱۲؛ امیرمؤمنان فرمود:(کأنّنی به قد عبر من وادی السلام إلی مسیل السهله علی فرس محجّل له شمراخ یزهر، الزام النّاصب: ۲/ ۳۰۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۱ ب ۲۷ ح ۲۱۴ از العدد؛ معجم احادیث الإمام المهدی ۷: ۳/ ۱۱۲/ ح ۶۵۲. م م/ ۳۵۷).

ص: ۹۹

آن جا مسکن خضر علیه السلام است، اقامت کننده در آن مانند اقامت کننده در خیمه پیغمبر صلی الله علیه و آله است و هیچ مؤمن و مؤمنه ای نیست، مگر این که قلب او میل کند به سوی آن و هیچ روز و شبی نیست، مگر این که ملایکه در آن مسجد وارد می شوند، در آن عبادت خدا می کنند.

ای ابا محمّد! اگر من در قرب شما بودم، هیچ جا نماز نمی خواندم، مگر در آن جا

عرض کرد: فدای تو شوم! قائم علیه السلام همواره در آن جا خواهد بود؟

فرمود: بلی! عرض کرد: پس حال کسانی که بعد از وی باشند، (یعنی در رجعت) چگونه خواهد بود؟ فرمود: هر کس تابع او باشد، چنین خواهد بود تا انقضای خلق.

گفت: آن گاه تکلیف اهل ذمّه چه خواهد شد؟! فرمود: با آن ها مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله مسالمت خواهد کرد و با حال حقارت دودستی جزیه پرداخت می کنند.

گفتم: حال دشمنان شما چگونه است؟ فرمود: نه، ای ابا محمّد! هر کس با ما مخالفت نماید، در دولت ما جایگاهی نخواهد داشت.

خداوند در زمان «قائم علیه السلام (ریختن) خون آن ها را به ما حلال کرده است، اماامروز خون آن ها برای ما و شما حرام است، کسی شما را نفریبد. زمانی «قائم علیه السلام» ما قیام کرد، خداوند انتقام ما و مؤمنان را از آن ها می گیرد.(۱)

۱- معجم احادیث الامام المهدی ۷ /۳ /۵۰۳ ح ۱۰۷۵، بشاره الاسلام: ص ۲۹۹- ۳۰۰ ح ۴۹، بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۳ با تفاوت- و ص ۳۷۶ ب ۲۷ ح ۱۷۷ برای اطلاع بیشتر به« سیمای جهان» مراجعه شود.

ص: ۱۰۰

[۳۱]- س- آیا خانه امامان رجعت کننده بعد از او، کجا خواهد بود؟.

ج- منزل امامان و پیشوایان بعد از او نیز همان «مسجد سهله» خواهد بود.

دلیل:

۱- ابی بصیر گوید به امام صادق علیه السلام «گفتم: فدایت شوم! «قائم علیه السلام» همیشه در آن جا خواهد بود؟! فرمود: بلی! گفتم: بعدی ها چه؟ فرمود:

به همین منوال خواهد بود تا انقضای خلق.»(۱)

۲- امام باقر و امام صادق علیهما السلام در یادی از کوفه فرمودند: «در آن جا مسجد سهیل (۲) است که خداوند پیغمبری را مبعوث نکرده، مگر این که در آن نماز خوانده است و در آن «قائم عجّل اللّه فرجه الشریف-» و قائم های بعد از او ساکن خواهند شد و آن است منزل های پیغمبران و اوصیا و صالحین.»(۳)

[۳۲]- س- آیا پایتخت امام کجا و در کدام شهر خواهد بود؟.

ج- روایات وارده از ائمّه علیهم السلام بدون استثنا «کوفه» را پایتخت «قائم علیه السلام» تعیین نموده اند

۱- قلت: جعلت فداك؟ لا یزال القآئم فیه أبداً؟ قال: نعم، قلت: فمن بعده؟ قال: هکذا من بعده إلی انقضاء الخلق؛ معجم احادیث الامام المهدی ۷ /۳ /۵۰۳ ح ۱۰۷۵، بشاره الاسلام: ص ۲۹۹- ۳۰۰ ح ۴۹، بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۳ و ۳۷۶ ح ۱۷۷ از کتاب مزار بعضی از قدماء اصحاب و ص ۳۸۱ ح از مزار کبیر ۱۹۱.

۲- منظور همان مسجد سهله است.

۳- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۸ ب ۳۰ ح ۸ از کامل الزّیاره.

ص: ۱۰۱

دلیل:

۱- جابر جعفی گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «سپس به سوی کوفه روی می آورد، پس منزلش در آن خواهد بود.»(۱)

۲- ابی بصیر گوید: «سپس به کوفه متوجّه می شود و خانه اش در آن است و خون هفتاد قبیله از قبایل عرب را می ریزد.»(۲)

بنا به روایات فروان دارالملک امام، کوفه و مسجد جامع آن مجلس حکم او خواهد بود.(۳)

۳- امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «خوش بخت ترین مردم در زمان ظهور، مردم کوفه است.»(۴)

۴- حضرت باقر علیه السلام فرمود: هرگاه داخل کوفه شود هیچ مؤمنی نخواهد بود، مگر این که در آن حضور خواهد داشت.(۵)

در زمان های پیشین نجف اشرف در یک فرسخی کوفه قرار داشت، در سال ۱۳۳۴ شمسی مطابق با ۱۳۷۴ قمری به بعد، زمانی که این حقیر تحصیلات خود را در جوار حرم ملکوتی مولای متّقیان و امیر آزادگان علی علیه السلام، در شهر نجف اشرف می گذراندم، میان کوفه و نجف بیابان

۱- تفسیر عیاشی: ۱/ ۶۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۲۴ ب ۲۵ ح ۸۷.

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۱ از غیبت طوسی.

۳- الزام النّاصب: ۲/ ۲۶۱؛ انوار النعمانیه: ۲/ ۸۵؛ بحار: ۵۳/ ۱۱ ب ۲۵؛ م م:/ ۳۵۹.

۴- معجم احادیث الامام المهدی: ۱/ ۳۰۴- ۳۰۵ ح ۱۹۶- ۱۹۷(رسول خدا صلی الله علیه و آله) بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۰ ب ۲۷ ح ۲۱۲(امام باقر علیه السلام)؛ یوم الخلاص: ۳۷۴.

۵- همان مدرک: ۷ /۳/ ۳۰۰ ح ۸۳۷، بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۰ ب ۲۷ ح ۵۱- ص ۳۸۵ ب ۲۷ ح ۱۹۷، بشاره الاسلام: ص ۲۹۱ ح ۲۴ غیبت طوسی: ص ۲۸۵؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۷.

ص: ۱۰۲

شن زاری بود و مزار حضرت کمیل بن زیاد بالای تلّی از ریگ و شن قرار داشت و از دور منظره زیبایی را مجسّم می نمود، ولی در سال های ۱۳۸۱ شمسی مطابق با ۱۴۲۳ قمری در زمان حکومت صدام حسین دیکتاتور عراق، و در سال ۱۳۸۳، پس از اشغال عراق توسط آمریکا، و در سال های بعد مکرر همراه خانواده که برای زیارت عتبات عالیات مشرّف شدم، مشاهده نمودم با زمان تحصیلم، خیلی فرق دارد و هرسال هم بزرگ تر می شود؛ زیرا الان کوفه به نجف اشرف متّصل شده و یک شهر حساب می شود، بنابراین طبق روایات پایتخت حضرت «قائم علیه السلام» کوفه و نجف می باشد و در زمان ظهور آن حضرت کوفه به کربلا و حیره متّصل و شهر عظیم و بزرگی را تشکیل داده و محلّ پایتخت و مقرّ فرماندهی آن حضرت قرار خواهد گرفت.

۳۳]- س- در روایات آمده است که امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف در اماکن مقدسه تغییراتی خواهد داد، در کجا و چرا؟!

ج- بلی در مکه مکرمه و مدینه منوره و مسجد کوفه و سایر اماکن، تغییراتی خواهد داد زیرا روشن است که تا ظهور امام علیه السلام اوضاع و کیفیّت ساختمان ها از نظر ساخت و ساز و مشرف بودن به حریم دیگران، بلند و مزاحم تغییر یافته و دگرگون خواهد شد، به خصوص در مساجد و اماکن مذهبی، محراب ها و سمت و سوی قبله ها تغییرات اساسی داده شده و احتمال دارد بر خلاف مقرّرات بنا شود.

بنابراین امام علیه السلام به ناچار طبق دستور شریعت اقدام به تخریب و نوسازی

ص: ۱۰۳

کرده و تغییراتی در آن ها خواهد داد وگرنه مساجد و امکنه ای که بدعتی در آن به کار نرفته و از مال حرام بنا نشده و اشکال شرعی در آن نبوده و عنوان مسجد «ضرار» رویش نیامده باشد، لزومی ندارد که امام علیه السلام امر به تخریب آن نماید و یا مرتکب تضییع اموال عمومی و اسراف کاری شود.

۱- عبداللّه بن عطا گوید: از شیخ الفقهاء (یعنی امام صادق علیه السلام) از سیره «قائم علیه السلام» سؤال کردند، فرمود: «کاری را انجام می دهد که رسول خدا صلی الله علیه و آله می داد و ویران می نماید، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهای جاهلیت را تخریب کرد و اسلام را از نو بنیاد کند.»(۱)

مراد از تخریب در این روایت و سایر روایات در این زمینه، ویران ساختن آن چه که از سنّت های بد و عادت های زشت و قواعد باطل و قانون های ناقص و ظالم که در آخرالزّمان ظاهر خواهد شد، می باشد و اسلام را تجدید می کند؛ یعنی مردم را دعوت می کند به اعتراف و عمل به آن چه که از شرایع اسلام کهنه شده است.(۲)

۲- در «دعای ندبه» فرازهایی در طول دعا وجود دارد که همگی به محو آثار ستمگران و ... برمی گردد؛ « (أینَ هادمُ أبنیه الشرک والنفاق ... أین طامسُ اثار الزیْغِ الأهواء؛(۳) کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق ... محو کننده آثار منحرفان و هوا پرستان کجاست.»

۱- منتخب الأثر: ص ۳۷۶ ف ۲ ب ۴۱ ح ۱ بنقل از غیبت نعمانی؛ اثباهالهداه: ۳/ ۵۳۹ ب ۳۲ ف ۲۷ ح ۴۹۹، بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۵۲ ب ۲۷ ح ۱۰۸ معجم احادیث الإمام المهدی: ۴/ ۵۱ ح ۱۱۲۳.

۲- منتخب الأثر: ص ۳۷۶ ف ۲ ب ۴۱ قسمت پاورقی.

۳- مفاتیح الجنان: ص ۵۳۵.

ص: ۱۰۴

۳۴]– س– در روایات آمده است که امام علیه السلام سقف مساجد را بر میدارد در این صورت آیا تکلیف مردم مناطق سرد سیری بیش از ۳۰ درجه زیر صفر یاگرمای بالای ۵۰ درجه چه خواهد شد؟ لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید تا از شبهه بیرون آئیم.

ج- در پاسخ پرسش قبل گفتیم: مسئله هدم مساجد آن طور که از جمع بندی روایات استفاده می شود، شامل مساجدی است که از مال حرام و غصبی و ربا و به طور کلّی نامشروع ساخته شده باشد و یا از شکل مسجد بودن بیرون رفته و به شکل های غیر اسلامی در آید، یا آن قسمت هایی که از مستحدثات و بدعت های بعد از رسول خداست، را از بین می برد؛ زیرا مأموریتش آن است که از بدعت جلوگیری نماید وگرنه مساجدی که از راه مشروع و از مال حلال و مطابق شرع انور ساخته شده است، متعرّض آن ها نخواهد شد، به این روایات دقت نمائید.

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «زمانی که «قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» قیام کرد، با چه سیرتی با مردم رفتار خواهد کرد؟ باز فرمود: بناهای (حرام) پیش از خود را خراب می نماید، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و اسلام را از نو می سازد.»(۱)

۲- حضرت صادق علیه السلام فرمود: آثار ظالمین را در مکه و مدینه و عراق و سایر اقالیم تخریب و نابود کند و قصر عتیق کوفه را ویران نماید.(۲)

۱- غیبت نعمانی: ص ۲۳۲؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۱۰.

۲- أنوارالنّعمانیّه: ۲/ ۸۴؛ بشاره الإسلام: ص ۳۱۵ ح ۷۱ الزام النّاصب فی اثبات الحجّهالغائب: ۲/ ۲۶۰؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱ ب ۲۵ ح ۱.

ص: ۱۰۵

۳- امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیث طولانی، مواد پیمانی را که هنگام بیعت امام «مهدی» از مردم خواهد گرفت، مشروحاً بیان فرموده است که در ماده ۱۱ آن پیمان نامه از اقشار مختلف مردم تعهد می گیرد که «مسجدی را خراب نکنند.»(۱)

۴- ابی هاشم جعفری گوید: نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم که فرمود: «وقتی که «قائم علیه السلام» قیام کرد، دستور می دهد تمام مناره ها و جایگاه های مخصوص امام جماعت را در مساجد تخریب کنند. گفتم:

برای چه این کار را می کند؟! رو به من کرد و فرمود: معنایش این است که آن ها نو ظهور و بدعت است، نه پیغمبری و نه حجّتی آن ها را بنا کرد.»(۲)

۵- «مسجدهای بلند را تخریب کرده و سایبانی مانند سایبان موسی علیه السلام قرار می دهد.(۳)

البتّه در این مضمون روایات دیگر نیز آمده است و این در صورتی امکان پذیر است که:

الف: در اثر پیشرفت های علمی آن روز، برای گرمایش و سرمایش مردم وسایلی اختراع شود که نیازی به وسایل نگهدارنده امروز نباشد.

۱- منتخب الأثر: ص ۴۶۹؛ یوم الخلاص؛ حدیث ۵۶۴؛ زندگانی امام زمان علیه السلام ص ۱۵۴، قسمتی از پیمان نامه را در ج ۱« سیمای جهان» آورده ام.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۲۷۱ ح ۱۳۰۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۳ ب ۲۷ ح ۳۲ از غیبت طوسی؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۲ از العوالم صدوق؛ نوائب الدّهور: ۳/ ۳۳۶؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۹.

۳- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم.

ص: ۱۰۶

ب: ممکن است در مناطق معتدل این دستور اجرا شود وگرنه در جاهایی که مردم در گرمای بالاتر ۵۰ درجه و سرمای ۳۰ درجه زیر صفر زندگی می کنند، عاقلانه نیست که امام سقف ها را بردارد و مردم را در هوای باز زیر گرما و سرما به امان خدا رها سازد؟!

ج: این که تا آن روز افق ها به گونه ای تغییر یابد که هوا معتدل شود و برای عموم قابل زیست باشد و یا بدن ها مقاوم شود و سرما خوردگی و امراض گوناگون در بدن ها مؤثر نبوده و در سایه دانش کامل آن روز و پیشگیری از بیماری ها، نیازی به تشریفات کنونی نباشد، وگرنه در هوای سرد و گرم طاقت فرسای امروزی مناطق مختلف، به دیوار و سقف و وسایل گرما و سرما نیاز مبرم می باشد که در آن صورت تخریب آنها معنائی نخواهد داشت مگر اینکه نوسازی شود.

۳۵]- س- آیا اساساً این کارها اسراف و به هدر دادن بیت المال نیست؟!.

ج- در طول این مباحث یک نکته را فراموش نفرمائید وقتی که امام با سیره رسول خدا پیش خواهد رفت وخود نیز حجت خدا و امام زمان است، کاری که انجام می دهد، حق آن است و موافق شریعت؛ پس هر کاری را انجام دهد رضای خدا در آن است؛ زیرا حفظ بیت المال را او عهده دار است و درس اسلامیت را او خواهد داد.

ص: ۱۰۷

بنابراین امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف- به ناچار طبق دستور شریعت اقدام به تخریب و نوسازی کرده و تغییراتی در آن ها خواهد داد وگرنه مساجد و امکنه ای که بدعتی در آن به کار نرفته و از مال حرام بنا نشده و اشکال شرعی در آن نبوده لزومی ندارد که امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف- امر به تخریب آن نماید و یا مرتکب تضییع اموال عمومی و اسراف کاری شود.

۳۶]- س- آیا مساجد نقش دار که بنا می شود، آن حضرت تخریب خواهد نمود؟!

ج- بلی مسجدی که از صورت سجده گاه بودن خارج شود را تخریب و به صورت مسجد و محل سجده واقعی در خواهد آورد.

«عمروبن جمیع گوید: از امام باقر علیه السلام درباره نماز خواندن در مسجدهایی که در آن نقاشی و تصویر شده است، سؤال کردم. فرمود:

من خوش ندارم ولیکن امروز برای شما ضرر ندارد و اگر (امام) عدل قیام کند، خواهید دید چگونه رفتار خواهد کرد.»(۱)

۳۷]- س- آیا در مقام ابراهیم علیه السلام تغییری خواهد داد؟!.

ج- بلی زیرا

۱- مقام ابراهیم همان سنگی بود که موقع بنای کعبه، حضرت ابراهیم و اسماعیل آن را زیر پایشان می گذاشتند و گِل و سنگ به دیوار بلند

۱- تهذیب الأحکام: ۳/ ۲۵۹ ب ۲۵ ح ۷۲۶/ ۴۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۴ ب ۲۷ ح ۱۷۱؛ فروع کافی: ۳/ ۳۶۹ باب بناء المساجد ح ۶.

ص: ۱۰۸

می کردند و به کعبه چسبیده بود، اعراب آن را بعدها به مقام فعلی گذاشتند. وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث شد، آن را به جای اوّلی برگردانید (و به بیت چسبانید) در زمان پیامبر و ابوبکر به بیت چسبیده ماند، وقتی عمر به سر کار آمد، باز آن را به محلّ فعلی برگردانید.(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «و یردّ مقام ابراهیم إلی موضعه الأوّل من موضعه الان الّذی وضعه عمر ویضع البدع ویقیم السنّه؛(۲) قائم عجل اللّه تعالی فرجه، مقام ابراهیم را از مکان فعلی که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عمر آن را در آن جا قرار داد، به محلّ اوّلش برمی گرداند و بدعت ها را از بین می برد و سنّت را اقامه می کند.»

ابن اجیر گوید: مقام ابراهیم علیه السلام آن سنگی است که برای بنای کعبه روی آن ایستاده بود، یا برای اعلان حج روی آن ایستاد. (از دیگران)

اما علوی و ابن جماعه گویند: آن زمان که برای ندا کردن مأموریّت یافت، روی آن سنگ ایستاد و سنگ مانند بلندترین کوه های عالم شد و ندای (دعوت به حج را) سرداد.

۱- از مباهله تا عاشورا: ص ۲۷۵ بنقل از طبقات ابن سعد: ۳/ ۲۰۴؛ سیوطی در تاریخ الخلفاء ص ۵۲؛ شرح نهج البلاغه ء ابن ابی الحدید: ۳/ ۱۱۳؛ حیاةالحیوان دمیری: ۱/ ۳۶۶ ماده« دیک»؛ ابن جوزی: ۱/ ۶۰ النّصّ و الإجتهاد: ص ۱۷۰؛ باز روایاتی با کمی تفاوت در مدارک دیگر آمده است؛ تهذیب الأحکام: ۵/ ۴۵۴ ح ۱۵۸۶؛(بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم).

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۲۵ ب ۲۵ ح ۸۸؛ أمالی مفید: ص ۱۴۴ مجلس ۱۱ ح ۲؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم(البدع جمع بدعه و هو ادخال مالیس من الدین فی الدّین و السّنن جمع سنّه و هی فی الصناعه طریقه النّبیّ صلی الله علیه و آله قولًا و فعلًا و تقریراً أصاله أو نیابه).

ص: ۱۰۹

ابن عباس گوید: وقتی که ابراهیم علیه السلام برای پیدا کردن پسرش اسماعیل آمد و او را پیدا نکرد (در خانه اش نبود) زن اسماعیل (عروسش) گفت: پیاده شو (اسماعیل نیست، خانه اش که هست) پیاده نشد. او گفت: پس اجازه ده سرت را بشویم. ابراهیم علیه السلام را کنار آن سنگ آورد، او در حالی که سواره بود یک پایش را روی سنگ گذاشت و یک طرف سرش را شست. پس او را بلند کرد (دید) پایش به سنگ فرو رفته و پای دیگرش را برای شستن طرف دیگر سرش روی سنگ گذاشت، دوباره آن یکی پایش نیز به سنگ فرو رفت و خداوند آن سنگ را از شعایر (حج) قرار داد.(۱)

۳۸]- س- آیا در خود کعبه و مسجدالحرام تغییراتی خواهد داد یا نه؟.

ج- بلی تغییرات اساسی هم در خود کعبه و هم در مسجدالحرام انجام خواهد داد زیرا از روایت بعدی، معلوم می شود تا آن روز در این امکنه مقدسه تغییرات کلی پیش آمده و انجام می گیرد آن گونه که الان می بینیم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «و کعبه را تخریب می کند و آن را بر اساس ابراهیم و اسماعیل بنا می نماید و مسجدالحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله را خراب می کند و آن دو را به صورتی که در زمان پیغمبر بود می سازد و مقام ابراهیم را از محلّ فعلی که عمر گذاشته به محلّ اوّلش برمی گرداند و بدعت ها را می نهد و سنّت ها را اقامه می نماید.»(۲)

۱- جواهر الکلام: ۱۹/ ۲۹۵.

۲- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم محتضر: باز در این مورد روایات متفاوت و قریب المضمون در منابع دیگر وجود دارد؛(- أنوارالنّعمانیّه: ۲/ ۸۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱ ب ۲۵؛ بشاره الإسلام ص ۳۱۵ ح ۷۱.)(- غیبت طوسی: ص ۲۸۲؛ ارشاد: ص ۳۴۳؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۳ و ۲۳۹ از امام باقر علیه السلام بالفظ دیگر؛ وسائل الشّیعه: ۲/ ۳۵۶- ۳۵۳ احادیث زیاد؛ یوم الخلاص: ص ۲۷۵؛ اعلام الوری: ص ۴۳۱؛ غیبت نعمانی: ص ۱۶۵ جز اولش؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۷ از غیبت طوسی؛ الإمام المهدی: ص ۲۷۴.)(- امام مهدی: ص ۵۵۸ بنقل از ارشاد.(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۸ ب ۲۷ ح ۸۰ از ارشاد.))

ص: ۱۱۰

۲- مفضّل گفت: ای آقای من، با خانه (یعنی کعبه) چه می کند؟!

فرمود: خراب می کنـد و جز قواعـد و پـایه ها که خداونـد فرموده: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّهَ مُبارَكاً)(۱) چیزی باقی نمی گـذارد، آن گونه که در عهـد آدم بود و آن چه را که ابراهیم و اسـماعیل بالا بردند، اما آن چه که بعد از آن دو بنا شده و پیغمبر یا وصیّ پیغمبری بنا نکرده است، سپس آن را آن گونه که خدا خواسته بنا می نماید.»(۲)

۳- ابی بصـیر گوید که امام صادق علیه السـلام فرمود: «قائم علیه السـلام» مسـجدالحرام را منهدم می کند و به اساس اوّلیه اش برمی گرداند و مسجد رسول صلی الله علیه و آله را تا بر اساسش و کعبه را به محلّش برمی گرداند و بر اساس نخستین آن بنا می نماید و دست های بنی شیبه، دزدان خانه خدا را قطع می کند و به کعبه می آویزد.»(۳)

۴- امام صادق علیه السـلام فرمود: زمانی که «قائم» قیام کند، ساختمان مسـجد الحرام را خراب کند تا به صورت اوّلیه اش برگردد و مقام ابراهیم

۱- آل عمران: ۹۶.

۲- أنوارالنّعمانیّه: ۲/ ۸۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱ ب ۲۵؛ بشاره الإسلام ص ۳۱۵ ح ۷۱.

۳- غیبت طوسـی: ص ۲۸۲؛ ارشاد: ص ۳۴۳؛ الزام النّـاصب: ص ۲۲۳ و ۲۳۹ از امام باقر علیه السـلام بالفظ دیگر؛ وسائل الشّـیعه: ۲/ ۳۵۶- ۳۵۳ احـادیث زیاد؛ یوم الخلاص: ص ۲۷۵؛ اعلام الوری: ص ۴۳۱؛ غیبت نعمانی: ص ۱۶۵ جز اولش؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۷ از غیبت طوسی؛ الإمام المهدی: ص ۲۷۴.

ص: ۱۱۱

را نیز به محلّی که قبلًا بوده، برمی گرداند.(۱)

۵- ابو بصیر گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که «قائم» قیام کرد، مسجدالحرام را خراب نموده و به اساس نخست برمی گرداند و مقام را به محلّی که بود، تغییر می دهد و دستان بنی شیبه را بریده به دَرِ کعبه می آویزد و بر آن می نویسد: اینان دزدان کعبه هستند.»(۲)

۳۹]- س- آیا برای مسجد مدینه هم تغییراتی خواهد داد؟.

ج- بلی زیرا می بینیم که هرچند مدتی اضافاتی بر آن مسجد انجام می گیرد و خواهد گرفت، پس به این خاطر آن حضرت به حالت زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورد زیرا

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «و یهدم مسجدالحرام ومسجد رسول اللّه صلی الله علیه و آله ویصنعهما علی ماکانا علیه فی زمن النبیّ صلی الله علیه و آله؛(۳) و مسجدالحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله را خراب می کند و آن ها را می سازد، آن طور که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: مسجد النّبی را درهم شکند، سپس فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عریش کعریش موسی؛ سایه بانی باشد مانند سایبان موسی علیه السلام.»(۴)

۱- امام مهدی: ص ۵۵۸ بنقل از ارشاد.

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۸ ب ۲۷ ح ۸۰ از ارشاد؛ راجع به حدود مسجد الحرام که بزرگتر از فعلی بوده است به« سیمای جهان» ج ۲ ص ۳۲۷ که روایات و تحقیقات مفید دارد، مراجعه نمائید.

۳- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم.

۴- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۸۶ ب ۲۷ ح ۲۰۰.

ص: ۱۱۲

۴۰]- س- آیا برای مسجد کوفه، مانند مکه و مدینه دگر گونی هائی انجام خواهد داد؟!.

ج- بلی در این مسجد نیز تغییراتی خواهد داد زیرا در این مسجد اضافات هست و یا خواهد بود که بادست حضرت اصلاح خواهد شد البته در نظر داشته باشید این تغییرات مساجد مانع از آن نخواهد بود که حضرت مساجد خیلی بزرگتر از اینها را برای مردم در هرشهر و حتی در پایتخت مسجدهای پانصد و هزار و دوازده هزار دَری که ظرفیت آن همه جمعیت پایتخت داشته باشد، بسازد.

۱- حبّه عُرنی از قول امیرمؤمنین علیه السلام فرمود: مثل این که به شیعیان خودمان نگاه می کنم که در مسجد کوفه چادرها زده و قرآن را آن گونه که نازل شده، آموزش می دهند. هرگاه «قائم علیه السلام» ما قیام کند، مسجد کوفه را درهم شکند و قبله آن را راست گرداند.(۱)

۲- هم چنین فرمود: صدّیق اکبر با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار می رود، در حالی که تازیانه در دست، دوبار به زمین هجرت که کوفه است، فرود آید و خانه های جبابره را که در اطراف مسجد است، خراب نماید.(۲)

۳- اصبغ بن نباته گوید: آن وقت که مسجد کوفه با گِل و کوزه شکسته و ظروف بنا شده بود، امیرمؤمنان علیه السلام به آن رو کرد و فرمود: وای بر

۱- معجم أحاديث امام المهدی: ۳/ ۱۲۶ ح ۶۶۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۴ ب ۲۷ ح ۱۳۹.

۲- معجم أحاديث امام المهدی: ۵/ ۸۲ ح ۱۵۰۴؛ مختصر بصائرالدّرجات: ص ۲۰۱ بحارالأنوار: ۵۳/ ۸۵ ب ۲۹ ح ۸۶ س ۱۰.

ص: ۱۱۳

آن کس که تو را خراب کنـد و وای بر آن کس که تو را با آجر پخته بناکنـد! قبله نوح را تغییر خواهـد داد؛ خوشا به حال آن کس که خراب کردن تو را با «قائم» اهل بیت علیهم السلام من مشاهده کند! آنان اخیار امتند با ابرار عترت.(۱)

۴- حضرت صادق علیه السلام فرمود: مسجد کوفه را خراب کند و بر بنیان اوّل بنا کند.(۲)

علاوه بر مسجد اعظم کوفه چندین مسجد دیگر را در کوفه ویران خواهد نمود.

۵- ابی بصیر در ضـمن حدیثی گوید: «زمانی که «قائم علیه السلام» قیام نمود، وارد کوفه می شود و دستور تخریب چهار(۳) مسجد را صادر می فرماید

۱- معجم أحادیث امام المهدی: ۳/ ۱۱۱ ح ۶۵۰؛ غیبت طوسی: ص ۴۷۳ ف ۸ ح ۴۹۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۶۰.

۲- أنوارالنّعمانیّه: ۲/ ۸۴؛ بشاره الإسلام: ص ۳۱۵؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۲۶۰؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱ ح ۱ س ۸.

۳- منظور از این مساجـد ممکن است مسـجد کوفه و سـهله و مسـجد زیـدبن صوحان و صعصـعه بن صوحان باشـد؛ وقتی که این ها تخریب شد آن ها را؛ مانند عریش موسی علیه السلام قرار می دهد(عریش خیمه مانندی است که به طور سایه بان زده می شود و یا ستون های چوبی است که روی آن ها را با لیف خرما بپوشانند) بدون این که دیوار بلند و یا مناره داشته باشد آن گونه که در زمان رسول خدا صـلی الله علیه و آله بود چنان که در حدیث آمده است: إنّ المساجد لا تشرف تُبنی جماء ای لا تشرف جدرانها؛ مساجد بدون مشـرف ساخته می شود. یا ممکن است منظور مسجد چهارگانه ای باشد که به شکرانه شهادت امام حسین علیه السلام بنا شده بود را تخریب نماید و منظور از محلّ مرتفع مساجد، قسـمت های بلند آن ها که در داخل مسجد برای طبقه اشراف بنا می کنند و به آن ها« شاه نشین» گویند را تخریب نماید تا اختلافات طبقاتی از بین برود.

ص: ۱۱۴

تا به اساس برسد و آن ها را مانند عریش موسی قرار دهد و همه مساجد همانند زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بدون مشرف و دیوار بلند خواهد بود.»(۱)

[۴۱]- س- با مأنوس بودن مسلمانها به این امکنه آیا این تغییرات ضرورت خواهد داشت؟!

ج- مسلمان ها با خیلی از اعمال نامشروع خو گرفته و عادت کرده و خواهند کرد، امام برای برچیدن بدعت ها و پایان دادن به نامشروع ها، می آید، مشرکین خود و نیاکانشان به بت پرستی عادت داشتند. عادت مردم، مانع از ریشه کن ساختن آن عادت ها و بدعتها وپیاده کردن اسلام واقعی نخواهد بود.

[۴۲]- س- شنیده ایم که در وسط مسجد کوفه چشمه های آب و نفت وجود دارد و در زمان آن حضرت بیرون می آید آیا این مطلب صحت دارد یانه؟!

ج- بلی روایاتی مانند روایت های ذیل در این مورد، آمده است.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: جدّم امیرمؤمنان علیه السلام در وصف مسجد کوفه می فرماید: «فی وسطه عین من دهن و عین من ماء شراب للمؤمنین و عین من ماء طهور للمؤمنین؛ در وسط مسجد چشمه ای از روغن

۱- معجم الملاحم و الفتن: ۴/ ۱۰؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۱ از غیبت طوسی. مشابه این روایت در(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۹ ب ۲۷ ح ۸۴ از ارشاد از امام باقر علیه السلام.)

ص: ۱۱۵

و چشمه ای از شیر و چشمه ای از آب برای نوشیدن مؤمنان و چشمه ای از آب برای شستشوی مؤمنان وجود دارد.»(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «ویظهر فی مسجد الکوفه عین من دهن وعین من ماء للطّهور وعین من ماء للشّرب؛(۲) و ظاهر می شود (یامی کند) در مسجد کوفه، چشمه ای از روغن و چشمه ای برای شستشو و دیگری برای شرب (نوشیدنی).»

چشمه های چهار گانه مذکور در مطالب فوق از دست آوردهای مهم حضرت «قائم» می باشد و هر کدام از آن ها فراوان و جواب گوی نفوس پایتخت به آن عظمت را خواهد داشت.

۳- امام حسین علیه السلام در حدیث طولانی به اصحابش فرمود: «ثمّ إنّ اللّه یخرج- من مسجد الکوفه عیناً من دهن وعیناً من ماء وعیناً من لبن؛(۳) سپس خداوند از مسجد کوفه چشمه ای از روغن و چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر بیرون می آورد.»

پس اگر این گونه روایت ها از نظر فنی اشکال نداشته باشد، می دانیم که عراق سرشار از معدن نفت است که با حفّاری های گوناگون به مرور زمان آن را کشف کرده و مورد استفاده قرار می دهند، از این رو هیچ بُعدی ندارد که در وسط مسجد کوفه هم «دری» از انبارهای طبیعی نفت وجود داشته باشد که بعد از ظهور «قائم علیه السلام» با دست آن

۱- تهذیب الأحکام: ۱/ ۳۲۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۴ ب ۲۷ ح ۱۷۲ از اصول کافی؛ بیان الأئمه: ۳/ ۲۵۶ از الکتاب المبین.

۲- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۵۶ از صدوق.

۳- بحارالأنوار: ۵۳/ ۶۱ ب ۲۹ ح ۵۲ از الخرایج.

ص: ۱۱۶

حضرت کشف گردد.

«عین من دهن» (چشمه ای از روغن) را به نفت معنا کرده اند؛ چون نفت روغن معدنی و قابل احتراق سریع است و به آن طلای سیاه نیز گفته می شود و در بعضی روایات «الکبریت والنفط» تعبیر شده است.(۱)

۴۳]- س- آیا در دولت کریمه نسبت به اماکن خصوصی یا عمومی اصلاحاتی انجام خواهد گرفت؟!.

ج- بلی روایات بسیاری پیرامون اصلاحات عمومی که توسط مقام ولایت کبرای الهی انجام خواهد گرفت، آمده است و بزرگانی مانند شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب غیبت و نیز نعمانی قدس سره در کتاب غیبت خود، شیخ حرّ عاملی قدس سره در وسایل الشّیعه و مرحوم مجلسی قدس سره در بحارالانوار و سایر بزرگان در کتب خود آورده اند که به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم.

خیابان کشی ها و بزرگراه ها

یکی از عوامل پیشرفت و آبادانی کشور، وجود راه ها و بزرگراه ها و خیابان های وسیع و تحرّک وسایل نقلیه و رفت و آمد و تردّد زیاد است. کارشناسان محیط زیست آن ها را به شریان و رگ های بدن تشبیه کرده اند، آن گونه که «رگ ها» تأمین کننده وسایل «حیات» ساختمان بدن و خون رسانی به ریشه های ریز و درشت آن است،

۱- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۵۷.

ص: ۱۱۷

همان گونه بزرگراه ها و خیابان های آباد و کوچه های گشاد و وسیع، عهده دار عمران و آبادانی کشور می باشد.

در زمان «دولت کریمه» مسؤولین و گردانندگان کشور و در رأس آن مقام عظمای ولایت حضرت بقیّه اللَّه الأعظم- روحی وأرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء- به اجرای پروژه های مهم ارتباطات زمینی و هوایی اقدام خواهد کرد، تا بندگان خدا که به آن ها «عیال اللَّه» گفته می شود، در رفاه و آسایش و با خاطر آسوده زندگی کنند.

ابی بصیر گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «و یوسّع الطریق الأعظم؛(۱) و بزرگ راه ها را توسعه می دهد.»

رفع موانع از سر راه ها

«ویهدم کلّ مسجد فی الطریق؛(۲) و هر مسجدی که در مسیر راه قرار گرفته است خراب می نماید (چون جایی که سد راه نماید، صلاحیت مسجد شدن را ندارد و خواندن نماز در مسیر مردم و سدّ معبر و ایجاد مزاحمت جایز نیست).»

پنجره های مشرف به راه

پنجره های مشرف بر گذرگاه ها نقش بزرگی در فساد و خیانت های جنسی و نظایر آن دارد که وجود آن ها سبب می شود هرچه در درون خانه ها می گذرد، به بیرون انتقال یابد، به خصوص در تابستان ها

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۹ ب ۲۷ ح ۸۴ از ارشاد.

۲- وسائل الشّیعه: ۲/ ۱۸۴ ب ۹۷ ح ۲۵۳۷۸. مهدی منتظر: ۴۲۴؛ معجم الملاحم و الفتن: ۴/ ۱۰ حارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۷ از غیبت طوسی

ص: ۱۱۸

و روزهای گرم سال که در معرض دید قرار می گیرد.

«ویسدّ کلّ کوّه إلی الطریق؛(۱) قائم علیه السلام دریچه ها و پنجره های باز شده به خیابان ها و کوچه ها را مسدود می کند (ایجاد پنجره های جدید را به شوارع ممنوع اعلام می دارد).»

برچیده شدن بالکن ها و ناودان ها

۱- «ویسدّ کلّ جناح وکنیف ومیزاب إلی الطریق؛(۲) تمامی بالکن ها و فاضلاب ها و ناودان هایی که مشرف و یا واقع در راه هاست را می بندد.

(زیرا فضای باز خیابان ها و کوچه ها حقّ مسلّم عموم است و این کارها تجاوز به حقّ عمومی است).»

۲- «و یخرّب کلّ رازونه وجناح إلی الطریق وکذاالمیازیب؛(۳) و همه روزنه ها و ایوان ها را تخریب می نماید، هم چنین ناودان ها (زیرا وجود این عملیات باعث آلودگی محیط زیست و سبب لغزندگی و افتادن افراد سالخورده و زنان هنگام بارندگی و ده ها مسایل دیگر می شود).»

۳- ابی بصیر گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «وکسر کل جناح خارج- عن الطریق؛(۴) تمام بالکن های مزاحم بر راه ها را می شکند.»

۴- ابی بصیر گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «و أبطل الکنیف والمیازیب إلی

۱- تهذیب الأحکام: ۱۰/ ۳۱۴ ح ۱۱۶۹؛ وسائل الشّیعه: ۱۹/ ۱۸۱؛ معجم الملاحم و الفتن: ۴/ ۸ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۱ از غیبت طوسی.

۲- وسائل الشّیعه: ۲/ ۱۸۴ ب ۹۷ ح ۲۵۳۷۸. مهدی منتظر: ۴۲۴؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۱۰ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۱ از غیبت طوسی.

۳- وسائل الشّیعه: ۲/ ۱۸۴ ب ۹۷ ح ۲۵۳۷۸. مهدی منتظر: ۴۲۴؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۱۰.)

۴- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۹ ب ۲۷ ح ۸۴ از ارشاد.

ص: ۱۱۹

الطرقات و لا یترک بـدعه إلا أزالها ولا سـنه إلا أقامها؛(۱) فاضـلاب و ناودان های مشـرف بر راه ها را نابود می کنـد و بدعتی نمی گذارد، مگر این که آن را زایل می گرداند و سنّت (تعطیل شده ای) نماند، مگر این که آن را پایدار سازد.»

تخریب خانه های مشرف به همسایه

۱- «والبیوت الّتی تشرع إلی الجوار؛(۲) و خانه هایی که مشرف به (حریم) همسایه است را مسدود و یا تخریب می نماید.»

۴۴]- س- آیا در دولت کریمه قوانین راهنمایی و رانندگی خواهد بود، در صورت مثبت بودن جواب، به چه صورتی در خواهد آمد؟!

ج- بلی قوانین راهنمـائی یکی از عوامل ایجاد امنیت اجتماعی و زنـدگی همگانی است، هر دولتی بایـد این قوانین را داشـته باشـد و گرنه نظم بهم می خورد و عبور و مرور بـا مشـکلات زیاد، روبرو می گردد، حکومت امام هم از این قانون مسـتثنی نخواهـد بود، به روایت بعدتوجه نمائید.

سواره ها از وسط و پیاده ها از کنار

۱- علیّ بن سوید گوید: که امام موسـی بن جعفر علیهما السـلام فرمود: زمانی که «قائم ما» قیام کند، می فرماید: ای گروه سواره ها! از وسط راه (خیابان یا جاده ها) حرکت کنید و ای گروه پیاده ها! از کنار دو طرف راه (پیاده روها) عبور و مرورنمائید.

۱- همان مدرک: ۵۲/ ۳۳۹ ب ۲۷ ح ۸۴ از ارشاد.

۲- همان

ص: ۱۲۰

پس هر سواره ای از پیاده رو برود و کسی را معیوب کند، به پرداخت دیه الزام می کنم و هر پیاده ای از وسط راه (سواره رو) ادامه مسیر دهد و عیبی به او برسد، (تصادف کند) برای او دیه پرداخت نمی شود.»(۱)

۲- در اثبات الهداه از قول امام کاظم علیه السلام نقل می کند که فرمود: هرگاه قائم قیام نماید، بگوید: ای سواره ها! از وسط جاده و ای پیادگان! از هر دو طرف جاده (از پیاده روها) بروید.(۲)

آقایان از میانه راه و بانوان از کنار

۱- امام کاظم علیه السلام فرمود: «لا ینبغی للمرأه أن تمشی فی وسط الطریق ولکنّها تمشی إلی جانب الحائط؛(۳) شایسته نیست زنان از وسط راه بروند ولکن آن ها از (کنار جاده) بغل دیوار رهسپار شوند (تا با مردان در راه تلاقی نداشته باشند).»

۲- ولیدبن صبیح گوید که امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لیس للنّساء من سروات الطریق شی ء تمشی فی جانب الحائط والطریق؛(۴) بانوان حق ندارند از وسط راه ها راه بروند، بلکه از کنار

۱- تهذیب الأحکام: ۱۰/ ۳۱۴ ح ۱۱۶۹؛ وسائل الشّیعه: ۱۹/ ۱۸۱؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۸.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۱۳۶ ح ۱۱۹۵؛ اثبات الهداه: ۳/ ۴۵۵ ب ۳۲ ف ۲ ح ۸۱؛ تهذیب الأحکام: ۱۰/ ۳۱۴ ب ۲۸ ح ۱۱۶۹.

۳- من لایحضره الفقیه: ۳/ ۳۶۶ ح ۱۷۴۱؛ معانی الأخبار: ۱/ ۱۵۶؛ وسائل الشّیعه: ۲۰/ ۱۸۴ ب ۹۷ ح ۲۵۳۷۸.

۴- اصول کافی: ۵/ ۵۱۸ ح ۱؛ وسائل الشّیعه: ۲۰/ ۱۸۳ ح ۲۵۳۷۶. سروات الرّیق ای ظهر الطّریق و وسطه(مجمع البحرین: ۲/ ۳۶۸)؛ مختارالصّحاح: ص ۱۶؛ لسان العرب: ۱۴ / ۳۷۹؛ الفائق فی غریب الحدیث: ۲ / ۱۲۵ باتغییر کمی سَرات- سَرَوات ج: پشت بالابرآمدگی روز میانه راه و جای بلند.(المنجد لغت سراه). مشابه این روایت در(- اصول کافی: ۵/ ۵۱۹ ح ۴؛ وسائل الشّیعه: ۲۰/ ۱۸۳ ح ۲۵۳۷۷. شیخ صدوق قدس سره نیز این روایت را در کتاب معانی الأخبار: ۱/ ۱۵۶ آورده است.) از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و(- وسائل الشّیعه: ۲۰/ ۲۲۱ شماره ۱۲۳ باب(جمله من الأحکام المختصّه بالنّساء از خصال صدوق. از امام باقر علیه السلام»

ص: ۱۲۱

دیوار و راه رهسپار شوند.»

۴۵]- س- آیا درست است که امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف برای مستحبی ها اجازه طواف مستحبی نخواهد داد؟!.

ج-- بلی، زیرا می دانیم که ادای یک عمل واجب، هزاران مرتبه از عمل مستحبّی مهم تر است؛ چون به جا نیاوردن واجبات مسؤولیت شرعی دارد و در ذمّه فرد می ماند، اما انجام ندادن مستحب هیچ گونه مسؤولیت و گناه شرعی ندارد. در زمان «قائم» کره زمین یکپارچه کشور واحد اسلامی خواهد بود و مسلمان ها موظف به انجام مناسک حج، بدون تشریفات گذرنامه و گمرک و غیره خواهند شد؛ در نتیجه محلّ طواف هر چه هم توسعه یابد، مقام ابراهیم از وسط برداشته شده و به محلّ اصلی (به بیت) چسبیده شود، باز هم جا تنگ و ظرفیت آن همه جمعیت حجاج را نخواهد داشت، پس اگر بنا باشد آنهائی که با انجام اعمال مستحبی مطاف را اشغال کنند، واجبی ها از بجا آوردن اعمال واجب، ناتوان مانده و موفق نخواهند شد، در این صورت ضرورت ایجاب خواهد کرد آن حضرت مستحبی هارا از اشغال جای واجبی ها، منع نماید. به این جهت از دستورهای اولیه «قائم علیه السلام» آن می باشد، کسانی که عمل واجب را به پایان رسانیده اند، محل را به نفع آن هایی که عمل واجب را تمام نکرده اند، ترک نمایند

و با مستحبات جا را اشغال نکنند تا مسلمان های دیگر به اعمال واجب خود برسند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «أوّل ما يظهر القائم عليه السلام من العدل (من الغد) أن ينادى مناديه أن يسلم صاحب النافله لصاحب الفريضه الحجر الأسود والطواف (وللطّواف)؛(۱) اوّلین قانون عدل که از فردای روز ظهور اعلام می شود، این است که صاحبان اعمال مستحبّی در حج، حجرالاسود و محلّ طواف را به صاحبان اعمال واجب واگذارند و مزاحم آن ها نشوند.»

۴۶]– س– روایات در بیان تسلیحات نظامی امام در جنگ ها و پیکارها که کُلًّا با کلمه «سیف و سیوف»؛ یعنی شمشیر و شمشیرها، آمده است§ مانند این روایت؛ امام صادق علیه السلام فرمود:« زمانی که« قائم علیه السلام» قیام کرد، شمشیرهای جنگ، نازل می شود و بر هرشمشیر، نام و نام پدر صاحبش، نوشته خواهد شد. غیبت نعمانی: ص ۲۴۴ ح ۴۵؛ معجم الملاحم والفتن: ۴ / ۱۱ §.آیا همان شمشیرهای قدیم و عهد عتیق است و ارتش آن حضرت در برابر تسلیحات پیشرفته و فوق مدرن جهان با اعجاز پیش روی خواهد کرد یا بگونه ای دیگر، لطفاً این را روشن و شفاف بیان فرمائید؟.

ج– ابتدا به یک نکته توجه نمائید، در محاورات روز مره مثل هائی هست که می گویند: در برابر فلان موضوع سر تسلیم فرود نیاورید–

۱– کافی: ۴/ ۴۲۷؛ من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۱۶۱؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۶۴ ح ۱۱۳۷، بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۴ ب ۲۷ ح ۱۶۹. بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۳ از العوالم؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۳.

ص: ۱۲۳

حواله شما باشمشیر است- و یا به زور شمشیر، حق خود را می گیرم- یا از قدیم معروف بود، کشور با دو چیز اداره می شود، قلم و شمشیر- همه این تعبیرها جنبه سمبولیک دارند و مفهوم آن تکیه بر قدرت و استفاده از نیروی نظامی است.

ضرب المثل های بسیاری امروز در این زمینه در دست است، مثلًا می گویند: «فلان کس شمشیر را از رو بسته» یعنی آشکارا قدرت نمایی می کند یا این که «شمشیر میان ما و شما حکومت خواهد کرد» اشاره دارد بر این که جز از راه جنگ مسأله حل نمی شود یا این که «شمشیرها را غلاف نمی کنیم تا به هدف برسیم» کنایه از این است که مبارزه را تا آخر ادامه می دهیم، یا این که «فلان کس شمشیرش را غلاف کرده» یعنی دست از پیکار برداشته است، یا «فلان کس شمشیر دو دم است» یعنی از دو سو مبارزه می کند. تمام این تعبیرات از شمشیر، کنایه از قدرت و مبارزه است.

در روایات اسلامی نیز می خوانیم «الجنّه تحت ظلال السّیوف» بهشت زیر سایه شمشیرها است؛ «السّیوف مقالید الجنّه» شمشیرها کلیدهای بهشتند؛ همه این عبارات اشاره به جهاد و جانبازی و استفاده از قدرت است و این گونه تعبیرات سمبولیک از «شمشیر» یا «قلم» در زبان های مختلف فراوان است.

از این جا روشن می شود که منظور از قیام مهدی علیه السلام با شمشیر، همان اتّکا به قدرت است.

در این گونه تعبیرها دو نوع معنا نهفته است.

۱- چون در زمان ائمّه معصومین علیهم السلام، أسلحه کلاسیک و مدرن امروز

وجود نداشت، برای تفهیم مردم ناچاراً، از همان اسلحه مألوف و معهود، نام می بردند چون راهی دیگر وجود نداشت، در این صورت می توان گفت، که حضرت از تسلیحات نظامی روز، استفاده خواهد کرد؛ و کلمه «سیف» به عنوان «سمبلیک» آورده شده است، چون هیچ مانعی در کار نیست، بلکه به طور قطع و یقین خداوند دانش تمامی علوم بالأخص علم تسلیحات مدرن و مترقی، تا آن روز را به حضرت مهدی- عجّل اللّه فرجه الشریف-» عطافرماید و با تعلیم آن به متخصصین فنّ، در مقابل تمام سلاح های مدرن آن روز ایستادگی کرده و با قدرت سریع و قوی و برتر، عملیات آن ها را از دور و نزدیک، خنثی کرده و تباه سازد؛ وانگهی مگر امیرمومنان علیه السلام به کمیل نفرمود که از ۲۷ حرف علم فقط ۲ حرف آن تا زمان قائم تفسیر و در عهد او ۲۵ حرف دیگر تفسیر خواهد شد و نیز فرمود: من دَرِعلم را باز کردم و مهدی آن را کامل خواهد کرد(۱)

پس کمال علم با وجود او و تمام فرمول های انواع علوم؛ از جمله تسلیحات نظامی، در اختیار او قرار خواهد گرفت.

۲- جهان گرفتار جنگ خانمان سوز (جنگ سوّم جهانی یا بالاتر) خواهد شد که در اثر این تسلیحات مدرن و فوق مدرن؛ از قبیل «أتم» و غیر آن، زیر و زبر شده و همه این تکنولوژی ها محو و نابود خواهد شد و بشریت دوباره با آن تسلیحات ابتدایی و قدیمی، سر و کار خواهند داشت.

۱- و مانند این روایات که در بخش آموزش و پرورش سیمای جهان آورده ام به آنجا مراجعه شود وضمن پرسشهای آتی نیز چند حدیث خواهد آمد.

ص: ۱۲۵

در این صورت کلمه «سیف» مصداق صحیح خود را باز خواهد یافت و امام علیه السلام نیز طبق اوضاع زمان خود، برای فراگیری و برقراری دین حق، از آلات و ادوات جنگی آن روز استفاده خواهد نمود.

به خاطر داشته باشید

که زمان هیچ وقت، عقب گرد نخواهد داشت و تسلیحات فعلی و فورمول های آن، نابود نخواهد شد پس منظور از کلمه «سیف» در روایات، همان جریان سمبلیک بودن میباشد.

پس این که همواره گفته شده است «مهدی- عجّل اللَّه فرجه الشریف-» با شمشیر قیام می کند، چه بسا مراد، اقدام آن حضرت از موضع قدرت و قیام مسلّحانه باشد، نه در خصوص خود شمشیر، و همچنین بعد از اتمام حجتها و تبلیغات گوناگون و ارعاب و غیره، اگر تسلیم نشدند، دیگر با مماشات و گذشت رفتار نخواهد کرد چون بیش از دو راه برای انسان ها باقی نمی ماند؛ ایمان آورده و تسلیم شوند یا ایمان نیاورده و نابود گردند؛ زیرا برای همه اتمام حجت خواهد شد، و چنین مقدّر است که جهان باید روزی روی خوشی و خرّمی و بسط عدالت و امنیّت فراگیر وجز آن را ببیند و لمس نماید.

۴۷]- س- آیا امام (عج) در مدت طولانی کره زمین را تسخیر خواهد نمود یا کوتاه مدت؟!.

ج- درباره مدّت جنگ حضرت «قائم- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف-» و تصفیه جوامع بشری و برگشتن به حالت عادی، روایات گوناگون

ص: ۱۲۶

و متفاوت، از ۸ ماه (۱) و ۵ سال به بالا، نقل شده است ولی با در نظر گرفتن قدرت فوق مدرن آسمانی و زمینی و انسی و جنّی و جمادی و حیوانی و نظایر آن ها، کیفیت تسخیر کره زمین در کمترین مدت ممکن روشن می شود چون حرکت ارتش با «باد» و «طیّ الأرض» (یا هوا پیماهای مافوق سرعت صوت و بلکه چندین برابر بیشتر که تا آن روز پیشرفت خواهد کرد یا با وسایل سرعت سیر نور) انجام خواهد یافت و دستور العمل فرماندهان، هر وقت نیاز داشتند، در کف دستشان نوشته خواهدشد و چون امام علیه السلام به پشت و سینه آن ها دست کشیده و احتیاجات آن ها را برایشان روشن و شفاف ساخته و به هر سوی کره زمین اعزام می کند، تردیدی باقی نمی ماند که در کلّ روی زمین صدای دلنواز حق و حقیقت «أشهد أن لا إله إلّااللّه وأشهد أنّ محمّداً رسول اللّه و ...» در کمترین مدت و زمان پیش بینی شده در گفتارهای حجج الهی، طنین أفکنده و جای جای دور و نزدیک این کره خاکی را فرا خواهد گرفت.

پس همان مدت ۸ ماه، معقول و قابل قبول است؛ زیرا این ترقیات و تکامل روز افزون در ابعاد مختلف و هم چنین تکامل رشد فکری انسان ها و قدرت نظامی و نیروی تهاجمی و واکنش سریع و وسعت تبلیغاتی امام علیه السلام و تسلّط کامل آن حضرت به زوایای اسرارآمیز گیتی و بلوغ افکار بشریّت و ... نشانگر آن است که، همان مدّت ۸ ماه، برای تسخیر و تصرّف کره زمین و پیاده کردن حکومت «اللّه» کفایت می کند.

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل اللّه تعالی فرجه: ۳/ ۳۸۷ ح ۹۴۰، غیبت نعمانی: ص ۲۰۹ بحار الانوار ج ۵۲/ ۳۶۰ ب ۲۷ ح ۱۲۹ م ص ۳۵۶.

ص: ۱۲۷

مگر این که با پیش آمد غیر مترقّبه و ناگهانی، این همه تشکیلات و ترقیات و پیشرفت های بشریّت از جوامع جهانی رخت بر بسته و نابود شود و دوباره به عصر «حجر» برگشته و با آهن پاره هایی بنام شمشیر و نیزه، جنگ و ستیز و پیکار شروع شود که در آن صورت، مدّت زیاد لازم خواهد بود.

ولی آن طور که قبلًا نیز گفتیم: این عقب گرد و ازبین رفتن تمامی فورمول های پیشرفته بشر، نه از جهت علمی قابل قبول است و نه عقل آن را می پذیرد.

۱- در چند حدیث از امام باقر علیه السلام آمده است فرمود: هشت ماه شمشیر بر دوش می گذارد و آشوب گران و فتنه جویان را می کشد و همواره دشمنان خدارا نابود می سازد تا خدا راضی شود ابوبصیر عرض کرد چگونه می فهمد که خدا راضی شد؟! فرمود: در دل او رحمت می افکند.»(۱)

۴۸]- س- اساساً کیفیت پیشروی و تسخیر کره زمین و تسلیم قدرت های جهان در برابر ارتش آن حضرت به چه صورتی خواهد بود؟.

۱- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۲۴۰ ح ۷۶۹، کمال الدّین: ۱/ ۳۲۹ ب ۳۲ ح ۱۱، بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۷ ب ۲۷ ح ۹۷ و مشابه این حدیث(از حضرت امیرمؤمنان) در معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۱۱۹ ح ۶۵۸ و ۵/ ۳۵۰ ح ۱۷۸۶؛ منتخب الأثر: ص ۲۹۸ ف ۲ ب ۲۲.) واز سیّد الشّهدا و امام زین العابدین علیهم السلام«- یجرّد السیف علی عاتقه ثمانیه أشهر هرجاً(أی قتلًا) حتّی یرضی اللَّه؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۱۸۰ ح ۷۰۲؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۳۳- ۱۳۴ ب ۳ ح ۳۶؛ الزام النّاصب: ص ۱۸۹؛ غیبت نعمانی: ص ۱۶۵؛ بشارهالإسلام: ص ۱۹۹؛ یوم الخلاص: ص ۲۵۰.).

ص: ۱۲۸

ج- امام- عجّل اللّه فرجه الشریف- علاوه بر تسلیحات روز (طبق گفته روایات) از نیروهای دیگر نیز برخوردار خواهد بود؛ مانند أبر و باد و رعد و برق و سایر وسایل رُعب آور طبیعی و هم چنین از نیروهای ماوراء الطّبیعه (متافیزیکی)؛ مانند نامرئی ها و أجنّه و یا از عوامل آسمانی و نیروی غیبی؛ مانند فرشتگان و برگشت کنند گان مُردگان مؤمن و خورشید و ماه در اختیار اوست و رُعب به مسافت مدت یک ماه پیشاپیش و در عقب او، حرکت می کند شمشیرها برای اصحاب او که نام هرکس روی آن نوشته شده است، از آسمان فرود آید، اگر دشمن و کافری در میان درخت و یا سنگی، پنهان شود آن درخت یا سنگ ندا کند: این دشمن خدا در من مخفی شده، آب زیر فرمان او! و حیوانات نیز در طاعت اوست و عصای موسی که دریا را با آن شکافت و در دست او اژدها گردید، با اوست!، و اصحاب او، بر کف پای خود چیزی بنویسند و بر روی آب حرکت می کنند،

این ها همه اسلحه تهاجمی جنگی و نیروهای نظامی او را تشکیل می دهد.

در روایات متعدّد آمده است که حضرت با عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و تابوت سکینه و سایر ودایع انبیاء علیهم السلام می آید که هر یک از این ها، از اسلحه های قوی نبوّت و رسالت است که امثال فرعون را، محو و نابود ساخت مخصوصاً در تعریف «تابوت سکینه» گفته شده است که یکی از اسرار الهی است که آن را به هر شهری بفرستند، تمام شهر را طعمه حریق می سازد، به هر طرف آن را ارسال کنند، آن کشور را از صفحه تاریخ بر می دارد،، درست؛ مانند

ص: ۱۲۹

بمب های اتمی و هیدروژنی و نیترونی امروز و قوی تر از آن ها و بدینسان خداوند حجّت خود را با این تسلیحات مسلّح می سازد که تسلیحات مجهّز قرن حاضر، در برابر آن ها از هر واکنشی ناتوان است!.(۱)

خلاصه با ایجاد رعب و وحشت در بین دشمنان پیش می رود تا کشتار و خونریزی و تلفات کم باشد.

هنگام حرکت به منطقه ای یک ماه جلوتر، از وسایل ارتباط جمعی فوق مدرن که در اختیار خواهد داشت، تبلیغات شروع می شود، نیروی زمینی و آسمانی اش (تمامی فرشته های آسمانی است که نازل شده به یاری انبیاء علیهم السلام از آدم تا خاتم) و نیروهای مختلف جنّیان عموماً، به یاری او خواهند شتافت،

باوزیدن بادهای ترسناك و با صدای وحشتناك رعد و برق و شاید با شکستن دیوار صوتی و ما فوق صوت وغیره، ایجاد ترس و وحشت نموده و مردم را آماده تسلیم و پذیرش سلطنت امامت می نماید و تلفات و خونریزی را، به حد اقل ممکن، می رساند، پر واضح است که هیچ نیرویی و لو با قدرت نجومی و فوق مدرن، در برابر این ارتش مقتدر مطلق الهی، یارای مقاومت و پایداری نخواهد داشت.

به مضمون روایات ذیل دقت نمائید.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم» ما یاری شده است باسپاه ترس و تأیید شده با کمك (خدا) است و زمین برای او، در هم پیچیده شود

۱- تلخیص از روز گار رهائی(ترجمه کتاب یوم الخلاص): ۱/ ۵۲۰؛ ظهور حضرت مهدی علیه السلام: ص ۴۲۷ از آن.

ص: ۱۳۰

و تمام گنجینه های خود را بر او آشکار سازد خداوند به دست او دینش را بر تمام ادیان برتری بخشد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.(۱)

۲- عبداللّه بن سنان گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: ..... و رعب از پیش و راست و چپ او در مسیر یک ماه راه حرکت کند ....(۲)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم» ما به وسیله ترسی که از او در دل دشمنان می افتد، یاری می شود و با کمک و نصرت الهی پیروز گردد و زمین در برابر اراده او خاضع شود و گنجهایش را در مقابل او ظاهر سازد و تسلطش بر شرق و غرب گسترش یابد ...(۳)

۴- «خداوند هر سختی را برای او آسان نماید.»(۴)

۵- در حدیث معراج خداوند به پیامبر علیهم السلام فرمود: «... بادهارا مسخّر وی (حضرت قائم علیه السلام) گردانم و ابرهای سخت را برای او رام می کنم و او را به همه اسباب، ترقی دهم.(۵)

۱- الامام المهدی ص ۵۹۳، به نقل از اثباه الوصیّه و مشابه آن روایت در(- بحارالأنوار: ۱۶ / ۳۲۴ به نقل از امالی شیخ.)(- بحارالأنوار: ۱۶/ ۱۷۹ به نقل از مناقب آل ابی طالب.)(- منتخب الأثر: ۳۶۱ ف ۲ ب ۳۵ ح ۱ از کمال الدین؛ اثباه الهداه: ۳/ ۵۳۲.) وینصره بالرعب؛ منتخب الأثر: ۳۶۱ ف ۲ ب ۳۵ ح ۱ از کمال الدین. از امام باقر علیه السلام».

۲- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۳/ ۳۸۷ ح ۹۴۰، غیبت نعمانی: ص ۲۰۹ بحارالانوار ج ۵۲/ ۳۶۰ ب ۲۷ ح ۱۲۹ م ص ۳۵۶.

۳- کمال الدّین: ۳۳۱ قسمتی از حدیث ۱۶؛ یوم وقت معلوم: ص ۷۱ به نقل از آن.

۴- منتخب الأثر: ۲۹۹ ف ۲ ب ۲۲ ح ۳ کمال الدین: ۳۶۸؛ کفایه الأثر: ص ۳۲۳؛ المحجه: ص ۴۵۲(- ویذلّل له کلّ صعب؛ منتخب الأثر: ص ۳۵۳ ف ۲ ب ۳۲ ح ۱ به نقل از کفایه الأثر.).

۵- کمال الدّین: ۱/ ۲۵۶ ب ۲۳ ح ۴؛ علل الشّرائع: ۱/ ۷ ب ۷ ح ۱؛ عیون أخبارالرّضاء: ۱/ ۲۶۴ ب ۲۶ حدیث ۲۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۲ ب ۲۷ ح ۵؛ مهدی منتظر: ص ۴۲۱.

ص: ۱۳۱

۶- امام موسی بن جعفر علیهما السلام در تفسیر آیه «وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً»(۱) فرمود: «و تمام سرکش ها را به او ذلیل (رام) می کند.»(۲)

۷- عیسی مسیح علیه السلام: خداوند روی حکمتی که خود می داند، عیسی علیه السلام را به آسمان برده و ذخیره نمود تا در روز موعود به زمین فرود آید و پشت سر «مهدی موعود علیه السلام» اقتدا کرده نماز بخواند و در رسانه های گروهی آن روز پخش گردد و مردم آگاهی یابند، در این صورت است که، تمامی پیروان او که بیشترین افراد روی زمین از نظر تعداد و مذهب خواهند بود، با دیدن این منظره و با بیان خود عیسی علیه السلام تسلیم امام خواهند شد.

و یهود نیز با خواندن و بیرون آوردن تورات و بیان احکام آن تسلیم شده و پیرامون امام را خواهند گرفت.

۴۹]- س- آیا برای شناخته شدن کشور یک پارچه کره زمین، پرچم مخصوص خواهد بود

ج- «پرچم» که در عربی آن را «عَلم» گویند، نشانه هویّت، استقلال، ارزش اجتماعی و شناسنامه هر ملّت، قوم و قبیله و کشوری است که در آن زندگی می کنند.

در اسلام نیز با به اهتزاز در آوردن پرچم، استقلال و حضور خود را

۱- لقمان: ۲۰.

۲- منتخب الأثر: ۲۹۹ ف ۲ ب ۲۲ ح ۳؛ کفایه الأثرص ۳۲۳؛ کمال الدّین: ص ۳۶۸؛ المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه: ص ۴۵۲؛ (- منتخب الأثر: ص ۳۵۳ ف ۲ ب ۳۲ ح ۱ به نقل از کفایه الأثر.).

ص: ۱۳۲

اعلام می دارد.

در هنگام ظهور و خروج قائم علیه السلام پرچم بهشتی شناخته شده رسول خدا صلی الله علیه و آله برافراشته خواهد شد، با این تفاوت که در آن زمان پرچم متعدد وجود نخواهد داشت، بلکه در سراسر گیتی، یک کشور و یک پرچم وجود خواهد داشت.

پیرامون عَلم و پرچم «مهدی موعود علیه السلام» به روایات ذیل توجه فرمایید.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که برای ما اهل بیت پرچمی است، هر کس از آن جلوتر رود، دزدیده شود و هر کس از آن تأخیر کند، نابود شود و هر کس پیرو او باشد (به مقصد) می رسد ...»(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه پرچم را به اهتزاز در آورد، مابین مشرق و مغرب زمین روشن می شود و خداوند دستان مهدی علیه السلام را به سر بندگان می گذارد و او را بر آن ها مسلّط می نماید، پس با ایمانی نماند، مگر این که دل او از پاره های آهن سخت تر می شود و نیروی چهل مرد به او عطا شود.»(۲)

۳- ابی بصیر گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام با اهل بصره به هم رسیدند، آن حضرت پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را برافراشت و (مردم بادیدن آن) قدم هایشان لرزید و هنوز

۱- الملاحم و الفتن: ص ۵۵ و ۱۳۵؛ ینابیع الموده: ۳/ ۹۲؛ المهدی: ص ۹۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۵۰؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۲ جز آخرش؛ منتخب الأثر: ص ۳۱۹.

۲- منتخب الأثر: ص ۱۸۶؛ اعلام الوری: ص ۴۳۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۸ و ۳۹۱؛ بشارهالإسلام: ص ۱۹۹ با لفظ دیگر و ص ۲۰۱؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۹ بعضی از آن یوم الخلاص: ص ۲۴۱.

ص: ۱۳۳

شعاع آفتاب زرد نشده بود، گفتند: ای پسر ابوطالب! ایمان آوردیم. در این هنگام بود که حضرت دستور داد اسیران را نکشند، کار زخمی ها را یکسره نکنند و آن را که از میدان جنگ فرار کرده اند، دنبال نکنند و هر کس اسلحه به زمین گذاشت، در امان است و هرکس دَر خانه اش را ببندد، در امان است.

چون روز صفین فرا رسید، از حضرت خواستند که دوباره آن پرچم را بگشاید، حضرت نپذیرفت. حسن و حسین علیهما السلام و عمّار رضی الله عنه را واسطه قرار دادند، امیرمؤمنان علیه السلام به حسن علیه السلام فرمود: فرزندم برای مردم مدّتی معین شده است، که به آن خواهند رسید و این پرچم پرچمی است که بعد از من کسی آن را جز امام قائم علیه السلام نخواهد گشود.(۱)

۵۰]- س- آیا رنگ و جنس پرچم آن حضرت چگونه خواهد بود؟.

ج- برای حضرت قائم علیه السلام، پرچم های زرد وسفید و سیاه خواهدبود.

۱- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «پرچم او از مخمل ندوخته سیاه، چهار گوشی است که در آن گشادگی هست، از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۶۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۷ ب ۲۷ ح ۱۵۱؛ در باره پرچم روایات زیاد است ازجمله(- غیبت نعمانی: ص ۱۶۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۲ ب ۲۷ ح ۱۳۰ و ص ۳۲۸ ح ۴۱ مختصراً از کمال الدّین و ص ۳۳۰ ح ۴۸ مفصّلًا از کامل الزّیاره.)(- غیبت نعمانی: ص ۱۶۲ باب ما جاء فی رایه رسول اللّه: صلی الله علیه و آله.)(- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۴/ ۱۶ ح ۱۹۰۶، غیبت نعمانی: ص ۲۱۰، بحار الأنوار ج ۵۲/ ۳۲۸ ب ۲۷ ح ۴۸ از کامل الزّیاره. طالبین تفصیل« به سیمای جهان» مراجعه نمایند).

ص: ۱۳۴

کرده، گشوده نشده است و باز نمی شود تا مهدی علیه السلام خروج نماید، خداوند او را با سه هزار فرشته مدد می کند که به صورت دشمنانش می کوبند و آن ها را نابود سازند.»(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «و آن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در روز «بدر» جبرئیل با آن فرود آمد و با آن سیر نمود سپس فرمود: ای ابا محمد (یعنی ابی بصیر) به خدا قسم! آن پرچم نه از پنبه وکتان است ونه قزّ و حریر.

گفتم: از چیست؟ فرمود: از برگ بهشتی است ....»(۲)

۵۱]- س- آیا پرچم آن حضرت آرم بخصوصی هم خواهد داشت؟.

ج- بلی در روایتی از نوف بکالی و صدوق قدس سره آمده است، در پرچم مهدی نوشته شده است: «البیعه للّه.»(۳)

در روایتی دیگر «الرفعه للّه» و یا «- الرفعه للّه عزّوجلّ-» آمده است.

در (اثبات الهداه) از فضل بن شاذان آمده است که دررایت مهدی علیه السلام نوشته شده است: «اسمعوا واطیعوا.»(۴)

۱- الحاوی للفتاوی: ۲ / ۱۷۴؛ عیون أخبار الرّضاء: ۱ / ۲۳۳؛ الزام النّاصب: ص ۲۵۹ از البیان؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۹- ۵۸؛ یوم الخلاص: ص ۲۴۱.

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۱ ب ۲۷ ح ۱۲۹ از غیبت نعمانی.

۳- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۱/ ۲۲۱ ح ۱۳۴؛ منتخب الاثر ص ۳۹۳ ف ۲ ب ۴۹ ح ۱؛ و مشابه آن در اسناد گوناگون مانند(- الملاحم ابن طاوس: ص ۶۸: عقدالدرر: ص ۲۱۶؛ تاریخ زندگانی حضرت مهدی علیه السلام ص ۱۸۳.)(- الملاحم و الفتن: ص ۵۵ و ۱۳۵؛ ینابیع الموده: ۳/ ۹۲؛ المهدی: ص ۹۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۵۰؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۲ جز آخرش؛ منتخب الأثر: ص ۳۱۹.).

۴- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۱/ ۲۲۳ ح ۱۳۵، اثبات الهداه: ۳/ ۵۸۲ ب ۳۷ ف ۵۹ ح ۷۶۹، منتخب الاثر: ص ۳۹۳ ف ۲ ب ۴۹ ح ۳، بحار الانوار ج ۵۲/ ۳۰۵ ب ۲۶ ح ۷۷، م م ۳۵۷.

ص: ۱۳۵

۵۲]– س– آیا دنیای امروز با پیش کشیدن جنگ اتمی (چنان که برخی پیش بینی کرده اند) آن چنان درهم کوبیده خواهد شد که چاره ای جز باز گشت به گذشته نخواهند داشت یا با این منوال، به مسابقه تسلیحاتی خود ادامه خواهند داد که سرانجام آن معلوم نخواهد بود؟!

ج- کراراً گفته ایم دلیلی ندارد، پیشرفت و ترقّی جامعه انسانی که به سوی حق و عدالت پیش می رود، ناگهان متوقف گردد و یاعقب گرد نماید؛ زیرا عقب نشینی و گذشته گرایی با جهش و پیشرفت هیچ گونه تناسبی ندارد.

بنابراین قیام مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان، هیچ گاه سبب نمی شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش برچیده و متوقف گردد.

فراموش نشود صنایع کنونی، نه تنها بسیاری از گره ها را از زندگی انسان ها گشوده است، بلکه یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی؛ از قبیل نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست، ولی شکی نیست که این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی، باید از صافی دقیق بگذرد تا جنبه های ناسالم و زیان بخش آن حذف گردد و سرانجام در مسیر منافع انسان ها و صلح

ص: ۱۳۶

و عدالت بسیج شود و روزی یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را خواهد کرد، این مطلب در مورد اصل پیشرفت صنعت و تکنولوژی است.

۵۳]– س– آیا رهبر این نهضت بزرگ، برای تحقّق بخشیدن به آرمان های انبیا و پیروزی ارتش حق، از سلاح های سنّتی اعصار پیشین (از اسلحه سرد) استفاده خواهد کرد یا با سلاحی مدرن تر از آن چه که امروز در اختیار بشریت در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی قرار دارد، دست به مبارزه می زند؟!

ج– درباره تسلیحات آن حضرت قبلاـ هم سؤلاـتی بود و جواب دادیم علاوه بر آنها، در این باره باید گفت، حضرت که برای استقرار چنان حکومتی، باید حکومت های خود کامه و بیدادگر را از صحنه گیتی برچیند.

پس برای نابودی آن ها در شرایط آن زمان، «سلاح برتری» لازم است که شاید تصورش امروز برای ما ممکن نیست، ولی آیا این سلاح چیزی همانند «اشعه لیزری یا ماوراء بنفش یا مادون قرمز و یا یک اشعه مرموز و مجهول» است که کاربرد آن ماورای سلاح های کنونی است و می تواند همه آن ها را خنثی کند و نقشه استفاده ابر قدرت ها را از آن عقیم بگذارد؟ یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه های فکری آن ها حتّی از راه های دور است که نتوانند هیچ گونه فکری برای به کار انداختن سلاح های مخرّب کنونی بنمایند؟ و یا چیزی از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده که مانع هرگونه تصمیم گیری در این زمینه شود؟! و یا چیز دیگر ...؟! نمی دانیم و نمی توانیم نوع این سلاح را، نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم؛ همین اندازه اجمالًا

ص: ۱۳۷

می توانیم بگوییم که سلاح حضرت در آن زمان برتر خواهد بود و نیز می دانیم آن سلاح، سلاحی نیست که گناهکار و بی گناه را با هم نابود نماید و پایه های عدالت آینده را بر ظلم و ستم امروز بگذارد.

۵۴]- س- آیا آن حضرت مانند بعضی از انبیاء عظام علیهم السلام با فرشتگان یاری خواهد شد؟.

ج- بلی طبق روایات وارده، تمامی فرشتگان یاری کننده به پیامبران گذشته همگی یاری کننده آن حضرت نیز خواهند بود، در این باره روایات زیاد آمده است که برای نمونه به چندتای آن اکتفاء می نمائیم یکی از کنیزان امام حسن عسکری علیه السلام گوید: بعد از تولّد آن حضرت (مهدی علیه السلام) پرندگانی از آسمان می آمدند و بال های خود را به سر و صورت و سایر بدن او می مالیدند و پرواز می کردند. جریان را به امام عسکری علیه السلام گفتم: فرمود: آن ها فرشته های آسمانی اند که خود را متبرّک می سازند و در هنگام خروج یاوران او خواهند بود.(۱)

۱- عبد الرحمان بن کثیر گوید: که امام صادق علیه السلام درباره آیه (أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ) فرمود: منظور امر ما است. خدای عزّ و جلّ امرنموده که برای تحقّق آن شتاب به خرج ندهیم، (خداوند) آن را با سه لشکر یاری خواهد کرد، ملائکه و مؤمنین و «رُعب» و خروج او مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود و این است منظور از گفته خدای عز و جل «کَما أَخْرَجَکَ رَبُّکَ .....»(۲)

۱- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۳۷۲ ح ۱۳۵۴ أبحارالأنوار: ۵۱/ ۵ ب ۱ ح ۱۰.

۲- نحل: ۱؛ انفال: ۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۶ ب ۲۷ ح ۱۱۹ از غیبت نعمانی.

ص: ۱۳۸

۲- بطائنی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که «قائم علیه السلام» قیام نمود، فرشته ها فرود آیند با سی صد و سیزده نفر، یک سوّم سوار بر اسبان سفید آمیخته به نقطه های سیاه و یک سوّم بر اسبان با پای سفید و سیاه یا به رنگ سیاه و سفید و یک سوّم بر اسبان سرخ رنگ.»(۱)

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: گویا می بینم او را که از مکّه به سوی کوفه حرکت کرده با پنج هزار ملائکه، جبرئیل از راست و میکائیل از چپ و مؤمنین در جلوی او و لشکر خود را در شهرها پراکنده می سازد.(۲)

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که «قائم علیه السلام» قیام نماید، فرشتگان بدر فرود خواهند آمد که (تعدادشان) پنج هزار نفرند.(۳)

۶- ملائکه مُنزلین سه هزار(۴)، ملائکه کرّوبیّین (۵) ملائکه مقرّبین (۶) خواهند بود. (برای دو قسم آخر تعداد بیان نشده است.) و

۱- غیبت نعمانی: ۱۲۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۶ ب ۲۷ ح ۱۲۰ و حدیث معراج(- کمال الدّین: ۱/ ۳۶۹- ۳۶۶؛ علل الشّرایع: ۱/ ۷- ۵؛ عیون أخبار الرّضاء: ۱/ ۲۶۴- ۲۶۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۲۰ ب ۲۷ ح ۵ در مورد یاوران فرشته آن حضرت روایات کوتاه و مفصل زیاد آمده است از جمله(- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۱/ ۶۳ ب ۶ ح ۲۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۱ ب ۲۷ ح ۴.)(- همان مدرک: ۳/ ۲۰۱ ح ۷۲۳؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۳۵ ب ۴ ح ۳؛ مهدی منتظر: ص ۳۱۷.)(- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۲۰۰ ح ۷۲۳ و ۲۹۶ ح ۸۳۱ و ۲۹۹ ح ۸۳۶؛ بحارالأنوار: ۵۲ ۳۰۷ ب ۲۶ ح ۸۱ و ۳۳۷ ب ۲۷ ح ۷۵ و ۳۴۳ ب ۲۷ ح ۹۱.)(- غیبت نعمانی: ص ۱۵۴- ۱۵۵؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۳۰۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۸ ب ۲۷ ح ۹۹.).

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۵ و ح ۷۴؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۲۹۹ ح ۸۳۶.

۳- غیبت نعمانی: ص ۲۴۳.

۴- غیبت نعمانی: ص ۱۵۲ امام باقر و صادق علیهما السلام.

۵- غیبت نعمانی: ص ۱۵۴؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۳۰۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۸ ب ۲۷ ح ۹۹.

۶- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۳۷۲ ح ۱۳۵۴؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۵ ب ۱ ح ۱۰.

ص: ۱۳۹

این ها سَرخیلان فرشته ها، وفرمانـدهان ملائکند و همه اینها تحت فرمان امام علیه السـلام خواهند بود، اماتعداد کلّ ملک ها از مرز چهل و شش هزار نفر خواهد گذشت.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: عدد انصار او از ملائکه چهل و شش هزار خواهد بود.(۱)

این تعداد ملائکه در طول تاریخ، برای انبیا و امامان علیهم السلام تا موقع تولّد خود امام علیه السلام که از آسمان نازل شده اند، می باشند.(۲)

در روایتی، مجموع این چند مورد، طبق فرموده امام صادق علیه السلام به سیزده هزار و سی صد و سیزده تن خواهد بود.(۳)

بـا این حساب، خداونـد نیروهایی که برای همه انبیاء داده بود؛ از قبیل تسـخیر باد برای سـلیمان و طوفان نوح و عصای موسـی علیهم السلام و .. همه را یکجا در اختیار آخرین حجّت خود قرار خواهد داد.

۵۵]- س- آیا امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف از جنیان نیز کمک خواهد گرفت یانه؟

ج- بلی امام علیه السلام چون امام جنیان و پریان نیز هست، آنها هم به آن حضرت یاری می رسانند و در خدمت او قرار می گیرند. دلیل:

یگان پریان و جنّیان

۱- إلزام النّاصب: ۲/ ۲۶۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱ ب ۲۵ ح ۱؛ مهدی منتظر: ص ۳۱۸.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۱۶ ح ۱۰۹۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۶ ب ۲۷ ح ۴۰؛ از امام صادق علیه السلام.

۳- غیبت نعمـانی: ص ۱۶۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۸ ب ۲۷ ح ۴۸ از کمال الـدّین و ۵۲/ ۳۲۵ ب ۲۷ ح ۴۰؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۲۹۷؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۱۶ ح ۱۰۹۶؛ مهدی منتظر: ص ۳۱۹.

ص: ۱۴۰

امام صادق علیه السلام به مفضّل بن عمر فرمود: مؤمنین جن او را یاری خواهند نمود، عرض کرد: آیا ملائکه و جن برای مردم ظاهر می شوند؟! فرمود: بلی، به خدا قسم! با ایشان گفت و گو می کنند، مانند این که شخصـی با اهل و عیال و حواشی خود صحبت می نماید.

پرسید: همراه او می روند؟ فرمود: بلی، واللّه، ای مفضّل! ایشان به ارض هجرت مابین کوفه و نجف فرود می آیند و تعداد اصحابش از ملائکه چهل و شش هزار و از جنّیان شش هزار است

و در روایت دیگر فرمود: «ومثلُها من الجنّ وبهم ینصـر اللّه ویفتـح علی یـدیه؛(۱) عدد ایشان، به تعداد فرشـته ها، چهل و شـش هزار خواهد بود، به وسیله آن ها به او کمک می کند و با دست او فتح می نماید.»

۵۶]- س- لطفاً مقداری از کیفیت و کمیت کمک های انسیان برای ما توضیح دهید متشکریم

ج- بدانکه، یاران امام علیه السلام از انسیان، بی شمار است؛ مانند یمانی با لشکرش و خراسانی با سپاهش و سید حسنی با یارانش و گیلانـی با اعوانش و جعفری با جمعیّتش و شـعیب بن صالـح با بیرق های سیاهش (۲) و ده هزار نفر اهـل عقد(۳) و هفتادهزار نفر صدّیق

۱- إلزام النّاصب: ۲/ ۲۶۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۰ ب ۲۵ ح ۱ طولانی.
۲- معجم أحادیث امام المهدی: ۱/ ۴۰۱ ح ۲۶۱؛؛ التّشریف بالمنن: ص ۲۷۲ ب ۶۰ ح ۳۹۴.
۳- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۳۹ ح ۱۴۶۰؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۵۷ ب ۹ ح ۴ و ۵۲/ ۲۸۳ ب ۲۶ ح ۱۰؛ مهدی منتظر: ص ۳۲۷؛ (- کمال الدّین: ص ۳۷۷؛ منتخب الأثر: ص ۳۵۳ ف ۲ ب ۳۲ ح ۱ به نقل از کفایه الأثر.)(- معجم أحادیث الإمام المهـدی: ۳/ ۳۸۶ ح ۹۴۰؛ کمال الدّین: ۲/ ۶۵۴ ب ۵۷ ح ۲۰؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۸ ب ۲۷ ح ۱۵۲.)(- اثباه الهداه: ۳/ ۴۹۱ ب ۳۲ ف ۵ ح ۲۴؛ کمال الدین: ۲/ ۶۵۴ ب ۵۷ ح ۲۰؛ معجم أحادیث الإمام المهـدی: ۴/ ۵ ح ۱۰۷۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۳ ب ۲۷ ح ۳۳.)(- معجم أحادیث امام المهدی: ۵/ ۱۷۵ ح ۱۶۰۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۹۲ ب ۲۵ ح ۲۴.).

ص: ۱۴۱

برانگیخته شده از پشت کوفه (وادی السلام)(۱) و نجبا از مصر و ابدال از شام و دسته های عراق بیرون می آیند، راهبان شب، شیران روزنـد. همانـا دل هـای آن هـا، پـاره هـای آهن است، بین رکن و مقـام با او بیعت می نماینـد و دوازده هزار ازموالی از عجم (۲) و خزاین و مردانی ازطالقـان که دل هایشانماننـد پاره های آهن است، در شـناختن خـدا شـکّی بر دل هایشان راه پیـدا نمی کنـد و از سنگ سخت تر است، اگر به کوه ها حمله کنند، از جا می کَنند، با پرچم هایشان به شهری رو نمی آورند، مگر این که آن را ویران سازند، نشستن آن ها بر اسبانشان، مثل این که روی عقاب (شاهین ها) نشسته اند، (از شدّت محبّتشان) خود را به زین امام می مالند، با این کار طلب برکت می نمایند.(۳) و

«می آید پرچم های سیاه از سوی مشرق، گویی دلهایشان از آهن است، هر کس آمدن آن ها را بشنود، به سوی آنان برود، اگرچه با چهار

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۰؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۷؛(- همان مدرك: ۵۳/ ۱۰۴ ب ۲۹ ذیل ح ۱۳۰.)

۲- بحار ۵۲/ ۳۷۷ ب ۲۷ ح ۱۷۹؛ معجم احادیث الامام امهدی ۷ /۳ ۱۱۸ ح ۶۵۷ ۴/ ح ۱۱۱۳؛ م م: ۳۵۹؛ معجم الملاحم و الفتن: ۴/ ۹.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۲.

ص: ۱۴۲

دست و پا باشد.»(۱) و سر به زین گذاران امام صادق علیه السلام به ابی بصیر در مورد حضور واحدی از خراسان فرمود: «با پایت به زمین بزن، ناگهان دریای آن زمین را می بینی که اطرافش را سوارانی گرفته اند که گردن ها (سرهایشان) را بر زینهایشان گذاشته اند! آن ها از یاران مهدی هستند.»(۲) و سایراحزاب شیعه که در آن سال قیام خواهند کرد و یا آنان که بعد از خروج به لشکرش ملحق می شوند، ولی آن چه که لازم به ذکر است، یاران خاصّ او است که در هنگام ظهور و بیعت و خروج همراه امام علیه السلام خواهند بود.

پس یاران در مراحل اولیه بر دو قسمند؛ یکی خاصّ الخاص که سی صد و سیزده نفرند و خاص که ده هزار نفرند.(۳)

۱- عبدالعظیم حسنی گوید امام محمد تقی علیه السلام در ضمن خبری فرمود: «فإذا کمل له العقد (العدد) وهو عشره آلاف رجل خرج- بإذن اللَّه فلایزال یقتل أعدآء اللَّه حتّی یرضی اللَّه تعالی، قال عبدالعظیم: قلت له: یا سیّدی! وکیف یعلم أنّ اللَّه رضی؟ قال: یلقی اللَّه علی قلبه الرحمه؛ پس وقتی که عقد تکمیل شد (یعنی عدد معهود) و آن ده هزار است، با اذن خدا، خروج کند پیوسته دشمنان خدا را می کشد تاخدا راضی شود عبدالعظیم گفت: ای آقای من از کجا می داند که خدا راضی شده است؟! فرمود: به دلش مهربانی می اندازد (الهام می شود).»(۴)

۱- ینابیع المودّه: ۳/ ۱۶۶ ب ۹۴ از غایهالمرام.

۲- الإختصاص: ص ۳۲۵؛ یوم الخلاص: ص ۲۲۲ از آن.

۳- بحارالانوار: ۵۱/ ۱۵۷/ باب ۹ ح ۴ و منابع دیگر.

۴- کمال الدّین: ص ۳۷۷؛ منتخب الأثر: ص ۳۵۳ ف ۲ ب ۳۲ ح ۱ به نقل از کفایه الأثر. معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۳۹ ح ۱۴۶۰؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۵۷ ب ۹ ح ۴ و ۵۲/ ۲۸۳ ب ۲۶ ح ۱۰؛ مهدی منتظر: ص ۳۲۷.

ص: ۱۴۳

۲- مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: با «قائم»، چه تعدادی خروج خواهند نمود، مردم می گویند به تعداد اهل بدر ۳۱۳ تن؟ فرمود: خروج نمی کند مگر با أولی القوّه (صاحبان قدرت) کم تر از ده هزار نیستند.»(۱)

۳- نیز فرمود: «خروج نمی کند تا این که حلقه تمام شود» ابوبصیر پرسید: حلقه چقدر است؟ فرمود: «ده هزار».(۲)

۴- حضرت باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه خروج کند به کعبه، تکیه دهد و سیصد و سیزده تن بر او جمع شوند، اوّل کلمه ای که می گوید: «بقیّه اللّه خیر لکم إن کنتم مؤمنین»(۳) پس می گوید: منم «بقیّه اللّه»، و قتی به سوی او (عقد) گرد آید و آن ده هزار نفر است، خروج نماید.»(۴)

فرق این دو قسم از چند جهت است.

۱- دسته اوّل از طرف امام علیه السلام در نواحی مختلف زمین در هنگام خروج و جنگ، فرمانداران و امرا (حکّام و علمدار) خواهند بود «... یارانش سی صد و سیزده نفر برای او آماده می شوند، آنان پرچمدارانند»(۵).

اما دسته دوّم، تا زمانی که گروه اوّل در مکّه گرد هم نیایند، خود را

۱- اثباه الهداه: ۳/ ۴۹۱ ب ۳۲ ف ۵ ح ۲۴؛ کمال الدین: ۲/ ۶۵۴ ب ۵۷ ح ۲۰؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۴/ ۵ ح ۱۰۷۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۳ ب ۲۷ ح ۳۳.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۳۸۶ ح ۹۴۰؛ کمال الدّین: ۲/ ۶۵۴ ب ۵۷ ح ۲۰؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۸ ب ۲۷ ح ۱۵۲.

۳- هود: ۸۶.

۴- معجم أحادیث امام المهدی: ۵/ ۱۷۵ ح ۱۶۰۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۹۲ ب ۲۵ ح ۲۴.

۵- ترجمه غیبت نعمانی: باب ۲۰ ص ۳۶۸.

ص: ۱۴۴

ظاهر و آشکار نمی کنند و در مسجدالحرام برای اخذ بیعت حاضر نمی شوند، ظهور و بیعت بر اجتماع دسته اوّل خواهد شد، اما دسته دوّم این گونه نخواهد بود.

پس پیش از بیعت همگانی، از عده ای از گروه اوّل بیعت خصوصی اخذ خواهد شد و آن ها اطراف امام علیه السلام را خواهند گرفت و از او دفاع خواهند نمود، اما گروه دوّم در بیعت عمومی و یا بعد از آن جمع خواهند شد.

البتّه هر دو گروه اشخاص معیّنی هستند که نام و نام پدرانشان و نام محلهایشان در کتابی مسطور و در نزد آن حضرت و ائمّه اطهار علیهم السلام مانند اصحاب سیّد الشهدا علیه السلام محفوظ است.

به عبارت دیگر امتیاز آن ها در این است که باید سی صد و سیزده تن جمع شوند تا حضرت خود را آشکار سازد و آن ها فرماندهان و پرچمدارانند و ده هزار نفر هم باید باشند تا از مکّه بیرون شده و خروج نماید و آن ها برگزیدگان سری دوّم هستند، نه این که انصار و یاران امام، منحصر به این افراد است و نه وجود سی صد و سیزده تن در اصل ظهور آن حضرت مدخلیّت داشته باشد، بلکه اجتماع آن ها در بروز و ظهور مدخلیّت دارد؛ چون ظهور آن حضرت، به انقضای مدّت معیّن و سرآمد حکمت و تحقق شرایط و ظهور علامات بستگی دارد؛ زیرا برای غیبت مدّتی و برای حجاب مصلحتی و ظهور را شرایطی هست.

۵۷]- س- آیا دردولت کریمه آن حضرت وزیر یا حاکم ایرانی وجود خواهد

ص: ۱۴۵

داشت؟.

ج- بلی در اخبار و احادیث مربوط به حضرت «مهدی موعود علیه السلام» از زبان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام تعاریف و توصیفاتی درباره عجم ها و به خصوص فارس بیان شده است که اگر بخواهیم در این رابطه، وارد تحقیق و بررسی شویم، از مطالب اصلی دور می شویم.

بنابراین به طور گذرا به آوردن چند روایت اکتفانموده و تفصیل آن را به کتاب های مربوطه ارجاع می دهیم.

۱- حافظ ابونعیم از قول ابن عباس گوید: که «در پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنی از فارس به میان آمد آن حضرت فرمود: فارس گروه ما و قدرت ما اهل بیت هستند.»(۱)

۲- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «وزیران مهدی علیه السلام از عجم هاست، در میان آن ها عربی نباشد، اما با عربی صحبت می کنند، در حالی که آن ها خالص ترین وزرا و بافضیلت ترین وزیرانند.»(۲)

۳- موسی آبار گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «هوای عرب را داشته باش، برای آن ها خبر بدی است، بدان که یک نفر از عرب ها با قائم علیه السلام خروج نخواهند کرد.»(۳)

۴- «وقتی پرچم های سیاه آمدند، فرس (ایرانیان) را اکرام نمایید،

۱- عصر الظهور: ص ۱۵۹. به نقل از حافظ ابونعیم.

۲- ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۳؛ اسعاف الرّاغبین: ص ۱۴۴ الإمام المهدی: ص؛ ۳۴۴؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۵.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۲ از غیبت طوسی(الابار: سازنده و فروشنده سوزن ها).

ص: ۱۴۶

همانا دولت شما با آنان است.»(۱)

۵۸]- س- آیا در میان فرماندهان ارتش آن حضرت، از ایرانی ها هم خواهند بود؟.

ج- بلی اسامی و یاران درجه یک آن حضرت که به دست ما رسیده است، بیشترشان ایرانی هستند(۲)

امیران ایرانی ارتش امام عجل اللّه تعالی فرجه

روایاتی که درباره سی صد و سیزده تن یاران خاص الخاص حضرت «قائم علیه السلام» وارد شده، همگی گواه بر این است که آن ها حاکمان و والیان و امیران ارتش حضرت «مهدی موعود علیه السلام» هستند و همه آن ها از عجم ها خواهند بود.

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: یاران «قائم علیه السلام» سی صد و سیزده مرد از فرزندان عجم خواهند بود که بعضی از آن ها در روز در میان ابر حمل می شود و به نام خود و به نام پدرش با خصوصیاتش معروف است و بعضی از آنان در بستر به خواب باشند و بدون قرار قبلی در مکّه (با امام علیه السلام) دیدار کنند.(۳)

۵۹]- س- آیا نام های یاران خاص و خاص الخاص امام علیه السلام مانند یاران امام حسین علیه السلام قبلًا برای آن حضرت مشخص است یانه؟.

۱- زندگانی امام زمان، ص ۱۷۷ به نقل از راموز الأحادیث ص ۳۳.

۲- به اسامی یاوران حضرت در جلد دوم« سیمای جهان» ص ۶۳ توجه شود تا مطلب روشن گردد.

۳- ترجمه غیبت نعمانی: باب ۲۰ ص ۳۷۰.

ص: ۱۴۷

ج- بلی نه تنها به امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه بلکه به سایر امامان هم روشن بود که در بعضی از روایات اسماء آنها را با ذکر مشخصات محل زندگی و غیره بیان نموده اند (و ما در کتاب «سیمای جهان درعصر امام زمان (عج)» مشروح آن را آورده ایم). دلیل:

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «با «قائم علیه السلام» صحیفه مهر شده ای است که در آن تعداد و نام و شهرها و طبیعت ها و زینت ها و کنیه هایشان نوشته شده است، آنان هجوم برنده (به سوی دشمن و) تلاش کننده در طاعت خدا و طاعت او هستند.(۱)

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من نام آن ها و پدرانشان ونام اسبانشان را می شناسم، آن ها بهترین سواران روی زمین یا از بهترین سواران بر روی زمین هستند.(۲)

۳- ابی بصیر گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام از قول امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

«مردم دایم در ناقص شدن (دینشان رو به رو) هستند، تا جایی که «اللّه» هم گفته نمی شود، پس وقتی که این گونه پیش آمد، پادشاه دین خود را محکم کند. در این حال، خداوند قومی را از اطراف زمین بر انگیزاند و می آیند مانند پاره های ابرهای متفرّق پاییز.

به خدا قسم! من آن ها را می شناسم، نام و نام قبیله هایشان و نام امیرشان را می دانم و آن ها گروهی هستند که خداوند هر طور بخواهد آن ها را حمل می کند، از قبیله ای یک و دو نفر تا به نُه نفر برسد و از

۱- بشارهالإسلام: ص ۹؛ الزام النّاصب: ص ۶۳؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۳.
۲- الزام النّاصب: ص ۱۷۸؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۳؛ و مشابه این روایت باکمی تغییر در(- عیون أخبارالرّضا: ۱/ ۶۳ ب ۶ ح ۲۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۰- ۳۱۱ ب ۲۷ ح ۴.).

ص: ۱۴۸

آفاق، سی صد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر به هم می پیوندند و آن است منظور از فرمایش خداوند (أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ) حتی مرد جامه اش را می بندد و آن را نمی گشاید تا خداوند او را (به مکّه) برساند.»(۱)

ابی بصیر وقتی که حدیث امیرمؤمنان علیه السلام را از حضرت شنید، از امام صادق علیه السلام سؤال نمود: فدایت شوم! آیا امیرمؤمنان علیه السلام هم، نام های اصحاب «قائم علیه السلام» را آن گونه که تعدادشان را می دانست، می شناخت؟!

فرمود: به تحقیق نام های آن ها و پدرانشان را می شناخت.(۲)

اضافه کرد هر آن چه را که امیرمؤمنان علیه السلام شناخته بود، (امام) حسن علیه السلام نیز می شناخت (و همه امامان پشت سر هم) می شناختند و صاحب شما (یعنی امام صادق علیه السلام) هم می دانست.

ابی بصیر پرسید: نوشته شده است؟! امام صادق علیه السلام فرمود: در کتابی که محفوظ در قلب است و ثبت شده در ذکر و فراموش شدنی نیست، نوشته شده است.(۳)

۶۰]- س- لطفاً درباره اوصاف و مشخصه های خاص یاوران و فرماندهان وارتشیان

۱- غیبت طوسی: ص ۲۹۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۴ ب ۲۷ ح ۶۵ و در این مضمون روایاتی از(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۰ ب ۲۷ ح ۴؛ بشارهالإسلام: ص ۹؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۰ قسمتی ازآن؛ الزام النّاصب: ص ۶۳.).

۲- غیبت طوسی: ۲۸۵ بعضی از آن؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۸؛ الزام النّاصب: ص ۱۹۹؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۳.

۳- بشارهالإسلام: ص ۲۰۸؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۳.

ص: ۱۴۹

امام عجل اللَّه تعالی فرجه برای ما بیشتر توضیح دهید تا از این جهت نیز آگاهی داشته باشیم.

ج- بلی کمی از اوصـاف زیـاد مورد سؤال را بیـان می کنیم و مشـروح آن را به کتـاب «سـیمای جهـان درعصـر امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه» ارجاع می دهیم.

چنان که می دانیم، شـرط مهم پیروزی بر دشـمن، برتری نیروهاست و این نیروها تنها شامل نیروهای نظامی نمی شود، بلکه برتری از نظر روحی و ایمان و استحکام پایه های اقتصادی و اجتماعی نیز نقش اساسی دارند.

ارتش حضـرت مهدی موعود عجل اللَّه تعالی فرجه علیه السلام را علاوه بر ملائکه و جن و حیوانات، اعم از چرنده و پرنده و خزنده و همچنین از جمـادات، کـوه و دشت و بیابـان که بـا مقـام تکوینی و ولایـی خود در اختیـار خواهـد داشت، انسـیان زنـده و مرده نیز تشکیل خواهند داد.

۱- فرمانده کلّ در زره رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمانـده کـلّ ارتش روی زمین (یعنی قـائم عجل اللَّه تعالی فرجه) هنگام ورود به پایتختش (کوفه)، در میان یاران با زره رسول خـدا صلی الله علیه و آله ظاهر شده و ارتش را فرماندهی و رهبری خواهد نمود؛ زیرا خَلق و خُلق و منطق او شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در روایت آمده است:

«وخروجه کخروج- رسول اللَّه؛ خروج او مانند خروج رسول خداست.»

ابان بن تغلب گویـد: که امام صادق علیه السـلام فرمود: گویی قائم رامی بینم که چون به پشت نجف برسـد، زره سـفید رسول خـدا صلی الله علیه و آله را می پوشد، بدن او به آن زره قالب می گردد، به طوری که تمام بدن را فرا می گیرد، پس

ص: ۱۵۰

جامه ای از حریر بهشتی زره را می پوشاند ....(۱)

۲- شعار یاران

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «شعار الأنصار: أَمِتْ، أَمِتْ.(۲) شعار یاوران، أمت، أمت، خواهد بود.»

۲- امام صادق علیه السلام در توصیف نیروهای طالقان فرمود: «شعارهم یالثارات الحسین ...(۳) شعار آن ها یالثارات الحسین است.».

۳- صفات یاران و ارتشیان

در معرّفی واحدها و یگان های ارتش امام علیه السلام از نظر مشخّصه های جسمی و روحی و شناساندن کمالات وجودی آن ها، روایت های فراوان وارد شده است که تعدادی از آن هارا در جواب سؤال های گذشته گفتم و برای اطّلاع بیشتر عزیزان، تعداد دیگری را نیز می آوریم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما در دولت «قائم علیه السلام» ارکان بزرگ (یاکوهان) زمین و حکّام آن هستند، به هر مردی، نیروی چهل مرد داده می شود

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: ألقی الرّعب فی قلوب شیعتنا من عدوّنا، فاذا وقع أمرنا و خرج مهدیّنا کان أحدهم أجری من اللّیث و أمضی من السّنان،

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۶۶- ۱۶۱.

۲- منتخب الأثر: ص ۴۸۶؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۲؛ الإمام المهدی: ۲۲۶؛ یوم الخلاص: ص ۲۰۷ به نقل از منابع مذکور.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۳؛ بشارهالإسلام: ص ۲۲۵؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۷؛ یوم الخلاص: ص ۲۲۳.

ص: ۱۵۱

یطأ عدوّنا بقدمیه ویقتله بکفّیه.(۱)

(پیش از ظهور) ترس از دشـمنان ما به دل های شـیعیان ما انـداخته می شود، (ولی) وقتی که امر ما واقع شـد و مهدی ما خروج کرد، هر یک از آن ها بی باک تر از شیر و تیزتر از نیزه می شوند، دشمنان ما را با دو پایش (لگد مال) می کند و با دستانش می کشد.

۳- امام باقر علیه السـلام فرمود: گویا اصـحاب «قائم علیه السلام» را می بینم. در حالتی که مابین مشرق و مغرب را احاطه کرده اند و هیـچ چیز نیست مگر این که مطیع ایشان شـده است، حتی درّنـدگان زمین و درّنـدگان پرنـده (هوا)، همه چیز طالب رضای ایشانند، حتی این که زمین بر زمین فخر می کند و می گوید: امروز مردی از اصحاب «قائم علیه السلام» از روی من عبور کرد.(۲)

۴- حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لوط علیه السلام که می گفت: (لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ)(۳) ای کاش من بر شـما نیرویی داشـتم یا به رکن اسـتواری، پناهنـده می شـدم؛ این را نمی گفت، مگر قوّت و قدرت «قائم علیه السـلام» را آرزو می کرد و اصحاب (قدرتمند) او را تمنّا می نمود، چون بر هر مردی از آن ها قوّت چهل مرد داده می شود و قلب او سخت تر

۱- اثبات الهداه: ۳/ ۵۵۶ ب ۳۲ ف ۳۳ ح ۶۰۳؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۴/ ۶ ح ۱۰۸۱؛ مهدی منتظر: ص ۳۳۲. بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۲ ب ۲۷ ح ۱۶۴ از اختصاص؛ روایات دیگر در آدرس های ذیل قریب به این مضـمون آمـده است(بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۷۰ از الخرائج.)(بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۰ ب ۲۷ ح ۱۶۱ از کشف الغمّه؛ منتخب الأـثر: ص ۶۱۳ از ج ۳ حلیه الأولیاء؛ ینابیع المودّه: ۳/ ۱۰۹ ب ۷۸ از فرائدالسمطین.)(همان مدرک: ۳/ ۲۸۵ ح ۸۲۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۸ ب ۲۷ ح ۱۷.).

۲- معجم أحادیث امام المهدی: ۳/ ۲۸۲ ح ۸۱۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۷ ب ۲۷ ح ۴۳.

۳- هود: ۸۰.

ص: ۱۵۲

از پاره آهن است، اگر به کوه های آهنین گـذر کننـد، آن ها را پاره پاره می نمایند، شمشـیرهای خود را باز نگیرند تا خداوند عزّ و جلّ راضی شود.(۱)

۵- امام زین العابـدین علیه السـلام فرمود: وقتی که «قائم علیه السـلام» قیام کنـد، خداونـد از شـیعیان آفت و مرض را ببرد و دل های ایشان را مانند پاره های آهن سازد و به هر مردی از آن ها قوّت چهل مرد دهد و حکّام زمین و بلند رتبه ها خواهند بود.(۲)

۶- سـعد گوید که امام باقر علیه السـلام فرمود: سـرگذشت ما سـخت و سـخت تر است، آن را تحمّل نکند، مگر ملک مقرّب یا نبی مرسل یا بنده ای که از امتحان در آمده یا شـهری دارای دژ محکم باشد، پس زمانی که امر ما واقع شد و مهدی علیه السلام ما آمد، هر مردی از شـیعیان ما بی باک تر از شیر و با نفوذتر از نیزه می شود و دشمن ما را لگد کوب کند و با دستانش می زند و این قضایا هنگام نزول رحمت خدا و گشایشش بر بندگان خواهد شد.(۳)

اخبـار فراوان دیگر است که به همین تعـداد اکتفا می شود، این اخبار شامل حال همه یاران، بلکه همه شـیعیان، حتی بعـد از انقضای جنگ هم می شود.

۱- معجم أحادیث امام المهدی: ۵/ ۱۷۲ ح ۱۵۹۸؛ منتخب الأثر: ص ۶۱۳ ف ۸ ب ۲ ح ۱؛ ینابیع الموده: ۳/ ۲۴۱ ب ۷۱ ح ۲۱؛ کمال الدّین: ۲/ ۶۷۳ ب ۵۸ ح ۲۶ اثبات الهداه: ۳/ ۴۹۴ ب ۳۲ ف ۵ ح ۲۴۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۷ ب ۲۷ ح ۴۴؛ مهدی منتظر: ص ۳۳۱.

۲- همان مدرک: ۳/ ۱۹۲ ح ۷۱۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۲.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۸ ب ۲۷ ح ۱۷ از بصائر الدّرجات.

ص: ۱۵۳

۴- شب زنده داران

۱- فضیل بن یسار گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «مردانی که شب ها نمی خوابند، زمزمه شان در نماز مانند زمزمه زنبوران عسل است و شب تا صبح روی پایشان می ایستند و سوار بر اسبان به صبح می رسانند، راهبان شب و شیران روزند.»(۱)

۲- طارق بن شهاب از حذیفه نقل می کند: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... پس نجبا از مصر و ابدال از شام و دسته های عراق بیرون می آیند، راهبان شب، شیران روزند ....»(۲)

۵- جان نثاران روز

۱- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در جنگ ها به دور او می پیچند (واطراف او را می گیرند و حلقه می زنند) و با جانشان از او نگهداری می کنند و هرچه از آن ها بخواهد، کفایت می کنند (و برآورده می سازند) آن ها نسبت به او از کنیزان برده نسبت به آقا (صاحبانشان) فرمانبردارترند ....(۳)

۶- دل های فروزان دارند و آرزویشان شهادت

۱- فضیل بن یسار گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «مانند چراغ های فروزان در قلب هایشان مانند قندیل ها آویزان است و آن ها از ترس خدا حیرانند و برای شهادت دعا می کنند و آرزویشان کشته شدن در راه

۱- همان مدرک: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۲.

۲- الإختصاص: ص ۲۰۸؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۴ ب ۲۶ ح ۷۳ از اختصاص؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۰ و ۵۲؛ یوم الخلاص: ص ۲۰۸.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۲.

ص: ۱۵۴

خداست، شعارشان «یالثارات الحسین» است، زمانی که سیر می کنند «رعب» در مسافت یک ماه راه در جلویشان در حرکت است و به سوی مولا می روند، رفتنی (عاشقانه)، خداوند به وسیله آن ها امام حق را نصرت دهد.(۱)

۷- ارتش جوان

۱- امام باقر و امیرمؤمنان علیهما السلام فرمودند: اصحاب مهدی جوان ها هستند که پیر و کامل در میان آن ها مانند سرمه در چشم و یا نمک در طعام است و نمک در طعام کم ترین چیزی است».(۲)

۲- امام باقر و صادق علیهما السلام فرمودند: «در حالی که جوانان شیعه در پشت بام های خود در خوابند، ناگهان در یک شب بدون مواعده قبلی در مکّه نزد صاحب خود جمع می شوند مانند ابر پاییزی از قبیله ها.»(۳)

۸- ارتش غضب

۱- ابی جمیله، از جابر روایت کرده است که گفت: برایم حدیث کرد کسی که مسیّب بن نجبه را دیده بود او گفت: «مردی پیش امیرمؤمنان علیه السلام آمد و کسی (را دستگیر کرده و) آورده بود که به او فرزند سیاه

۱- همان مدرک: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۲.

۲- معجم أحادیث امام المهدی: ۳/ ۱۰۲ ح ۶۴۴؛ غیبت نعمانی: باب ۲۰ ص ۲۱۵؛ غیبت طوسی ص ۴۷۶ ف ۸ ح ۵۰۱؛ منتخب الأثر: ص ۴۸۴؛ ۲۰۷- ۲۰۶؛ ینابیع الموده: ۳/ ۶۶ بالفظ دیگر؛ الملاحم و الفتن: ص ۱۱۸ اوّل روایت؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۴ ب ۲۷ ح ۶۳؛ ملاحم ابن طاووس: ۱۴۴.

۳- غیبت نعمانی: باب ۲۰/ ۱۷۰؛ معجم احادیث امام المهدی: ۳/ ۱۹۹ ح ۷۱۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۳۹ و ۲۸۸ و ۳۰۶ ب ۲۶ ح ۷۹ جز اولش و ۳۷۰ جز آخرش؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۳؛ بشارهالإسلام: ص ۱۰۳ و ۲۰۵ و ۲۰۷؛ الإمام المهدی: ص ۲۲۶؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۸.

ص: ۱۵۵

می گفتند. پس به امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد: ای امیرمؤمنان علیه السلام! این مرد به خدا و رسولش دروغ می بندد و تو را نیز به دروغش شاهد می گیرد.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: سخن عریض و طویل گفته (یعنی حرف زیادی زده است که او را تکذیب می کنی) چه می گوید!؟ گفت: درباره «جیش الغضب»؛ یعنی ارتش غضب حرف می زند! حضرت فرمود:

رهایش کنید! آن ها (یعنی ارتش غضب) قومی هستند که در آخرالزّمان می آیند مانند ابرهای پاییزی، یکی، دوتا و سه تا در هر قبیله ای تا جمع شوند و به نُه نفر برسند، آگاه باش، به خدا قسم! من امیر آن ها و اسم و محلّ خوابیدن مرکب هایشان را می شناسم. سپس حضرت بلند شده و فرمود: باقراً، باقراً، باقراً و فرمود: او مردی است از ذرّیّه من، حدیث (علم) را می شکافد، چه شکافتنی.»(۱)

۲- احنف بن قیس گوید: «برای حاجتی به خدمت علی علیه السلام رسیدم، پس ابن کوّا و شبث بن ربعی آمدند و اجازه ورود خواستند.

حضرت به من فرمود: تو به گفتن حاجت ابتدا کردی (نوبت اوّل تویی) می خواهی تو اجازه بده! عرض کردم: ای امیرمؤمنان علیه السلام (از طرف من مانعی نیست) اجازه بدهید، پس داخل شدند. حضرت به آن ها فرمود: چه باعث شد شما در «حرورا» به من خروج کردید؟!

گفتند: دوست داشتیم تو از «غضب» باشی! فرمود: وای بر شما آیا در

۱- بیان: لقد أعرض وأطول: أی قال لک قولا عریضا طویلا تنسبه إلی الکذب فیه و یحتمل أن یکون المعنی إنّ السائل أعرض و أطول فی السؤال. غیبت نعمانی: ص ۱۶۸؛ بشارهالإسلام: ص ۴۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۴۷ ب ۲۵ ح ۱۲۸.

ص: ۱۵۶

ولایت من غضب هست؟!(۱)

از مفـاد دو روایت فـوق، معلـوم می شود که مسـأله «جیش غضب» در آن زمـان جـا افتـاده بوده است و در روایت دوّم آن دو نفر از بزرگـان خوارج نهروان هم آرزو داشـتند که جزء جیش غضب باشـند که امیرمؤمنـان علیه السـلام آن هـا را آگـاه سـاخت که هنوز شرایطش موجود نیست، باید امتحان ها پیش آید تا ارتش غضب پیرامون فرماندهشان گرد آیند.

پس یک «واحد» از ارتش «قائم علیه السـلام» جیش الغضب خواهد بود یا همان سی صد و سیزده نفرند که در روایات بسیاری آمده است. واللّه العالم.

۹- در زمین ناشناخته و در آسمان معروفند

۱- امیرمؤمنـان علیه السـلام فرمود: «پـدر و مادرم فـدای کسانی باد که تعـداد (و نام هایشان) در آسـمان معروف و در زمین مجهول است!»(۲)

۲- هم چنین فرمود: «با کفّار می جنگند قومی که نزد متکبّران ذلیلند، در زمین ناشناخته و در آسمان شناخته شدگانند.»(۳)

۱۰- در نَما شبیه همدیگرند

۱- امیرمؤمنان علیه السـلام فرمود: «گویا من به آن ها می نگرم در حالی که شـکل و قدّ و جمال و لباس یکی است، مانند این اسـت در جستجوی گمشده ای

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۴۸ ب ۲۵ ح ۱۲۹ از غیبت نعمانی ص ۱۶۸ ببعد.

۲- نهج البلاغه: ۲/ ۱۲۶؛ بشارهالإسلام: ص ۸۳؛ منتخب الأثر: ص ۲۳۹ و ۳۱۴؛ ینابیع الموده: ۳/ ۹۴؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۴.

۳- همان مدرک: ۱/ ۱۹۶؛ ینابیع الموده: ۳/ ۹۵؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۴.

ص: ۱۵۷

هستند (در طلب چیزی انـد که گم کرده انـد)، پس آن ها در کارشان متحیّرنـد تا این که در آخر روز از زیر اسـتار کعبه بیرون می آید مردی که شبیه ترین خلق است به رسول خدا صـلی الله علیه و آله از جهت آفرینش و اخلاق و زیبایی و جمال، پس می پرسـند: مهدی تویی؟! جواب می دهد: منم مهدی، بیعت کنید!»(۱)

۶۱]- س- آیا هزینه ارتش قوی امام از کجا تأمین و با چه وسیله ای حرکت خواهند نمود؟.

ج- با دقت در مفاد روایات ذیل، معلوم می شود مشکلات، آذوقه ارتش امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف- حل شده است و هیچ گونه کمبودی در لشـکریان امام مشاهده نخواهد شد و زحمتی برای حمل وسایل سـنگین آشپز خانه و خورد و خوراک و علوفه، نخواهد بود، و در پشت کوفه پایتخت و مقرّ سـلطنتی امام- عجّل اللَّه فرجه الشریف-، از سنگ حضرت موسی علیه السلام که با آن حضرت است آب و شیر دائماً جریان خواهد داشت.

۱- ابی الجـارود می گویـد که امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: «زمانی که «قائم» ظهور کرد با پرچم رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و انگشتر سـلیمان و سنگ و عصای موسی، ظهور می نماید سپس منادی را امر می کند که اعلان نماید، آگاه شوید! هیچ کس آب و غذا و علوفه، با خود برندارد، اصحابش می گویند:

او می خواهد ما و حیواناتمان را از گرسنگی و تشنگی نابود سازد! پس

۱- الملاحم والفتن: ص ۱۲۲؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۵.

ص: ۱۵۸

می رود و می رونـد تا به منزل اوّل که رسیدند، فرود می آینـد و سنگ را (به زمین گذاشته) و ضربتی به آن می زند، از آن غذا، آب و علف، می جوشد و می خورند و می نوشند و حیوانات را، سیر می کنند تا در پشت کوفه، به نجف فرود آیند.»(۱)

۲- ابی سعید خراسانی گوید که جعفربن محمد از قول پدرش علیهما السلام فرمود:

«زمانی که «قائم» در مکّه، قیام نمود و خواست متوجه کوفه شود، منادی اش نـدا کنـد، آگاه باشید، هیچ کس، با خود آب و طعام برندارد و سنگ موسی بن عمران علیه السلام که از آن (در آن زمان) دوازده چشمه (برای ۱۲ قبیله جوشیده بود) را برمی دارد، پس در هر منزلی فرود آمدنـد، آن را نصب می کنـد و چشمه ها از آن می جوشـد، پس هرکس گرسنه باشد، سیر شود و تشنه باشد، سیراب شود، این توشه آن ها است، تا در کنار کوفه به نجف وارد شود، آن جا که نزول کردنـد، از آن سنگ، به طور دائم، آب و شیر می جوشد، هرکس از آن بخورد، سیر

۱- غیبت نعمانی: باب ۳ حدیث ۲۷ ص ۲۳۸؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۱ ب ۲۷ ح ۱۰۵ و ۳۲۵- ۳۲۴ و ۳۳۵ نصف اوّل و ۳۳۸ تمام خبر؛ ارشاد: ص ۳۴۳؛ اصول کافی: ۱/ ۲۳۱؛ الزام النّاصب: ص ۷ و ۱۴۰ و ۲۲۳ نصف آخر؛ منتخب الأثر: ص ۳۱۲ اوّل آن را؛ اعلام الوری: ص ۴۳۰؛. الامام المهدی: ص ۲۲۷؛ بشارهالإسلام: ص ۲۳۲- ۲۳۱ و ۲۴۴ جز آخرش و ۲۴۶؛ یوم الخلاص: ص ۲۵۵ از قسمتی ازمنابع فوق. روایت مشابه این روایت باکمی تفاوت از امام باقرو صادق علیهما السلام در کمال الدّین: ۲/ ۳۸۷ باب نوادر الکتاب؛ غیبت نعمانی: ص ۲۳۸؛ اصول کافی: ۱/ ۲۳۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۴ ب ۲۷ ح ۳۷.) معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۲۴۷ ح ۷۷۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۴ ب ۲۷ ح ۳۷؛ منتخب الأنوار المضیئه: ص ۳۴۹- ۳۵۰ ف ۱۲.

ص: ۱۵۹

و سیراب می شود.»(۱)

۶۲]- س- آیا فرماندهان و یاوران درجه یک حضرت که در آن زمان هریک درگوشه ای از جهان خواهد بود، چگونه گردهم خواهند آمد؟.

ج- مانند ابرهای پائیزی، گردهم آیند

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «پس خداوند ۳۱۳ نفر اصحابش را بدون قرار قبلی؛ مانند ابر پاییزی، جمع می کند و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً» هرجا باشید، خداوند شما را دسته جمعی می آورد.

پس در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند و با اوست «عهد» رسول خدا صلی الله علیه و آله» بر آن عهد (گفتارهای) پدران (ما) متواتر است و اگر (درباره قبول آن عهد) مشکلی پیش آید، از صوت آسمانی که (یقیناً) با نام و نام پدرش ندا شود که، مشکلی پیش نمی آید.(۲)

۲- جابر جعفی گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «و به خدا قسم می آید سیصد و چند ده نفر مرد و در میان آن ها ۵۰ نفر زن خواهد بود و بدون قرار قبلی در مکّه جمع شوند؛ مانند پاره های ابر پاییزی» چه زیبا است تعریف «قزعا کقزع الخریف» در عصری که سفرهای آسمانی از فکر متفکّرترین شخصیت های بشر هم، خطور نمی کرد و به ذهنشان نمی آمد. گردهم آئی با این شرایط، یاباپیشرفته ترین وسایل مسافرتی آن زمان، خواهد بود و یا از طریق قدرت مافوق بشری؛ مانند آوردن آصف بن برخیا تخت سلطنت بلقیس را در یک چشم به هم زدن، صورت خواهد پذیرفت.» (به فصل بعد دقت کنید!).(۳)

۱- الخرائج و الجرایح: ۲/ ۶۹۰؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۵ ب ۲۷ ح ۶۷ از الخرائج. (روایت دیگرمشابه این روایت در همان مدرك: ۳/ ۲۴۷ ح ۷۷۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۴ ب ۲۷ ح ۳۷؛ منتخب الأنوارالمضیئه: ص ۳۴۹- ۳۵۰ ف ۱۲.)

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۶ ب ۲۶ ح ۷۸ مشابه و هم مضمون این حدیث در(- روضهالکافی: ص ۳۱۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۸ ب ۲۶ ح ۲۶ و ص ۳۶۸ ح ۱۵۳ و ۱۵۴ با کمی تغییر.)(منتخب الأثر: ص ۵۹۷ ازتاریخ ابن عساکر: ۱/ ۶۲ از علی علیه السلام؛ الصّیواعق المحرقه: ص ۱۶۳؛ غیبت نعمانی: ص ۱۵۰ با اختلاف کمی؛ المهدی ص ۲۱۶ از امیرمؤمنان علیه السلام؛ ینابیع الموده: ۳/ ۹۰؛ بشارهالإسلام: ص ۶۳ و ۲۰۴ مقداری ازآن؛ و مانند آن در الزام النّاصب: ص ۱۷۶ و ۲۲۶ از امام صادق علیه السلام؛ یوم الخلاص: ص ص ۲۰۹.)(- کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۶۹؛ المهدی: ص ۲۱۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۳۷ بعلاوه توصیف قدرت آن ها و ص ۱۴۵.)(- الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۴۵؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۶ با لفظ دیگر یوم الخلاص: ص ۲۱۷؛ منتخب الأثر: ص ۵۹۵ ز ینابیع الموذه ص ۴۲۴.)

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۲۳ ب ۲۵ ح ۸۷ از تفسیر عیاشی؛ الزام النّاصب: ص ۱۷۶؛ غیبت نعمانی: ص ۱۵۰ با اختلاف کمی؛ یوم الخلاص: ص ۲۲۰؛ منتخب الأثر: ص ۵۹۴ تا ۵۹۶ روایات متعدد از مصادر گوناگون.

ص: ۱۶۰

۲- در یک چشم به هم زدن

۱- مفضّل گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «و به سوی آن می آیند و بر آن ها کم تر از یک چشم به هم زدن نمی گذرد مگر همگی در برابر امام علیه السلام بین رکن و مقام می باشند (حضور به هم می رسانند).»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند آن ها را از مشرق زمین تا مغربش، در کم تر از دو چشم به هم زدن، نزد بیت اللّه حرام، دورهم جمع می نماید.(۱) (مانند این روایت از امیرمؤمنان علیه السلام نیز آمده است.

۱- الملاحم و الفتن: ص ۱۲۱؛ الزام النّاصب: ص ۲۰۰ و ۲۰۱ با اختلاف کمی؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۰ در این مضمون روایات در(- بحارالأنوار: ۵۳/ ۷ ب ۱ ح ۱؛ مختصر بصائرالدّرجات: ص ۱۸۲؛ غیبت طوسی: ص ۲۸۴؛ الزام النّاصب: ص ۱۸۸؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۶؛ یوم الخلاص: ص ۲۲۱ از سه منبع اخیر.).

ص: ۱۶۱

اگر به عبارات اولیّه روایت دقت شود خیلی واضح و روشن در ۱۴ قرن پیش، گرد آمدن یاران «قائم علیه السلام» را از مشرق تا مغرب در یک چشم به هم زدن یا باطی الارض و یا مانند آمدن تخت بلقیس از سبا به اصطخر در یک چشم بهم زدن، با وسایل فضایی مدرن یا با هواپیماهای فوق مدرن و مافوق سرعت صوت، هزاران کیلو متر را طیّ کرده و سریعاً در نزد امام علیه السلام حضور به هم می رسانند!

۳- بدون وعده قبلی

۱- ابی جارود می گوید امام باقر علیه السلام فرمود: «اصحاب قائم ۳۱۳ مرد از اولاد عجم هستند، بعضی ها در روز روشن، با ابر حمل می شود نام ونام پدرش و نسبش و آرایشش، شناخته می شود، بعضی ها، در رختخوابشان خوابیده اند و خود را بدون وعده قبلی، در مکّه می بینند.»(۱)

۶۳]- س- آیا از همدیگر چگونه مطّلع می شوند و آیا آنها از نظر درجات ایمانی در یک سطح هستند یا متفاوت؟!.

ج- هر کسی در رختخوابش می خوابد و صبح بلند شد می بیند زیر سرش نوشته ای ایست «فرمانبرداری آشکار» از این رمز می فهمند که امام عجل اللّه تعالی فرجه ظهورش فرا رسیده است و درجه ایمانشان نیز متفاوت است.

۱- الزام النّاصب: ص ۲۲۳؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۵ و ۱۰۳ اوّل آن؛ غیبت نعمانی: ص ۱۷۰؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۰ ب ۲۷ ح ۱۵۷ باکمی تغییر در(بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۰ ب ۲۷ ح ۱۵۹ از غیبت نعمانی.) و مقداری متفاوت در(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۱ ب ۲۷ ح ۹۱ از تفسیر عیاشی.).

ص: ۱۶۲

دلیل:

۱- عبدالله بن عجلان گفت: نزد امام صادق علیه السلام یادی از خروج قائم علیه السلام پیش آمد، به او گفتم: ما چگونه خواهیم دانست؟ فرمود: «هر کسی از شما صبح بیدار شود زیر سرش صحیفه ای است که در آن نوشته شده: طاعه معروفه.»(۱)

۲- محمد بن سنان از مفضل بن عمر گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه «أینما تکونوا «درباره گم شدگان (از رختخواب) از اصحاب «قائم علیه السلام» نازل شده است که شب از رختخواب گم می شوند و صبح در مکّه حضور یابند و بعضی ها روز با ابر حاضر می شوند، نام و نام پدر و شمایل و نام خانوادگی شان، شناخته می شود. گفتم: فدایت شوم کدام یک از آن ها ایمانش بزرگ تر است (گم شدگان، یا با ابر آیندگان)؟! فرمود: آن هایی که در روز با ابر آیند.»(۲)

۶۴]- س- لطفاً اوصاف اوتاد و ابدال را برای ما توضیح دهید؟.

ج- در جواب سؤال های قبل مقداری از صفات آنان بیان گردید علاوه بر آن.

شیخ ابراهیم کفعمی در حاشیه جنّه الواقیه در دعای امّ داود در آن جا که می فرماید، بعد از صلوات بر اوصیا و سعدا و شهدا و ائمّه هدی:

۱- نور: ۵۳؛ کمال الدّین: ۲/ ۳۶۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۴ ب ۲۷ ح ۳۵ و ۳۰۵ ب ۲۶ ح ۷۶؛ منتخب الأثر: ص ۴۴.

۲- کمال الدّی ن: ۲/ ۳۸۹، بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۶ ب ۲۶ ح ۲۱ و ص ۳۶۸ ح ۱۵۳ و ۱۵۴ با کمی تغییر.

ص: ۱۶۳

«اللهم صلّ علی الابدال و الاوتاد السیّاح و العباد و المخلصین و الزهاد و اهل الجدّ والاجتهاد» که گفته شده که زمین خالی نیست از قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سی صد و شصت صالح. پس قطب مهدی علیه السلام است و اوتاد کمتر از چهار نمی شود.

زیرا که دنیا مانند خیمه است و مهدی- صلوات اللّه علیه- مانند عمود است و این چهار نفر طناب های آن خیمه اند و گاه می شود که اوتاد بیشتر از چهاراند و ابدال بیشتر از چهل و نجبا بیشتر از هفتاد و صلحا بیشتر از سی صد و شصت.

ظاهر این است که خضر و الیاس از اوتادند، پس ایشان دائم با دایره قطب حضور دارند.

و امّا صفت اوتاد: پس ایشان قومی هستند که غفلت نمی کنند از پروردگار خودشان طرفه العینی و جمع نمی کنند از دنیا مگر قوت روز و صادر نمی شود از ایشان لغزش های بد و شرط نیست در ایشان عصمت از سهو و نسیان. بلکه همان عصمت از فعل قبیح و شرط است این، یعنی عصمت از سهو و نسیان در قطب.

و امّا ابدال: پس مقامشان پست تر از ایشانند در مراقبت و گاهی صادر می شود از ایشان غفلت. پس تدارک می کنند آن را با تذکّر و عمداً معصیتی نمی کنند.

و امّا نجبا: پس مقام ایشان پست تر از ابدال اند.

و امّا صلحا: ایشان پرهیزگارانند که موصوفند به عدالت و گاهی صادر می شود از ایشان معصیت. پس تدارک می کنند آن را به استغفار و

ص: ۱۶۴

پشیمانی. واللّه العالم (۱).

۶۵]- س- آیا اعلان ظهور در کجا و چگونه خواهد بود؟.

ج- مفضّل گوید: که امام صادق علیه السلام در حدیث طولانی فرمود: «میان رکن و مقام می ایستد، با صدای بلند می گوید: ای دسته نقیبان من و ای اهل مخصوص من و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من، آن ها را در روی زمین برای یاری من ذخیره نموده است!، با (اختیار و) اطاعت، به سوی من آیید. پس صدای او به همه آن ها می رسد در حالی که آن ها در محراب ها و روی فرشهایشان در شرق و غرب زمین هستند، پس آن ها، آن صدا را در گوش هر فرد و فرد با یک آهنگ (و نُتْ و تُنِ واحد)، می شنوند و به سوی آن می آیند و بر آن ها کم تر از یک چشم به هم زدن نمی گذرد مگر همگی در برابر امام علیه السلام بین رکن و مقام می باشند (و حضور به هم می رسانند). پس خدای عزّ و جلّ امر می کند «نور» را از زمین تا آسمان به صورت عمود در آید و هرمؤمنی در روی زمین است از آن نور روشنایی می گیرند و به خانه اش می تابد و با (دیدن) آن نور همه خوشحال می شوند در حالی که آن ها (هنوز) از ظهور «قائم» ما اهل بیت، بی اطلاعند ولی بامداد خود را در رکاب او ایستاده می بینند و (تعداد) آن ها ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز بدر می باشند!»(۲) توضیح این که جمله «فیسمعونه فی صیحه واحده فی أذن

۱- (۱). جنه الواقیه: ص ۵۳۴- ۵۳۵ با تلخیص؛(- نجم الثاقب: ۲/ ۸۶۹ از آن).

۲- بحارالأنوار: ۵۳/ ۷ ب ۱ ح ۱؛ مختصر بصائرالدّرجات: ص ۱۸۲؛ غیبت طوسی: ص ۲۸۴؛ الزام النّاصب: ص ۱۸۸؛ بشارهالإسلام: ص ۲۰۶؛ یوم الخلاص: ص ۲۲۱ از سه منبع اخیر.

ص: ۱۶۵

کل رجل؛ پس آن ها آن صدا را در گوش هر فرد فرد با یک آهنگ (نُتْ و تُنِ واحد)، می شنوند.» نشان می دهد حضرت «قائم علیه السلام» از رسانه های پیشرفته آن روز استفاده می کند و نیازی به اظهار اعجاز نخواهد داشت.

۶۶]- س- آیا اداره کشوری به وسعت کره زمین، به چه صورتی خواهد بود؟.

ج- پیشرفت های روز افزون جهان در همه زمینه ها، نشان می دهد که در زمان امام اداره کشوری به وسعت کره زمین، مشکلی پیش نخواهد آورد، زیرا وقتی که امام علیه السلام به کار گزارانش دستور خواهد داد «هر وقت به مشکلی برخوردید که حکم آن را ندانید، به کف دستتان نگاه کنید!»(۱) خواهند دید که تکلیف چیست و وظیفه کدام، و جریانات اعجازآمیز فراوان دیگر، پس کوچک ترین مشکلی در مدیریت و اداره کشور، باقی نخواهد ماند.)

۶۷]- س- آیا در زمان امام قسمت فرهنگی کشور به چه صورتی در خواهد آمد؟!.

ج- پر واضح است که در زندگی بشر مسأله آموزش و پرورش از

۱- غیبت نعمانی: ۲۱۹ اثباالهداه: ۳/ ۵۷۳ ب ۳۲ ف ۴۲ ح ۷۱۲ الزام النّاصب: ۲/ ۲۸۷ بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۶۵ ب ۲۷ ح ۱۴۴؛ و احادیث مشابه در(- همان مدرک: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۷۲.)(- بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۴۵ ب ۲۷ ح ۹۱ مجم احادیث الإمام المهدی: ۵/ ۲۹ ح ۱۴۵۳.)(- غیبت نعمانی: ص ۲۱۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۶ ب ۲۶ ح ۱۹؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۴/ ۱۱ ح ۱۰۹۰.).

ص: ۱۶۶

مسایل کلیدی و قابل اهمیّت است؛ زیرا علم و تربیت است که کشور را دگرگون می سازد.

در کشور و جامعه ای که آموزش و پرورش ضعیف باشد، آن کشور قابلیّت زندگی را ندارد، چون انسانیّت و وجدان و در رأس آن دین و ایمان در چنین جامعه ای مفهومی نخواهد داشت.

عیار هر مجموعه ای با میزان دانش و تربیت آن سنجیده می شود و بهای هر فرد و یا اجتماع با میزان آموزش و پرورش آن تعیین می گردد.

در زمان حضرت قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف- تعلیم و تربیت به کمال مطلق و به حدّ اعلای خود خواهد رسید و در زوایای علم و تربیت چیزی مبهم و یا ناشناخته نخواهد ماند که اسرار آن گشوده نشود چون تمامی بخش های ۲۷ گانه علم با دست او تفسیر خواهد شد و تمامی فرمول های مربوط به جهان آفرینش در زمان او و تحت نظر آن حضرت تعریف و توضیح داده می شود و همه رؤیاهای دانشمندان در آن زمان تعبیر شده و به حقیقت خواهد پیوست، زیرا هیچ برنامه انقلابی بدون یک جهش فکری و فرهنگی، پویا نشده و تحقّق نیافته و بدون آن به رشد و تکامل لازم خود نخواهد رسید.

لذا نخستین گام در تحقّق بخشیدن به چنین هدفی اقدام به یک انقلاب فرهنگی است که افکار را از دو سو به حرکت درآورد.

الف: در زمینه علوم و دانش هایی که مورد نیاز یک جامعه آباد، آزاد و سالم از نظر مادّی و رو بنایی است.

ب: در زمینه آگاهی به اصول یک زندگی صحیح انسانی آمیخته با

ص: ۱۶۷

ایمان در جهت معنوی و زیر بنایی است.

در توضیح مطلب فوق، به نمونه هایی ازروایات پیشوایان توجّه نمایید.

۱- امیرمؤمنـان علیه السّلام فرمود: علم بیست و هفت حرف است، تمـام آن چه پیغمـبران آورده انـد دو حرف است (یعنی از جهت عـدم اسـتعداد و آمادگی مردم بیش از این نگفته انـد، نه این که بلـد نبودنـد؛ چون بایـد «کلّموا الناس علی قدر عقولهم»(۱) رعایت شود، ولی در زمان قائم علیه السلام استعدادها شکوفا می شود و مردم توانایی حمل هر گونه علم را خواهند داشت و مردم تا امروز، هنوز بیش از دو حرف آن را نشـناخته انـد و چون قـائم- عجّل اللّه فرجه الشـریف- ما قیام کنـد، بیست و پنـج حرف دیگر را بیرون آورد و آن دو حرف را به آن ها اضافه می کند تا این که تمام بیست و هفت حرف را نشر دهد.(۲)

۲- امیرمؤمنـان علیه السّلام به کمیـل بن زیـاد نخعی فرمود: ای کمیـل! هیـچ علمی نیست، مگر این که من آن را می گشـایم و هیچ چیزی نیست، مگر این که «قائم- عجّل اللّه فرجه الشریف-» آن را ختم می کند.»(۳)

۱- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود:« نحن معاشـر الأنبیاء أُمرناأن نُکلّم النّاس علی قدرعقولهم»« ما گروه پیامبران مأمور هستیم که با مردم به انـدازه عقل آن ها حرف بزنیم.»(اصول کافی: ۱/ ۳۸- ۳۹ کتابالعقل والجهل ح ۱۵؛ روضه الکافی: ص ۲۱۳- ۲۱۴ ح ۳۹۴؛ تفسیر البصائر: ۳۸/ ۳۶۷- ۳۶۸).

۲- مختصـر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷ بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۷۳ از الخرائج؛ منتخب الأنوار المضیئه ص ۳۵۳ ف ۱۲. بیان الأئمّه: ۳/ ۲۱۰ از کتاب مکیال المکارم: از امام صادق علیه السلام.

۳- یا کمیل! ما من علم إلّاوأنا أفتحه ما من شـی ء إلّاوالقآئم یختمه؛ اثباهالهداه: ۳/ ۵۲۹ ب ۳۲ ف ۲۳ ح ۴۴۷؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۱۰ از کتاب دارالسّلام.

ص: ۱۶۸

۳- هم چنین فرمود: «ای کمیل! نیست علمی، مگر این که من گشاینده آنم و سرّی نیست، مگر این که «قائم علیه السلام» کاشف آن خواهد بود.»(۱)

۴- هم چنین فرمود: علم را در دل های مؤمنان می اندازد پس هیچ مؤمنی به برادر خود در هیچ علمی نیاز نخواهد داشت و در آن روز تأویل این آیه ظاهر می شود (یُغْنِ اللَّهُ کُلًّا مِنْ سَعَتِهِ)؛(۲) خداوند هر کس را از وسعت (وگشایش نعمت) خود بی نیاز می سازد.(۳)

۵- فرمود: «در زمان او حکمت داده خواهید شد، حتی این که زن در خانه خود به کتاب خدا و سنّت رسول صلی الله علیه و آله قضاوت می کند.»(۴)

۶- در سؤالات راهب از امام کاظم علیه السلام از هشت حرفی که از آسمان نازل شده، چهار حرف آن در زمین ظاهر شد و چهار حرف دیگر در هوا (معلّق) می ماند، آن ها بر چه کسی فرود آید و چگونه تفسیر خواهد کرد؟

فرمود: «قائم علیه السلام» ما خداوند آن ها را بر او نازل می نماید و او تفسیر خواهد کرد و چیزی را به او فرو فرستد که بر هیچ یک از صدّیقان و رسولان و هدایت شوندگان نازل نکرده است ....(۵)

۷- امام صادق از پدر خود علیهما السلام فرمود: هر گاه «قائم- عجّل اللَّه فرجه

۱- یا کمیل! ما من علم إلّاوأنا فاتحه وما من سرّ إلّاوالقآئم یکشفه.

۲- نساء: ۱۳۰.

۳- مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۰۱ معجم احادیث الإمام المهدی: ۵/ ۸۳ ح ۱۵۰۴.

۴- وتؤتون الحکمه فی زمانه حتّی إنّ المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب اللَّه تعالی وسنّه رسوله ۹؛ غیبت نعمانی: ص ۱۵۸ بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۵۲ ب ۲۷ ح ۱۰۶؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۱۰ از کتاب مکیال المکارم.

۵- منتهی الامال حالات امام کاظم علیه السلام در اواخر فصل دوم.

ص: ۱۶۹

الشریف-» قیام کند، در هر اقلیمی از اقالیم زمین مردی را می فرستد و می گوید: عهد تو در کف دست تو است، هرگاه چیزی برای تو پیش آید که حکم آن را نمی دانی، به کف دستت نگاه کن و به آن چه در آن است عمل کن.(۱)

این احادیث به روشنی جهش علمی فوق العاده عصر پر برکت امام مهدی- عجّل اللّٰه فرجه الشریف- را در هر زمینه ای مشخص می سازد که تحوّلی به میزان بیش از دوازده برابر نسبت به تمام علوم و دانش هایی که در عصر همه پیامبران راستین تا به آن روز به بشریّت اعطا شده، پیش می آید و درهای همه شاخه های علوم مفید و سازنده به روی انسان ها گشوده می شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان دوازده برابر در دوران آن امام علیه السلام می پیماید، چه جهشی از این سریع تر و بالاتر و چه پیشرفتی از این برتر و والاتر؟!

۶۸]- س- می گویند در زمان آن حضرت بیماری ها برچیده خواهد شد و مرضی وجود نخواهد داشت آیا این گفتارها درست است؟!.

ج- پر واضح است با پیش رفت محیّرالعقول روزانه، تکنیک ها و علوم مختلف جامعه تا زمان آن حضرت به گونه ای خواهد بود و به مقامی

۱- غیبت نعمانی: ۲۱۹ اثباالهداه: ۳/ ۵۷۳ ب ۳۲ ف ۴۲ ح ۷۱۲ الزام النّاصب: ۲/ ۲۸۷ بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۶۵ ب ۲۷ ح ۱۴۴؛ و احادیث مشابه در(- همان مدرک: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۷۲.)(- بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۴۵ ب ۲۷ ح ۹۱ مجم احادیث الإمام المهدی: ۵/ ۲۹ ح ۱۴۵۳.)(- غیبت نعمانی: ص ۲۱۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۶ ب ۲۶ ح ۱۹؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۴/ ۱۱ ح ۱۰۹۰.).

ص: ۱۷۰

می رسد که عامه مردم، از زن و مرد و پیر و جوان و کوچک و بزرگ، از نظر حفظ بهداشت و سایر مسائل طبی برای پیش گیری و معالجه، خود کفا شده و نیازی به پزشک نخواهند داشت!.

۱- امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «هر گاه «قائم علیه السلام» قیام کند، خداوند از تمامی مؤمنان آفت و مرض را می برد و نیروی (از دست رفته) را به او برمی گرداند.»(۱)

۲- ابی بکر حضرمی گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر صاحب نقاهت (بیماری) یا ناتوانی، «قائم علیه السلام» اهل بیت علیهم السلام مرا درک کند، بهبود یافته و توانا می شود.»(۲)

۳- امام سجاد علیه السلام فرمود: زمانی که «قائم علیه السلام» ما قیام نمود، خدای- عزّ وجلّ- از شیعیان ما بیماری را می برد و دل های آنان را مانند پاره های آهن قرار می دهد و به هر یک از آن ها قدرت چهل مرد می دهد و فرمانروایان زمین و ارکان آن می شوند.(۳)

۴- امام حسین علیه السلام در تشریح رجعت خود بعد از «قائم علیه السلام» به

۱- إذا قام القائم أذهب اللّه عن كلّ مؤمن العاهه وردّ إليه قوّته؛ غيبت نعمانى: ص ۳۱۷ ح ۲؛ معجم الملاحم والفتن: ۴ / ۹؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۶۴ ب ۲۷ ح ۱۳۸ و ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۲ از الخصال با تغییری.

۲- (- عن أبي جعفر عليه السلام قال:« من أدرك قائم من أهل بيتي من ذي عاهه برأ و من ذي ضعف قوي» بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۵ ب ۲۷ ح ۶۸ از الخرايج و الجرايح؛ المهدی: ص ۱۹۷؛ بشارهالإسلام: ص ۲۴۳؛ یوم الخلاص: ص ۲۱۹.

۳- ثوير بن أبي فاخته از برادرش از علی بن الحسين عليهما السلام قال: إذا قام قائمنا أذهب اللّه عزّوجلّ عن شيعتنا العاهه وجعل قلوبهم كزبر الحديد وجعل قوه الرجل منهم قوه أربعين رجلا ويكونون حكام الارض وسنامها. معجم أحاديث الإمام المهدی: ۳/ ۱۹۳ ذیل ح ۷۱۳؛ بحارالأنوار: ۵۲ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۲ از خصال؛ مهدی منتظر: ص ۳۳۱.

ص: ۱۷۱

اصحاب خود در شب عاشورا فرمود: «و باقی نمی مانـد در روی زمین نابینایی و زمین گیری و گرفتاری، مگر این که خداوند بلا را به خاطر ما اهل بیت علیهم السلام از او برمی دارد ...»(۱)

۶۹]- س- آیا در کشوری به وسعت کره زمین، ملاقات با آن حضرت چگونه خواهد بود؟!.

ج- از نظر علمی و تجربه، ثابت شده است که در زندگی طبیعی، دو عنصر زمان و مکان، به وجود ما حکومت دارد، یعنی بشر هیچ وقت نمی تواند، در آن واحد و در یک چشم به هم زدن، بدون دخالت زمان و مکان، در فاصله دور یا نزدیک حضور، یابد؛

اما اگر کسی در اثر عبودیت و بندگی و در سایه سلوک الی اللّه، خود را به جائی و مقامی برساند که حاکم به آن دو عنصر باشد و زمان و مکان را تحت سیطره خود در آورد، دیگر مسئله برایش حل شده است چون این گونه اشخاص می توانند در آن واحد، در همه جا حاضر شـده و در برابر دیـد انسان ها قرار گیرنـد، که نمونه هائی از آن در قرآن کریم بیان شـده است، ماننـد حاضر کردن آصف بن برخیاء تخت عظیم بلقیس ملکه سبا را در یک چشم به هم زدن، از مسافت دوماه راه، در نزد حضرت سلیمان علیه السلام و امثال این خارق العادات ها، چون خداوند متعال در حدیث قدسی فرموده است «عبدی أطعنی حتّی أجعلک مَثَلی

۱- ولایبقی علی وجه الأرض أعمی ولا مقعـد ولا مبتلی إلّاکشف اللّه عنه بلائه بنا أهل البیت ...؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۶۱ ب ۲۹ ح ۵۲ از الخرایج؛ تمام حدیث در فصل رجعت و حکومت امامان علیهم السلام« سیمای جهان».

ص: ۱۷۲

بنده من مرا فرمان بر، تا ترا همانند خود قرار دهم».

علاوه بر این، در روایات زیاد برای تقریب ذهن و تفهیم مطالبی که برای اهل آن زمان قابل فهم نبود، کلمات و تعبیرهایی بیان شده است که در ذهن آن ها جا بگیرد و برای آیندگان نقل کنند تا گذشت زمان پرده از روی اسرار آن بردارد و به حقیقت بپیوندد، مثلًا از فضا پیماها و وسایل کیهان نورد با عبارت اسباب سماوات و ابر غرّش کنان و سخت و ... بیان می فرمودند.

در این جا نیز مرکبی را که امام- عجّل اللّه فرجه الشریف- سوار می شود با توصیف ابلق و ادهم که میان دو چشمش سفیدی است و اسبش را حرکت می دهد، همه بلاد او را می بینند و چیزی می پوشد که قالب بدنش می شود و حرکتی می کند که اهل همه شهرها او را مشاهده می کنند و امثال این تعبیرها، که می خواهد چیزی را به ما و انسان های پیش از ما و بشریت بعد از ما بفهماند.

این مرکب سواری امام از چه جنسی خواهد بود و چگونه ترکیب می شود که با یک حرکت تمامی مردم دنیا او را خواهند دید و آن زره یا پوشاک چیست که با پوشیدن آن، آن همه نیرو و تحولات پیش می آید؟!

خیلی دقت می خواهد که برای فهم این گونه روایت ها از چه منبع و تکنیکی استفاده کرده و با پیشرفت علوم تطبیق نموده و معنا کنیم وگرنه آن تعبیرهای عجیب و غریب چه لزومی داشت، آن هم برای زمانی که تمام علوم ۲۷ حرف در روی زمین پیاده خواهد شد ودانش روز، تمام فرمول های پنهانی را تفسیر و آشکار خواهد ساخت!.

ص: ۱۷۳

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «به مرکب سیاه و سفید که میان دو چشمش سفیدی هست سوار می شود، پس حرکتی می کند که اهل شهری نمی ماند، مگر این که او را می بینند که با آن هاست.»(۱)

۲- ابان بن تغلب گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «گویی «قائم علیه السلام» رامی بینم که چون بر پشت نجف برسد، زره سفید رسول خدا صلی الله علیه و آله را بپوشد و بدن او به آن زره قالب آید، به طوری که تمام بدن را فراگیرد.

پس جامه ای از حریر بهشتی آن زره را می پوشاند و اسب سیاه و سفیدی که او راست و در میان دو چشمش سفیدی است سوار می شود و با آن اسب چنان گردش کند که اهل هیچ شهری نمی ماند، مگر این که می بینند حضرت با آن هاست و در شهر آن ها و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را می گشاید که عمودش از عمودهای عرش خداست و بقیّه اش نصرت خداست.»(۲)

۳- حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه امور به صاحب این امر منتهی شود، خداوند برای او هر پستی را بلند و هر بلند را پست کند تا این که دنیا در نزد او به منزله کف دست او باشد، پس کدام یک از شما اگر در کف دست او مویی باشد، او را نمی بیند(۳)

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۶۶؛ أدهم الأسود و أبلق الّذی فیه سواد و بیاض و شمراخ غرّه الفرس یا رأس الجبل.

۲- همان مدرک: ص ۱۶۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۸ ب ۲۷ ح ۴۸ از کمال الدّین.

۳- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۴/ ۵۶ ح ۱۱۲۹ کمال الدین: ۲/ ۶۷۴ ب ۵۸ ح ۲۹ بحار الانوار ج ۵۲/ ۳۲۸ ب ۲۷ ح ۴۶ منتخب الانوار المضیئه: ص ۳۵۰ ف ۱۲ م م ۴۱۵

ص: ۱۷۴

۷۰]- س- آیا وضع اجتماعی مردم در آن زمان چگونه خواهد بود؟.

ج-

کی آید آن زمان که در زیر سایه ات***گرگ درنده را زعطوفت شبان کنی

دنیا در انتظار قدوم شریف تو است***پس کی گذر به مجمع دل خستگان کنی

اصلاح عالمی نبود کار هیچ کس***کاری که هیچ کس نتواند تو آن کنی

مقداری از وضع اجتماعی آن زمان، در پاسخ پرسش های قبلی بیان گردید، علاوه بر آن، ارزش انسان ها و صفات پسندیده آن آشکار و به واقعیت خواهد رسید از قبیل، امنیت کامل و فراوانی و حسن همجواری، اعتماد به همدیگر، احترام متقابل، زندگی سالم، دستگیری از یکدیگر، شکوفائی تمام ابعاد و زوایای دوست داشتنی زندگی و هزاران مسایل دیگر؛

برای توضیح بیشتر به این مطلب توجه نمائید، امنیت و آرامش در هر جامعه ای حرف اوّل را می زند. اگر در منطقه یا ولایتی این دو از بین برود، هیچ چیز روی پای خود بند نمی شود و عزّت و شرافت و وجدان سالم از آن اجتماع رخت بربندد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «نعمتان مجهولتان الصحّه والأمان؛ دو نعمت مجهول القدر است «صحّت بدن» و «امنیت» تا هر یک از این ها از بین نرود، ارزش و قیمتش معلوم نمی شود. پس جامعه بدون امنیت، ارزش و بها ندارد و مردن بهتر از زنده بودن است.

فقدان امنیت نیز به یکی از عوامل زیر برمی گردد.

۱- محرومیّت و فقر: این عامل باعث می شود که شخص به دزدی

ص: ۱۷۵

و امثال آن مرتکب شود؛ زیرا فقیر محروم همیشه در تلاش است که با هر وسیله ای از راه مشروع و نامشروع برای خود و خانواده اش زندگی فراهم آورد.

۲- ضعف ایمان: این عامل ممکن است در بعض موارد «فقر» سبب دزدی نباشد، اما ضعف ایمان و پلیدی روح و زیادی حرص و طمع او را وادار می کند که به کارهای خلاف و ناشایست دست بزند.

۳- ضعف دولت: وقتی که دولت از تعقیب مجرمان و مجازات گروه های بدکار عاجز بماند، ناامنی و جرم و جنایت و ده ها اقدامات انحرافی همه جا را فرا می گیرد و زندگی را ناممکن می سازد.

در زمان حکومت حضرت «قائم علیه السلام» این عوامل به کلّی از بین می رود، دیگر موردی برای این گونه جرم و جنایت باقی نمی ماند، علاوه براین مردم نیز به مرحله والای تکامل نفسی و علّو روانی و شرافت وجدانی می رسند، به طوری که خود را بالاتر از آن می بینند که خویشتن را به انواع گناه ها آلوده نمایند.

با توجّه به مراتب فوق چگونگی تحقّق امنیت و آرامش را در عهد امامت در می یابیم.

آرامش در آن روز مقطعی و آمیخته با خوف و هراس نیست، مانند امنیتی که گاهی اوقات در جهان امروز پیدا می شود و زاییده ترس از سلاح های مخوف و وحشت زای طرف مقابل است، این تعادل وحشت است نه امنیت و این آرامش ناشی از خوف عظیم از عواقب دردناک جنگ است، نه آرامش واقعی؛ لذا هر روز تعادل وحشت به هم بخورد، پایه های امنیت و آرامش کاذب نیز فرو خواهد نشست.

ص: ۱۷۶

ترسی وجود نخواهد داشت!

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «یقاتلون واللّه حتی یوحّد اللّه ولا یشرك به شیئی وحتی یخرج- العجوز من المشرق ترید المغرب ولا ینهاها أحد؛(۱) به خدا قسم! می جنگند تا مردم خدا را به یگانگی بپذیرند و برای او شریک قرار ندهند و حتی پیرزنی از مشرق بیرون می رود که به مغرب برود (بدون خوف و ترس می رود) و کسی مانع او نمی شود.

۲- زراره گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «یقاتلون حتی یوحّدو اللّه ولایشرك به شیئاً وتخرج- العجوزه الضعیفه من المشرق ترید المغرب لایؤذیها أحد؛(۲) (لشکریان قائم علیه السلام) جنگ می کنند تا (طرف مقابل) خدا را به به یگانگی بپذیرند و چیزی را شریك او قرار ندهند و زن پیرناتوان از مشرق بیرون می رود و تا مغرب برود، کسی او را اذیت نمی کند.»

۳- «تمشی المرأه بین العراق إلی الشام لا تضع قدمیها إلّاعلی النبات وعلی رأسها زُبّیلها لا یهیّجها سبُع ولا تخافه؛(۳) زنی بین عراق و شام را (بدون ترس از انسان و حیوان) می پیماید و قدم هایش را نمی گذارد، مگر روی سبزی ها و زنبیلش در سر و درنده ای او را به وحشت نمی آورد و

۱- بشارهالإسلام: ص ۲۳۰؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۹ بـا عبارت دیگر؛ بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۴۵ ب ۲۷ ح ۹۱ بنقل از تفسیر عیّاشی: ۲/ ۵۶- ۶۱.

۲- منتخب الأثر: ص ۳۷۹ ف ب ۴۳ بنقل از ینابیع الموده ص ۴۲۳ کتاب المحجّه البیضاء: ۴/ ۳۴۴؛ یوم الخلاص: ص ۳۲۱ از مصادر فراوان دیگر؛ و روایت مشابه دیگر بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۱ ب ۲۷ ح ۵۳ از غیبت طوسی.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۶ ب ۲۷ ح ۱۱ از خصال.

ص: ۱۷۷

نمی ترساند.»

۴- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «تا جایی که زن (تنها) میان عراق و شام را می پیماید و در این مسیر جز بر روی گیاهان گام نخواهد نهاد و زیورآلاتش همراه اوست. نه درنده ای او را ناراحت نماید و نه از درنده ای می ترسد.(۱)

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: «یطفی ی ءُ به الفتنه الصمّاء وتأمن الأرض حتی أنّ المرئه لَتَحج- فی خمس نسوه ما معهنّ رجل لایتّقینّ إلّااللّه؛(۲) (خداوند) به وسیله او فتنه سخت را خاموش می نماید و زمین امن می شود تا جایی که زن با پنج زن دیگر حج به جا می آورند و مردی با آن ها نیست و غیر از خدا از کسی هراس نمی کنند.»

درنده خوئی از درندگان برداشته شود

۱- ابن عباس گوید: تا این که گرگ و میش، گاو و شیر و انسان و مار از یکدیگر در امان باشند، به گونه ای که موش به انبان صدمه نمی زند و سوراخ نمی نماید و تا این که جزیه برداشته شود و صلیب شکسته شود و خوک کشته شود.(۳)

۱- همان مدرک: ۵۲/ ۳۱۹ از خصال صدوق.

۲- الملاحم و الفتن: ص ۵۵؛ بشارهالإسلام: ص ۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۵۳؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۲.

۳- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۱۴۸ ح ۱۵۷۱؛ و ۴۱۸ ح ۱۸۵۵؛ منتخب الأثر: ص ۳۶۳ ف ۲ ب ۳۵ ح ۱۰؛ المحجه فیما نزل فی القائم الحجه علیه السلام ص ۸۶- ۸۷؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۶۱ ب ۵ ح ۵۹؛ بشارهالإسلام: ص ۲۷۹.

ص: ۱۷۸

۲- نه درنده ای کسی را آزار رساند و نه او از درنده بترسد.(۱)

۳- وحشی ها ایمن باشند تا این که در همه اطراف زمین، مانند چارپایان می چرند.(۲)

۴- درندگان با بهایم صلح کنند تا این که زن از عراق تا شام برود، قدم خود را نگذارد، مگر بر گیاه و زینت او بر بالای سرش باشد. نه درنده ای کسی را آزار کند و نه او از درنده بترسد.(۳)

وحشی بااهلی دوست شوند

۱- امام مجتبی علیه السلام فرمود: «وتصطلح فی ملکه السباع؛(۴) در فرمانروایی او درنده ها با هم از درِ دوستی در آیند.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «وتأمن وحوشها وسباعها؛(۵) وحشی ها و درندگانش در امنیت خواهند بود.»

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «و اصطلحت السباع والبهائم» درندگان با اهلی ها هماهنگ می شوند.»

۱- خصال ۲/ ۷۶۱ حدیث اربعمأه بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۶ ب ۲۷ ح ۱۱؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۵۹ ذیل ح ۶۱۰؛ منتخب الأنوارالمضیئه: ص ۳۵۶ ف ۱۷.

۲- مختصر بصائرالدّرجات: ص ۲۰۱؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۸۲ ح ۱۵۰۴ بحارالأنوار: ۵۳/ ۸۵- ب ۲۹ ح ۸۶.

۳- منتخب الأثر: ص ۴۷۴؛ خصال ۲/ ۷۶۱ حدیث اربعمأه بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۶ ب ۲۷ ح ۱۱؛ معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۵۹ ذیل ح ۶۱۰؛ منتخب الأنوار المضیئه: ص ۳۵۶ ف ۱۷.

۴- احتجاج طبرسی: ۲۹۱؛ قادتنا: ۷/ ۳۲۱ ب ۳۹ ح ۱۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۰؛ بشارهالإسلام: ص ۱۹۷ و ۷۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین ص ۲۴۷ و ۲۶۱؛ من ۴۸۷؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۶ بعضی ر از اسعاف الرّاغبین؛ الإمام المهدی: ص ۹۸ از ابن عباس؛ الزام النّاصب: ص ۱۷۹؛ منتخب الأثر: ص ۶۱۷ از منن الرحمان: ۲/ ۴۲.

۵- بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۴۶ ب ۶ ح ۱۶ از غیبت طوسی.

ص: ۱۷۹

۴- هم چنین مولی الموحّدین علی علیه السلام فرمود: میش و گرگ در یک محل می چرند و کودکان با مار و عقرب ها بازی می کنند و این گزندگان به آنان آسیبی نمی رسانند. بدی از بین رفته و نیکی باقی خواهد

ماند.(۱)

در دوران او ستمگری برداشته شود

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «وارتفع فی أیّامه الجور وأمنت السبل؛(۲) و در روزگار او ستم ها برداشته شود و راه ها امن گردد.

امنیت کامل

۱- و در آن زمان امانت را به زمین فرو می ریزم، پس هیچ شیئی به شیئی ضرر نمی رساند و چیزی از چیزی نمی ترسد و درندگان و چارپایان بین مردم می باشند. پس بعضی بعض دیگر را اذیّت نمی کند و درنده خویی را از درنده می گیرم و سَم همه گزندگان را

۱- منتخب الأثر: ص ۴۷۴؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۲۰۲ و ۲۲۷ با لفظ دیگرو تفصیلًا و ۲۳۹ ۲۲۸؛ یوم الخلاص: ص ۳۱۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۷۲؛ المهدی: ص ۲۳۱؛ عقدالدّرر: باب ۷ ص ۱۵۹.

۲- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۸؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۵؛ الإمام المهدی: ص ۲۶۵ و ۲۲۷؛ اعلام الوری: ۴۳۲؛ الزام النّاصب: ص ۱۳۹ و ۲۲۲؛ ارشاد: ص ۳۴۳؛ منتخب الأثر: ص ۳۰۸ بشارهالإسلام: ص ۷۱ و ۲۳۴.

ص: ۱۸۰

می بَرم.(۱)

۲- حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام حکم بالعدل وارتفع فی أیّامه الجور وأمنت السبل؛(۲) وقتی که «قائم علیه السلام» قیام نماید، به عدل حکم و در ایام او جور برداشته شود و راه ها امن گردد.»

اکنون سؤالی به ذهن خطور می کند که چگونه در حال صلح درندگان با یکدیگر به سر می برند با این که غریزه و سرشت آن ها درنده خویی است؟!

پاسخ: ۱- آن خدایی که هنگام سرازیری قهرمان توحید حضرت ابراهیم علیه السلام به سوی آتش با یک فرمان (یا نارُ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ)(۳) ای آتش! سرد و سالم باش برای ابراهیم، خاصیت سوزندگی را از آتش گرفت،(۴) خو و سرشت حیوانات موذی را نیز با یک فرمان از آن ها می گیرد.

۲- این صفات در این گفتارها یا در واقع حقیقت پیدا خواهد کرد و یا در اثر برکت وجود امام علیه السلام درنده خویی از بین رفته و به این حالت درمی آیند. این حدیث و امثال آن در مقام بیان شدّت امنیت که با ظهور «مهدی موعود علیه السلام» در جهان حکم فرما خواهد شد را ارایه می دهد.

۱- بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۴.

۲- ارشاد مفید: ۲/ ۳۵۹ ب ۴۰ ح ۷؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۲۸۱- ۲۸۲؛ منتخب الأثر ص ۳۰۸ بحارالأنوار: ج ۵۲/ ۳۳۸ ب ۲۷ ح ۸۳ از ارشاد.

۳- سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۴- حتی در روایات آمده است اگر کلمه« و سلاماً» در پی« کونی برداً» نمی آمد، ابراهیم در میان آتش از سرما تلف می شد.

ص: ۱۸۱

در هر دو صورت، آن زمان جامعه در امنیت قرار می گیرد و گرگ صفتان خون خوار نخواهند توانست از وجود مستضعفان جامعه بهره کشی نمایند و در این گونه احادیث اشاره به برقراری عدالت کامل در جهان و تغییر روش گرگ صفتان خون خوار است که در طول تاریخ در سایه سازش با حکومت های جبّار، قرن ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه داده اند. اما لحن روایات و تصریحات آن، گویای به حقیقت پیوستن این تغییرات خواهد بود که حیوانات وحشی و درنده اهلی شده و خواص طبع آن ها دگرگون خواهد شد و حیوانات گوشت خوار سبزه خوار خواهند شد و از نعمت های دیگر خداوند استفاده خواهند نمود. بچه ها با مارهای سمّی بازی می کنند و مارها به آن ها ضرر نمی رساند.

سختی ها برچیده شود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یفرّج- اللَّه بالمهدی عن الأمّه یملأقلوب العبد عبادتاً ویسعهم عدله به یمحق اللَّه الکذب ویذهبُ الزمان الکَلَب؛(۱) خداوند با «مهدی علیه السلام» امّت را نجات دهد و دل های مردم از عبادت پر شود و عدالتش همه را فرا گیرد و با او دروغ از بین رود و با وجود او زمان سختی برچیده شود.

اشرار نابود شود

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و تهلك الأشرار وتبقی الأخیار؛(۲) (در آن

۱- بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۵؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۶؛ غیبت طوسی: ۱۱۴.

۲- منتخب الأثر: ص ۴۷۴؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸ در این مضمون؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۴؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۶.

ص: ۱۸۲

زمان) اشرار به هلاکت می رسند (اجتماع از شرّ آنان رهایی یابد) و خوبان باقی می ماند.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «و یذهب الشرّ ویبقی الخیر؛(۱) شر می رود و خیر می ماند.»

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وتعدم الفتن والغارات ویکثر الخیر والبرکات؛(۲) و فتنه و غارتگری ها معدوم می شود و خیر و برکت ها بیشتر می شود.»

ادای امانات

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و یُقبل الناس علی العبادات وتؤدی الأمانات؛(۳) مردم به عبادت رو می آورند و امانت ها به صاحبانش داده می شود.»

زنا و شراب و ربا ازبین رود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و یذهب الزنی وشرب الخمر ویذهب الربا؛(۴) و زنا و شراب خواری نابود شده و ربا نابود می گردد.»

کینه از دل ها زدوده می شود

۱- مولای متقّیان علی علیه السلام فرمود: زمانی که «قائم علیه السلام» ما قیام کند، بغض و کینه از دل های بندگان زدوده شود و چارپایان و درندگان در

۱- المهدی: ص ۲۲۱ از عقدالدرر؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۶۰؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸؛ مسند احمد: ۳/ ۵۳۰؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۲.

۲- منتخب الأثر: ص ۱۵۸ بـا لفظ دیگر؛ الزام النّاصب: ص ۲۲؛ ینابیع الموده: ۳/ ۷۸ و ۱۳۲؛ الإمام المهدی: ۴۲- ۴۱؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۷ از آن ها.

۳- منتخب الأثر: ص ۴۷۴؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸ در این مضمون؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۴؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۶.

۴- همان مدرک: ص ۴۷۴؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸ در این مضمون؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۴؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۶.

ص: ۱۸۳

حال صلح با یکدیگر به سر خواهند برد.(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «وتذهب الشحناء من قلوب العباد؛(۲) کینه ها از دل بندگان نابود می شود.

حق را به حق دار رساند

در صورت امکان احیای حقوق پایمال شده دیگران، یکی از وظایف انسانیّت و دیانت است و نیز برای هر شخص با وجدان که صاحب غیرت است، در از بین رفتن حقّ ناتوانان و بیچارگان جلوگیری کرده و از لگدمال شدن آن ها ممانعت به عمل آورد که در آن زمان این وظیفه با همه ابعاد آن به طور کامل به اجرا در می آید.

۱- اگر حقّ کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد و به صاحب حق باز گرداند.(۳)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «و ردّ کلّ حق إلی أهله؛(۴) و تمام حق را به صاحبانش برمی گرداند.»

دروغ محو گردد!

رسول خدا علیه السلام (در حدیثی طولانی) فرمود: پس در این هنگام خروج «مهدی علیه السلام» خواهد شد و او مردی است از فرزندان این (به علی علیه السلام اشاره نمود) خداوند به برکت «مهدی علیه السلام» دروغ را نابود

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۹ از خصال شیخ.

۲- المهدی: ص ۲۲۱ ازعقدالدرر؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۶۰؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸؛ مسنداحمد: ۳/ ۵۳۰؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۲.

۳- المهدیّ الموعود ... ۱/ ۲۷۹ و ۲۸۳- ۲۸۲.

۴- همان مدرك: ص ۲۲۱ از عقدالدرر؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۶۰؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۸؛ مسند احمد: ۳/ ۵۳۰؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۲.

ص: ۱۸۴

می کند و فشار زمان و گاز گیرندگی آن را محو می نماید و به سبب او ذلّت را از گردن های شما برمی دارد.(۱)

۱- خداوند در ضمن جواب ابلیس می فرماید: «وألقی فی تلک الزمان الأمانه علی الأرض فلایضرّ شی ء شیئاً ولایخاف شی ء من شی ء ... وألقی الرأفه والرحمه بینهم فیتواسون ویقتسمون بالسویه فیستغنی الفقیر ولا یعلو بعضهم بعضاً ویرحم الکبیر الصغیرویوقر الصغیر الکبیر ویدینون بالحقّ وبه یعدلون ویحکمون أولئک أولیآئی؛(۲) و در آن زمان امانت و امنیت را به زمین می اندازم، پس هیچ چیز به چیز دیگر ضرر نمی رساند و هیچ چیزی از دیگری نمی ترسد .... و مهربانی و محبت را در میان آن ها قرار می دهم، پس به همدیگر مواسات می کنند و به طور مساوی تقسیم می کنند، پس فقیر غنی می شود و به همدیگر فخر فروشی نمی کنند و بزرگ به کوچک رحم و کوچک به بزرگ احترام می نماید و پیرو دین حق می شوند و با آن معتدل می شوند و حکم می کنند، آن هایند دوستان من.»

دشمنی و کینه و حسدنابودشود

۱- «ولتذهبن الشحناء والتباغض والتحاسد؛(۳) دشمنی و کینه و حسد از بین می رود.»

با توجه به روایات و مطالب فوق در زمان دولت کریمه امام زمان روحی

۱- « فعند ذالک خروج المهدی و هو رجل من ولد هذا و أشار الی علی بن ابی طالب علیهما السلام به یمحق اللّه الکذب ویزهب الزّمان الکَلِبُ به یخرج ذلّ الرّق من أعناقکم» معجم أحادیث الإمام المهدی: ۱/ ۵۱۷ ذیل ح ۳۵۵؛ غیبت طوسی: ص ۱۸۵ ف ۱ ح ۱۴۴؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۷۵ ب ۱ ح ۲۹.

۲- بحار الأنوار: ۵۲ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۴ از کتاب سعد السّعود سیّد بن طاووس.

۳- (۳) بحار الأنوار: ۵۲ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۳ از سعد السعود.

ص: ۱۸۵

لتراب مقدمه الفداء تمام صـفات رذیله و ناپسـند، رخت بر بسـته و برچیده خواهد شد مانند؛ ستمگری، دروغ، شرارت، تجاوز به حق دیگران، و زنا و شراب و ربا و صدها صفات زشت و دوست نداشتنی دیگر.

۷۱]- س- آیا در آن زمان ارتباطات مردم با امام به چه صورتی خواهد بود؟.

ج- درباره ارتباطات احادیث به ما می گوید:

۱- امام صادق علیه السـلام: فرمود: «آگاه باش! همانا امام در بطن مادر می شنود .... پس زمانی که امر ولایت و امامت به او تفویض گردید، خداوند برای او عمودی از نور قرار می دهد که اعمال شهرها را به او نشان می دهد!»(۱)

۲- امیرمؤمنان علیه السّلام فرمود: «و برای او اسطوانه ای از نور نصب می شود از زمین تا آسمان، تمام اعمال بندگان در آن منعکس و همه آن ها را خواهد دید.»(۲)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «از ما مؤمنی در شرق و غرب عالم پنهان نمی ماند».(۳)

۱- ألا إنّ الإمام لیسـمع من بطن أمّه فإذا وُلِدَ خُطَّ بین کتفی ه(و تمّت کلمتُ ربّک صدقاً وعدلًا لا مبدّل لکلماته وهو السمیع العلیم) فـإذا صـار الأـمر إلیه(أی الولاـیه علی الناس بعـد أبیه) جعل اللّه له عموداًمن نور یبصـر به ما یعمل أهل کلّ بلـده؛ انعام: ۱۱۵؛ اصول کافی: ۱ / ۲۲۰ - ۲۱۹؛ بـا تفاصـیل زیـاد و ص ۳۸۷؛ ینـابیع المـوده: ۳ / ۱۲۵؛ بـا اضـافه« ینظر فیـه الخلاـئق و أعمـالهم و سـرائرهم»؛ مثیرالأحزان: ۲۹۷؛ عیون أخبار الرّضاء: ۱/ ۱۶۹.

۲- وینصب له عمود من نورٍ من الأرض إلی السماء یری فیه أعمال العباد ...؛ الزام النّاصب: ص ۱۰؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۶.

۳- لیس یغیب عنّا مؤمن فی شرق الأرض ولا فی غربها ...؛ الزام النّاصب: ص ۶؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۷.

ص: ۱۸۶

۴- ابن بکیر به امام موسی بن جعفر علیهما السلام عرض کرد: قربانت شوم! خلق بیش از این است (که یک نفر بر آن ها مسلّط شود و اداره نماید).

فرمود: «هرگاه خداوند اراده کند، زیاد را کم و کم را زیاد می نماید(۱) (یعنی اداره یک کشور به وسعت زمین مانند کف دست او است و برقراری ارتباط با همه جای زمین بر او مانند یک سینی در برابر چشم یک فرد عادی خواهد بود).

کوچکترین اعمال بندگان از دوربین ها و ماهواره های تمام عیار دولت او، مخفی نمانده و همه عمل های ریز و درشت انسان ها، به تصویر کشیده می شود.

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: «آسمان ها و زمین نزد امام، مانند کف دست اوست. ظاهرش را از باطنش می شناسد و بدکاران را از نیکوکاران تشخیص می دهد.»(۲)

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا دنیا برای امام «قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-» به اندازه گردو جلوه می کند، پس از نظر او هیچ چیز مخفی نمی ماند و به اطراف زمین دسترسی دارد، مانند دسترسی یکی از شما به سفره خود، هر گونه که دل بخواه اوست.»(۳)

۷- مفضّل بن عمر از ابی بصیر روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۶۰ ح ۱۴۸۳؛ تفسیر عیاشی: ۱/ ۲۰۷ ح ۸۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۰ ب ۲۷ ح ۹۰.

۲- الزام النّاصب: ص ۶؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۷.

۳- الاختصاص: ص ۲۱۷؛ یوم الخلاص: ص ۳۲۳ از آن.

ص: ۱۸۷

«همانا زمانی که کارها به صاحب این امر منتهی شود خدای تبارک و تعالی برای او هر پستی را بلند و هر بلندی را پست خواهد کرد تا این که دنیا نزد او، مانند کف دستش خواهد بود، کدام یک از شما اگر مویی در کف دستش باشد آن را نمی بیند.»(۱)

آن هایی که اهل فنّ و متخصّص دانش های جدید هستند، می دانند که پستی و بلندی زمین در خیلی از رسانه ها و وسایل مخابراتی و ارتباطات و ... اثر کلیدی دارد، در زمان «قائم علیه السلام» این مسایل به گونه ای حل می شود که دیگر کوچک ترین مشکلی باقی نمی ماند، به خصوص از نظر رسانه ای ماهواره های مخابراتی و اطّلاعاتی و نظامی و ... به طوری دقیق خواهد بود که کوچک ترین حرکتی به اندازه سر مویی از آن ها پنهان نمی ماند.

این دستگاه ها با پیشرفته ترین و مجهّزترین نوع خود زیر نظر مستقیم امام- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- قرار می گیرد که در زبان روایات به سینی یا مجموعه و گردو وو .. تشبیه شده است که در جلوی همه امامان گذاشته شده باشد. در این روایت به ظریف تر وکوچک تر از آن، یعنی به «کف دست» تشبیه شده و گویای آن است که حضرت به تمامی زوایا و گوشه های پنهان و آشکار مناطق کلّ کره زمین با اشعّه های حرارتی «مادون قرمز» و فوق آن شب و روز نظارت مستقیم خواهد داشت.

در این زمینه سخن زیاد است و بیرون از تخصّص ما، تفسیر و توضیح

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۸ ب ۲۷ ح ۴۶ از کمال الدّین؛ بشارهالإسلام: ص ۲۴۳؛ یوم الخلاص: ص ۳۲۵.

ص: ۱۸۸

این روایت و امثال آن را که در کتاب های مفصّل روایی کم نیست، به متخصصین فنّ و دانشمندان مربوطه واگذارمی کنیم.(۱)

۷۲]- س- آیا کشور امام از نظر اقتصادی، به چه صورتی در می آید وچه فورمولهائی پیاده می شود؟!.

ج- کره زمینی که ما در آن زندگی می کنیم، امکانات فراوان برای ما و نسل آینده و جمعیتی بسیار زیادتر از جمعیت کنونی دارد، اما عدم آگاهی کافی به منابع موجود و منابع بالقوه آن از یک سو و عدم وجود یک نظام صحیح برای تقسیم ثروت زمین از سوی دیگر، از جنبه های مختلف، سبب احساس کمبودی می شود، تا آن جا که در عصر ما همه روزه گروهی از انسان های گرفتار، از گرسنگی می میرند.

زیرا نظام حاکم بر اقتصاد جهان امروز، یک نظام استعماری است که در کنار خود یک نظام جنگی ظالمانه را هم پرورش می دهد که قسمت مهمّی از نیروهای فکری و انسانی را که می بایست به طور مداوم و پویا در جست و جوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسان ها به تلاش برخیزند، می بلعد و نابود می کند.

اما هنگامی که این نظام و نظام جنبی آن دگرگون شود، نیروها برای استخراج منابع بی شمار زمین به کار گرفته می شود و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار می گیرد و به سرعت منابع جدیدی کشف می گردد و شکوفایی خاصّی به اقتصاد بشریت می بخشد.

۱- می توانید به کتاب« سیمای جهان» در بخش اجتماعی به فصل اطّلاعات و ارتباطات و فصل« هموارى زمین» با توضیحات دیگر مراجعه نمائید.

ص: ۱۸۹

لذا در روایات مربوط به حکومت آن «مصلح بزرگ» اشاره های پر معنایی به این توسعه اقتصادی دیده می شود که از هرگونه توضیح بی نیاز است.(۱)

براستی باید چنین شود؛ زیرا ویرانی های زمین، نه به خاطر کمبود نیروی انسانی است و نه کمبود مالی، بلکه مولود ویرانگری انسان ها و صرف بیهوده منابع مالی و انسانی و عدم احساس مسؤولیت است و هنگامی که این ها در پناه یک نظام صحیح اجتماعی برطرف گردد، آبادانی گفته شده محقّق و حتمی خواهد شد، به خصوص که از پشتوانه منابع جدید فوق العاده ای نیز برخوردار خواهد بود.

پس مشکل اقتصادی و مسایل جنبی آن از گرفتاری های روزمّره و سنگین جوامع بشری است که همیشه بشریّت با آن دست و پنجه نرم می کند و از حلّ کامل این معضل، ناتوان و عاجز مانده است و هر طرح و برنامه ای ریخته می شود، باز مشکل دیگری به صورت دیگری خودنمایی می کند.

بی کاری، فقر، گرانی، تورّم، به هم خوردن تعادل تجاری و کمی تولید و زیادی تقاضا و حتی مسأله ازدواج و پیامدهای آن و ده ها مسایل دیگر از مشکلات حل نشدنی جامعه است.

ولی در زمان حکومت امام- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- محدودیت های تجاری و اقتصادی و ... از بین می رود و میدان برای فعالیت های

۱- حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و گنج های زمین برای او ظاهر می گردد و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر این که آباد خواهد ساخت. اسعاف الرّاغبین: باب دوم ص ۱۴۱- ۱۴۰.

ص: ۱۹۰

خصوصـی باز می گردد و بهره برداری از مواهب و برکات زمین آزاد می شود، خیرات و برکات بر مردم فرو باریـده و همه اقشار را در برمی گیرد.

محرومیت و گرسـنگی و نـداری و نگرانی از آینـده وو ... از میـان مردم برچیـده می شـود و به طور معمول جرایمی که هر روزه در جهان بر اثر نداری و محرومیت و بی کاری پیش می آید، ریشه کن شده و سوزانده خواهد شد.

احادیث در این زمینه فراوان است که در اثر تقسـیم عادلانه و مساوی ثروت و در ماه دوبار شـهریه و عطای عمومی امام که دو مرتبه در سال است و نزول خیرات و برکات آسـمانی و به بیرون انداختن زمین خزاین خود را و ... مردم در بی نیازی و بی احتیاجی کامل به سر خواهنـد برد و هیـچ کس برای زکـات و مصـرف وجوه شـرعی مسـتحقّی پیـدا نخواهـد کرد، هم چنین از طرف مقام عظمای ولایت، منادی ندا می دهد که هرکس به مالی نیاز دارد بیاید و تحویل بگیرد، کسـی نخواهد آمد، فقط یک نفر که آن هم پشـیمان شده و مال را برمی گرداند، اما خزینه دار هم نمی پذیرد و پس نمی گیرد.(۱)

اگر کسـی از امام چیزی بخواهد و بگوید: ای مهدی به من بده (سه بار) تکرار کند، امام علیه السلام بر دامنش آن قدر می ریزد که توان حمل آن را نخواهد داشت.(۲)

۱- الصّواعق المحرقه ص ۱۰۳؛ امام مهدی: ص ۶۳۰.

۲- امام مهدی: ص ۶۳۰ بنقل از ینابیع الموده.

ص: ۱۹۱

۷۳]- س- آیا وضع معیشتی و بطور کلّی وضع زندگی مردم چگونه خواهد بود؟.

ج- یکی از برنامه های اوّلیه حضرت «قائم عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف» رفع سریع نیاز فقرا و ریشه کن ساختن فقر از جامعه حکومت علوی و فاطمی خواهد بود، هر ماه دو مرتبه حقوق برای عموم پرداخت خواهد شد و مردم در بی نیازی مطلق مادی زندگی می کنند؛ به نوعی که صاحبان وجوهات و صدقات بدهی های خود را در دست می گیرند و در شهر می چرخند، اما مستحقّی پیدا نمی کنند که دَین خود را ادا نمایند.

خزاین دولتی به طور آزاد در اختیار همگان است و سکه های طلا و نقره و زر و سیم در دسترس عموم قرار می گیرد و هر کس به اندازه احتیاج خود استفاده می کند و اعلان می شود برداشت از آن ها برای عموم آزاد است. در این صورت ذخیره سازی و انباشتن ثروت و زر اندوزی معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد؛ چون شب و روز هزینه زندگی دلخواه را مدام در اختیار دارد، دیگر دلیلی ندارد که جای خودش را تنگ نماید.

از آن سو تعلیم و تربیت و فرهنگ مردم نیز به نوعی بالا می رود که کسی پیدا نمی شود بیش از احتیاج و نیاز خود از خزاین دولتی برداشت کند. آخر برای چه زحمت نگهداری و حمل و نقل مال و منال را به خود روا دارد؟! به امید آن روز، انشاءاللَّه تعالی!

۱- حسین بن مسعود در کتاب شرح السنّه با سندهای خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «قائم- عجّل اللَّه تعالی

ص: ۱۹۲

فرجه الشّریف-

مردم را به سوی برداشتن مال فرا می خواند اما کسی نمی پذیرد.»(۱)

۲- از سوی «مهدی- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-» در میان مردم ندا می دهند: «من له حاجه الیّ، فما یأتیه أحد إلّارجل واحد» کیست که (از نظر مالی) به من احتیاج دارد؟ کسی نمی آید، مگر یک نفر که از حضرت درخواست (مالی) می کند و حضرت می فرماید: برو پیش خزینه دار تا به تو دهد.

او نیز پیش خزینه دار می آید و می گوید: من فرستاده «مهدی علیه السلام» هستم تا به من مالی بدهی! می گوید: (هر قدر دلت می خواهد) بردار.

آن قدر (از جواهرات و سکه های امام علیه السلام) جمع کند که توان حمل ندارد، مقداری می ریزد و برمی دارد و در راه به خود می گوید: من آزمندترین امّت محمّدم! نفس من طمع زیاد دارد. همه امّت را فرا خواندند از این جواهرات بردارند جز من کسی نیامد و سپس پشیمان می شود و جواهرات را برمی گرداند و آن حضرت قبول نمی کند می فرماید: ما چیزی را که دادیم پس نمی گیریم.»(۲)

۱- ولیدعون إلی المال فلا یقبله أحد؛ رواه مسلم وهکذا رواه البخاری فی صحیحه ج ۲ ص ۲۵۶. بحار الأنوار: ۵۲ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۳.

۲- منتخب الأثر: ص ۱۴۷؛ کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۷۳؛ البیان: ص ۸۴؛ الإمام المهدی: ص ۶۲؛ و ۱۱۰ از مسند احمد: ۳/ ۳۷؛ الصّواعق المحرقه: ص ۱۶۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ الفتن: ص ۱۲۴ و ۵۷ و ۱۳۶؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۵ از اسعاف الرّاغبین؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۳؛ الزام النّاصب: ص ۲۵۷؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۲۵- ۱۲۳ و ۱۵۳ مختصراً؛ نورالأبصار: ص العرف الوردی فی أخبارالمهدی: در ضمن مجموعه فتاوی ۲/ ص ۱۲۴؛ قادتنا: ۷/ ۳۱۸ ب ۳۹ ح ۵.

ص: ۱۹۳

۳- مال را بدون شمارش تقسیم می نماید.»(۱)

۴- «مال را فراوان می دهد و بی حساب می ریزد و بی شمار می دهد.»(۲)

۵- ابی سعید خدری گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر الزمان خلیفه ای خروج می کند که مال را بی شمار می دهد.»(۳)

۷۴]- س- آیا در کشور امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف قسمت قضائی به چه حالتی در می آید؟.

ج- یکی از ارکان تأمین امنیت و آرامش زندگی هر جامعه، تشکیلات قضایی قوی و اجرای صحیح قوانین آن جامعه یا کشور است.

شکّی نیست که در آن عصر، آموزش های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق العاده پیشرفته، آن چنان وسعت می گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی آمیخته باپاکی و عدالت اجتماعی آماده می سازد.

مولی الموحّدین علی علیه السلام فرمود: «... میش و گرگ در یک محل

۱- « و یقسّم المال ولا یعدّه؛ صحیح مسلم به شرح النّووی: ۱۸/ ۳۹.

۲- یفیض المال فیضاً ویحثوالمال حثواً ولایعدّ عدّاً؛ البیان: ص ۸۴؛ منتخب الأثر: ص ۱۵۹؛ صحیح مسلم: ۸/ ۱۸۵؛ الإمام المهدی: ص ۲۹۶.

۳- یخرج فی آخر الزمان خلیفه یعطی المال بغیر عدد؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۱۰۵ ب ۱ ح ۳۹ از کشف الغمّه از محمّد بن طلحه هذا حدیث صحیح أخرجه مسلم؛ برای اطلاعات بیشتر و فراوان در این موارد، به کتاب« سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام» مراجعه نمایید ..

ص: ۱۹۴

می چرند وکودکان با مار و عقرب ها بازی می کنند و این گزندگان به آنان آسیبی نخواهند رسانید، بدی از بین رفته و نیکی باقی خواهد ماند.»(۱)

در توضیح این مطلب می توان گفت که در اثر برکت وجود امام علیه السلام؛ با یک فرمان، درنده خویی از بین رفته و نابود خواهد شد، مانند از بین رفتن حرارت آتش با یک دستور الهی «یا نار کونی برداً وسلاماً علی إبراهیم» گرگ های بیابان تغییر ماهیت می دهند و میش ها از حالت کنونی درمی آیند و مردم در اثر تربیت و تعلیم صحیح و آشنائی با قوانین شرعی خود، در صورت داشتن جرمی، خود را به مراکز قضائی، معرّفی می نماید و این مراکز، آن اندازه گسترده خواهد شد که حتی بانوان در خانه های خود به قضاوت درست و حل کردن امور قضایی خواهند نشست؛ دیگر نیازی به این دستگاههای عریض و طویل و پرهزینه نخواهد بود؛ در هر صورت، جامعه در امنیت کامل به سر می برند و گرگ صفتان خون خوار، وجود نخواهند داشت تا از وجود مستضعفان جامعه بهره کشی نمایند و در پرتو برقراری عدالت واقعی در جهان، جامعه روی سعادت و رفاه و آسایش و آرامش را، خواهند دید. آن ها در پناه نظام جدید یا به کلی تغییر روحیه می دهند؛ چرا که گرگ صفتی هیچ وقت جزء سرشتش نبوده و نیست و از نهادهای عَرَضی قابل تغییر است، و یا حد اقل بر سر جای خود می نشینند و به جای خوردن منافع دیگران در کنار آن ها از مواهب

۱- عقدالدّرر: باب ۷ ص ۱۵۹ برای اطّلاع بیشتر در این مورد به بخش اجتماعی فصل« امنیت فراکیر» کتاب« سیمای جهان» مراجعه شود.

ص: ۱۹۵

الهی، به طور عادلانه بهره می گیرند، همان گونه که گرگ در کنار میش بر سَرِ یک چشمه آب می نوشند، در غیر این صورت مشمول تصفیه می شوند و وجودشان از میان برداشته خواهد شد و به خاطر مراقبت های شدید، حتی مجرمان (اگر وجود داشته باشند) در محیط خانه خود نیز در امان نخواهند بود، چرا که ممکن است با وسایل پیشرفته ای که در اختیار خواهند داشت، تحت کنترل باشند و حتی امواج صوتی آن ها بر روی دیوار قابل کنترل گردد که این خود اشاره دیگری به وسعت ابعاد مبارزه با فساد در عصر حکومت اوست.

قضاوت او بر طبق قانون دادرسی «داودی علیه السلام» است، بلکه از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی آن چنان که از عصر داود علیه السلام نقل شده است، اقدام می کند نه تنها با گواه وشاهد، به علاوه در عصر امام علیه السلام به موازات پیشرفت علوم و دانش ها و تکنیک و صنعت، آن قدر وسایل کشف جرم تکامل می یابد که هیچ مجرمی نمی تواند ردّپایی که با آن شناخته می شود، و از خود به جا می گذارد، از دست قانون گریخته و رهائی یابد.

در یکی از مطبوعات خبری پیرامون شگفتی های مغز آدمی نوشته بود که مغز انسان امواجی برابر اعتقادات درونی بیرون می فرستد که با اندازه گیری آن می توان به راستگویی و دروغگویی افراد دراظهاراتشان پی برد. به طور مسلّم این وسایل تکامل می یابد و وسایل دیگری نیز اختراع می گردد و با استفاده از روش های پیشرفته روانی، مجرمان کاملًا مهار می شوند، هر چند مجرم در چنین جامعه ای اصولًا کم است (ولی همان کم نیز مهم است).

ص: ۱۹۶

باز یادآور می شویم این اشتباه است که ما تصوّر کنیم در عصر حکومت او همه این مسایل از طریق اعجاز حل شود؛ چرا که اعجاز، حکم یک استثنا را دارد و برای مواقع ضروری به خصوص اثبات حقّانیت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است، نه برای تنظیم زندگی روزمرّه و جریان عادی که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجزه استفاده نکرده است.

بنابراین؛ مسیر حکومت جهانی او از همان نمونه است که اشاره نمودیم، نه از نمونه اعجاز.

به هر حال آن چنان امنیتی در سایه حکومت او، جهان را فرا می گیرد که طبق روایتی یک زن تنها می تواند از شرق جهان به غرب عالم برود، بدون این که کسی مزاحم او شود.

اگر مسأله ساده زیستن امام- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف- که طبق روایات آمده، بر آن بیفزاییم، باز مسأله از این روشن تر می گردد؛ چرا که عمل او سرمشق و الگویی می شود برای مردمی که تحت حکومت وی قرار دارند؛ یعنی برای مردم جهان، جهانی که همه زیر لوای اسلام به سرپرستی حجّت های الهی خواهد بود.

با توجّه به این که قسمت مهمی از جرایم و جنایات و مفاسد اجتماعی از تجمل پرستی و پرزرق و برق شدن زندگی و تشریفات بیهوده و پر خرج کمر شکن سرچشمه می گیرد، یکی دیگر از دلایل برچیده شدن مفاسد در دوران حکومت او روشن می شود.(۱)

۱- در کتاب« سیمای جهان» به بخش قضائی و فصل(خوراک و پوشاک آن حضرت) مراجعه شود.

ص: ۱۹۷

۷۵]- س- آیا در زمان امام زنان دارای مقام و یا مصدر کاری خواهند شد؟!.

ج- در باره اشتغال زنان در آن زمان، روایت مشروح به دست نرسیده است تنها موردی که به نظر حقیر رسیده، مسئله قضاوت زنان است، مسأله مهم قضاوت و حکم سریع در دوران حکومت ولایت به گونه ای فراگیر و گسترده خواهد شد که حتی بانوان در خانه هایشان برای قضاوت و صدور حکم قطعی مجاز خواهند بود.

در اثر این سرعت و وسعت، هیچ کس درباره دریافت نتیجه داوری و غیره کوچک ترین نگرانی و ناراحتی از نظر مدّت و احیای حق خود نخواهد داشت.

قضاوت بانوان در عصر امام- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف- به خصوص در خانه خود برای بانوان یکی از مسایل رایج خواهد بود.

دلیل:

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حتی زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنّت پیامبر قضاوت می کنند.»(۱)

۲- حمران از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «و در زمان او به شما حکمت (علم) داده می شود، به طوری که زن ها در خانه هایشان با کتاب خدا و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله قضاوت می نمایند.»(۲)

۱- حتی انّ المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب اللَّه تعالی وسنّه رسول اللَّه بحارالانوار: ۵۲/ ۳۵۲ ب ۲۷ ح ۱۰۶ از غیبت نعمانی.

۲- وتؤتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب اللَّه تعالی وسنه رسول اللَّه ٩. بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۲ ب ۲۷ ح ۱۰۶ از غیبت نعمانی؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۱۰ از مکیال المکارم.

ص: ۱۹۸

۷۶]- س- آیا در دولت امام عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف عوامل نفوذی از منافقین و کفار، می تواننـد خود را جا زنند و با نقاب دوستی وارد دستگاه شوند؟!.

ج- بلی وجود خواهد داشت، دلیل:

۱- سعدان بن مسلم از بعضی از رجالش روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حالی که مردی بالای سر «قائم عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف» او را امر و نهی می کند (حضرت او را به کارهایی وا می دارد) ناگهان دستور می دهد که او را بچرخانید و می چرخاننـد به طرف جلوی او و امر می کنـد که گردنش را بزننـد. پس در شـرق و غرب کسـی نمانـد، مگر این که از امـام می ترسد (و حساب می برد).»(۱)

۲- ابی بصـیر گویـد که امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: « «قـائم عجّـل اللَّه تعالی فرجه الشّریف» با قضایایی حکم می کنـد، بعضـی از اصـحابش که در جلوی او شمشـیر زده، آن را انکار می کند. دستور می دهد که او را به قتل برسانند در حالی که آن حکم قضاوت آدم علیه السـلام است. هم چنین در مرتبه دوّم قضاوتی می کنـد، باز عـده دیگری از کسانی که در جلویش شمشـیر می زنند، آن را انکار می کننـد. باز گردن زده می شونـد در حالی که آن قضاوت داود علیه السـلام بود و در مرتبه سوم نیز حکم می کند باز دسـته دیگر انکار نمایند، باز گردن زده می شوند با این که آن حکم قضاوت ابراهیم علیه السلام بود. در مرتبه چهارم حکم می کند و آن هم قضاوت محمّد

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۲۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۵ ب ۲۷ ح ۱۱۷.

ص: ۱۹۹

(رسول خدا صلی الله علیه و آله) است، دیگر کسی (از ترس) انکار و اعتراض نمی کند.»(۱)

لحن و سیاق روایت فوق نشان می دهد که آن منکرین و معترضین به حکم امام از اشخاص نفوذی خواهند بود که خود را به صورت دوست جا زده اند و امام علیه السلام با آن ها مدارا می کرده است، اما وقتی که ماهیت خود را در موقعیت مناسب آشکار کردند و به حکم و قضاوت امام علیه السلام اعتراض کردند با این که حکم یکی از انبیا بود و آن حضرت نیز چون از باطن آن ها مطّلع بود و ماندنشان در ارتش و جامعه غیر از کارشکنی و به هم زدن آرامش مردم سودی نخواهد داشت، یا به علّت نزدیک بودنشان با امام در صدد صدمه زدن ناگهانی به امام علیه السلام در می آیند، دستور می دهد که همه آن ها را قلع و قمع نمایند، چون راه دیگری وجود نخواهد داشت.

۳- جابر گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «وی را «مهدی علیه السلام» نامیدند، چرا که به امر پنهان هدایت می شود، حتی او کسی را می فرستد به سوی مردی که مردم برای او گناهی نمی دانند، پس او را می کشد (بعد از آن دیگر کسی از ترسش) در خانه خود حرف نمی زند؛ زیرا می ترسد دیوار علیه او شهادت دهد.»(۲)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «و از کسی غیر از اسلام دینی را نمی پذیرد،

۱- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۳/ ۳۰۹ ح ۸۴۸ اثبات الهداه: ۳/ ۵۸۵ ب ۳۲ ف ۵۹ ح ۷۹۶ بحار الانوار ج ۵۲/ ۳۸۹ ب ۲۷ ح ۲۰۷ م م ۴۱۶ از کتاب الغیبه.

۲- بشارهالإسلام: ص ۱۲۶؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۰ ب ۲۷ ح ۲۱۲ از کتاب الغیبه سیّد علیّ بن عبدالحمید. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۳/ ۲۲۵ ح ۷۴۸ اثبات الهداه: ص ۵۸۴ ب ۳۲ ف ۵۹ ح ۷۸۶.

ص: ۲۰۰

ای بسا مردی بالای سر «مهدی عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» ایستاده و منتظر امتثال امر و نهی اوست. پس به او نگاه می کند و «مهدی» دستور می دهد که گردن او را بزنند، برای این که عمل زشتی (کفر یا ترور امام علیه السلام یا عملی که خونش را هدر کند) را در دلش پنهان ساخته است.»(۱)

۷۷]- س- آیا در زمان آن حضرت قانون اساسی بخصوصی وضع و تنظیم خواهد شد؟

ج- اصول اساسی دولت کریمه: قرآن کریم و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بدون هیچ کم و زیاد خواهد بود.

در توضیح مطلب می گوئیم قوانین بر دو گونه است.

۱- قوانین ثابت و همگانی و تغییر ناپذیر و به اصطلاح ابدی که دگرگونی به آن ها راه ندارد.

مثلًا هر انسانی با قطع نظر از شرایط مختلف مکانی و زمانی، دارای یک سلسله غرایز و روحیات و خواسته های درونی است که معرّف وجود او بوده و او را از حیوانات جدا می سازد و این غرایز (فطری) جزء حقیقت وجود او است و با گذشت زمان هرگز تغییر نمی یابد.

مانند اجتماعی بودن انسان، هم چنین او در زندگی خود به تشکیل خانواده نیاز دارد این دو اصل جزء حقیقت وجود او است و هرگز از او جدا نمی گردد.

۱- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۶ از العوالم.

ص: ۲۰۱

هم چنین زنـدگی انسان بر اساس قانون تکامل نهاده شده است، بنابراین قوانین مربوط به اصول اجتماعی بودن و تکامل اجتماع باید همیشه ثابت باشند.

علاقه پـدر و مادر به فرزنـدان، یک علاقه فطری و طبیعی است و حقوقی که بر این اساس؛ مانند ارث و تربیت وضع می گردد، باید ثابت و ابدی باشند.

در این موارد نمونه های فراوان دیگری وجود دارد

یک سلسـله اموری هم هست که برای مصالـح و مفاسـد فردی و اجتماعی ثابت و پایدارنـد و باگـذشت زمان تغییر نمی یابـد و طبعاً باید قوانین ثابت داشـته باشـند؛ مثلا دروغ، خیانت، هرزگی، بی بند و باری، همواره زشت و تباه کننده اجتماع بوده و خواهد بود. از این نظر بایـد تحریم و ممنوعیت آن هـا ابـدی و دایمی باشـد؛ زیرا اگر چه قیـافه اجتماع عوض می شود، ولی زیان این اعمال، همان است که بوده.

هم چنین قوانین مربوط به تهذیب نفس و فضایل اخلاقی و سـجایای انسانی؛ مانند وظیفه شناسـی، نوع دوستی و رعایت عدالت و ده ها مانند این مسایل، باید همیشگی و دایمی باشد و تغییر و تبدیل در آن ها راه پیدا نکند.

اسلام به همین دلیل در این موارد برای اجتماع، اصول حقوق افراد، روابط عمومی مردم، روابط خانوادگی، ازدواج، تجارت، مسایل مالی، و مانند آن ها قوانین ثابتی وضع نموده است.

۲- اصول و مقررات متغیّر و متحوّل که با تغییر شرایط و مقتضیات

ص: ۲۰۲

زمان، تغییر و تبدیل پیدا می کند و آن چه مهم است، بیان ملاک قوانین ثابت و مقرّرات متغیّر و تشخیص این دو نوع از یکدیگر است.

انسان علاوه بر غرایز ثابت و تغییر ناپذیر دارای سلسله شرایط زمانی و مکانی است که با دگرگونی آن ها وضع او نیز تغییر خواهد نمود، در این صورت کلیه مقرّرات مربوط به این موضوع باید در حال تغییر بوده باشد. از این نظر در اسلام برای این نوع موضوعات، احکام خاصّی وضع نشده است و همواره تابع شرایطی است که پیرامون آن ها وجود دارد.

البتّه تغییر و تحوّل در این موضوعات به آن معنی نیست که تحت هیچ قانونی داخل نباشد، بلکه این قسم مقرّرات باید با توجّه به یک سلسله اصول کلّی ثابت، استنباط و اجراگردند. برای توضیح روشن تر این نوع مقرّرات به مثال های زیر توجّه نمایید.

حکومت اسلامی درباره مناسبات خود با اجانب نمی تواند برای ابد نظر واحدی اتخاذ کند. گاهی شرایط ایجاب می کند که از در دوستی وارد گردد و مناسبات دوستانه ای برقرار سازد و روابط تجاری وسیعی به وجود آورد و گاهی شرایط ایجاب می کند که شدّت عمل به خرج داده و روابط خود را قطع کند و روابط تجاری را تا مدّتی تحریم یا محدود نماید. موضوع معروف تحریم تنباکو که به وسیله یکی از مراجع بزرگ پیشین در برابر یک دولت انحصار طلب استعماری یکی از همین مواردی است که در تاریخ معاصر رخ داده است.

اسلام در مسایل دفاعی و نوع اسلحه جنگی و نحوه حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از نفوذ دشمنان، احکام خاصّی ندارد،

ص: ۲۰۳

بلکه بـا در نظر گرفتن اوضـاع و احـوال موجـود، مقرّرات و احکـامی از طرف حکومت اسـلامی در نظر گرفته شود و از راهی که به حفظ مقاصد اسلام کمک کند، اقدام گردد.

از این نظر اسـلام در تقویت بنیه دفاعی به وضع یک اصل کلّی دست زده و مصداق و نوع سلاح و تاکتیک را معین نمی کند و می فرماید:

(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ)(۱) «هر نیرویی می توانیـد برای مقابله با آن ها (دشـمنان) آماده سازیـد» و اگر در ذیل آیه فرموده است که اسبان نیرومندی تهیه نمایید، برای بیان مصداق رایج آن زمان بوده؛ زیرا نیرومندترین وسیله نقل و انتقال در آن زمان، اسب بوده است.

هم چنین در مسایل مربوط به فرهنگ و توسـعه علوم و غیره حفظ امنیت داخلی و برقراری نظم و آرامش و ... مقرّرات خاصّی وضع نکرده است و تمام این امور را به نظر حکومت اسـلامی و مقامی که از نظر قوانین اسـلام صـلاحیت حکومت را دارد، موکول نموده است.

اسـلام فقط به تحصـیل دانش های مفیـد دعوت نموده و توسـعه و گسترش فرهنگ اسـلامی و انسانی را خواسـتار شده است. مسـلّم است که وسایل گسترش و نحوه تحصـیل نسـبت به شـرایط مکانی و زمانی تغییر می یابـد و دگرگون می گردد و هم چنین موضوع برقراری نظم و حفظ آرامش و ...

البتّه بایـد توجّه نمود که تشـخیص احکام ثابت، از مقرّرات متغیّر در صـلاحیت مراجع عالی شـرع است و هیچ شـخص و مقامی نمی تواند

۱- سوره انفال:/ ۶۰.

ص: ۲۰۴

بدون مراجعه و تصدیق این مقامات عالی شرع در این موارد اظهار نظر کند.

۷۸]- س- آیا تکلیف آنهائی که سالیان طولانی در انتظار ظهور آن حضرت بودند و از دنیارفتند، چه خواهد شد؟

ج- بلی آنهارا برای زنده شدن و در رکاب آن حضرت قرار گرفتن دعوت می نمایند هرکس دوست داشت زنده شده و بر می گردد.

۱- مفضّل می گوید: روزی نزد حضرت صادق علیه السلام از «قائم علیه السلام» و کسانی که به انتظار مُردند، یادی کردیم آن حضرت فرمود: «هرگاه «قائم» قیام کند به نزد قبر مؤمن می آیند و به او می گویند: ای فلانی! صاحب تو ظهور کرده، اکنون اگر می خواهی برخیز و بر او ملحق شو و اگر می خواهی هم چنین در کرامت حق بمان».(۱)

البته می دانید تعداد منتظران در مقایسه با دیگر مردم جهان، خیلی کم و حتّی از خود شیعیان نیز، درصد منتظران کم است.

۲- عبدالکریم خثعمی گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی که قیام «قائم» نزدیک شد، ماه جمادی آخر و ده روز از رجب، برای مردم، باران می بارد که؛ مانند آن را ندیده اند پس خداوند با آن باران گوشت های مؤمنان و بدن های آن ها را در قبرهایشان می رویاند! و گویا می بینم آن ها از سوی «جهینه» (سرازیر) می شوند در حالی که خاک سرهایشان را می تکانند (پاک می کنند).»(۲)

۱- معجم أحادیث امام المهدی: ۳/ ۳۳۲ ح ۸۷۶؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۷۶ ب ۲۹ ح ۸۱.

۲- ارشاد: ص ۳۴۲؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۹۰ ب ۲۹ ح ۹۴ و ۵۲/ ۲۹۱ ب ۲۶ ح ۳۵ و ص ۳۳۷ ب ۲۷ ح ۷۷ از ارشاد مفید؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۴/ ۷۹ ح ۱۱۵۰.

ص: ۲۰۵

۷۹]- س- در روایات آمـده است که مثلًا مدت خلافت امام (عج) هفت سال برابر هفتاد سال خواهد بود، آیا این جریان امکان پذیر است و به نظام آفرینش لطمه نمی زند و بهم نمی خورد و چندین سؤال دیگر در این زمینه؟!.

ج- اگر در عـالم خلقت چیزی محـال نباشـد (ماننـد گذرانـدن شتر از سوراخ سوزن بـدون کوچک و بزرگ شـدن آن ها و یا خلق شریک برای خـدا و امثال این ها) تغییر و تبدیل شـکل و یا صـفات کاینات برای خدا و حجّت های خدا، چه از طریق اعجاز و چه از مجاری طبیعی امکان پذیر و میسور است و هیچ مشکلی برای آن ها پیش نمی آید؛

زیرا آن هـا حـاکم برکاینـات هسـتند و بر زمـان و مکـان حکومت دارنـد و در اثر حکومت خود می تواننـد زمـان را به عقب و جلو بکشـند و تُنـد و کُنـد نمایند که مشابه آن را آصف بن برخیا در آوردن تخت بلقیس در یک چشم بهم زدن و برگرداندن خورشـید توسط یوشع بن نون، وصی موسی بن عمران علیهما السلام و دو نیم کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله ماه را انجام دادند.

با این اعمال نشان دادنـد که در جهان آفرینش غیر از محالات، هیـچ ناممکنی وجود نـدارد، بلکه به قدرت ایمان و میزان عبودیّت و ارزش معنوی عاملان آن ها در پیشگاه خداوند متعال بستگی دارد.

پس این مسأله از جهت دینی برای مؤمنـان به ادیان الهی و معتقـدان به نیروی غیبی، حل و از نظر علمی نیز امکان پـذیر است، چنان که امام

ص: ۲۰۶

باقر علیه السلام در روایت ذیل آیه ۵ سوره مبارکه سجده می فرماید: «امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال هایی است که شما می شمرید به سوی او بالا ـ می رود» (و دنیا پایان می یابد).(۱)

یا در سوره معارج آیه ۴ می فرماید: «فرشتگان و روح به سوی او عروج- می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.»(۲)

پس کوتاه و بلند شدن روز و ماه و سال از مجاری طبیعی هم ممکن است زمان ها و روز و شب ستارگان بی شمار که دانشمندان با شفافیّت تمام بیان داشته اند، این است که یک روز ستاره زهره همین منظومه شمسی و همسایه ما معادل ۳۳۳ روز زمین است و یک سال پلوتون معادل ۱۴۸ سال ما می باشد و میلیاردها مشابه بالاتر از آن ها که هنوز علم به صورت قطعی آن ها را حلّ نکرده است و در آینده به آسانی حل خواهد شد!.

هم چنین خدای- عزّ وجلّ- با درخواست حجّت خود، می تواند شرایطی را که در کرات دیگر که روزهای بلند و سال های طولانی دارد، به وجود آورده، در این منظومه یا یکی دو تا از اعضای خانواده آن نیز ایجاد کرده و حاکم نماید!

پس بلند شدن سال ها بعد از ظهور «قائم علیه السلام» و تغییرات کونی در آن

۱- (یدبّرالأمر من السّماء الی الأرض ثمّ یعرج إلیه فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعُدّون) سجده: ۵.

۲- (تعرج الملئکه و الرّوح الیه فی یومٍ کان مقداره خمسین ألف سنه) معارج: ۴.

ص: ۲۰۷

زمان، و «حرکت آرام افلاک»، دور از تحقیق نمی باشد؛

به علاوه تا آن روز چه مبانی علمی شگرفی پیش خواهد آمد و علوم بی پایان تفسیر شده ۲۷ حرف چه چیزهای محیّر العقول را پیش خواهد آورد؟! (خدا می داند!)

دلیل:

۱- ابوبصیر گوید: که امام باقر علیه السلام در حدیث طولانی فرمود: «هفت سال می ماند به اندازه هر سال، ده سال شما (می شود هفتاد سال) و بعد از آن هرچه بخواهد می کند.

گفتم: فدایت شوم! سال ها چگونه طولانی می شود؟ فرمود: خدای تعالی به فلک ها دستور تأنی و کندی حرکت را می دهد! پس روزها و سال ها طولانی می شود.

گفتم: آن ها (فلاسفه و اختر شناسان) می گویند: که اگر (برنامه) فلک تغییر یابد (نظام عالم بهم می خورد و) فاسد می شود؟!

فرمود: این گفته زندیقها (خدا ناشناسان) است، اما مسلمان ها (که خدا را به همه چیز قادر و توانا می دانند و به قدرت مطلقه خدا معتقدند) راهی به این طور عقاید ندارند، در حالی که خداوند ماه را با درخواست پیامبرش شکافت و آفتاب را برای یوشع بن نون برگردانید و به طولانی شدن روز قیامت خبر داده است و این که آن روز به اندازه هزار سال خواهد بود.»(۱)

۱- فیمکث علی ذلک سبع سنین مقدار کل سنه عشر سنین من سنیکم هذه ثم یفعل اللّٰه ما یشاء. قال: قلت له: جعلت فداک فکیف تطول السنون؟ قال: یأمر اللّٰه تعالی الفلک باللبوث وقله الحرکه فتطول الأیام لذلک والسنون قال: قلت له: إنّهم یقولون: إنّ الفلک إذا تغیّر فسد قال: ذلک قول الزنادقه فأمّا المسلمون فلا سبیل لهم إلی ذلک وقد شقّ اللّٰه القمر لنبیّه وردّ الشمس من قبله لیوشع بن نون وأخبر بطول یوم القیامه وأنّه کألف سنه مما تعدون؛ الحج: ۴۷؛ ارشاد: ص ۳۴۳؛ اعلام الوری: ص ۴۳۳- ۴۳۲؛ بشارهالإسلام: ص ۱۹۵ و ۲۳۵؛ الزام النّاصب: ص ۲۲۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۹ ب ۲۷ ح ۸۴؛ ارشاد: ۲/ ۳۸۵؛ نجم الثاقب: ۱/ ۱۹۷؛ مشابه این روایت در چندین روایت و مدارک دیگر آمده است(غیبت طوسی: ص ۴۷۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۳ ب ۲۷ ح ۶۱ از غیبت طوسی؛ نجم الثاقب: ۱/ ۱۹۷) وخثعمی از امام صادق علیه السلام(ارشاد: ص ۳۸۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۷ ب ۲۷ ح ۷۷ از ارشاد مفید؛ منتخب الأثر: ص ۶۱۸ قریب به آن مضمون از اسعاف الرّاغبین ص ۱۴۱- ۱۴۰. نجم الثاقب: ۱/ ۱۹۷.)(بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۰ ب ۲۷ ح ۸۷؛ ارشاد مفید: ص ۳۴۵.)(- الغیبه طوسی: ص ۴۷۴؛ بحار الأنوار: ۵۲/ ۲۹۱ و ۳۸۶؛ نجم الثاقب: ۱/ ۱۹۷).

ص: ۲۰۸

۸۰]- س- آیا مدت امامت آن حضرت هفتاد سال است یا چه مدتی طول خواهد کشید؟.

ج- یکی از مسایل مبهم در روایات و احادیث، مدّت واقعی دوران امامت و حکومت «قائم علیه السلام» بعد از ظهور می باشد و تاکنون مدّت آن به طور قطع و یقین به دست نیامده است؛ لذا پیش از تحقیق و بررسی درباره آن، نخست تعدادی از روایات وارده را می آوریم و سپس به جمع بندی آن ها می پردازیم.

«بدون تاریخ تا قیامت»

۱- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید ... پس مدّت فرمانروایی او (امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه) چه قدر خواهد بود؟!

فرمود: خدای- عزّ وجلّ- فرموده است: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ ... آن روز (قیامت و زمان مجازات) که فرا رسد هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید. گروهی بدبخت و گروهی خوش بختند، اما آن ها که بدبخت

ص: ۲۰۹

شدند در آتشند و برای آنان در آن جا «زفیر و شهیق» (ناله های طولانی دم و باز دم) است و در آتش جاودانه خواهند ماند تا روزی که آسمان ها و زمین برپاست، مگر آن چه پروردگارت بخواهد. پروردگارت هر چه بخواهد، انجام می دهد و اما آن هایی که خوشبخت و سعادتمند شدند، در بهشت جاودانه خواهند ماند تا آسمان ها و زمین برپاست، مگر آن چه پروردگارت بخواهد»(۱) بخششی است قطع نشدنی، بلکه دایم و ابدی است و ملکی است تمام نشدنی، و حکمی است پایان ناپذیر، و فرمانروائی است که باطل نمی شود، مگر با اختیار و اراده و خواست خدای عزّوجلّ که (تاریخ) آن را نمی داند مگر خدا. سپس روز قیامت است، به گونه ای که خداوند در کتابش (قرآن کریم) آن را توصیف نموده است.(۲)

۲- مفضّل از امام صادق علیه السلام از مدّت حکومت «قائم- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف-» پرسید؟ در جواب به طور مجمل فرمود: به اراده و مشیت خداست، جز او کسی نمی داند.(۳)

این دو روایت دلالت دارد براین که مدّت سلطنت و فرمانروایی آن حضرت نامحدود است و تا روز قیامت امتداد خواهد یافت و پایان نمی پذیرد، مگر با اختیار خداوند و احتمال دارد منظور روایت این باشد که مملکت حضرت «قائم علیه السلام» و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سایر امامان که

۱- هود ۱۰۵- ۱۰۸.

۲- بیان الأئمّه: ۳/ ۳۲۶؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۳۴ ب ۲۹ آخر حدیث ۱.

۳- إلزام النّاصب: ۲/ ۲۸۰؛ معجم الملاحم والفتن: ۱/ ۴۲۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۳۵ ب ۲۵.

ص: ۲۱۰

بعد از او در رجعت، بازگشت خواهند کرد، با سلسله مراتب تا روز قیامت کشیده خواهد شد. (این احتمال در روایات فراوان آمده است.)

این احتمال نیز وجود دارد که خود آن حضرت نیز رجعت خواهد کرد و آخرین رجعت کننده و آخرین دولت باشد که پایانش به قیامت منتهی می گردد.

۳۰۹ سال

۱- ابی الجارود گوید: که امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا «قائم- عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشّریف-» سی صد و نه سال مالک (زمین) می شود، به تعداد ماندن اصحاب کهف در غارشان و زمین را لبریز از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد.»(۱)

«۱۲۰ سال»

- در روایت دیگر فرمود: به اندازه عمر ابراهیم علیه السلام یک صد و بیست سال.(۲)

۱- بیان الأئمّه: ۳/ ۲۶۴ از دلائل الإمامه ابن جریر الطّبری؛ مشابه و مضمون چندین روایت در این زمینه(غیبت نعمانی: ص ۱۸۱؛ غیبت طوسی: ص ۲۸۳ با اختلاف کمی؛ وهمچنین در ینابیع الموده: ۳/ ۶۳؛ بشارهالإسلام: ص ۱۹۶ و ۲۵۳ و ۷۱ با کمی تفاوت؛ المهد: ص ۲۲۰ از اسعاف الرّاغبین: الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۵۵ معجم احادیث الامام المهدی: ۳/ ۲۱۸ ح ۸۵۹ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۰ ب ۲۷ ح ۲۱۲ و ۲۹۱ ب ۲۶ ح ۳۴ از غیبت طوسی و ۲۹۸ ب ۲۵ ح ۶۱ ازغیبت نعمانی و ج ۵۳:/ ۱۰۱ ب ۲۹ ح ۱۲۲ از اختصاص؛ بیان الأئمه: ۳/ ۳۲۵ از غیبت طوسی.)(- فیمکث فیما بین خروجه إلی یوم موته ثلاثمأه سنه ونیّف؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۸۶ ح ۸۶ س ۱۱ بنقل از مختصر بصائرالدّرجات.).

۲- غیبت طوسی: ص ۲۷۴؛ غیبت نعمانی: ص ۹۹؛ معجم احادیث الامام المهدی: ۴/ ۷۷ ح ۱۱۴۷ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۷ ب ۲۶ ح ۲۲؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۳۲۸؛ از الکتاب المنیر.

ص: ۲۱۱

و روایات گوناگون دیگر و در اخبار سنّی ها هفت و نه سال (۱) و هشت سال نیز آمده است.(۲)

جمع بندی روایات

در میان روایات، آنچه می تواند به واقعیت نزدیک باشد، این است که مدّت سلطنت امام علیه السلام برابر روایات متعدّد سی صد و نه سال خواهد بود و روایات هفت و هشت و نُه که موافق با عامّه است را مازاد بر «سی صد» سال حمل کنیم.

مطلب را این گونه می توان خلاصه کرد، احادیث گوناگون درباره مدّت حکومت امام- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- در منابع گوناگون دیده می شود که از ۵ تا ۳۰۹ سال است، آغاز شکل گرفتن و پیاده شدن و دوران نهائیش ۳۰۹ سال باشد؛

در اینجا سؤالی پیش می آید که آیا دور ازانصاف نیست بگوییم شیعیان و عاشقان آن حضرت، قرن ها برای ظهور و دیدار وجود مقدّس مولا و سرور خود امام زمان علیه السلام، انتظار کشیده وکشته ها داده و شکنجه ها کشیده و محرومیت های بی شمار را تحمل کرده وزندان ها رفته اند و هزاران مصایب و تهمت و افترا را بجان خریده و سپری کرده اند، به خاطر این که زمامداری آن حضرت را در مدّت ۱۹ یا ۲۰ سال یا کمتر و یا کمی بیشتر ببینند و دیگر خلاص؟! کدام عاقل این را

۱- معجم الملاحم و الفتن: ۲/ ۳۶- ۶۶ منتخب الأثر: ص ۶۱۸- ۶۱۷ ف ۹ ب ۱ ح ۱- ۵ التّشریف بالمنن: ص ۱۶۴- ۱۶۹ ب ۱۸۳ ح ۲۳۰- ۲۱۷؛ بیان الأئمه: ۳/ ۳۳۰ از الغوالي.

۲- منتخب الأثر: ص ۶۱۷ از غیبت طوسی؛ بیان الأئمه: ۳/ ۳۳۰

ص: ۲۱۲

می پـذیرد. علاوه بر این که در دعای سـلامتی آن حضـرت می گوییم: «و تمتّعه فیها طویلًا» و از خداونـد مـدّت طولانی حکومت را برای آن حضرت درخواست می کنیم، در صورتی که تعیین این مدّت های کوتاه درست باشد، این درخواست ها عبث خواهد بود.

علّامه مجلسی قدس سره نیز در حلّ روایات مربوطه می فرماید: اخبار مختلفی درباره مدّت سلطنت آن حضرت آمده است، بعضی به تمام مدّت سـلطنت و بعضـی به زمان اسـتقرار دولتش و بعضی با حساب ماه و سال های ما می باشد و بعضی با حساب سال ها و ماه های طولانی است که فقط خدا می داند.(۱)

۸۱]- س- می گویند شیطان در دست آن حضرت به هلاکت خواهد رسید آیا این سخن صحت دارد؟!.

ج- از جمع بنـدی مجمـوع روایـات چنیـن اسـتفاده می شـود کـه چـون خداونـد در آیـات قرآن هماننـد (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهـا عِبـادِيَ الصَّالِحُونَ) وعده قطعی داده است که روزی بندگان صالح خدا وارثین زمین خواهند بود و روزی فرا می رسد که دین کامل خدا با تمـام جوانب آن بـا دست مصـلح جهانی در سراسـر گیتی پیاده می شود و در آن زمان هیـچ گونه نافرمانی انجام نمی گیرد و تحقّق یافتن این برنامه، مستلزم آن است که ابلیس و اصحابش از روی زمین، نابود و ریشه فساد سوزانده شود؛ زیرا او و لشکرش از فساد و گمراهی دست برنخواهند

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۰ ب ۲۶ ح ۶ از احتجاج طبرسی؛ طالبین تحقیق بیشتر به« سیمای جهان» مراجعه نمایند.

ص: ۲۱۳

داشت و از بنی آدم انتقام جویی خواهند کرد.

به این جهت شیطان و اولادش در عصر «قائم علیه السلام» وجود نخواهد داشت وگرنه وعده الهی محقّق نخواهد شد و در برابر «عبادی الصالحون» عباد طالح نیز وجود خواهد داشت. پس در آن زمان برچیده شدن نژاد شیطان از روی زمین، ضرورت خواهد داشت، هم چنان که روایات مکرر، کشته شدن و از بین رفتن آن نسل را بازگو کرده است.

بلی! مطلبی که ذهن انسان را مشغول می سازد و قابل بحث است، این است که تا «دارالتکلیف» وجود دارد و تکالیف عباد برچیده نشده، باید شیطان وجود داشته باشد، تا صالح از طالح متمایز شود اگر بعد از ظهور کشته شود، پس مردم آن زمان شیطانی و یا امتحانی نخواهند داشت؟!

البتّه این ایراد و اشکال ها در صورتی وارد و صحیح است که به سوی کمال رفتن انسان ها مانند امروز باشد، ولی باید توجّه داشته باشیم در آن روز؛

۱- نفس امّاره و جنود او (شرک، کبر، حسد، سخن چینی، مردم آزاری و ده ها صفات زشت دیگر از افراد لشکرآن) از بین نمی روند و تا روز نفخه صور رفیق راه انسان ها هستند؛ زیرا شیطان بیش از یک سوت زننده ای از بیرون نیست!، اما این ها محرّک درونی برای عصیان هستند.

۲- مسئله دیگری به نظر می آید و آن اینکه ممکن است بعد از رجعت امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه که حکومت حضرت منتهی می شود

ص: ۲۱۴

به ۴۰ روز مانده به قیامت، امام صادق علیه السلام فرمود: «بین وفاه القائم وبین القیامه أربعون یوماً؛(۱) میان وفات «قائم علیه السلام» و قیامت چهل روز است.»(۲)

کشته شدن شیطان نیز آن وقت در دست حضرت انجام گیرد(۳) واللَّه العالم.

۳- دست قدرتش را بر سر بندگان کشیده و آنان را به کمال خواهد رسانید.

۴- ۲۵ حرف به علاوه ۲ حرف «علم» وسیله حجّت خدا در جامعه آن روز تفسیر و پیاده خواهد شد، بنابراین جهالتی نمی ماند تا شیطان از نادانی آن ها استفاده نماید.

پس انسان های آن زمان مانند انبیا و اولیا با وجود شهوات و نفس امّاره و زمینه نافرمانی میّت های شیطانی، به مقام عصمت رسیده و با درجات بالاتر از فرشتگان زندگی خواهند کرد. کوتاه سخن این که ابزار و وسیله گناه و معصیت وجود دارد، اما به دنبال آن نخواهند رفت.

اکنون به یاد خاطره ای افتادم که ذکر آن خالی از لطف نیست؛ علّامه بزرگوار حضرت آیت اللَّه العظمی آقای سیّد محمّد حجّت کوه کمری قدس سره که از بزرگان فقها و مراجع تقلید در زمان ما بود، روزی

۱- ارشاد: ص ۳۴۵؛ ینابیع الموده: ۳/ ۶۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۴۵ با زیادتی یکون فیهاالهرج.

۲- سیمای جهان ج ۲ ص ۴۳۸

۳- سیمای جهان در عصر امام زمان(عج) ج ۲ ص ۳۶۲ باب ۶۳(اعدام شیطان بادست امام علیه السلام از بحارالانوار ج ۵۳ ص ۴۲ باب ۲۹ ح ۱۲ از الاختصاص مفید، معجم أحادیث الامام المهدی ج ۴ ص ۹۳ ح ۱۱۶۱.

ص: ۲۱۵

در جلسه درس از مقدّس اردبیلی قدس سره و ملکات قدسی او تمجید می کرد و این که پیرامون گناه و معصیت و مکروه نگشت، حتی به مباحات هم نپرداخت و فقط اعمالش واجب و مستحب بود. یکی از شاگردان اعتراض کرد که چگونه ممکن است یک فرد عادی تا این حد به مقام قدسی نایل آید؟!.

فرمود: شما وقتی که به دستشویی می روید، آیا به مغزتان خطور می کند که یک انگشت از مدفوع خود را بخورید؟!

ایشان با کمال تنفر و بیزاری گفت: نه، مگر هم چون چیزی ممکن است؟!

فرمود: مقدّس اردبیلی در (تهذیب نفس و مقامات قدسی خود را به جایی رسانیده بود که) معاصی و گناهان و حتی مکروهات و مباح را به آن صورت می دید.(۱)

۸۲]- س- آیا در زمان امام (عج) مردم مانند امروز اشتغالات فکری و گرفتاری های فعلی را خواهند داشت یابا خیال راحت زندگی خواهند کرد؟!.

ج- در زندگی دنیوی و مادی تنها چیزی که انسان ها را به اسارت و درماندگی می کشد، نیازها و احتیاجات است. وقتی که انسان به چیزی نیاز داشت، فکرش و ذهنش به سوی آن مشغول خواهد شد و این اشتغالات فکری سبب به اسارت کشیده شدن او خواهد بود.

۱- بنابه نقل یکی از شاگردان آن بزرگوار؛ طالبین تفصیل در مورد کشته شدن شیطان به دست آن حضرت ومطالب دیگر در این محور به« سیمای جهان» رجوع نمایند.

ص: ۲۱۶

در دولت و سلطنت امام «مهدی- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف-» از نخستین برنامه هایی که پیاده خواهد شد، اقدام به رفع نیازها و گرفتاری ها، به خصوص نیازهای مادّی انسان ها خواهد بود،

وقتی که انسان از هر جهت تأمین و گرفتاری هایش برطرف شد، دیگر لزومی به انباشتن ثروت و یا تلاش فراگیر در به دست آوردن آن نخواهد داشت، (در جواب سؤال های پیشین مشروحاً بیان گردید).

آن وقت است که فکرها آزاد و هنرها آشکار و استعدادها شکوفا خواهد شد، هر کس در هر مقام و مرتبه ای است، در فکر سازندگی و هنرنمایی و خلّاقیت و حتی عبودیت و بندگی خواهد بود.

در دولت کریمه بی کاری وجود ندارد، برای همه کار هست. تنبل و باطل زیستن معنایی نخواهد داشت و این خصلت ها مورد نکوهش قرار خواهد گرفت، کارها بابرنامه صحیح و منظم و عاقلانه و خردمندانه و در ساعت معین و وقت کافی، (اما نه خسته کننده و تلاش طاقت فرسا) انجام گرفته و زندگی به صورت ایده آل ادامه خواهد یافت.

۸۳]- س- آیا باپیشرفت زمان، علم و دانش امام هم روز افزون خواهد بود یانه؟.

ج- از روایات چنین استفاده می شود که برای حجّت خدا در روی زمین هر روز، هر هفته و هر سال از مجاری مختلف، علوم مورد نیاز به سوی او سرازیر می شود و از علوم گوناگون آگاهی پیدا می کند وگرنه علمشان به پایان رسیده و بی دفاع می مانند. به روایات ذیل توجه فرمائید.

ص: ۲۱۷

به او وحی می شود

۱- ابی جعفر علیه السلام در مورد قائم علیه السلام فرمود: «و با سیرت سلیمان بن داود سیر می کند و آفتاب و ماه را می خواند تا به او جواب دهند و زمین زیر پایش پیچیده می شود و به او وحی می شود. پس امر خدا را با وحی عمل می کند.(۱)

۲- حضرت باقر علیه السلام فرمود: این امر در شب و روز به سوی او وحی می شود. ابوالجارود عرض کرد: وحی می شود به سوی او؟ فرمود: ای اباالجارود! این وحی نبوّت نیست، لیکن به او وحی می شود، چنان که به مریم و مادر موسی و زنبور عسل وحی شد. ای اباالجارود! قائم آل محمّد: نزد خدا از مریم و مادر موسی و زنبور گرامی تر است.(۲)

از مجموع موارد استعمال وحی و مشتقات آن می توان نتیجه گرفت که وحی از سوی پروردگار دو گونه است:

۱- وحی تشریعی: وحی تشریعی همان است که بر پیامبران فرستاده می شد و رابطه خاصّی میان آن ها و خدا بود که فرمان های الهی و حقایق را از این طریق دریافت می داشتند.

۲- وحی تکوینی: در حقیقت همان غرایز و استعدادها و شرایط و قوانین تکوینی خاصّی است که خداوند درون موجودات مختلف جهان قرار داده است.(۳)

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۰ ب ۲۷ ح ۲۱۲ از کتاب الغیبه.

۲- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ۳/ ۲۹۰ ح ۸۲۶ بحار الانوار ج ۵۲/ ۳۹۰ ب ۲۷ ح ۲۱۲؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۰۸ از الکتاب المبین.

۳- تفسیر نمونه: ۱۱/ ۴۹۱.

ص: ۲۱۸

دانش روز

امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «و این که برای ولیّ امر، غیر از این علم ها (که وحی می شود و شب قدر نازل می گردد) علوم دیگر نیز هر روز پیش می آید از علم خاص خدای عزّوجلّ و علم مکنون عجیب و پنهان او به مقدار آن شب که از کارها به او فرود آمده است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: بگو اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکّب شود، دریا تمام می شود پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن دریا هفت دریای دیگر به آن مدد رسانند، کلمات پروردگار تمام نمی شود و خداوند بلند مرتبه و داناست.»(۱)

پس حضرت «قائم علیه السلام» تا پایان عمر مبارکش حدّاقل هر روز با دانش روز مسلّح می شود؛ چون حجّت خدا نباید خلع سلاح شده و دست خالی و عاجز بماند.

شب جمعه و علم مستفاد

۱- امام صادق علیه السلام می فرمود: ما در هر شب جمعه خوشحالی تازه ای داریم.

راوی گوید، عرض کردم: خداوند بر سرور و شادی شما بیفزاید! منظورتان از این خوشحالی چیست؟

فرمود: «هنگامی که شب جمعه می رسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرش حضور می یابد و (ارواح) ائمّه نیز با او ملاقات می کنند و ما نیز با آن ها در آن جا حضور می یابیم (درباز گشت) ارواح ما به بدن ما باز نمی گردد،

۱- اصول کافی: ۱/ ۲۴۸ ح ۴ کتاب الحجّه فی شأن لیله القدر؛ آیه ۱۰۹ سوره کهف.

ص: ۲۱۹

مگر با علم و دانش جدید و اگر چنین نبود، دانش ما به پایان می رسید.»(۱)

۲- در چندین روایت دیگر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است:

«لولا أنّا نزداد لأنفدنا؛(۲) اگر نبود زیاد شدن (علم) برای ما (دانش) ما به پایان می رسید.»

۳- در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ شیئی از نزد خدا بیرون نمی آید، مگر این که اوّل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام داده می شود و بعد از آن به یک یک (امامان) تا آخری ما از اولی ما با علم تر نشود.»(۳)

شب قدر و دانش جدید

در روایات شرح و بسط زیادی در مورد شب قدر و فضیلت آن وارد شده است و نسبت به آن شب سؤالاتی مطرح شده؛ از جمله این که آیا شب قدر مقطعی و منحصر به زمان پیامبر بود و بعد از رحلت آن حضرت برداشته شد یا در زمان ائمّه هم ادامه داشته و دارد؟

آن چه که از تصریح روایات و کلمات علما استفاده می شود، از نخستین روز خلقت شب قدر بوده و بر اوّلین پیامبر ابلاغ شده و تا قیام قیامت نیز ادامه خواهد داشت (۴)؛ زیرا در آن شب، مقدّرات یک ساله

۱- اصول کافی: ۱/ ۲۵۴(باب فی أنّ الأئمه یزدادون فی لیله الجمعه ح ۲ و ۳ با تغییر کمی.

۲- همان مدرک: ۱/ ۲۵۴ احادیث ۱ و ۲ و ۳.

۳- همان مدرک: ۱/ ۲۵۵ ح ۴ و مانند آن ذیل ح ۳.

۴- اصول کافی: ۱/ ۲۴۸ ح ۷ کتاب الحجّه؛

ص: ۲۲۰

مخلوقات تقدیر و به وسیله فرشتگان همراه ملک اعظم (روح) از آسمان نازل و به «حجّت الهی» و «ولیّ مطلق» هر زمان تحویل می گردد و به اطّلاع او می رسد، چون این منصب از مناصب خاصّه حجّت خداست و زمین حتی یک روز از حجّت خالی نمی ماند، پس شب قدر با مشخّصات خاصّ خود تا قیامت ادامه خواهد یافت.

با این استدلال و دلایل دیگر، در زمان «قائم آل محمّد علیه السلام» نیز فرشتگان در آن شب به آن حضرت نازل و مقدّرات هر سال را عرضه و تسلیم می دارند با این تفاوت که در آن اختلاف نظر وجود دارد؛ آیا امام علیه السلام فرشتگان را می بیند یا فقط صدایشان را می شنود؟ آن چه که مسلّم است صدای «ملائکه» و «روح» را می شنود و با آن ها حرف می زند.

۱- شیخ طوسی قدس سره در تفسیر البرهان: از اباذر- علیه الرّحمه- روایت می کند که به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله شب قدر در زمان انبیا بوده و امور مربوط به آن ها نازل می گردید و وقتی که از دنیا می رفتند، برداشته می شد؟ فرمود: نه، بلکه آن شب تا روز قیامت هست.»(۱)

۲- امام صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام در ادامه حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به عبداللّه بن عبّاس فرمود: «همانا شب قدر در هر سال هست و در آن شب کارهای مربوط به آن سال نازل می شود و یقیناً بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این کار ولیّ امری است.

۱- المیزان: ۲۰/ ۴۷۳ به نقل از البرهان؛ تفسیر مجمع البیان: ۱۰/ ۵۱۸ درتفسیر سوره قدر.

ص: ۲۲۱

پس من عرض کردم: آن ها کیستند (ای امیر مومنان؟) فرمود: من و یازده نفر امامان حدیث شده (وسیله فرشتگان) از نسل من.»

۸۴]- س- آیا در زمان امام ارتباط با کرات آسمانی برقرار خواهد شد و دانش فضائی مورد استفاده قرار می گیرد؟.

ج- چنان که می دانید بشر پس از چندین هزار سال سعی و کوشش در راه تجربه و شناخت طبیعت جهان و پس از قرن ها آزمایش و تفکّر و عمل و تحمّل مشقّت و رنج و تعب و قربانی دادن و صرف هزینه های سنگین و تربیت هزاران دانشمند و متفکّر و آزمایش گر در طول قرون و اعصار و در علوم و فنون مختلف نتایج و حاصل کشش و کوشش ها و تلاش های خویش را به انسان های بعد از خود و آیندگان سپردند و رفتند.

فراموش نشود در این راستا، به خصوص طبیعی دان ها و شیمی دان ها و ستاره شناسان و صاحبان رصدخانه ها و در نهایت صدها دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان؛ امثال خواجه نصیرالدین طوسی و زکریّای رازی ها در کشف راز و رمز جهان خلقت، زحمت کشیده و فتح الباب نموده و چکیده پیگیری های طاقت فرسای خود را به نسل های بعد تحویل دادند و به جهان باقی شتافتند.

اکنون چند سالی بیش نیست که انسان مسأله سفر به فضا و نقل و انتقال های کیهانی و آسمانی، آن هم به صورت ابتدایی و بسیار محدود را آغاز نموده و رسیدن به آن را از اهداف خود قرار داده اند.

پیش از این، سخنی از سفر انسان به آسمان ها و عملی ساختن آن در

ص: ۲۲۲

جوامع بشری مطرح نبود، بلکه سفر به آسمان و گذر از ضخامت آن ها را موجب (خرق والتیام) و شکافته شدن و به هم ریختن نظام آفرینش و در نهایت محال و کفر می دانستند.

چون اطلاعات کیهان شناسی آن روز در محور هیأت (پوست پیازی) بطلمیوس دور می زد که گالیله و امثال او را بالای چوبه دار برد و یا در آتش سوزاند و تبدیل به خاکسترشان کرد.

در اصل آنان فضا و کیهان را چیزی قابل مسافرت نمی دانستند، آن هم در مراکز تمدن آن روز نه جاهایی مانند شبه «جزیره العرب».

در چنین جوّی و با معلومات ابتدایی و یا حتی نبودن کمترین دانشی در آن روزها، ناگهان مسأله سفر به آسمان ها و ابزار و وسایل و اسباب آن مسافرت ها و رفتن به کرات دیگر به سادگی و صراحت از حلقوم مبارک شخصیّت آسمانی و شماره یک جهان آفرینش، حضرت محمّد بن عبداللَّه صلی الله علیه و آله مطرح و با عبارت رسای «ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمان هاو زمین بگذرید، پس بگذرید ولی هرگز نمی توانید، مگر با تسلّط کامل و (نیروی فوق العاده)»(۱) امکان مسافرت به آسمان ها و مجوّز سفر فضایی را صادر و اعلان نمود و همه معادلات آن زمان را به هم ریخت و افکار آگاه را به مسایل بنیادین و زیر بناهای اساسی متوجّه ساخت.

بنازم به این دین و صاحب این آیین که پس از گذشت بیش از هزار و چهارصد سال از این اعلان هنوز بشریّت می خواهد به پلّه نخست

۱- یا معشر الجنّ والإنس! إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فانفذوا لاتنفذون إلّابسلطان؛ الرّحمن: ۳۳.

ص: ۲۲۳

بیش از میلیاردها پله های آن قدم بگذارد.

به چند سخن از گفتارهای خارق العاده و اعجاز برانگیز با بررسی آگاهانه در مورد موضوع سؤال و عصر «قائم آل محمّد علیهم السلام» توجّه نمایید.

۱- شکافنده علوم امام باقر علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام بر مرکب های پر صدایی که آتش و نور در آن ها تعبیه شده است سوار می شود و به آسمان ها همه آسمان ها سفر می نماید.(۱)

۲- در روایتی از روایات معراجیّه خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمّد! من به دست آخرین وصیّ تو زمین را از وجود دشمنان خود پاک خواهم ساخت و حکومت شرق و غرب عالم را به او خواهم داد و البته بادها را مسخّر او خواهم نمود، ابرهای (تندر آگین) سخت را به او ذلیل (و رام) خواهم ساخت و حتماً او را به اسباب بالا می برم و با لشکر خود او را نصرت و با فرشته هایم او را مدد (وياری) خواهم کرد.» ...(۲)

سخن از آسمان ها و به صورت جمع است، نه آسمان اوّل و یا کوچک ترین خانواده (منظومه شمسی) و یکی دو تا از اعضای آن خانواده ماه و مرّیخ و زهره.

۱- بصائر الدّرجات: شیخ صفّار و اختصاص شیخ مفید و بحارالأنوار: مجلسی: ۵۲/ ۳۲۱ ب ۲۷ ح ۲۷ و ۲۸.

۲- عیون أخبار الرّضاء علیه السلام: ۱/ ۲۶۴- ۲۶۲؛ علل الشّرایع: ۱/ ۷- ۵؛ کمال الدّین: ۱/ ۳۶۹- ۳۶۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۲(مشابه این روایت در مدارک دیگر از امام رضا علیه السلام نیز آمده است؛ کمال الدّین: ۱/ ۲۶۹- ۲۶۶؛ عیون أخبار الرّضاء ۱/ ۲۶۲: ۲۶۴؛ علل الشّرایع: ۱/ ۷- ۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۲ ب ۲۷ ح ۵.(- کمال الدّین: ص ۲۲۱- ۲۲۰؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۱/ ۲۵۶ ح ۱۵۸؛ اثبات الهداه: ۳/ ۴۸۰ ب ۳۲ ف ۵ ح ۱۸۲؛ بحارالأنوار: ۱۲/ ۱۹۴ ب ۸ ح ۱۹.))

ص: ۲۲۴

در هر دو روایت سخن از ابر سختی که رعد و برق و صاعقه دارد به آسمان ها خواهد رفت و ... به میان آمده است؛ بسیار مناسب است که این تعبیر کنایه از مرکبی باشد از نوع مرکب های فضا پیمای جدید، یا مرکبی سریع تر و مهم تر و پسشرفته تر که بعدها ساخته خواهد شد و یا خود امام دستور ساخت آن را صادر خواهد نمود.

اگر هم ابر طبیعی منظور باشد، اهمیّت خارق العاده بودن آن را روشن می کند و تعبیر به «اسباب السّموات» نیز که در هر دو روایت آمده است، شایسته دقّت بسیار است؛ زیرا این تعبیر صرفاً در مورد سفر به آسمان به کار می رود چنان که در قرآن کریم در این سوره ها: حج آیه ۱۵، و ص آیه ۱۰ و غافر آیه ۳۷- ۳۶ آمده است.

ناگفته نماند ابراز این گونه مطالب علمی مدرن و فوق مدرن در آن روزگاران که جز عبادت به هیکل های سنگی و چوبی و اعدام دختران و خوردن سوسمار و ده ها فجایع دیگر محصولی نداشت، ممکن نبود مگر با علم به غیب و اطّلاع از واقعیت بزرگ عالم هستی و کشف فرمول های مرموز و ناشناخته جهان آفرینش و این حاصل نمی شود، مگر با اتّصال به منبع وحی و گرفتن سخن از آن مرکز بی نهایت.

۳- امام سجاد و امام باقر علیهما السلام فرمودند: «آگاه باش همانا ذوالقرنین را میان دو گونه ابر (سخت و آرام) مخیّر ساختند، آرام را برگزید و سخت (سرکش را) برای صاحب شما ذخیره کردند. «راوی» گفت: سخت چیست؟ فرمود: ابری که در آن رعد و برق و صاعقه صاحب شما سوار می شود و به هفت آسمان و هفت زمین پنج آباد و دو ویران سفر کند.» شاید در آن زمان دو قارّه از زمین در اثر جنگ یا حوادث و عوامل

ص: ۲۲۵

دیگر ویران خواهد شد.»(۱) یا عوامل دیگر که فعلًا از آن بی خبریم.

۴- سهل بن زیاد ابی یحیی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا خداوند ذوالقرنین را میان دو ابر آرام و سرکش مخیّر ساخت و او آرام را اختیار کرد در حالی که رعد و برق در آن نبود و اگر سرکش را اختیار می کرد، به او داده نمی شد؛ چون آن ابر برای «قائم علیه السلام» ذخیره شده است.»(۲)

به یقین در این روایات منظور از ابر، ابرهای معمولی نیست که بتوان با آن سفر فضایی کرد؛ چون آن ها در داخل جوّ و نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیز دارند و نمی توانند از آن بالاتر بروند، بلکه به اندازه فهم انسان های آن روز، اشاراتی به وسایل فوق العاده و سریع السیری نموده اند که در آسمان ها به صورت توده ای ابر فشرده که غرّشی همانند رعد و قدرت و شدّتی هم چون صاعقه و برق داشته باشد و به هنگام حرکت، دل آسمان هارا با نیروی فوق العاده خود بشکافد و هم چنان به پیش رود که به هر نقطه از تمامی آسمان های هفتگانه بخواهد، بتواند برسد و آن را تسخیر نماید، همان گونه که تمامی کره زمین را تسخیر خواهد کرد؛ وسایل فوق العاده مدرنی است که دانش های گوناگون امروز، حتی خوابش را

۱- بصائر الدّرجات: ۸/ ۴۲۹ ب ۱۵ احادیث ۴- ۳- ۱؛ أنوارالنّعمانیّه: ۲/ ۹۳؛ اختصاص: ص ۱۹۹ و ۳۲۶؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۱ ب ۲۷ ح ۲۷؛ به نقل از اختصاص و سرایر با سندهای متعدد؛ یوم الخلاص: ص ۲۹۸؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۲۲ از العوالم.

۲- إن اللّه خیّر ذاالقرنین السحابین الذلول والصعب فاختار الذلول وهو ما لیس فیه برق ولا رعد ولو اختار الصعب لم یکن له ذلک لأنّ اللّه ادّخره للقائم علیه السلام؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۱ ب ۲۷ ح ۲۸ از بصائر الدّرجات: و اختصاص.

ص: ۲۲۶

ندیده و به مغزش خطور نمی کند؛(۱).

۸۵]- س- آیا امام بر کرات دیگر حکومت خواهد داشت؟.

ج- سؤال قبل در برقراری رابطه با کرات دیگربود و در این پرسش صحبت از حکومت بر کرات آسمانی است، بنا به اعتقاد شیعیان آل محمّد علیهم السلام امامان معصوم در جهان آفرینش، خَلق نخست خدایند(۲) و نیز در همه کاینات ولایت تکوینی و تشریعی دارند؛ یعنی می توانند با اذن و قدرت خدا در همه مخلوقات تصرّف ولایی و امامی بنمایند و اگر بخواهند می توانند بدون به هم خوردن نظام آفرینش و یا جایگزین نمودن نیروی دیگر در اوضاع کونیّه تصرّفاتی بنمایند؛ مانند «شق القمر» و «ردّ شمس» و غیره که در کتاب های مهم مذهبی و در میان اعجازهای نبوّت به طور وضوح بیان گردیده و مشهور است و نیازی به تکرار آن نیست و مسأله اطاعت خورشید و ماه از امام «قائم علیه السلام» نیز از این معنا مستثنی نمی باشد.

با این بیان روشن می شود که مقام عظمای ولایت می تواند با قدرت و فضل خداوند تبارک و تعالی در آسمان ها و زمین تصرّفاتی داشته باشد، پس حکومت بر کرات دیگر نیز جزء همان قلمروهای ولایی هستند؛ چون آنان «یداللّه» و «خلیفه اللّه» هستند که شکّی در آن نیست.

۱- برای اطّلاع از نظرها و گفتارهای ادیان دیگر درباره دانش و سفر فضایی« قائم علیه السلام» به جلد اوّل کتاب« سیمای جهان» فصل(امام در ادیان پیشینیان) مراجعه نمایید.

۲- برای اطّلاع بیشتر در این باره به مصادر مهم شیعه و کتاب(سرچشمه حیات) ازهمین مؤلّف مراجعه شود.

ص: ۲۲۷

۱- ابوسعید خدری گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام را به شما مژده می دهم زمین را پر از عدل و داد می کند، آن طور که از ظلم و جور پر شود (از حکومت او) ساکنان آسمان و زمین راضی می شوند.»(۱)

از این حدیث استفاده می شود که منظور از رضایت ساکنان آسمان ها از حکومت او اشاره به فرشتگان آسمان و ملائکه مقرّب پروردگار است و یا اشاره بر گسترش حکومت او بر کرات دیگر مسکونی و گشوده شدن راه آسمان ها و مسافرت های فضایی به نقاط دور دست جهان است.(۲)

۲- چنان که در تفسیر آیه مبارکه سوره ق، آیه ۱۵(۳). از امام علیه السلام آمده است:

«خداوند هزار هزار عالم و هزار هزار آدم آفریده است تا آن جا که می فرماید و حجّت آن ها هم منم.»(۴)

۸۶]- س- در روایت آمده است که در زمان آن حضرت، مردم از نور خورشید بی نیاز خواهند بود، این مطلب به چه معناست؟.

۱- نور الأبصار فی مناقب آل بیت النّبیّ المختار: ص ۱۵۷- ۱۵۶ چاپ مصر؛ حکومت جهانی مهدی: ص ۳۰۰.

۲- حکومت جهانی مهدی: ص ۳۰۲.

۳- « أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس جدید» آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم، بلکه آن ها در آفرینش جدید تردید دارند. سوره ق، آیه ۱۵.

۴- إنّ اللّه خلق ألف ألف عالم وألف ألف آدم أنت فی آخر تلك العوالم و اولئك الادمیّین وإنّی الحجّه علیهم؛ به تفاسیر گوناگون در تفسیر آیه مذکور مراجعه شود.

ص: ۲۲۸

ج- از تعبیرهای روایات چنین بر می آیـد که مسأله «نور و انرژی» در عصـر ولایت به نوعی حل می شود که انسان در روز و شب از قوی ترین نورها که می توانـد جانشـین نور آفتاب گردد، بهره منـد شود و دیگر به نور خورشـید نیازی نباشـد، یا نور پرقـدرت مقام عظمـای ولاـیت بـا انعکـاس به فضا و تابش از فضا به سوی زمین جهانیان را از نور خورشـید و روشـنایی کره جامـد و خاکی دیگر، مانند ماه مستغنی نماید.

دلیل:

۱- امـام رضا علیه السـلام فرمود: «پس زمانی که خروج کرد، زمین از نور او نورانی شود و در میان مردم میزان عـدالت گذاشـته می شود، پس کسی به کسی ظلم نمی کند.»(۱)

۲- مفضّل بن عمر جعفی گوید که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که «قائم» ما- عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف- قیام کنـد، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند و شب و روز یکی می شود و تاریکی از بین می رود.»(۲)

با توجه به روایت فوق تکامل علوم و صنایع به حدّی می رسد که

۱- فإذا خرج أشرقت الأرض بنوره ووضع میزان العدل بین الناس فلایظلم أحد أحداً؛ فرائد السّمطین: ۲/ ۳۳۶.
۲- تفسـیر عیاشی: ۲/ ۲۳۵؛ دلائـل الإمامه: ص ۲۴۰ و ۲۶۰؛ المحجه: ص ۳۲۴؛ و بـا طریق دیگر نیز روایت کرده است؛ ارشاد مفیـد: باب ۴۰ باب ۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۷ ب ۲۷ ح ۷۷ از ارشاد و نیز در منابع دیگر(- وأشـرقت الأرض بنور ربّها)(- زمر/ ۶۱.) فرمود:« ربّ الأـرض؛ یعنی إمـام الأرض.(رب زمین یعنی امام زمین) قلت: فإذا خرج یکون ماذا؟ قال یسـتغنی الناس عن ضوء الشـمس ونور القمر ویجتزون بنور الأمام؛ تفسیر قمی: ۲/ ۲۵۳؛ المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجه: ص ۳۲۳.).

ص: ۲۲۹

مردم بـا رهـبری آن رهبر بزرگ و توانـا، قـادر به کشف منبع نور و انرژی فوق العـاده ای می شونـد که حتی می توانـد جانشـین نور خورشید گردد.

۸۷]- آیا از بانوان نیز در ارتش حضرت نقشی خواهند داشت یانه؟.

ج- بلی

۱- جابر جعفی گویـد که امام باقر علیه السـلام فرمود: «و به خـدا قسم می آید سـیصد و چند ده نفر مرد و در میان آن ها ۵۰ نفر زن خواهد بود، بدون قرار قبلی در مکّه جمع شوند؛ مانند پاره های ابر پاییزی، بعضـی پشت سـر بعضی و این است منظور از آیه «أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ» پس مردی از آل محمد:

می گوید: آن است قریه ای که اهلش ستم گرانند.»(۱)

۲- حضرت صادق علیه السلام به مفضّل فرمود: با «قائم» سیزده زن خواهد بود، عرض کرد آن ها چه می کنند؟ فرمود: مجروحین را مداوا و مریض ها را پرستاری می کنند چنان که با پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند».(۲)

درخصـائص فاطمیه: مولی محمـدباقر بن اسـماعیل کجوئی ص ۳۴۳ روایـت کرده اسـت که در دولت حـق ۱۳ نفر زن برای معـالجه زخمی های یاران مهدی علیه السلام به دنیا برمی گردند از جمله آن هاست

۱- «صـیانه»: آرایشـگر دختر فرعون و همسـر حزبیـل مؤمن آل فرعون پسـر عمو و خزینه دار فرعون، این زن در ثبات ایمان و صبر و تحمل کاری کرد که نظیر آن در تواریخ کمتر دیده شده و شوهرش حزبیل بنا

۱- بقره:/ ۱۴۸؛ نساء/ ۷۴؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۲۳ ب ۲۵ ح ۸۷ از تفسیر عیاشی و معجم احادیث الإمام المهدی: ۵/ ۲۱ ح ۱۴۵۲ ..

۲- اثباهالهداه: ۳/ ۵۷۵ ب ۳۲ ف ۴۸ ح ۷۲۵.

ص: ۲۳۰

به روایت علی بن ابراهیم، ششصد سال خدا را پنهانی می پرستید ...(۱)

۲- ام ایمن: نامش برکه بنت ثعلبه بن عمرو بن حسن بن مالک بن سلمه بن عمرو بن جلائل بود.(۲)

۳- زبیده: نامش أمهالعزیز و کنیه اش ام جعفر و دختر جعفر بن ابی جعفر منصور و همسر هرون الرشید، پسر عموی خود بود که در سال ۱۶۵ قمری با وی ازدواج نمود.

۴- حَبابه والِبّیه: از بانوان شناخته شده و معروف به ولایت و تشیع است

۵- سمیّه مادر عمار بن یاسر. کنیز ابوحذیفه المخزومی بود، چون یاسر او را تزویج نمود، ابوحذیفه او را آزاد نمود و عمّار از او متولد شد سمیّه و شوهرش یاسر اوّل شهیدان اسلام بودند.

۶- قنوه (یا قنوا) دختر رُشید هَجَری رضی الله عنه: یکی از اصحاب با وفا و فدائی امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.

۷- نُسَیبه بنت کعب بن عمرو بن عوف بن مازن بن النجّار الأنصاریه است کنیه او، ام عماره است.

۱- ریاحین الشریعه: ۵/ ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه: ۳۴۳؛ چشم اندازی بر حکومت مهدی: ۷۱ از آن منهاج الدموع: ص ۹۳.

۲- ریاحین الشریعه: ۵/ ۱۵۳ ببعد باتلخیص و اصلاح ادبی؛ تاریخ طبری: ۲/ ۷؛ سیره حلبیه: ۱/ ۵۹؛

ص: ۲۳۱

۸۸]- س- آیا از انبیاء علیهم السلام در ارتش حضرت حضور خواهند داشت؟.

ج- بلی در روایات از حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خضر نبی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام نام برده شده است.

۱- از جمله یاران «قائم علیه السلام» حضرت «خضر علیه السلام» است که همیشه با اوست.(۱)

۲- و هم چنین حضرت «عیسی علیه السلام» خواهد بود البته نه در آغاز خروج بلکه بعد از چند ماه، هنگامی که برای جنگ سفیانی به شام عزیمت می نماید.(۲)

۳- الیاس پیغمبر علیه السلام» نیز؛ مانند «خضر علیه السلام» در خدمت «قائم علیه السلام» خواهد بود.

۸۹]- س- آیا حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و دادن دستور العمل به آن حضرت صحت دارد؟.

ج- بلی: در منابع حدیث شیعه این مطلب بسیار نقل شده است که برنامه کار و دستور العمل دوران امامت هر یک از امامان، از سوی خداوند تعیین شده و توسط پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به آن ها ابلاغ گردیده

۱- اکمال الدین: ۲/ ۶۱ باب ماروی من حدیث الخضر علیه السلام؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۵۲ ح ۳؛ معجم أحادیث امام المهدی: ۴/ ۱۶۷ ح ۱۲۲۹.

۲- معجم أحادیث امام المهدی: ۱/ ۵۳۴- ۵۳۵ ح ۳۶۴- ۳۶۵(از رسول أکرم صلی الله علیه و آله) و ۳/ ۱۲۱ ح ۶۵۹(از امیرمؤمنان علیه السلام) و ص ۱۷۰ ح ۶۹۴(از امام حسن علیه السلام) و ص ۳۱۶ ح ۸۵۷(از امام باقر علیه السلام) و ۴/ ۱۷۰(از امام رضا علیه السلام) مهدی منتظر: ص ۳۲۰.

ص: ۲۳۲

است و هر امامی در زمان امامت خود طبق وظایفی عمل می کرد که بر عهده اش گذاشته شده بود.

در کتاب شریف اصول کافی، بابی را با این عنوان اختصاص داده است که

«امامان جز به عهد و فرمان خدا، چیزی را انجام نداده و نمی دهند و از آن تجاوز نمی کنند.»(۱)

روایاتی را در این زمینه آورده است که چکیده ای از احادیث را نقل می کنیم.

۱- علی بن حسین علیهما السلام فرمود: «پس (جبرئیل) دست «قائم» علیه السلام را می گیرد و مصافحه می نماید و بر او سلام می کند و می گوید: بلند شو! و اسبی می آورد که به آن «براق»(۲) گویند، پس (آن حضرت) سوار می شود. سپس به کوه «رضوی» می آید و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می آیند و عهد و منشوری برایش می نویسند که آن را برای مردم بخواند، و سپس به سوی مکه بیرون شود در حالی که مردم درآن گرد آمده اند»(۳)

۱- اصول کافی: ۱/ ۲۷۹.

۲- اسم اسبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج بر آن سوار شد و از آسمان هاگذشت و در مدّت کمی به قاب قوسین أو أدنی رسید، از اسم این اسب یا مرکب پیداست که از برق تشکیل یافته است و به احتمال قوی وسیله فضایی است که با نیروی برق(و الکترون) کار می کند و با سرعت مافوق سرعت« نور» حرکت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مدّت خیلی کوتاه، از آسمان ها و حجابات گذراند و به فاصله عرض دو تیر، به قُرب عزّت و جلالت رسانید.

۳- تمام حدیث در فصل(سوار بر براق) در کتاب سیمای جهان؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۶ ب ۲۶ ح ۷۹.

ص: ۲۳۳

۲- ابی بصیر گوید که امام باقر علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود: «پس نخستین کسی که به دست او زده و بیعت می نماید جبرئیل و میکائیل هستند و با آن ها رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بلند شده، کتاب جدید مهر شده ای که هنوز مهرش خشک نشده، به او می دهند که برای عرب ها خیلی سخت خواهد شد، پس به او می فرمایند، عمل کن هرچه در آن کتاب است، آن سی صد نفر با نفرات کمی از اهل مکّه با او بیعت می کنند.»(۱)

روایت های فوق تصریح دارد بر این که در مراحل اولیه قیام «قائم» علیه السلام پیغمبر و علی علیهما السلام حضور یافته و منشوری که از سوی خداوند به آن ها تحویل گردیده بود، به قائم آل محمد علیهم السلام تسلیم می نمایند تا برابر آن به کار خود شروع کند.

۳- روایت شده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»(۲) فرمود: «به خدا قسم! دنیا نمی گذرد، مگر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام، بر می گردند و در نجف به همدیگر می رسند و در ثویّه (نام محلی است در کوفه) مسجد دوازده هزار دَری بنا می کنند.»(۳)

۴- امام صادق علیه السلام در ذیل حدیث طولانی فرمود: «به خاطر این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: تو برادر منی و وعده گاه بین من

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۷ ب ۲۶ ح ۸۱ از کتاب فضل بن شاذان.

۲- القصص: ۸۵.

۳- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱۳ ب ۲۹ ذیل ح ۱۳۸ شماره ۱۷؛ بیان الأئمّه: ۳/ ۲۵۸ از السّرّ المکنون.

ص: ۲۳۴

و تو «وادی السّلام» است.»(۱)

۵- جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وعده گاه تو و علی (وادی) السّلام است. ابان گفت: فدایت شوم «السلام» کجاست فرمود: ای ابان! (وادی) السّلام پشت کوفه است ...»(۲)

۶- بکیر بن اعین گوید: به من گفت: «کسی که شکی (در صحّت گفتار او) ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به زودی برمی گردند!»(۳)

۷- ابوحمزه ثمالی گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر «قائم» آل محمد علیهم السلام خروج نماید، البتّه خداوند او را با فرشتگان کمک می نماید و اوّل کس که به او تبعیّت (یابیعت) می کند، محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است.»(۴)

۸- امام حسین علیه السلام ضمن حدیث طولانی فرمود: «و حتماً محمّد و علی علیهما السلام نازل شوند و من و برادرم و تمامی آنان که خداوند به آن ها منّت گذاشته است، فرود آیند، در مرکب هایی از مراکب خدا، اسبانی ابلق از نور که مخلوقی به آن ها سوار نشده است. سپس محمّد صلی الله علیه و آله پرچم خود را به اهتزاز درآورد و با شمشیرش به «قائم» علیه السلام ما تحویل دهد،

۱- همان مدرک: ۵۳/ ۹۷ ب ۲۹ ذیل ح ۱۱۳.

۲- همان مدرک: ۵۳/ ۶۶ ب ۲۹ ح ۶۰ از مختصر بصائرالدّرجات.

۳- همان مدرک: ۵۳/ ۳۹ ب ۲۹ ح ۲ از مختصر بصائرالدّرجات.

۴- معجم أحادیث المهدی: ۳/ ۲۵۶؛ غیبت نعمانی: ۲۳۴؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۹۱ ب ۲۹ ح ۹۶ و ۵۲/ ۳۴۸ ب ۲۷ ح ۹۹ از غیبت نعمانی در پاورقی مصدر علی اکبر غفّاری گفته(فی بعض النّسخ اوّل من یبایعه) است.

ص: ۲۳۵

سپس بعد از آن مقدار که خدا خواهد می مانیم.»(۱)

۹۰]- س- می گویند حضرت سایه ندارد و پشت سر خود را می بیند آیا این حرف ممکن است؟!.

ج- بلی امام رضا علیه السلام فرمود: «ویری من خلفه کما یری من بین یدیه؛(۲) پشت سرش را می بیند مانند دیدن روبروی خود.»

سایه در صورتی پیدا می شود که تابش نور به جسمی ضعیف تر و کم نورتر باشد، اما اگر نور، مساوی یا قوی تر از نور مقابل باشد، سایه ای وجود نخواهد داشت مانند انوار تابناک امامان علیهم السلام به خصوص حضرت «قائم علیه السلام» چون نور امام از نور خورشید قوی تر و پر نورتر است، پس سایه ای هم وجود نخواهد داشت!

امام رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «ولا یکون له ظلّ؛(۳) برای او (یعنی قائم علیه السلام) سایه نخواهد بود.»

۹۱]- س- آیا ظهور حضرت در چه روزی رخ خواهد داد؟.

ج- آن چه مسلّم است در ماه رمضان ندا داده می شود و ایشان از محل غیبت بیرون آمده و در مکّه ساکن خواهد شد، شوال و ذی قعده و ذی حجه را در مکّه بوده امابرای کسی ظاهر نیست و بعد

۱- بحارالأنوار: ۵۳/ ۶۱ ب ۲۹ ح ۵۲ از الخرایج.
۲- عیون أخبار الرّضاء: ۲/ ۱۰۲ و ۱/ ۱۶۹؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۵.
۳- کمال الدّین: ۲/ ۴۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۲۲ ب ۲۷ ح ۲۹. از اعلام الوری؛ عیون أخبار الرّضاء: ۲/ ۱۰۲ و ۱/ ۱۶۹؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۵.

ص: ۲۳۶

از ماه ذی حجه قیام عام نموده و برای عموم ظاهر خواهد شد.

۱- وُهیب بن حفص از ابی بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«همانا به نام قائم علیه السلام در شب ۲۳ (رمضان) ندا شود و روز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیهما السلام شهید شد، قیام می کند.»(۱)

۱ روز شنبه:

۲- ابی بصیر گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «و روز عاشورا قیام می کند و روز شنبه دهم محرم ظهور می کند و میان رکن و مقام (برای گرفتن بیعت) می ایستد.»(۲)

۲- روز جمعه:

بسیاری از روایات ظهور آن حضرت را روز جمعه گفته اند، جمعه ای که با گردش سال به روز عاشورا افتاده باشد و از قدیم الایّام شیعیانش

۱- ارشاد مفید: ص ۳۴۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۹۰ ب ۲۶ ح ۲۹ از غیبت طوسی و در این مفاد(- منتخب الأثر: ص ۵۷۵ ف ۶ ب ۹ ح ۵ از الأربعون خاتون آبادی.)(- غیبت نعمانی: ص ۱۵۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۹۷ ب ۲۶ ح ۵۶.)(- أبی بصیر قال: قال أبو عبد اللَّه علیه السلام: إن القائم صلوات اللَّه علیه ینادی باسمه لیله ثلاث و عشرین ویقوم یوم عاشورا یوم قتل فیه الحسین بن علی علیهماالسلام، لکأنّی فی یوم السّبت العاشر من المحرّم قائماً بین الرّکن و المقام ...؛ منتخب الأثر: ص ۵۷۴ ف ۶ ب ۹ ح ۲ از ارشاد؛ غیبت طوسی: ص ۴۵۲ ف ۷ ح ۴۵۸؛ المستجاد: ص ۲۷۹؛ فصول المهمّه: ص ۲۹۸؛ معجم أحادیث الامام المهدی: ۳/ ۴۸۹ ح ۱۰۶۰؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۹۰ ب ۲۶ ح ۲۹؛ ارشاد: ص ۳۴۱؛ کشف الغمّه: ۳/ ۳۲۴؛ غیبت طوسی: ص ۲۷۴.).

۲- منتخب الأثر: ص ۵۷۵ از کشف الأستار از اخبار الدّول؛ در این مفاد(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۹۰ ب ۲۶ ح ۲۹ از غیبت طوسی.)(- معجم أحادیث الامام المهدی: ۳/ ۲۹۳ ح ۸۳۰؛ غیبت طوسی: ص ۴۵۳ ف ۷ ح ۴۵۹؛ عقد الدرر: ص ۶۵ ب ۴ ف ۱؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۸۵ ب ۲۶ ح ۱۷ از کمال الدّین.)(- منتخب الأثر: ص ۵۷۴ از کمال الدّین و غیبت نعمانی.).

ص: ۲۳۷

در هر روز جمعه منتظر خروج امام علیه السلام می شوند. در زیارت روز جمعه آمده است: «هذا یوم الجمعه وهو یومک المتوقّع فیه ظهورک والفرج- فیه علی یدیک.»(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم» ما اهل بیت، روز جمعه خروج می نماید.»(۲)

۳- روز نوروز:(۳)

جمع بین روایات

این روایات همگی ناطق بر این است که خروج و قیام آن حضرت روز عاشورا خواهد بود، اماروز نوروز به احتمال قوی در گردش سال قمری مصادف با دهم محرم می شود و شنبه و جمعه را به چند صورت می توان احتمال داد.

۱- روز جمعه ابتدای خروج ایشان است برای عدّه ای، و فردای آن روز شنبه خروج عام خواهد بود.

۲- روز شنبه اوّل هفته برای عدّه ای ظاهر و روز جمعه آخر هفته ظهور عام خواهد بود.

۳- جمعه روز تاسوعا ظهور و روز شنبه عاشورا قیام خواهد کرد و بیعت عام خواهد گرفت.

۱- مفاتیح الجنان: ص ۵۹ زیارت روز جمعه قبل از دعای صباح.

۲- معجم أحادیث الامام المهدی: ۳/ ۴۹۷ ح ۱۰۶۷؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۷۹ ب ۲۶ ح ۱ از خصال.

۳- بحارالأنوار: ۵۲/ ۲۷۶ ب ۲۵ ح ۱۷۱ از کتاب المهذّب ابن فهد؛ سرچشمه حیات: ۳۶۹ بنقل از المهذّب ص ۱۹۴؛ و بحارالأنوار: و ۵۹ ص ۹ ۱۱؛ و وسائل الشّیعه: ۸ ۱۷۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۰۸ ب ۲۶ ح ۸۴

ص: ۲۳۸

۴- راوی این روایات را برابر مشهور تنظیم کرده است، چون معروف است عاشورای شهادت امام حسین علیه السلام روز شنبه بوده است.

۵- راوی به اشتباه جمعه را شنبه گفته است و عاشورا هم روز جمعه خواهد بود.

۶- در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: «یقوم یوم عاشورا و یظهر یوم السّبت، قیام روز عاشورا (روز جمعه) و ظهور روز شنبه خواهد بود واللّه العالم».

۹۲]- س- آیا در زمان امام اقلیت مذهبی وجود خواهد داشت؟!.

ج- از روایت های گوناگون می توان این بحث را بدین گونه معنا کرد که مسأله پیاده کردن حکومت «اللّه» در تمامی نقاط روی زمین مراحل گوناگون خواهد داشت.

۱- در ابتدای کار با اقشار مختلف با رأفت اسلامی و نرمش نبوی وارد مذاکره خواهد شد و با عطوفت و بزرگ منشی رفتار خواهد کرد و از گروه هائی، جزیه قبول کرده و در زیر لوای اسلام زندگی خواهند نمود ولی با گذشت زمان یا در اثر تبلیغات آزاد و آرام رسانه های گروهی متأثّر شده و به اسلام خواهند گروید و یا خباثت و عدم شایستگی وجودی آنان باعث می شود که از مهربانی و گذشت مسؤولین امر و مسلمان ها سوء استفاده کرده و ایجاد مزاحمت نمایند، در این صورت به مرحله دوّم اقدام خواهد نمود.

ابوبصیر ضمن روایتی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم «فمایکون من أهل الذمّه عنده؟ قال یسالمهم کما سالم رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم و یؤدّون الجزیه

ص: ۲۳۹

عن ید وهم صاغرون»(۱) چگونه خواهد بود اهل ذمه نزد آن حضرت؟

فرمود با آنها مسالمت نماید آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسالمت نمود بادست خود با ذلت (وخواری) جزیه دهند.(۲)

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: «إذا قام القائم عرض الإیمان علی کلّ ناصب فان دخل فیه بحقیقه وإلّا ضرب عنقه أو یؤدّالجزیه کما یودّیها الیوم أهل الذمّه ویشدّ علی وسطه الهمیان ویخرجهم من الأمصار إلی السواد؛(۳) زمانی که «قائم علیه السلام» قیام کرد، ایمان را به همه ناصبی ها ارایه می دهد. اگر با حقیقت قلب قبول نمود، چه بهتر وگرنه گردن زده می شوند و یا مانند اهل ذمّه (یهود و نصاری) جزیه پرداخت نمایند و به کمرش همیان می بندد و آن ها را از شهرها به کوه و دشت بیرون می کند (تبعید می نماید).»

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «إذا قام قائم أهل البیت و یستخرج- التوراه وسائر کتب اللّه عزّوجلّ مِنْ غارٍ بأنطاکیه یحکم بین أهل التوراه بالتّوراه وبین أهل الإنجیل بالإنجیل وبین أهل الزبور بالزّبور وبین أهل القرآن بالقرآن؛(۴) وقتی که «قائم» اهل بیت علیهم السلام قیام کرد، تورات و سایر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه (از شهرهای سوریه) بیرون آورد و بین

۱- بحارالانوار ۵۲ ص ۳۷۶ ب ۲۷ ح ۱۷۷ و ۵۲ ۳۸۱ ب ۲۷ ح ۱۹۱ بنقل از مزار کبیر یشاره الاسلام ص ۳۰۰ ح ۴۹.

۲- روایات در این مورد متعدد است طالبین به کتاب سیمای جهان ج ۲ ص ۳۴۶ مراجعه نمایند.

۳- روضه‌الکافی: ص ۲۲۷ ح ۲۸۸؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۱۱؛ بشاره‌الإسلام: ص ۲۳۹ و ۲۶۱؛ یوم الخلاص: ص ۳۲۳ از آن. بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۵ ب ۲۷ ح ۱۷۵.

۴- غیبت نعمانی: ص ۱۲۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۵۱ ب ۲۷ ح ۱۰۳ از آن.

ص: ۲۴۰

اهل تورات با تورات و با اهل انجیل با انجیل و اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن قضاوت می کند.»

از روایت فوق استفاد می شود که اقلیّت ها در «دولت کریمه» از آزادی کامل برخوردار گشته و از نظر قضایی و غیره آزاد خواهند بود و در دعاوی و منازعات و اختلافات مخصوص خود خواهند توانست به دادگاه های خود مراجعه کنند و چنان چه دادگاه ویژه نداشته باشند و یا با افراد مسلمان نزاعی داشته باشند با اطمینان خاطر و اعتماد کامل به حاکم مسلمان ها مراجعه می کنند و او نیز طبق عدل واقعی در میان آن ها برابر کتاب خودشان قضاوت می نماید.

به احتمال قوی این خوش رفتاری و زندگی مسالمت آمیز مسلمان ها با اقلیّت ها در دولت «مهدی علیه السلام» سبب خواهد شد؛

۱- آن ها مدّت طولانی دوام بیاورند و باقی بمانند.

۲- آن ها با مرور زمان به دین اسلام و مسلمان ها عادت نموده و در دراز مدّت یا کوتاه مدّت دین اسلام را بپذیرند.

۳- برای جلوگیری از خونریزی زیاد با ارعاب و ایجاد ترس و وحشت که به وسیله ابرهای خشن و شدید و با ایجاد رعد و برق و صاعقه و ...

۱۱۱ پرسش و پاسخ درباره امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» ؛ ص ۲۴۰

شاید تعبیر از شکستن دیوار صوتی یا مافوق آن باشد) برای کشاندن آنان زیر لوای اسلام اقدام خواهد نمود و در این مرحله نیز بدون شک گروه دیگری زیر لوای قرآن قرار گرفته و به مسلمان ها خواهند پیوست و اگر در این مرحله هم عدّه ای در مقام عناد و لجاجت ایستادگی کردند، آن وقت است که مرحله سوّم شروع خواهد شد.

۱- محمدبن مسلم گوید امام باقر علیه السلام فرمود ألقائم منّا منصور

ص: ۲۴۱

بالرّعب ..... قائم ما یاری شده با ترس است.(۱)

۲- و ینصره بالرّعب. .. و او را با ترس کمک می کند(۲)

۳- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام فرمود .... و رعب از پیش و راست و چپ او، در فاصله یک ماه راه حرکت نماید.(۳)

۳- این مرحله، مرحله غربال نمودن، ریشه کن کردن، نابود ساختن و به فنا دادن آنان خواهد بود. آن وقت است که شمشیر شرر بار غضب و انتقام خداوندی با دست «ولیّ مطلق» و خلاصه تمامی انبیاء و اوصیاء از آدم تا خاتم و از خاتم الانبیاء تا خود خاتم الاوصیاء علیهم السلام کشیده خواهد شد و بر گردن ستمگران و یاغیان و منافقان و زورگویان فرود خواهد آمد و بر پیکر سوء استفاده کنندگان از سیادت و بزرگواری آن «مصلح جهانی» خواهد نشست.

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «فیفتح اللّه شرق الأرض وغربها ویقتل الناس حتی لایبقی إلّادین محمّد؛(۴) پس خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و مردم را می کُشد و جز دین محمّد چیزی (دینی) باقی نمی ماند.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا خرج- القائم لم یکن بینه وبین العرب

۱- منتخب الاثر ۳۶۱ ف ۲ ب ۳۵ ح ۱ از کمال الدین، اثباهالهداه ج ۳ ص ۵۳۲.

۲- همان ح ۹.

۳- معجم أحادیث الامام المهدی علیه السلام ۳/ ۳۸۷ ح ۹۴۰، ثفیبت نعمانی ص ۲۰۹، بحارالانوار ۵۲ ۳۶۰/ ب ۲۷ ح ۱۲۹. روایات در این مورد متعدد است طالبین به کتاب سیمای جهان ج ۲ ص ۱۱۱ مراجعه نمایند.)

۴- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۴۰ و ص ۳۹۰.

ص: ۲۴۲

والفرس إلّاالسیف لایأخذها إلّابالسّیف ولا یعطیها إلّابه؛(۱) زمانی که «قائم علیه السلام» خروج نمود، بین او و عرب و فارس غیر از شمشیر هیچ چیز نخواهد بود و آن را نمی گیرد، مگر با شمشیر و عطا نمی کند، مگر با شمشیر.»

۳- «ویهلك اللّه فی زمانه الملل كلهاإلّاالاسلام؛(۲) خداوند در زمان او غیر از اسلام تمام ملّت ها (ادیان) را نابود می سازد (از بین می برد).»

محمّد بن صبّان گوید: همانا «مهدی علیه السلام» پا به پای رسول خدا صلی الله علیه و آله می رود و خطا نکند (چون برای او مَلکی است که راهنمایی می کند.

اسلام را با او بعد از ذلّت، عزّت می بخشد و بعد از مرگش آن را زنده می کند «ویضع الجزیه ویدعوا إلی اللّه بالسّیف فمن أبی قُتِلَ ومن نازعه خذل؛ و جزیه را فرو گذارد و با شمشیر به سوی خدا فرا خواند، هر کس سرپیچی نماید، کشته شود و هر کس با او مبارزه کند، خوار گردد.»

۴- «أین قاصم شوكه المعتدین أین هادم أبنیه الشرك و النفاق أین مُبید أهل الفسوق والعصیان والطغیان وأین حاصد فروع الغیّ والشقاق أین طامس آثار الزیغ والأهواء أین قاطع حبائل الكذب والإفتراء أین مُبید العتاه والمرده أین مستأصل أهل العناد والتضلیل والإلحاد؛ كجاست درهم شكننده شوكت متجاوزان، كجاست ویران كننده بناهای شرك و نفاق، كجاست نابود كننده اهل نادرستی و عصیان و طغیان، كجاست درو كننده شاخه های متمرّدان و تفرقه افكنان، كجاست محو كننده آثار گمراهان و

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۸۹ ب ۲۷ ح ۲۱۰؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۶ حرف« ق» و مشابه این روایت با اضافات در غیبت نعمانی: ص ۲۳۴ از آن حضرت.

۲- سنن أبو داود ج ۲ ص ۳۴۲.

ص: ۲۴۳

هوس بـازان، کجـاست قطع کننـده طناب های دروغ گویان و تهمت زنان، کجاست از میان بردارنـده گردنکشان و تمرّد کننـدگان، کجاست از بنیان کن اهل عناد و گمراه کنندگان و ملحدان.»

۵- محمّد بن فضیل گوید از امام سجاد علیه السلام درباره از آیه «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ» سؤال نمودم؟

در پاسـخ فرمود: «هو أمراللَّه ورسوله (هوالّـذی أمر رسوله) بالولایه لوصـیّه والولایه هی دین الحق قلت: (لیظهره علی الـدین کلّه) قال لیظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم علیه السـلام؛(۱) آن امر خـدا و رسول است (ابلاغ) ولایت به وصـیّ اش و ولایت دین حقّ است.

گفتم: (منظور از) لیظهره ... چیست؟

فرمود: تا آن دین را به تمام ادیان غالب گرداند، بعد از قیام «قائم علیه السلام».»

نتیجه: از سوی امـام علیه السـلام مبلّغین فراوان به طور عادلانه، نه آمرانه اقشار مختلف جامعه را به دین اسـلام دعوت کرده و فرا می خواننـد و به صورت گوناگون اتمام حجّت می نماینـد. اگر با این روش زیر بار نرفتنـد با تشـکیلات مخوف رعـد و برق و صاعقه و غیره که در فاصـله یک ماه راه پیش از امام علیه السـلام در حرکت خواهـد بود، رفتار خواهند کرد که شاید با رعب و وحشت متنبّه شده و زیر پرچم اسـلام درآیند و اگر باز زیر بار نرفته و اسـلام و قوانین آن را نپذیرند، دیگر جز اعدام و نابودی و تطهیر روی زمین از پیکرهای کثیف آن ها راهی وجود نخواهند داشت. امام- عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف- با از بین بردن طواغیت

۱- توبه/ ۳۳؛ کافی: ۱/ ۴۳۳.

ص: ۲۴۴

و تخریب آثار و نابود ساختن نشانه های آنان، زمین را از وجود مضرّ آن ها پاک می کند.

مطلبی که ناگزیر باید به آن اشاره شود، این است که ممکن است رشد و کمال دولت ها و ملّت های اسلامی تا آن روز به صورتی درآید که اکثریت مردم در اثر ترّقیات فکری و کمال والای خود، امام علیه السلام را با آغوش باز بپذیرند و یا در اثر خونریزی های وحشت زای قبل از ظهور به تنگ آمده و هر روز چندین بار آرزوی مرگ خواهند کرد و به صدای یک منجی و یک مصلح، پاسخ مثبت داده و به ندای او لبیک گویند.

واللَّه العالم.

۹۳]- س- آیا سلام کردن به امام کیفیت خاصی خواهد داشت یاطبق معمول؟.

ج- بلی امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدا و سنّت پیغمبرش صلی الله علیه و آله در دل «قائم علیه السلام» ما، می روید، چنان چه کشت و زرع با بهترین وجه می رویـد، پس هر کس باقی ماند تا او را ببیند، هنگام دیدن او بگوید: «السلام علیکم یا أهل بیت الرحمه والنبوه، ومعدن العلم وموضع الرساله، السلام علیک یا بقیّه اللَّه فی أرضه.»(۱)

۱- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۷ ب ۲۷ ح ۱۶ از عُدد، مشابه این روایت روایاتی با کمی تفاوت درمدارک؛(- منتخب الأثر: ص ۶۵۳ از غیبت طوسی.)(- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳: کمال الدین: باب ۵۷ حدیث ۱۸.)(- منتخب الأثر: ص ۶۵۳ از کمال الدّین.)(تفسیر فرات بن ابراهیم: ص ۶۴؛ وسایل الشّیعه: ۱۰/ ۴۷۰ باب ۱۰۶ ح ۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۷۳ ب ۲۷ ح ۱۶۵.)

ص: ۲۴۵

۹۴]– س– قبلًا فرمودیـد: در وجود مبارک امام (ع) زمان و مکان، اثر نخواهـد گذاشت بلکه او حاکم بر زمان و مکان می باشد، در نتیجه در همه جا حضور عینی خواهـد داشت، آیا با مردم با چه زبانی صـحبت می نمایـد و یا زبان بین المللی آن زمان کدام زبان خواهد بود؟!.

ج- برابر روایات وارده، امامان علیهم السلام همگی به تمام لغات و زبان ها، آشنا هستند و با هر قومی با زبان خودشان صحبت می کنند، مخصوصاً حضرت بقیّه اللّه الأعظم روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء که بر کلّ کره زمین حکومت خواهد نمود به صورت کامل باهمه گفتگو خواهند نمود.

دلیل:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند حجّتش را از سایر خلقش جدا ساخته و به او شناختن همه اشیا را عطا فرموده است. پس او تمامی لغت ها و نسب ها و حوادث را می شناسد و اگر این گونه نبود، میان حجّت و کسی که برای او حجّت آمده (فرقی) نمی شد.»(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «از امام پرسیده می شود و پاسخ می گوید:

اگر از او ساکت شوند، او ابتدا به گفتن سخن می کند و با قوم با هر زبانی حرف می زند!»(۲)

۱- ارشاد: ص ۳۲۳- ۳۲۲؛ مناقب آل ابی طالب: ص ۵۲۹؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۷

۲- منتخب الأثر: ص ۴۷۱؛ الزام النّاصب: ص ۲۶؛ البیان: ص ۸۴ با عبارت دیگر؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۷.

ص: ۲۴۶

۹۵]- س- آیا در زمان امام ترس و وحشت و نا امنی وجود خواهد داشت؟.

ج- در پاسخ سؤال های گذشته در این مورد جواب هائی به عرض رساندم که فقدان امنیت به یکی از عوامل زیر برمی گردد.

۱- محرومیّت و فقر ۲- ضعف ایمان: ۳- ضعف دولت

در زمان حکومت حضرت «قائم» این عوامل به کلّی از بین می رود، دیگر موردی برای جرم و جنایت باقی نمی ماند، علاوه براین مردم نیز به مرحله والای تکامل نفسی و علّو روانی و شرافت وجدانی می رسند، به طوری که خود را بالاتر از آن می بینند که خویشتن را به انواع گناهان آلوده سازند.

لحن روایات فراوان و تصریحات آن، گویای این حقیقت است که حیوانات وحشی و درنده اهلی شده و خاصیت های طبیعی آن ها دگرگون خواهد شد و حیوانات گوشت خوار سبزه خوار می شوند و از نعمت های دیگر خداوند استفاده می نمایند.

بچه ها با مارهای سمّی بازی می کنند، مارها نیش نمی زنند و به آن ها ضرر نمی رساند.(۱)

کی آید آن زمان که در زیر سایه ات***گرگ درنده را زعطوفت شبان کنی

دنیا در انتظار قدوم شریف تو است***پس کی گذر به مجمع دل خستگان کنی

۱- طالبین تفصیل به ج ۲« سیمای جهان در عصر امام زمان» عجل اللّه تعالی فرجه مراجعه نمایند.

ص: ۲۴۷

اصلاح عالمی نبود کار هیچ کس***کاری که هیچ کس نتواند تو آن کنی

۹۶]- س- آیا مسئله برقراری ارتباط مردم با یکدیگر در زمان امام چگونه خواهد بود؟.

ج- در پاسخ سؤال ۷۱ مسأله ارتباطات را بیان کردیم علاوه برآن در هر دولتی ارتباطات از مسایل مهم و کلیدی است؛ زیرا قسمت اعظم اداره کشور مربوط به قوی بودن، منظم بودن، وسیع و فراگیر بودن آن است، به خصوص ارتباط مستقیم با رئیس و زمامدار مملکت باشد.

در زمان حضرت «قائم علیه السلام» در اثر تکنولوژی قوی و صنعت نیرومند و پیشرفت عظیم علم و دانش مردم کره زمین از هر گوشه و کنار آن می توانند به طور مستقیم با امام علیه السلام و با همدیگر رابطه بر قرار نموده و رفع نیاز نمایند، همان گونه که آفتاب را می بینند امام را نیز خواهند دید. به روایات ذیل توجّه نمایید.

۱- ابی الربیع الشامی گوید که شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «زمانی که «قائم ما عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» قیام نمود، خداوند گوش ها و چشم های شیعیان مارا یاری دهد، به طوری که میان آن ها و «قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» قاصد نمی باشد و می شنوند و به او نگاه می کنند در حالی که او در جای خودش است.»(۱)

۱- منتخب الأثر: ص ۶۰۷ ف ۷ ب ۱۲ ح ۲ به نقل ازاصول کافی: بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۶ ب ۲۷ ح ۷۲ از الخرایج و اصول کافی.

ص: ۲۴۸

۲- ابن مسکان گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مؤمن در زمان «قائم علیه السلام» برادرش را در مغرب می بیند در حالی که خود در مشرق باشد و هم چنین آن که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.»(۱) البته این دیدنها باوسایل ارتباط و تکنولوژی هزاران بار بیشتر و بهتر و پیشرفته تر از حالا خواهدبود.

۹۷]- س- آیا در دولت امام اداره اطلاعات و امنیت وجود خواهد داشت، اگر جواب مثبت است، چگونه خواهد بود و اگر منفی است، پس کشور از نظر اطلاعاتی، به چه صورتی اداره خواهد شد؟!.

ج- جواب مثبت است زیرا؛ امام که ظهور کرد، همه آن (کافر و مشرک) ها از ظهور او اکراه نمایند (و خوشحال نمی شوند)، حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی برود، آن سنگ بگوید: ای مؤمن! در جوف من کافری است، مرا بشکن و او را بکش! (کنایه از این که کسی پشت من مخفی شده یا اندرون سنگ های تو خالی پنهان شده باشد).(۲)

پس مأمورین اطلاعاتی امام جز جن و انس، از سنگ و درخت و کوه و در و دیوار و هوا با امواجش و حتی حیوانات خواهند بود مگر تشکیلات او از حضرت سلیمان کمتر است که همه چیز، چرنده و

۱- همان مدرک: ص ۶۰۷ ف ۷ ب ۱۲ ح ۳ بنقل از حق الیقین بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۹۱ ب ۲۷ ح ۲۱۳ از کتاب الغیبه.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۵/ ۱۴۵ ح ۱۵۶۴ و ص ۴۴۶ ح ۱۸۸۰؛ ینابیع الموده: ۳/ ۲۳۹ ب ۷۱ ح ۱۴.

ص: ۲۴۹

پرنده و خزنده و کوه و صخره ها و بالاخره جن و انس وو .. در تسخیر او بودند.

۹۸]- س- آیا در دولت امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف، نارضایتی وجود خواهد داشت؟!.

ج- برای آدمی زمانی زندگی شیرین و دلچسب و رضایت بخش است که توأم با مهربانی و الفت باشد. تمامی سفیران الهی در دوران نبوّت خود به این موضوع تأکید داشته اند و جوامع بشری را به سوی این خصلت خدا پسندانه راهنمایی نموده اند.

در زمان «مهدی» علاوه بر این که در اثر تربیت تشکیلات «امامت» خود مردم دارای این صفت خواهند بود، خداوند نیز با نظر لطف خود محبت را در میان مردم ارزانی می دارد.

خداوند در بیان صفات مؤمنان آخرالزّمان برای ابلیس فرمود: «و ألقی الرأفه والرحمه بینهم؛(۱) مهربانی و رحمت به همدیگر را در بین آن ها می اندازم.»

روایات اطاعت از امامان به طور عموم و اطاعت از «قائم» به طور خاص و رضایت از کارها و نافرمانی نکردن از او بسیار است.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر ببینی که «قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» به شخصی صد هزار درهم داد و به دیگری یک درهم، در سینه تو بزرگ نیاید، زیرا که امر به او تفویض شده است.(۲) (همه رفتار و کردار

۱- بحار الأنوار: ۵۲/ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۴ از سعدالسّعود ابن طاووس.

۲- معجم أحادیث الإمام المهدی: ۳/ ۲۸۰ ح ۹۳۳؛ اثبات الهداه: ۳/ ۵۲۱ ب ۳۲ ف ۱۵ ح ۴۰۱؛ بحارالأنوار: ۲۵/ ۳۳۶ ب ۹ ح ۱۵.

ص: ۲۵۰

و گفتارش خدایی و آسمانی و جزء وظایفی است از پیش تعیین شده و مأمور به اجرای آن است).

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «یرضی عن خلافته أهل الأرض وأهل السماء والطیر فی الجوّ؛(۱) از خلافت او اهل آسمان و زمین و پرندگان هوا راضی می شوند.»

۳- هم چنین فرمود: «یُلعقُ المساکین الزُّبد! وفی أیّام دولته تطیب الدنیا وأهلها؛(۲) به مساکین کره می خوراند و در روزگاران دولت او دنیا و اهل دنیا به پاکی می رسند.»

۹۹]- س- آیا در حکومت آن حضرت، آزادی بیان و اندیشه، وجود خواهد داشت؟!.

ج- اصل آزادی بیان در دین مقدّس اسلام از جمله مسایلی است که برای زنده نگه داشتن آن اهمیّت بسیاری داده شده و از آن پشتیبانی نموده است و برای انسان ها آزادی بیان و نقد و بررسی عالمانه را مجاز دانسته، از ایجاد محیط خفقان و اعمال خشونت با بیان های گوناگون جلوگیری کرده است؛ مانند «در قبول دین اکراه (و اجباری)

۱- کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۹۵ و ۲۶۱؛ البیان: ص ۸۴ با اضافات؛ الصّواعق المحرقه: ص ۱۶۲؛ الملاحم و الفتن: ص ۵۵؛ المهدی: ص ۲۲۱؛ بشارهالإسلام: ص ۲۸۴؛ الحاوی للفتاوی: ۲/ ۱۳۷ و ۱۶۰ و ۱۶۱؛ الإمام المهدی: ص ۱۰۹ و ۱۶۹ با لفظ دیگر؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۸ از آنها.

۲- المهدی: ص ۲۶۶ از عقدالدرر؛ یوم الخلاص: ص ۳۳۸ از آن.

ص: ۲۵۱

نیست، (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است ...(۱) » و «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شکر گذار باشد یا ناسپاس (۲)» اصل عدالت و مساوات در حقوق فردی و اجتماعی را اعلام نموده است. جریان ها و داستان های آموزنده در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و هر یک از امامان در مورد آزادی بیان پیش آمده است که برای هر شخص منصف و صاحب وجدانی جای شک و تردید نگذاشته است که دین اسلام مدافع سرسخت این مسأله است. از قضایای فراوان یکی را برای نمونه یاد آور می شویم.

روایت شده است قومی به حضور امیرمؤمنان علیه السّلام آمدند که در حال خطبه خواندن بود و می فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی؛ از من سؤال کنید، پیش از آن که مرا از دست بدهید» من از عرش پایین تر از هر چه بپرسید، جواب می دهم و بعد از من هر کسی این حرف را بزند، او یا مدّعی محض و تو خالی است و یا دروغگوی تهمت زن.

ناگهان مردی با موهای فِر، قد بلند و چاق که کتابی مانند مصحف در گردن آویخته بود، بلند شده و با صدای رسا خطاب به علی علیه السلام گفت: ای ادّعا کننده نادان و اقدام کننده بر چیزی که نمی فهمد! من از تو (مسایلی) می پرسم (اگر می توانی) جواب بده!

اصحاب و شیعیان آن حضرت به سوی آن مرد خیز برداشتند و قصد او را کردند (که جلوی جسارت ها و حرف زشتش را بگیرند و یا اذیّتش کنند، شاید هم بکشند.) حضرت (مانع شده و جلوی آن ها را

۱- (لاإکراه فی الدّین قد تبیّن الرّشد من الغیّ ...) بقره: ۲۵۶.

۲- (انّا هدیناه السّبیل امّا شاکراً و امّا کفوراً) سوره دهر یا انسان: ۳.

ص: ۲۵۲

گرفت و) از آن مرد دور ساخته و فرمود: شتاب نکنید، او را آزاد گذارید! (بگذارید حرفش را بزند) دین خدا و حجّت های الهی با اکراه و اجبار پایدار نمی ماند و برهان های خدا با برخورد عجولانه (و خشونت موذیانه) پیش نمی رود.

روی مبارک را (با مهربانی) به آن مرد کرد و فرمود: با تمام قدرت علمی و با هر زبانی که می توانی سؤال کن! من هم باعلمی پاسخ می گویم که شک بر او راه نیابد و شبهه ای آن را خراب نکند «و لاحول ولاقوه إلّاباللّه العلیّ العظیم.»

آن شخص سؤالات گوناگون نموده و جواب کافی شنید و در هر جوابی که می شنید، می گفت: «صدقت» راست گفتی تا این که این سؤال را کرد: «عرش خدا پیش از آفرینش زمین و آسمان چه مدّت بر روی آب ماند؟»

فرمود: «حساب کردن را خوب بلدی!؟ مرد گفت: بلی، فرمود: شاید تو حسابگری را خوب ندانی؟ مرد گفت: علم حساب کردن را به خوبی بلدم.»

حضرت فرمود: اگر بین زمین و آسمان را پر از خردل کنند و مدّت عمرت را به آن اندازه طولانی نمایند و به تو (با ناتوانی که داری) مأموریّت دهند که دانه دانه آن خردل ها را از مغرب تا مشرق ببری (قدرت این کار را هم به تو بدهند، این را بدان) اگر با آن قدرت و طول عمر خردل ها را جابه جا کرده و بشماری، برایت آسان تر از شمارش سال های مدّت توقّف عرش خدا (پیش از آفرینش زمین و آسمان) بر آب است. تازه این توصیف برایت تقریب ذهن بود وگر نه یک دهم از ده جزء یک صد هزارم

ص: ۲۵۳

آن نبود و «استغفراللّٰه من التقلیل والتحدید» به خاطر کم گویی و بیان مدّت کم از خدا طلب مغفرت می کنم.

آن مرد سرش را تکان داده و این شعر را خواند:

أنت أصل العلم یا هادی الهدی***تجلو من الشکک الغیاهیبا

حُزتَ أقاصی کلّ علم فما***تبصر أن غولبت مغلوباً

لا تنثنی عن کلّ أشکوله***تبدی إذا حلّت أعاجیبا

للّٰه درّ العلم من صاحب***یطلب انساناً ومطلوباً(۱)

تویی اصل و ریشه علم! ای هدایت کننده هدایت گر! پرده تاریکی های شب را کنار می زنی و دور دورها را می بینی تمامی و همه علم را تصاحب کرده ای و هیچ وقت دیده نمی شود که در مصارعه (کُشتی گیری علمی) مغلوب شوی.

خسته نمی شوی از حلّ هیچ مشکلی و سر باز نمی زنی و هر اعجوبه و مشکلی که پیش آید، آن را از پرده بیرون می کشی. خدا جزای خیر دهد بر علم از صاحب علمی که انسان ها را می خواند و مورد توجّه انسان هاست!

۱۰۰]- س- آیا در زمان امام مردم حق انتقاد و اظهار نظر دارد یا کسی حق سخن گفتن نخواهند داشت و باید سکوت کامل باشد و تعبد صرف؟!.

ج- اظهار نظر و انتقاد در صورتی پیش می آید که در جامعه نیازها و

۱- سرچشمه حیات: ص ۶۲؛ به نقل از ارشاد القلوب: ج ۲ ص ۱۸۶؛ بحارالأنوار: ج ۱۰ ص ۱۲۷ ج ۵۷ ص ۲۳۲ به نقل از کتاب محتضر: حسن بن سلیمان آن هم از کتاب الخطب عبدالعزیز بن یحیی جلودّی.

ص: ۲۵۴

گرفتاری ها، به خصوص نیازهای مادّی گوناگون حکمفرما شود،

وقتی که انسان از هر جهت تأمین و گرفتاری هایش برطرف شد، وقتی که فرهنگ مردم به معرفت واقعی و امام خود استقرار یافت وو ...

دیگر انتقاد کردن معنائی نخواهد داشت و وقتی که برنامه های امام از آسمان تعیین می شود، جائی برای اظهار نظر نمی ماند؛

کراراً گفتیم که در دولت کریمه بی کاری وجود ندارد، برای همه کار هست. تنبل و باطل زیستن بی معناخواهد بود و این خصلت ها مورد نکوهش قرار خواهد گرفت، کارها بابرنامه صحیح و منظم و عاقلانه و خردمندانه و در ساعت معین و وقت کافی، (اما نه خسته کننده و تلاش طاقت فرسا) انجام گرفته و زندگی به صورت ایده آل ادامه خواهد یافت.

۱۰۱]- س- لطفاً از دوران حکومت امام و همچنین از اوضاع عمومی کشور، و ابعاد مختلف آن، ترسیم و تابلوئی برای ما بیان فرمائید؟.

ج- در خلال پاسخ ها به تعدادی از اوضاع و احوال، دوران زمامداری امام علیه السلام بیان گردید مضافاً بر آن نخست روایتی که قسمتی از دوران عصر حضرت «قائم» را ترسیم نموده است نقل می شود با این که قسمتی از آن ها نیز، ضمن سؤال ها، گذشت اما خواندن یک جا و کامل آن مسرّت بخش است.

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که «قائم» قیام کرد، مؤمن پرنده را از هوا پایین کشیده و ذبح می نماید و آن را می پزد و گوشتش را می خورد و استخوانش را نمی شکند، سپس به آن پرنده دستور می دهد که زنده

ص: ۲۵۵

شو با اذن خدا! پس زنده شده و به پرواز در می آید و هم چنین آهوان صحراها و (قائم) روشنایی زمین و نور آن می شود و محتاج خورشید و ماه نمی شوند و در روی زمین اذیت کننده و شرّ و فساد وجود نخواهد داشت. فراخوانی آسمانی است و زمینی نیست و برای شیطان در زمین وسوسه و فعّالیت و حسد و چیزی از فساد نخواهد بود. در زمین خار و درخت بیهوده پیدا نمی شود و زمین همیشه زنده می ماند و هر چه از آن چیده شود از جایش روییده می شود و به حالت اوّلیه برمی گردد و مرد برای بچه اش لباس می پوشاند و هرچه بزرگ تر شود، آن هم بلند می شود و به هر رنگی دوست دارد و بخواهد درمی آید و اگر کافری به سوراخ موشی داخل شود یا در پشت سنگی و یا درختی پنهان شود، خداوند آن را به سخن در می آورد و ندا دهد که ای مؤمن! کافری در پشت سر من است، او را گرفته و بکشید! پس می گیرند و می کشند و برای ابلیس هیکلی نباشد که در آن سکونت نماید و هیکل به معنای بدن است. مؤمنان با فرشتگان مصافحه می کنند و برای آن ها وحی می نمایند و با اذن خدا مرده ها را زنده کرده و گرد هم می آیند و می گویند: زمانی برای مردم می آید مؤمن یا در کوفه می باشد و یا دلش برای آن می تپد.»(۱)

در دوران حکومت حق، تربیت فردی و اجتماعی به تدریج، به گونه ای پیاده خواهد شد که جامعه آن روز معنای واقعی امنیت، آرامش، رفاه، خودسازی و اعمال خدا پسندانه، نوع دوستی، ادب،

۱- دلائل الإمامه: ص ۲۴۶؛ معجم الملاحم والفتن: ۴/ ۹.

ص: ۲۵۶

معرفت، انسانیت و ... مصداق صحیح پیدا خواهد کرد.

بچه ها چشم باز کرده، جامعه ای را لمس می کننـد که همه آمال و آرزوهای خود را در آن فراهم می بیننـد؛ دیگر از جهت مادی، بی کـاری و بی خانمـانی و فقر و تنگـدستی و غـم و غصـه و قحطی و خشــکسالی و بـدبیاری و در نهـایت بیمـاری و ... و از جهت اخلاقی، از کبر، نخوت، دغل، حیله، مکر، بی وفایی، مردم آزاری و ... اثر و خبری نخواهد ماند.

همه مردم عابدان شب و شیران روز خواهند بود،

هنگام کسب و کار همه کاسب و کارگرانند،

و هنگام حفظ امنیت جامعه، همه نیروی انتظامی و نگهبانان اجرای قوانین

و برای حفظ بهداشت و سلامتی محیط زیست، همه احساس مسؤلیت می کنند و از صمیم قلب، مراقب نظافت و تمیزی، کوتاه سخن این که همه یک انسان کامل و صاحب عقل سالم می باشـند!؛ زیرا دست قدرت خدا و دست رأفت و مهربانی ولیّ خدا بر سر مردم کشیده شده است و «کملت عقولهم وأحلامهم».

پس از گـذشت یک قرن و سپری شدن یک نسل، دیگر نشانی از ناملایمت و مردم آزاری، تحقیر، بی احترامی، شکسـتن حرمت ها و ...

نخواهد ماند.

چشم بـاز کرده جامعه ای سالم و پویا، پر از ایمان و معنویت و ایثار و از خود گذشـتگی و ... را دیـده و با آن تربیت خواهنـد شـد و تمام رذایل اخلاقی و خلق و خوی حیوانی رخت بر بسته و به دست فراموشی

ص: ۲۵۷

سپرده خواهد شد.

در زیر لوای اسلام و پرچم قرآن و در سایه رهبری آسمانی و الهی آن دوران از هیچ گونه بیماری و افسردگی و فرسایش بیهوده جسم و ناراحتی روح و روان، نشانی نخواهد ماند. دنیای دوست داشتنی و زندگی لذت بخش و بهره برداری صحیح از عمر طولانی و غیره خواهد بود.

با به کار گرفتن تکنیک های فوق مدرن آن روز و استفاده از مواهب کرات دیگر و دسترسی به برکات خلقت و جهان آفرینش، برای همگان میسر خواهد شد.

در هر لحظه ای که دلت بخواهد امامِ خود و یوسف زهرا علیها السلام را آشکار وبی پرده و حایل و مانع، خواهی دید و چهره به چهره سخن خواهی گفت و نیازهای خود را (اگر بوده باشد) به صورت زنده و روبرو اظهار خواهی داشت.

شاید برای عدّه ای پذیرفتن این گفت و گوی رو در رو مشکل باشد، اما می دانیم که فرمول ابتدایی و ضعیف این گونه سخن گفتن را پیدا کرده در تلفن های تصویری متقابل پیاده کرده اند، البته تا آن روز هزاران بار پیشرفته تر از امروز خواهد بود؛ چون تمامی حروف ۲۷ گانه علم در آن دوران تفسیر و معنا خواهد شد و دانش بشری به کمال نهایی خود خواهد رسید. آن دوران، دوران تکامل و کمال عقل و انسانیت و دوری از جهل و نادانی و سایر رذایل اخلاقی و غیره است که در آن زمان اثری از آن ها نخواهد ماند. به امید آن روز، ان شاءاللّه تعالی!

در زمان حضرت «قائم» مردم تمامی صفات رذیله (ترساندن و درنده

ص: ۲۵۸

خویی، اذیت و آزار رسانـدن، بالاـخره بـدرفتاری و بـدکرداری) را از خود دور نموده و جـامعه سالم و دوست داشـتنی به وجود می آورند و خداوند نیز به آن ها کمک خواهد کرد.

۱- خداوند در ضمن جواب ابلیس می فرماید: «و در آن زمان امانت و امنیت را به زمین می اندازم، پس هیچ چیز به چیز دیگر ضرر نمی رسانـد و هیـچ چیزی از دیگری نمی ترسد .... و مهربانی و محبت را در میان آن ها قرار می دهم، پس به همدیگر مواسات می کننـد و به طور مسـاوی تقسـیم می کننـد، پس فقیر غنی می شود و به همـدیگر فخر فروشـی نمی کننـد و بزرگ به کوچک رحم و کوچک به بزرگ احترام می نماید و پیرو دین حق می شوند و با آن معتدل می گردند و حکم می کنند، آن هایند دوستان من.»(۱)

۲- «ولتذهبن الشحناء والتباغض والتحاسد؛(۲) دشمنی و کینه و حسد از بین می رود.»

۳- حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام حکم بالعدل وارتفع فی أیّامه الجور و أمنت السبل؛(۳) وقتی که «قائم علیه السلام» قیام نماید، به عدل حکم و در ایام او جور و ستم برداشته شود و راه ها امن گردد.»

۴- «تمشـی المرأه بین العراق إلی الشام لا تضع قدمیها إلّاعلی النبات وعلی رأسها زُبّیلها لا یهیّجها سبُع ولا تخافه؛(۴) زنی بین عراق و شام را (بدون

۱- بحار الأنوار: ۵۲ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۴ از کتاب سعد السّعود سیّد بن طاووس.

۲- بحار الأنوار: ۵۲ ۳۸۴ ب ۲۷ ح ۱۹۳ از سعد السعود.

۳- ارشاد مفیـد: ۲/ ۳۵۹ ب ۴۰ ح ۷؛ إلزام النّاصب: ۲/ ۲۸۱- ۲۸۲؛ منتخب الأثر ص ۳۰۸ بحارالأنوار: ج ۵۲/ ۳۳۸ ب ۲۷ ح ۸۳ از ارشاد.

۴- بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۶ ب ۲۷ ح ۱۱ از خصال.

ص: ۲۵۹

ترس از انسان و حیوان) می پیماید و قدم هایش را نمی گذارد، مگر روی سبزی ها و زنبیلش در سر و درنده ای او را به وحشت نمی آورد و نمی ترساند.»

این ها نمونه ای از دوران زندگی در زمان فرمان روائی امام زمان است.

۱۰۲]- س- آیا امام با مرگ طبیعی از دنیا می رود، یا او هم به شهادت می رسد؟!.

ج- مسأله شهادت آن حضرت مانند بعضی از مسایل دیگر که با دست چه کسی پیش خواهد آمد و چگونه انجام می گیرد، از جمله اسرار و مسایل حل نشده است، ولی در میان محدّثین شیعه و علمای مذهب، مشهور است که اهل بیت علیهم السلام به طور عام و همگی با مقام رفیع «شهادت» از دنیا می روند، نه با مرگ طبیعی.

به روایت ذیل توجّه نمایید.

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امر خلافت را یازده امام از صلب علی و فاطمه علیهما السلام مالک خواهند شد، هیچ یک از ما نیست، مگر این که مسموم یا مقتول گردد.(۱)

۲- امام حسن مجتبی علیه السلام به جُناده بن امیّه فرمود: واللّه رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما خبر داده است که این امر را یازده امام از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام مالک خواهند شد و هیچ یک از ما نیست، مگر آن که مسموم یا مقتول می شود.

۳- جابر بن یزید گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: «لیس من مؤمن إلّاوله

۱- « ما منّا إلّا مقتول أو مسموم» بحارالأنوار: ۲۷/ ۲۱۷ و ۴۴/ ۱۳۹.

ص: ۲۶۰

قتله وموتهإنّه من قُتل نُشر حتّی یموت ومن مات نُشر حتّی یقُتل؛(۱) از مؤمنان نیست، مگر این که برای او یک کشته شدن و یک مرگی هست.

همانا کسی که کشته شده، برمی گردد و با مرگ طبیعی می میرد و اگر با مرگ طبیعی رفته، برمی گردد تا کشته شود.»

بنابراین امام «مهدی» نیز از این عمومات مستثنی نیست و مسموم یا مقتول بالاخره شهید از دنیا می رود.

قاتل

۱- هنگام عبور آن حضرت از راهی، زنی از بنی تمیم که نامش (سعیده) است و دارای ریشی مانند ریش مردان است، «هاونی» را از پشت بام بر آن حضرت پرتاب کرده و او را شهید می کند. بعد از آن که ایشان از دنیا رفت، مراسم غسل و کفن و دفن او توسط امام حسین علیه السلام رجعت می کند، انجام می شود.(۲)

۲- «و قیل تقتله امرأه اسمها سعیده بجاون من حدید من فوق سطحها؛(۳) گفته شده است که (امام «قائم علیه السلام» را) زنی به نام سعیده با هاون آهنی که از پشت بام خانه اش می اندازد، شهید خواهد کرد.»

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کار به اتمام رسید، مرگ حجّت خدا فرا می رسد. پس زنی از بنی تمیم که به نام سعیده است و مانند مردان ریش و سبیل دارد، سنگ بزرگی را هنگام عبور امام از پشت بام به

۱- بحارالأنوار: ۵۳/ ۶۴ ب ۲۹ ح ۵۵ از اختصاص.

۲- الزام النّاصب فی اثبات حجه الغائب: چاپ اوّل ص ۱۹۰؛ چهره درخشان امام زمان علیه السلام ترجمه ۳/ ص ۱۳۹ و ۱۴۱؛ ترجمه الإمام المهدی سیّد کاظم قزوینی: ص ۶۶۴.

۳- بیان الأئمّه: ۳/ ۳۲۹ از الجوهر الثّمین- خریطهالعجائب.

ص: ۲۶۱

سوی آن حضرت پرتاب می کند.»(۱)

در کتاب جنّات الخلود فوت آن حضرت را به عنوان شهادت از ضربتِ زنی ریش دار به نام «ملیحه» ذکر کرده است واللّه العالم.(۲)

در برخی روایات قاتل را زن زاغ چشم و سرخ مو با زهر، معرفی شده است؛ شاید صفات همین زن باشد که با آهن مسموم یا با وسیله دیگر سمّی حضرت را به شهادت می رساند.

بااین حساب رجعت آن حضرت نیز محرز می شود زیرا تمام شهدا برای گذراندن بقیه عمر خود، باز خواهند گشت و روایت مشهور از امام صادق علیه السلام فرمود: «من لم یقل برجعتنا فلیس منّا» هرکس به بازگشت ما قائل نشود ازما نیست، آن حضرت نیز باز می گردد تا بقیه عمر و امامت خود را سپری نموده و درنهایت تشکیلات این جهان بامرگ او، برچیده خواهد شد و رستاخیز برپامی شود.

«یوم نطوی السّماء کطیّ السّجل للکتب کما بدئکم تعودون» روزی که آسمان را می پیچیم مانند پیچیدن طومار بر نوشته ها آن گونه که شروع کرد به همان حال بر می گردید».

۱۰۳]- س- امام به هر وسیله ای از دنیا رفت، تکفین و تغسیل و تدفین و نماز او را چه کسی متکفل خواهد بود؟!.

ج- در معتقدات شیعه، از جمله مطالب جا افتاده و مورد قبول این است که امام معصوم علیهم السلام را باید معصوم تغسیل و تکفین نماید و به

۱- الزام النّاصب: ص ۱۹۰؛ یوم الخلاص: ص ۳۴۴.

۲- کشف السّتره عن وجه الغیبه: ص ۱۴۰ به نقل از مصدر فوق.

ص: ۲۶۲

او نماز بخوانـد اگرچه بعضـی ها این را نمی پذیرنـد. طبق این عقیـده برای «مهـدی موعود» کـدام معصوم کارهای فوق را انجام می دهد؟!.

۱- امام صادق علیه السلام در تأویل آیه (ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّهَ عَلَیْهِمْ) فرمود: تأویل آیه مبارکه به خروج حسین علیه السلام با ۷۰ تن از اصحابش که بر سر آن ها کلاه خود طلایی است و بر هر کلاهی دو روی (جلو و عقب) می شود و به مردم اعلام می کننـد که این حسین علیه السلام است که خروج کرده است تا مؤمنان به او شک نکننـد که او دجّال و شیطان است، در حالی که حجّت در میان شماست. پس از استقرار یافتن شناسایی در دل های مؤمنان که او خود حسین علیه السلام است، مرگ حجّت فرا می رسد. پس آن که عهده دار غسل و کفن و حنوط و دفنش می شود، حسین بن علی علیهما السلام خواهد بود (زیرا) وصی را وصی غسل دهد و کفن و دفن می کند.»(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: حسین بن علی علیهما السلام می آید و «قائم» خاتم را (شاید خاتم سلیمان که جزء مواریث انبیا است) به وی تسلیم می کند و امام حسین علیه السلام نیز عهده دار غسل و کفن و دفن و حنوط وی می باشد و آن حضرت را درون قبر می گذارد.(۲)

۱- روضه‌الکافی: ص ۲۰۶؛ تفسیر عیاشی: ۲/ ۲۸۱؛ تفسیر البرهان: سوره اسراء ذیل آیه ۷؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ص ۲۱۴؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۸؛ شرح اصول کافی: ۶/ ۳۷۸ و ۱۲/ ۲۷۳؛ بحارالأنوار: ۵۱/ ۵۶ ب ۵ ح ۴۶ از تفسیرعیاشی و ۵۳ ب ۲۹ ح ۱۰۳ از کافی؛ تفسیر غریب القرآن: ص ۲۷۶؛ تفسیر نورالثّقلین: ۳/ ۱۲۸؛ معجم احادیث الإمام المهدی: ۵/ ۲۱۸ معجم احادیث الإمام: ۴/ ۸۹ ح ۱۱۵۸ بحار الأنوار: ۵۳/ ۱۰۳ ب ۲۹ ح ۱۳۰. مشابه ومضمون روایت در منابع دیگر مانند(- تفسیر عیاشی: ۲/ ۲۸۱؛ المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: ص ۲۱۶.)(- کشف السّتره عن وجه الغیبه: ص ۱۳۹ به نقل از وسائل الشّیعه.) و کتاب های دیگر.

۲- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۰۳ باب رجعت ح ۱۳۰.

ص: ۲۶۳

۱۰۴]- س- آیا محل شهادت و دفن آن حضرت درکجا خواهد بود؟.

ج- درباره محلّ شـهادت آن حضـرت «قائم»- روحی لتراب مقـدمه الفـداء- روایت صـریحی را ندیـده ام که آیا در پایتخت و مرکز حکومت خود «کوفه» واقع می شود که در آن صورت انتقال بدن مبارک از عراق به مدینه منوّره صـحیح به نظر نمی آید و در اصل باید در آن جا دفن شود؛ چون مرقدهای مطهّر اجداد طاهرینش در عراق واقع شده است و بی اعتنایی به آن ها تلقی می شود.

روایت از امیرمؤمنان علیه السـلام فرمود: «ثمّ یموت ویدفن عند قبر جدّه رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله؛(۱) سپس مرگش فرا رسد و در کنار جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن می شود.»

شاید کلمه «یموت» اشاره به مرگ طبیعی بعد از رجعتش باشد.

طبق این روایت محلّ دفن را که مـدینه منوّره ذکر نموده است، یا سـفری به مدینه خواهد داشت که در آن جا از راهی که عبور می کند، هاون را بر او پرتاب کرده و شهید می نمایند و در کنار جدّ بزرگوارش دفن خواهد شد؟! و یا این اتفاق در شام می افتد و بدن شریف به مدینه منتقل می شود.

فراموش نشود این سخنان و اظهار نظرها در حدّ احتمال است (واللَّه العالم).

۱- بیان الأئمّه: ۳/ ۳۲۹ از خطبه البیان.

ص: ۲۶۴

۱۰۵]- س- در صورتی که مسئله بازگشت امامان علیهم السلام به اثبات برسد، خود امام مهدی علیه السلام نیز بازگشتی خواهد داشت یانه؟!.

ج- در این مورد مطالبی در پاسخ پرسش های گذشته گفته شد علاوه بر آن، بعد از قبول «رجعت ائمّه علیهم السلام» با دلایل و برهان های مذکور در کتاب های مربوطه و برگرفته از قرآن و احادیث، رجعت امام «قائم» هم پیش آمده و محقّق خواهد شد، زیرا از عموم روایات در این باره استفاده می شود که برای امام «قائم علیه السلام» نیز رجعتی خواهد بود، چون آن حضرت نیز به وسیله زنی به نام سعیده شهید خواهد شد، پس باید برگشته و عمر طبیعی خود را بگذراند و هم چنین دوران کامل امامت خود را پایان بخشد.

روایاتی که آخرین حجّت را با عبارت های ... وإذا رُفِعَتِ الحجّه أغلق باب التوبه فلاینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل ...(۱) یا «تُرفع الحجّه»(۲) بیان کرده و چهل روز بعد از آن متعاقباً قیامت برپا خواهد شد، مشعر بر این است که این جریان در پایان دوران «رجعت امام قائم» پیش خواهد آمد؛ و روایاتی که نقل می کند آخرین دولت، دولت او خواهد بود نیز مؤیّد این مطلب است که پایان دنیا با پایان یافتن دولت او انجام می یابد.

پس لزوماً بالاـ برده شدن آخرین حجت در پایان برنامه و اصل مسلّم رجعت انجام می گیرد و بعد از ۴۰ روز دنیا به آخر خواهد رسید.

۱- اصول کافی: ۱/ ۳۲۹ باب تسمیه من رآه؛ کمال الدّین: ۱/ ۳۳۹.

۲- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۷ قسمت پاورقی.

ص: ۲۶۵

در این مورد من تحقیقات مفصل قابل قبول ومتقن دارم که حتماً به جلد دوم «سیمای جهان در عصر امام زمان» عجل اللّه تعالی فرجه مراجعه و از مطالب مفید آن بهره مند شوید و به پاسخ و روایات سؤال بعدی نیز توجه نمائید.

۱۰۶]- س- با توجه به مطالبی که بیان فرمودید، پس آخرین دولت، دولت امام مهدی خواهد بود؟.

ج- از روایات استفاده می شود که آخرین دولت و حکومت در دنیا برای اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و طبق نظریّه رجعت «قائم» و بعضی از روایات، آخرین دولت نیز با وفات طبیعی او پایان می پذیرد و بعد از چهل روز قیامت برپا می شود.

دلیل:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس بعد دوله القائم لأحد دوله؛(۱) نیست بعد از دولت «قائم» برای احدی دولتی.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «انتهاء ملکه من أشراط الساعه اذ جاء فی القرآن «و إنّه لعلم للسّاعه» أی انذار بها واشاره الیها؛(۲) پایان ملك او از شرایط قیامت است؛ چون در قرآن آمده است «و او نشانه (یا دانش) قیامت است»؛ یعنی ترساندن و اشاره به قیامت است.»

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «و إنّه لعلمٌ للسّاعه، هو المهدیّ یکون فی آخر

۱- ارشاد: ص ۳۴۵؛ یوم الخلاص: ص ۳۴۳؛

۲- الزخرف: ۶۱؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۶؛ الصّواعق المحرقه: ص ۱۶۰ هذه الایه نزلت فی المهدی و مثل آن در اسعاف الرّاغبین: ۱۵۶؛ یوم الخلاص: ص ۳۴۴ از آن ها.

ص: ۲۶۶

الزمـان وبعـد خروجه یکون قیام الساعه وإماراتها ودلالاتها وقیامها؛(۱) منظور از «اوست نشـانه ساعت» «مهـدی عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف» است که در آخر زمان می باشد و بعد از خروج او، قیام قیامت و نشانه ها و دلالت های آن پیش می آید.»

۴- امام صادق علیه السـلام فرمود: «دولته آخر الدول وخیر الدول تعقب جمیع الملوک بحیث لم یبق أهل بیتٍ لهم دوله إلّاملکوا قبله لئلّا یقولوا إذا رأو سیرته: إذا ملکنا سرنا بسیره هؤلاء وهو قول اللَّه «والعاقبه للمتّقین؛(۲) دولت او آخرین دولت هـا و بهـترین دولت هاست که پشت سر همه پادشاهان می آید، به طوری که خانواده ای نمی ماند که برایشان سلطنت نوشته شده باشد، همگی پیش از او سلطنت می نماینـد تا وقتی که سیرت او را دیدند نگویند: اگر ما هم به ریاست می رسیدیم، مانند این ها رفتار می کردیم و آن است منظور آیه «و عاقبت برای پرهیزکاران است.»

۵- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «هـذه الأمّه مرحومه فمنها نبیّها ومنها مُهـدیّها بنا فتـح هـذالأمر وبنا یُختم ولنا مُلکٌ مؤجّل ولیس بعـد ملکنـا ملکٌ لأنّنـا أهل العاقبه والعاقبه للمتّقین.(۳) ایـن امّت رحمت شـده است، پیـامبرش از خـود و «مهـدی» اش نیز از خودش می باشد. این کار با ما گشوده شد و با ما نیز

۱- منتخب الأثر: ص ۱۴۹؛ الزام النّاصب: ص ۸۵؛ نور الأبصار: ص ۱۶۹.

۲- اعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۸۳؛ ارشاد: ص ۳۴۴؛ المحجّه البیضاء: ۴/ ۳۳۶؛ منتخب الأثر: ص ۳۰۸؛ الإمام المهدی: ص ۲۶۷ و ۲۶۸ از امام امام باقر علیه السلام الزام النّاصب: ص ۲۲۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۸ از غیبت طوسی.

۳- الملاحم و الفتن: ص ۹۵؛ الصّواعق المحرقه: ص ۹۷ با لفظ دیگر: المهدی: ص ۹۹- ۹۸؛ و نور الأبصار: ۲۳۱ با اختلاف ناچیزی؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۱ از آن ها.

ص: ۲۶۷

پایان می پـذیرد و برای ماست ریاست مهلت داده شـده و بعد از ملک ما سـلطنتی نخواهد بود؛ زیرا ما اهل عاقبتیم و عاقبت نیز برای پرهیزکاران است.»

۶- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «بنـا فُتـح الأـمر و بنا یختم وبنا اسـتنقذاللَّه الناس فی أوّل الزمان وبنا یکون العـدل فی آخر الزمان؛(۱) با ما گشوده شد و با ما بسـته می شود و خداوند در آغاز این امر به وسیله ما مردم را نجات داد و عدالت در آخرالزّمان با ما می باشد.

۷- امـام صـادق از قول امـام بـاقر علیهما السـلام فرمود: «دولتنا آخر الـدُّوَل ولن یبقی أهل بیت لهم دوله إلا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا إذا رأوا سـیرتنا: إذا ملکنـا سـرنا مثل سـیره هؤلاء وهو قول اللَّه- عزّ وجلّ- (وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ)؛(۲) دولت مـا آخرین دولت هـاست و اهل بیتی باقی نمی مانـد که برای آن ها دولتی (مقـدّر) شـده باشـد، مگر این که پیش از ما سـلطنت کنند تا وقتی که سـیرت ما را دیدند نگوینـد: اگر مـا هم صـاحب ملـک بودیم، این گونه رفتار می کردیم و این است گفته خـدای- عزّ وجلّ- «عاقبت برای پرهیزکاران است».

۱- کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۶۳ و ۲۷۳ و ۲۷۴ باتفصیل؛ البیان: ص ۸۶ با لفظ دیگر؛ الملاحم و الفتن: ص ۶۷ و ۱۳۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۶۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ المهدی: ص ۲۲۷- ۲۲۶ از عقد الدرر؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۲ از آن ها.

۲- (۲) اعراف: ۱۲۸؛ غیبت طوسـی: ص ۳۸۲؛ ارشاد مفیـد ره ص ۳۴۴؛ اعلام الوری: ۴۳۲. بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۸ از غیبت طوسی و ص ۳۳۹ ب ۷ ح ۲۸۳ از ارشاد.

ص: ۲۶۸

۱۰۷]- س- بنا به فرمایش شما، آخرین حجت کهِ خواهد بود که با رفتن او بعد از مدت کمی قیامت برپا می شود؟!.

ج- در مورد تعیین آخرین حجّت الهی در روی زمین که از دنیا می رود و متعاقباً قیامت برپا می شود، روایات و برداشت های گوناگون به دست ما رسیده است که خلاصه آن ها را بدون اظهار نظر در اختیار عزیزان قرار می دهیم.

۱- بزرگانی مانند شیخ طوسی در کتاب «غیبت» و شیخ طبرسی در «اعلام الوری» و شیخ مفید در کتاب «ارشاد» معتقدند که حضرت «مهدی» آخرین حجّت بدون رجعت خواهد بود که از دنیا می رود و چهل روز بعد از او قیامت برپا می شود.

۲- بعد از رجعت امامان، حضرت «قائم» آخرین امام می باشد که رجوع می نماید و مالکیت و سلطنت دوره دوّم او شروع و پایان آن چهل روز قبل از قیامت یا همزمان با شروع قیامت خواهد بود.

۳- بنابه روایات «دابّه الارض» آخرین حجّت خدا امیرمؤمنان علیه السلام است.

پس آخرین حجت حضرت قائم علیه السلام و آخرین دولت، دولت او خواهد بود. و امّا اگر آخرین قبض روح شونده طبق روایت معراج و غیره امیر آزادگان امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده باشد، باید آخر اضافی بدانیم یعنی آخرین حجت از برگشت کنندگان امیرمؤمنان علیه السلام و متعاقب آن آخرین شخصیت به معنای حقیقی حضرت بقیّهاللّه علیه السلام باشد

ص: ۲۶۹

۱۰۸]- س- آیا امامان باز گشت کننــده که هریک پس از سپری ساختن دوران امامت خود که با اجل طبیعی از دنیا رفتند، در مراقد فعلی خود دفن می شوند یا در قبرهای تازه؟!.

ج- در مـورد مـدفن رجعت کننـدگان به طـور عـام و ر سول خـدا صـلی الله علیه و آله و امامـان به طور خـاص، حقیر در این مورد، روایت بخصوصـی ندیـده ام، اما بنا به دلایل ذیل و آن چه که با عقل و منطق منطبق و از روایات اسـتفاده می شود، این است که در آن زمان نیز دوباره در حرم های فعلی خود دفن خواهند شد.

دلیل:

۱- در روایات آمده است که هرکس از هر تربتی آفریده شود، در آن جا نیز دفن می شود.(۱)

۲- امام صادق علیه السـلام فرمود: همانا نطفه که در رَحِم واقع شد، خدای عزّوجلّ ملکی را مبعوث می کند از تربتی که در آن دفن خواهد شد برمی دارد و با نطفه مخلوط می کند. به همین دلیل مدام دلش به سوی آن خاک مشتاق است تا در آن دفن شود.(۲)

۱- عدّه من اصـحابنا عن أحمد بن محمّد بن عیسی عن ابن مسکان عن محمّد بن مسلم عن أحدهما علیهما السلام قال:« مَنْ خُلق من تربهٍ دُفِنَ فیها» الکافی: ۳/ ۲۰۲.

۲- عدّه من أصـحابنا عن سـهل بن زیاد عن الحجّال عن ابن بکیر عن أبی منهال عن الحارث بن المغیره قال:« سمعت أبا عبد اللّه علیه السـلام یقول: إنّ النّطفه إذا وقعت فی الرّحم بعث اللّه عزّ و جـلّ ملکـاً فأخـذ من التّربه الّتی یـدفن فیهـا فماثّهـا فی النّطفه فلا یزال قلبه یحنّ إلیها حتّی یدفن فیهاو(الکافی: ۳/ ۲۰۳؛ تفسیر نور الثّقلین: ۴/ ۲۲۰ ح ۱۱۸؛ تفسیر کنزالدّقائق: ۸/ ۵۷.

ص: ۲۷۰

نقل شده است که ملک الموت در حضور حضرت سلیمان علیه السلام به یکی از هم نشینان او با تعجّب می نگریست. آن مرد از حضرت پرسید: این کیست؟!

فرمود: ملک الموت.

گفت: مثل این که او مرا می خواهد. لطفاً به باد دستور دهید تا مرا به دور دست ترین نقطه هندوستان ببرد. این دستور را داد.

ملک الموت گفت: (اتفاقاً) تعجّب من نیز از این بود که من تا به حال مأمور بودم او را در هندوستان قبض روح کنم، ولی دیدم پیش تو است، ولی با درخواست خود به آنجا انتقال یافت.(۱)

با در نظر گرفتن روایات فوق می توان گفت که محلّ دفن انسان از قبل معیّن شده است، چنان که در روایات فراوان آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام و خود امام حسین علیهما السلام این اماکن را قبل از شهادتشان و همچنین محل و کیفیّت شهادت و نخل را به اصحاب خود همانند میثم تمّار و رشید هجری و حبیب غیرهم- رضی اللّه عنهم اجمعین- نشان دادند.

بنابراین نمی توان گفت تربت کسی را از دو محل برداشته و به نطفه ممزوج کرده اند و از این تعبیرها استفاده می شود که رجعت کنندگان پس از مرگ طبیعی باز در همان محل اولی دفن خواهند شد.

۱- تفسیر بیضاوی: ۲/ ۲۳۲؛ تفسیر کنزالدّقائق: ۸/ ۵۵ از آن.

ص: ۲۷۱

۱۰۹]- برابر اعتقاد اکثریت شیعیان که معصوم را باید معصوم تجهیز نموده و دفن نماید، آیا آخرین حجت خداوند و آخرین امام که از دنیا رفت، چه کسی به او نماز خوانده و تجهیز می کند؟!.

ج- بنا به پذیرش احادیث «رجعت» و بررسی های مورد قبول، آخرین نفر از امامانی که رجعت می کند، امام «قائم» خواهد بود. بنابراین آخرین حجّت قبض روح شده نیز او می باشد؛ چون با مرگ یا «رُفِع» آخرین حجّت، نظام فعلی جهان به هم می خورد و به پایان می رسد.

البتّه چندین بار عرض کرده ام دانستن این گونه مطالب برای ما ضرورتی ندارد و ندانستنش هم مسؤولیت آور نیست و در این موارد نیز نمی توان نظر قطعی داد؛ چون از معصوم علیهم السلام مستقلًا چیزی به دست نیامده است.

طبق روایات، آخرین حجّت چهل روز قبل از قیامت از روی زمین بالا برده می شود.

دلیل:

امام صادق علیه السلام فرمود: «بین وفاه القائم وبین القیامه أربعون یوماً؛(۱) میان وفات «قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» و قیامت چهل روز است.»

در بعضی از روایات جملات «رُفِعَتِ الحجّه و (أغلق) غُلّق باب التّوبه ...(۲)

۱- ارشاد: ص ۳۴۵؛ ینابیع الموده: ۳/ ۶۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۴۵ با زیادتی یکون فیهاالهرج.

۲- غیبت طوسی: ص ۲۱۸؛ کمال الدّین: ۱/ ۳۳۹؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۶ قسمت پاورقی.

ص: ۲۷۲

بنابراین اگر منظور جمله «رُفعت الحجّه» بالا بردن باشد، پس تشریفات مخصوص به او هم در جایی که برده اند، انجام می یابد. اما اگر معنای آن برداشته شدن باشد، دیگر بودن حجّت در روی زمین لزومی ندارد؛ چون تکلیف برچیده شده و باب توبه هم بسته شده است.

پس هرکس از موجودین میتواند آن حضرت را تجهیز و تدفین نموده و نماز بخواند اگر همزمان با «نفخ صور» همه موجودات خاموش شدند.

که دیگر مطلبی باقی نمی ماند! واللّه العالم.

۱۱۰]– س– آیا می توانید از برنامه های بعد از شهادت امام عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف مطالبی برای ما بیان نمایید؟.

ج– (توجه داشته باشید مورد سؤال

الف– اگر برای بعد از شهادت است که در این صورت مواردی در روایات وجود دارد که به چند مورد اشاره می شود.

۱– رجعت امامان علیهم السلام.

امام سجّاد علیه السلام در تأویل آیه «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»(۱) فرمود: پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمّه علیهم السلام دوباره باز می گردند.(۲)

هم چنین فرمود: نخستین کسی که در رجعت برمی گردد، حسین بن علی علیهما السلام است و چهل سال زندگی می کند، به گونه ای که ابروانش بر

۱– قصص: ۸۶.

۲– تفسیر البرهان: در تفسیر آیه.

ص: ۲۷۳

روی دو چشمش می ریزد.(۱)

از حضرت صادق علیه السلام درباره رجعت سؤال نمودند؟ فرمود: حقّ است. پرسیدند: نخستین کسی که برمی گردد کیست؟

فرمود: حسین است که به دنبال «قائم علیه السلام» می آید.(۲)

۲- دوازده مهدی

دسته ای از روایات این گونه آمده است که بعد از «قائم علیه السلام» دوازده مهدی پشت سرهم با برنامه های از پیش تعیین شده حضرت «قائم علیه السلام» در دنیا حکومت خواهند نمود و در نهایت رستاخیز به وقوع می پیوندد.

۱- شیخ طوسی قدس سره با سند خود در ضمن روایت طولانی چنین آورده است: امام صادق علیه السلام به ابوحمزه فرمود: «یا أبا حمزه انّ منّا بعد القائم أحد عشر مهدیّاً؛(۳) ای اباحمزه! بعد از «قائم علیه السلام» از ما (اهل بیت) یازده «مهدی» خواهد بود.»

۲- ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: «یابن رسول اللَّه سمعت من أبیک أنّه یقول: یکون بعد القائم اثنی عشر مهدیّاً؟ فقال إنّما قال اثنی عشر مهدیّاً ولم یقل اثنا عشر إماماً ولکنّهم قوم من شیعتنا یدعون الناس إلی موالاتنا ومعرفه حقّنا؛(۴) ای فرزند رسول خدا علیه السلام! از پدرت شنیدم که

۱- بحارالأنوار: ۵۳/ ۴۶ ح ۱۹. از اختصاص.

۲- همان مدرک: ۵۳/ ۳۹ ب ۲۹ ح ۱ از اختصاص؛ ابراهیم یکی از راویان اضافه کرده است« و یقع حاجباه علی عینیه» وابروانش به روی چشمانش می ریزد.

۳- غیبت طوسی: ص ۲۹۹؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۵ ب ۳۰ ح ۲ بنقل از آن و اختصاص.

۴- کمال الدّین: ۲/ ۲۷؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۵ ب ۳۰ ح ۱؛ بنقل از آن. بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱۵ ب ۲۹ ذیل ح ۱۳۸ شماره ۲۱ از مختصر بصائرالدّرجات. اعلم هداک اللَّه بهداه أن علم آل محمّد لیس فیه اختلاف بل بعضه یصدق بعضا وقد روینا أحادیث عنهم صلوات اللَّه علیهم جمه فی رجعه الأئمه الاثنی عشر فکأنه علیه السلام عرف من السائل الضعف عن احتمال هذا العلم الخاص الذی خص اللَّه سبحانه من شاء من خاصته وتکرم به علی من أراد من بریته کما قال سبحانه وتعالی\i« ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ\»E(جمعه: ۴) فأوّله بتأویل حسن بحیث لا یصعب علیه فینکر قلبه فیکفر. فقد روی فی الحدیث عنهم علیهم السلام: ما کل ما یعلم یقال ولا کل ما یقال حان وقته ولا کل ما حان وقته حضر أهله وروی أیضا: لا تقولوا الجبت والطاغوت وتقولوا الرّجعه فان قالوا: قد کنتم تقولون؟ قولوا الآن لا نقول وهذا من باب التّقیّه التی تعبد اللَّه بها عباده فی زمن الأوصیاء.

ص: ۲۷۴

می فرمود: بعد از «قائم علیه السلام» دوازده مهدی خواهد بود؟

فرمود: دوازده مهدی فرموده است، نه دوازده امام ولکن آن ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی و معرفت ما دعوت می کنند.»

۳- امام صادق از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین روایت کرده است: «قال رسول اللَّه فی اللیله الّتی کانت فیها وفاته لعلیّ: یا أبا الحسن أحضر صحیفه ودواه؛ فأملی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله وصیّته حتی انتهی (الی) هذالموضع فقال: یا علی! انّه سیکون بعدی إثنا عشر إماماً وبعدهم إثناعشر مهدیّاً فأنت یا علی أوّل الإثناعشر إمام ... وساق الحدیث إلی أن قال: ولیسلّمها الحسن (یعنی الإمام العسکری علیه السلام) إلی إبنه «محمّد» المستحفظ من آل محمّد صلی الله علیه و آله فذلک إثنی عشر اماماً ثمّ یکون من بعده إثنا عشر مهدیّاً فإذا حضرته الوفاهفلیسلّمها إلی إبنه أوّل المهدیّین ....؛(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفات نمود، به علی علیه السلام فرمود: ای ابالحسن! کاغذ و دوات حاضر کن! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیّتش را املا کرد تا رسید به این محل و گفت: یا علی! به زودی بعد از من دوازده امام

۱- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۷ ب ۳۰ ح ۶ بنقل از غیبت طوسی؛ تاریخ ما بعدالظّهور: ص ۹۱۲.

ص: ۲۷۵

و بعـد از آن هـا دوازده مهـدی خواهـد بـود. پس تو ای علی اوّل دوازده امـامی .... تـا فرمود: و حسن (عسـکری) هم (امـامت را) به پسرش «م ح مّ د» نگهداری شده از آل محمّد تسلیم می کند، این است دوازده امام.

سپس بعد از آن ها دوازده «مهدی» می باشد. وقتی که مرگ او فرا رسید (حکومت را) به فرزندش نخستین نفر از مهدیّن تسلیم می کند ...

ب- آخرین دولت

اگر منظور بعداز رجعت امام زمان علیه السـلام و بعد از حکومت ائمه علیهم السلام است در این صورت از روایات استفاده می شود کـه آخریـن دولت و حکـومت در دنیـا برای قـائم علیه السـلام اختصـاص دارد و طبـق نظریّه رجعت «قـائم علیه السـلام» و بعضـی از روایات، آخرین دولت نیز با وفات طبیعی او پایان می پذیرد و بعد از چهل روز قیامت برپا می شود.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس بعد دوله القائم لأحد دوله؛(۱) نیست بعد از دولت «قائم علیه السلام» برای احدی دولتی.»

۲- امام صادق علیه السـلام فرمود: «انتهاء ملکه من أشـراط الساعه اذ جاء فی القرآن «و إنّه لعلم للسّاعه» أی انذار بها واشاره الیها؛(۲) پایان ملک او از

۱- ارشاد: ص ۳۴۵؛ یوم الخلاص: ص ۳۴۳؛ شیـخ حرّ عاملی در کتاب« الإیقاظ من الهجعه» ص ۳۷۱- ۳۶۵ در توجیه روایت بعد از چهل روز قیامت برپا می شود، می نویسـد: شایـد چهل روز ایّام رجعت باشد و این عدد اشاره به کمی دوران حضـرتش باشد؛ چون مقـدار زیاد را هفتاد و مقدار کم را با عدد کمتر معرّفی می کنند و یا این که هر روز از آن چهل روز برابر هزار سال باشد، چنان که خداونـد می فرمایـد:« یـک روز نزد پروردگار، مثل هزار سالی است که شـما شـمارید»(سوره حـج آیه ۴۷) و شایـد مراد از قیامت، قیامت صغرا باشد و البتّه اطلاق قیامت بر رجعت مانعی ندارد؛ زیرا قیامت بر هر دو اطلاق می شود.»
۲- الزخرف: ۶۱؛ ینابیع الموده: ۳/ ۱۳۶؛ الصّواعق المحرقه: ص ۱۶۰ هذه الایه نزلت فی المهدی و مثل آن در اسعاف الرّاغبین: ۱۵۶؛ یوم الخلاص: ص ۳۴۴ از آن ها.

ص: ۲۷۶

شرایط قیامت است؛ چون در قرآن آمده است «و او نشانه (یا دانش) قیامت است»؛ یعنی ترساندن و اشاره به قیامت است.»

۳- امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «و إنّه لعلمٌ للسّاعه، هو المهـدیّ یکون فی آخر الزمان وبعـد خروجه یکون قیام الساعه وإماراتها ودلالاتها وقیامها؛(۱) منظور از «اوست نشـانه ساعت» «مهـدی علیه السـلام» است که در آخر زمان می باشـد و بعـد از خروج او، قیام قیامت و نشانه ها و دلالت های آن پیش می آید.»

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «دولته آخر الدول وخیر الدول تعقب جمیع الملوک بحیث لم یبق أهل بیتٍ لهم دوله إلّاملکوا قبله لئلّا یقولوا إذا رأو سیرته: إذا ملکنا سرنا بسیره هؤلاء وهو قول اللّه «والعاقبه للمتّقین»؛(۲) دولت او آخرین دولت ها و بهترین دولت هاست که پشت سر همه پادشاهان می آید، به طوری که خانواده ای نمی ماند که برایشان سلطنت نوشته شده باشد، همگی پیش از او سلطنت می نماینـد تا وقتی که سیرت او را دیدند نگویند: اگر ما هم به ریاست می رسیدیم، مانند این ها رفتار می کردیم و آن است منظور آیه «و عاقبت برای پرهیزکاران است.»

۵- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «هـذه الأمّه مرحومه فمنها نبیّها ومنها مُهـدیّها بنا فتـح هـذالأمر وبنا یُختم ولنا مُلکٌ مؤجّل ولیس بعد ملکنا ملکٌ لأنّنا أهل

۱- منتخب الأثر: ص ۱۴۹؛ الزام النّاصب: ص ۸۵؛ نور الأبصار: ص ۱۶۹.

۲- اعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۸۳؛ ارشاد: ص ۳۴۴؛ المحجّه البیضاء: ۴/ ۳۳۶؛ منتخب الأثر: ص ۳۰۸؛ الإمام المهدی: ص ۲۶۷ و ۲۶۸ از امام باقر علیه السلام الزام النّاصب: ص ۲۲۳؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۸ از غیبت طوسی.

ص: ۲۷۷

العاقبه والعاقبه للمتّقین.(۱) این امّت رحمت شـده است، پیامبرش از خود و «مهدی علیه السـلام» اش نیز از خودش می باشد. این کار با ما گشوده شد و با ما نیز پایان می پذیرد و برای ماست ریاست مهلت داده شده و بعد از ملک ما سـلطنتی نخواهد بود؛ زیرا ما اهل عاقبتیم و عاقبت نیز برای پرهیزکاران است.»

۶- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «بنـا فُتـح الأـمر و بنا یختم وبنا اسـتنقذاللّٰه الناس فی أوّل الزمان وبنا یکون العـدل فی آخر الزمان؛(۲) با ما گشوده شد و با ما بسته می شود و خداوند در آغاز این امر به وسیله ما مردم را نجات داد و عدالت در آخرالزّمان با ما می باشد.

۷- امـام صـادق از قول امـام بـاقر علیهما السـلام فرمود: «دولتنا آخر الـدُّوَل ولن یبقی أهل بیت لهم دوله إلا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا إذا رأوا سیرتنا: إذا ملکنا سرنا مثل سیره هؤلاء وهو قول اللّٰه- عزّ وجلّ- «وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ»؛(۳) دولت ما آخرین دولت هاست و اهل بیتی باقی نمی ماند که برای آن ها دولتی (مقدّر) شده باشد، مگر این که پیش از ما سـلطنت کنند تا وقتی که سیرت ما را دیدند نگویند: اگر ما هم صاحب ملک بودیم، این گونه رفتار می کردیم و این است گفته خدای- عزّ وجلّ- «عاقبت برای پرهیزکاران

۱- الملاحم و الفتن: ص ۹۵؛ الصّواعق المحرقه: ص ۹۷ با لفظ دیگر: المهدی: ص ۹۹- ۹۸؛ و نور الأبصار: ۲۳۱ با اختلاف ناچیزی؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۱ از آن ها.

۲- کشف الغمّه: ص ۳/ ۲۶۳ و ۲۷۳ و ۲۷۴ باتفصیل؛ البیان: ص ۸۶ با لفظ دیگر؛ الملاحم و الفتن: ص ۶۷ و ۱۳۵؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۶۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ المهدی: ص ۲۲۷- ۲۲۶ از عقد الدرر؛ یوم الخلاص: ص ۳۰۲ از آن ها.

۳- (۳) اعراف: ۱۲۸؛ غیبت طوسـی: ص ۳۸۲؛ ارشاد مفیـد ره ص ۳۴۴؛ اعلام الوری: ۴۳۲. بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۳۲ ب ۲۷ ح ۵۸ از غیبت طوسی و ص ۳۳۹ ب ۷ ح ۲۸۳ از ارشاد.

ص: ۲۷۸

است».

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معراج فرمود: «و لأداولنّ الأیّام بین أولیائی إلی یوم القیامه؛(۱) و البتّه روزها (روزگارها) را بین دوستانم (دست به دست) می گردانم تا روز قیامت.»

۹- هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معروف ثقلین فرمود: (انّی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوابعدی احدهما اعظم من الاخر کتاب اللّه وعترتی)؛(۲) من در میان شما دو وزنه سنگین ترک کرده (به امانت می گذارم) مادام که بعد از من به آن دو چنگ زده اید، گمراه نمی شوید، یکی بزرگ تر از دیگری است؛ کتاب خدا؛ و عترت (اهل بیت من).»

پیرامون این حدیث، بزرگانی از علما و محقّقان اهل سنّت بیانات بسیار مهمّی دارند که به یکی از آن ها اشاره می شود.

محدث معروف ابن حجر هیتمی مکّی شافعی، مؤلّف کتاب های متعدّد از جمله؛ «الصواعق المحرقه» گوید: «و فی احادیث الحثّ علی التمسک بأهل البیت اشاره إلی عدم انقطاع متأهّل منه التمسّک به إلی یوم القیامه کما أنّ کتاب اللّه العزیز کذالک وبهذا کانوا أماناً لأهل الأرض؛(۳) در احادیث تشویق به تمسّک به اهل بیت (که از جمله آن ها حدیث «ثقلین» است) به غیر از اثبات اصل «امامت» تداوم امامت را نیز (تا

۱- کمال الدّین: ۱/ ۳۶۹- ۳۶۶؛ علل الشّرایع: ۱/ ۷- ۵؛ عیون أخبارالرّضاء: ۱/ ۲۶۴- ۲۶۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۳۱۲ ب ۲۷ ح ۵.

۲- (عبقات الأنوار مجلّدات حدیث ثقلین چاپ اصفهان)

۳- عبقات الأنوار: ۳/ ۱۵۱.

ص: ۲۷۹

قیامت) اثبات می کند. این حدیث نبوی بیان می دارد که هدایت با دو رکن تحقّق می یابد، همان گونه نیز تداوم بقای امام و امامت را- مانند تداوم بقای قرآن- به ثبوت می رساند.(۱).

با پایان عمر شریف حضرت «قائم» بعد از چهل روز، قیامت بر پا می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «بین وفاه القائم وبین القیامه أربعون یوماً؛(۲) میان وفات «قائم علیه السلام» و قیامت چهل روز است.»

نظریه دیگر

شیخ مفید قدس سره نیز در این باره فرمود: «لیس بعد دوله القائم لأحد دوله إلا ما جاءت به الروایه من قیام ولده إنشاء اللَّه ذلک لم یرد علی القطع والثبات وأکثر الروایات أنّه لن یمضی مهدیّ الأمّه إلا قبل القیامه بأربعین یوماً یکون فیها الهرج- وعلامه خروج- الأموات وقیام الساعه للحساب والجزاء واللَّه أعلم؛(۳) بعد از دولت «قائم علیه السلام» برای احدی دولتی نیست، مگر روایاتی که آمده است از قیام برخی فرزندانش (در مقام او) ان شاءاللَّه. اما (این روایت ها) با قطعیّت و ثبوت وارد نشده است و اکثر روایات این است که «مهدی علیه السلام» از دنیا نمی رود، مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن چهل روز هم هرج و علامت خروج مردگان و قیام قیامت برای حساب و پاداش خواهد بود و خدا می داند.»

۱- خورشید مغرب: ص ۱۳۴.

۲- ارشاد: ص ۳۴۵؛ ینابیع الموده: ۳/ ۶۲؛ بحارالأنوار: ۵۲/ ۱۴۵ با زیادتی یکون فیها الهرج.

۳- بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۵ ب ۳۰ ح ۴ از ارشاد مفید.

ص: ۲۸۰

شیخ طبرسی قدس سره نیز در اعلام الوری در آخر باب الرابع گوید: «أنّه قد جائت الروایه الصحیحه أنّه لیس بعد دوله المهدیّ علیه السلام دوله إلّاماورد من قیام ولده مقامه إلّاماشاءاللّه ولم ترد القطع والبتّ وأکثر الروایات أنّه لن یمضی من الدنیاإلّاقبل القیامه بأربعین یوماً یکون فیها الهرج- وعلامه خروج- الأموات وقیام الساعه واللّه أعلم؛(۱) روایت صحیحه ای آمده است بر این که بعد از دولت «قائم علیه السلام» دولتی نخواهد بود، مگر روایات قیام فرزندانش در مقام او و در این باره نیز روایت قطعی و حتمی وارد نشده است؛ چون بیشترین روایات با عبارت ابداً (قائم علیه السلام) از دنیا نمی رود، مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن (چهل روز هم) دنیا را هرج (مرج) فرا می گیرد و علامت بیرون آمدن اموات و قیام قیامت برای حساب پس دادن و پاداش گرفتن است و خدا به همه چیز دانا است.»

بعضی از معاصرین نیز نظریه شیخ مفید قدس سره و گفتار شیخ طبرسی قدس سره را در این باره تأیید کرده است و مسأله «رجعت» و «مهدیّون» را نیز کاملًا رد می کند؛ چون بیان او تصریح دارد بر این که دولت «قائم علیه السلام» آخرین دولت و قیامت نیز چهل روز بعد از جریان «سیُرفع» بالا بردن حجّت یا وفات او خواهد بود.

بنابراین اشکالات و انتقاداتی که متوجّه قائلین به «رجعت» یا «مهدیّون» است، کاملًا مرتفع خواهد شد.

ولی عبارات روایات که با تأکید می فرماید: «لیملکنّ منّا أهل البیت رجل» یا «فلیُسلّمها إلی ابنه اوّل المهدیّین» گویای خلاف این بیان است و با آن

۱- اعلام الوری: آخر باب الرّابع ص؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۴۶ قسمت پاورقی ذیل ح ۴ به نقل از آن.

ص: ۲۸۱

نظریه هم خوان نیست، مگر این که چنین روایت ها از نظر فنّی و رجالی مردود شناخته شود.

به طور خلاصه بعد از رحلت «قائم علیه السلام» اخبار دوازده مهدی و دوازده امام و رجعت امام حسین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام، به خصوص آمدن امیرمؤمنان علیه السلام به دفعات و کرّات و با عنوان «دابّه الارض» و سلطنت ۵۰ هزار سال رسول خدا صلی الله علیه و آله و ۴۴ هزار ساله امیرمؤمنان علیه السلام و کمک همه انبیا به او و یا هیچ کدام، بلکه با وفات «قائم علیه السلام» چهل روز بعد قیامت برپا می شود، از مشکلات اخبار و غوامض آثار و مطالبی است که به تحقیق و بررسی بیشتر نیاز دارد که در این مجالس برای آن فرصتی نیست، طالبین تفصیل و اسناد و مدارک، به کتاب وزین «سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام» مراجعه نمایند.

۱۱۱]- س- طبق عقیده شیعیان، روی زمین بدون حجت نمی ماند آیا آخرین حجت الهی که از دنیا رفت و حجت تمام شد، تکلیف زمین و زمینیان چه می شود؟!.

ج- ازپاسخ پرسش های قبل باید متوجه می شدید که بعد از رفتن آخرین حجت نه کسی می ماند و نه تکلیفی خواهد بود و نه به این سؤال جوابی! زیرا.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم دو نفر باشد، یکی بر دیگری امام می شود و فرمود: آخرین کس که می میرد امام است، تا احدی به خدا

ص: ۲۸۲

احتجاج نکند که او را بدون حجّت خدا ترک کرده است.»(۱)

۲- وشّا گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: آیا زمین بدون امام می ماند؟!

فرمود: نه، عرض کردم: به ما روایت رسیده است که زمین بـدون امام نمی مانـد، مگر آن که خدای- عزّ وجلّ- به بندگانش خشم کند؟!

فرمود: می ماند و هنگامی که زمین بی امام باشد، فرو می ریزد.(۲)

توجیه روایت این است که اگر امام نباشد، تکلیف برداشـته می شود؛ وقتی که تکلیف برداشته شد، قیامت فرا می رسد، بنا براین آن چهل روز فاصـله مرگ آخرین حجت و قیام قیامت، دوران بلا تکلیفی است که در بعضـی از روایات هم آمده، قیامت برشـرار خلق برپا می شود.

اللهمّ اجعـل عواقب أمورنـا خیراً ولا- تسـلّط علینـا من لا-یر حمنا و لا تجعل الـدّنیا أکبر همّنا و لامبلغ علمنا واحفظنا عن شـرور أنفسـنا بمحمّد و آله الطّاهرین علیهم الصّلوات و السّلام آمین.

تو برتر از هزاران یوسف کنعانی

اگر راز دلم گویم حدیثش را تو می دانی***مرا از لطف خود هردم به بزم خویش می خوانی

خلیلی، یوسفی، نوحی، سلیمانی نمی دانم***دمِ پاک مسیحا و کف موسی بن عمرانی

۱- الکافی ج ۱ ص ۱۸۰؛ علل الشّرایع: ص ۷۶؛ بحارالأنوار: ۵۳/ ۱۱۴ ب ۲۹ ذیل ح ۱۳۸ شماره ۲۰ از مختصر بصائرالدّرجات.
۲- غیبت نعمانی: ص ۱۵۵ باب ۸.

ص: ۲۸۳

حدیث لیله القدری هزاران ماه را ماهی***نزول آیه سبز و صفابخش بهارانی

اگر حسن تو را وصفی شود من فاش می گویم***تو برتر از هزاران یوسف کنعانی!

جمالت را در این عالم اگر تمثیل بگذارند***تو تفسیر تمام آیه های لوح پنهانی

لبت گر وا شود ای مخزن علم خداوندی***حکیمان را بیاموزی زحکمت های لقمانی

الا روح مجسّم در کنار آیه تطهیر***سزد آن که جمالت را ز ناپاکان بپوشانی

بیا ای مهر بی همتا لوای نور برپا کن***تو غمخوار تمام بی پناهان و ضعیفانی

تو آن گنجینه لطف و عطا و جود واحسانی***یقین دارم گدایان را ز دربارت نمی رانی

تویی مرهم به زخم بی شمار مادرت زهرا***بیا با مقدمت روشن نما آن قبر پنهانی

تو که ناگفته می دانی حکایت های پنهان را***اگر راز دلم گویم حدیثش را تو می دانی

سید عبّاس صدرالدینی

ص: ۲۸۴

فهرست منابع و مآخذ

منابع و مئاخذی که از آن هابیواسطه یا با واسطه نقل شده است

۱- القرآن الکریم.

۲- الأنوار المضیئه فی أحوال الحجه الغائب: سید عَلَم الدین المرتضی علی بن جلال الدین عبدالحمید النسّابه بن شمس الدین فخاربن معدالموسوی الحائری.

۳- الأنوار النّعمانیه: سیّد نعمه اللَّه بن عبداللَّه جزایری (م ۱۱۱۲ ه. ق) تبریز، انتشارات شرکت چاپ.

۴- الأخبار الدّخیله: شیخ محمّد تقی شوشتری، مؤلّف قاموس الرّجال.

۵- الأربعون خاتون آبادی.

۶- الإحتجاج: ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (۵۸۸ ه. ق) از دانشمندان قرن ششم، بیروت- مؤسسه أعلمی ۱۴۱۰ ه. ق.

۷- الإمام المهدی من الولاده الی الظّهور: سیّد محمّد کاظم قزوینی چاپ دوم ۱۳۷۹ ترجمه دکترحسین فریدنی.

۸- الإمام المهدی: علی محمّد علی دخیل (چاپ نجف)

۹- الإرشاد: شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ه. ق).

۱۰- الإختصاص: شیخ مفید محمّد بن محمّد نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ه. ق) قم،

۱۱- البرهان فی علامات مهدی آخرالزّمان: علاءالدین علیّ بن حسام الدین مشهور به متقی هندی جونپوری (۹۷۵ ه. ق)

۱۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان: حافظ امام صادق محمّد بن یوسف بن محمّد نوفلی گنجی شافعی (۶۵۸ ه. ق) (چاپ نجف ۱۳۲۴ و چاپ ۱۳۶۲ ه. ق)

۱۳- التّشریف بالمنن فی التّعریف بالفتن: معروف به الملاحم والفتن، رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۶۴ ه. ق).

۱۴- الجامع الصّحیح (سنن ترمذی): ابو عیسی محمد بن سوره ترمذی (و ۲۷۹ ق)

۱۵- الجوهر الثّمین- ازمنابع کتاب بیان الأئمّه: محمّد مهدی نجفی المکتبه الإسلامیه-

ص: ۲۸۵

۱۴۰۸ ه. ق.

۱۶- الحجّه فی لیلهالقدر:

۱۷- الحاوی علی الفتاوی: «بخش العرف الوردی فی أخبارالمهدی» جلال الدین سیوطی.

(م ۹۱۱ ه. ق) چاپ مصر سال ۱۹۵۹ میلادی.

۱۸- الخرائج و الجرایح: قطب الدین ابی الحسین سعیدبن هبهاللّه راوندی (م ۵۷۳ ه. ق).

۱۹- الخصال: شیخ صدوق، تهران انتشارات علمیه اسلامیه.

۲۰- الخطب: عبدالعزیزبن یحیی الجلّودی:

۲۱- السّرّ المکنون: ازمنابع بیان الأئمّه: محمّد مهدی نجفی المکتبه الإسلامیه- ۱۴۰۸ ه. ق.

۲۲- الدعوات: قطب راوندی.

۲۳- السنن: المقری.

۲۴- السنن: نعیم بن حماد.

۲۵- السّیره الحلبیّه: علی بن برهان الدین حلبی شافعی (و ۱۰۴۴ ق).

۲۶- الطّرائف: سیّد ابن طاووس (و ۶۶۴ ق)

۲۷- الطّبقات الکبری: ابو محمد بن سعد بن منیع بصری الزهری (و ۲۳۰ ق)

۲۸- العرائس الواضحه: عبد الهادی ابیاری.

۲۹- العرف الوردی فی أخبار المهدی: جلال الدین سیوطی (م ۹۱۰ ه. ق).

۳۰- العددالقویّه: الحلّی.

۳۱- العوالم (عوالم العلوم): البحرانی ج ۱۱.

۳۲- الغوالی اللئالی: محمدبن ابراهیم بن ابی جمهرالشّیبانی الاحسائی.

۳۳- الفتن: ابن کثیر.

۳۴- الصواعق المحرقه: شهاب الدین احمدبن حجر هیثمی شافعی مکی (م ۹۷۴ ه. ق). ۳۵- ۳۶- الفائق فی غریب الحدیث: ابوالقاسم جاراللَّه محمود زمخشری (۵۳۷ ه. ق).

ص: ۲۸۶

۳۷- الفتوحات المکّیه: محیی الدّین ابی عبداللّه محمّد بن علی، معروف به ابن عربی الحاتمی الطایی (م ۶۳۸ ه. ق).

۳۸- الفصول المهمّه فی معرفه احوال الأئمّه:: علی بن محمد بن احمد مغربی مالکی ابن صبّاغ المالکی (و ۸۵۵ ق).

۳۹- الکتاب المنیر: ازمنابع بیان الأئمّه: محمّد مهدی نجفی المکتبه الإسلامیه- ۱۴۰۸ ه. ق.

۴۰- الکتاب المبین: ازمنابع بیان الأئمّه: محمّد مهدی نجفی المکتبه الإسلامیه- ۱۴۰۸ ه. ق.

۴۱- المهدی: سیّد صدرالدّین صدر (طبع ایران سنه ۱۳۵۳ ه. ق). انتشارات جامعه مدرسین.

۴۲- الهیئه و الإسلام» (اسلام و هیئت) علّامه سیّد هبه الدّین شهرستانی

۴۳- المحجه البیضاء: فیض کاشانی محمّد (حسن) بن مرتضی (م ۱۰۹۱ ه. ق). ۴۴

۴۵- المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه: سیّد هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی (م ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ه. ق) بیروت- مؤسسه النّعمان- ۱۴۱۳ ه. ق.

۴۶- المزارالکبیر: محمد بن جعف المشهدی. ۴۷- المستجاد من الإرشاد: حسن بن مطهر علامه حلّی (م ۷۲۶ هق) قم، مؤسسه المعارف الأسلامیه ۱۴۱۷ ه. ق.

۴۸- الملاحم و الفتن: رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمّد سید بن طاووس الحسنی الحسینی (م ۶۶۴ ه. ق).

۴۹- الملاحم و الفتن: نعیم بن حماد مروزی معروف به فارضی (م ۲۲۸ ه. ق).

۵۰- المهذّب: ابن فهد حلّی.

۵۱- النّصّ و الاجتهاد: سیّد عبدالحسین شرف الدّین.

۵۲- النجم الثاقب فی احوال امام الغایب: حسین بن محمّد تقی بن علی محمّد نوری طبرسی (م ۱۲۶۳ ه. ق) قم؛ انوار الهدی ۱۴۱۵ ه. ق.

ص: ۲۸۷

۵۳- الیواقیت و الجواهر: سیّد عبدالوهاب شعرانی (م ۹۷۶ ه. ق).

۵۴- اخبار الدّول وآثارالأول: ابوعباس احمد بن یوسف قرمانی دمشقی (م ۱۰۱۹ ه. ق) چاپ ۱۲۸۲ ه. ق بغداد.

۵۵- أمالي: ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی «شیخ طوسی»- (و ۴۶۰ ق) قم- دارالثقافه ۱۴۱۴ ه. ق) ..

۵۶- أمالي: محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی «شیخ مفید» (و ۴۱۳ ق). قم، انتشارات جامعه مدرسین ۱۴۰۳ ه. ق.

۵۷- از مباهله تا عاشورا: محمّد امینی گلستانی (مؤلّف کتاب) چاپ ۱۳۸۳ ه. ش

۵۸- اثبات الهداه بالنّصوص و المعجزات: محمّد بن حسن حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ ه. ق). ۵۹

۶۰- اسعاف الرّاغبین فی سیره المصطفی و أهل بیته الطّاهرین: شیخ محمّد الصبّان (م ۱۳۰۶ ه. ق) در حاشیه نور الأبصار چاپ مصر سال ۱۳۸۰ ه. ق.

۶۱- إکمال الدّین و اتمام النّعمه: شیخ صدوق.

۶۲- إلزام النّاصب فی اثبات الحجه الغائب: شیخ علی یزدی حائری (م ۱۳۳۳ ه. ق) قم انتشارات رضی ۱۳۶۲ (ه. ش).

۶۳- اثبات الوصیّه للإمام علیّ بن أبی طالب علیه السلام: علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ ه. ق).

۶۴- اعلام الوری بأعلام الهدی: ابو علی فضل بن حسن طبرسی از علمای قرن ششم صاحب تفسیر مجمع البیان.

۶۵- انوار القدسیه: شیخ عبدالوهاب شعرانی.

۶۶- ارشاد القلوب: ابو محمد حسن بن علی بن محمد دیلمی (و ۷۷۱ ق).

۶۷- اصول کافی: ثقه الإسلام محمّد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ ه. ق).

۶۸- بحارالأنوار: محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی (م ۱۱۱۱ هق) تهران دارالکتب الإسلامیه.

ص: ۲۸۸

۶۹- بشاره الإسلام: سید مصطفی آل سیّد حیدر کاظمی (م ۱۳۳۶ هق) تهران مؤسسه بعثت ۱۴۱۰ ه. ق.

۷۰- بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله لشیعه المرتضی: أبی جعفرمحمد بن ابی القاسم محمد بن علی الطّبری (از علمای قرن ۶).

۷۱- بصائر الدّرجات: ابوجعفر محمّد بن حسن صفّار قمی (م ۲۹۰ یا ۳۰۰ ه. ق) تهران- انتشارات اعلمی ۱۳۷۴ هق.

۷۲- بیان الأئمّه: محمّد مهدی نجفی المکتبه الإسلامیه- ۱۴۰۸ ه. ق.

۷۳- پاسخ به شبهات احمد الکاتب سیّد سامی بدری، مترجم: ناصر ربیعی، چاپ اول بهار ۱۳۸۰ انتشارات: انوار الهدی.

۷۴- تاریخ ابن عساکر: ابی القاسم علیّ بن حسن هبه اللّه شافعی (م ۵۲۷ ه. ق).

۷۵- تاریخ الغیبه الکبری: سیّد محمّد صدر، چاپ دوم دار التعارف للمطبوعات ۱۴۰۰ ه. ق بیروت.

۷۶- تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی (و ۹۱۱ ق).

۷۷- تاریخ الکامل: علی بن ابی الکرم الشّیبانی ابن أثیر الجزری (و ۶۳۰ ق).

۷۸- تاریخ الأمم والملوک: (تاریخ طبری) ابوجعفر محمد بن جریرطبری (و ۳۱۰ ق).

۷۹- تفسیر عیاشی: ابونصرمحمّد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی از دانشمندان قرن سوم (م ۳۲۰ ه. ق) بیروت- مؤسسه اعلمی ۱۴۱۱ ه. ق.

۸۰- تفسیر غریب القرآن: فخرالدّین طریحی.

۸۱- تفسیر کنزالدّقائق: میرزا محمّدالمشهدی بن محمّدرضابن جمال الدین القمی (م حدود ۱۱۲۵ ه. ق).

۸۲- تفسیر ابوالفتوح رازی.

۸۳- تفسیر البرهان: منسوب بهامام حسن عسکری ۷.

۸۴- تفسیر الجامع لأحکام القرآن: محمّدبن احمد الأنصاری القرطبی.

ص: ۲۸۹

۸۵- تفسیر الدّرّالمنثور فی التّفسیر بالمأثور: عبد الرّحمن سیوطی (و ۹۱۱ ق).

۸۶- تفسیر روح المعانی: المفتی شهاب الدین سیّد محمود بن عبداللّه آلوسی بغدادی (م ۱۲۷۰ ه. ق).

۸۷- تفسیر غریب القرآن: فخرالدّین طریحی.

۸۸- تفسیر فی ظلال القرآن: سیّد قطب.

۸۹- تفسیر کبیر: فخر رازی.

۹۰- تفسیر مجمع البیان: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از علمای قرن ششم.

۹۱- تفسیر: ابوالقاسم فرات بن ابراهیم الکوفی (معاصر کلینی).

۹۲- تفسیر کشّاف: چاپ دارالمعرفه بیروت؛

۹۳- تفسیربیضاوی: چاپ مؤسسه أعلمی- بیروت.

۹۴- تفسیرنورالثّقلین: عبد علی بن جمعه عروزی الحویزی (م ۱۱۱۲ ه. ق).

۹۵- جزیره خضراء، افسانه یا واقعیّت: ابوالفضل طریقه دار.

۹۶- جزیره خضراء در ترازوی نقد: علّامه سیّد جعفر عاملی.

۹۷- جمال الأسبوع: سیّد بن طاووس.

۹۸- جنّات الخلود: میرزا محمدرضامدرّس.

۹۹- جنّات الخلود: خاتون آبادی.

۱۰۰- جنّه الامان الواقیه و جنّه الایمان الباقیه (المصباح): شیخ ابراهیم کفعمی.

۱۰۱- جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام: تألیف شیخ محمّد حسن النّجفی

۱۰۲- چشم اندازی به حکومت مهدی: نجم الدین طبسی.

۱۰۳- حکومت جهانی مهدی: ناصر مکارم شیرازی چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ه. ش.

۱۰۴- حق الیقین: علّامه حلّی.

۱۰۵- خریطهالعجائب وفریدهالغرائب: قاضی زین الدین بن عمربن الوردی البکری القرشی.

۱۰۶- خصائص فاطمیه: در فضائل فاطمه، مولی محمّد باقربن اسماعیل کجویی متوفی

ص: ۲۹۰

۱۳۱۳ ه. ق.

۱۰۷- دادگستر جهان: ابراهیم امینی: چاپ هیجده، ۱۳۷۸ ه. ش.

۱۰۸- دلائل الإمامه: ابی جعفر محمّد بن جریر طبری صغیر از دانشمندان قرن چهارم ه. ق، قم.

۱۰۹- رجال کشّی: ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی کشّی (۴۶۰ ق)

۱۱۰- ریاحین الشریعه: شیخ ذبیح اللَّه محلاتی.

۱۱۱- روزگار رهایی: ترجمه یوم الخلاص، علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق ۱۳۷۶ تهران.

۱۱۲- روضه الکافی: محمّد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ه. ق)- تهران- دارالکتب الإسلامیه.

۱۱۳- روضه الواعظین: ابی علی محمّد بن فتّال نیشابوری (م ۵۰۸ ه. ق) قم، انتشارات شریف رضی ۱۳۶۸ (ه. ش).

۱۱۴- زندگانی امام زمان علیه السلام: میرزا مهدی صادقی چاپ اوّل ۱۳۸۰ طلوع آزادی.

۱۱۵- زندگانی امام رضا علیه السلام: منصور کریمیان.

۱۱۶- سفینه البحار: حاج شیخ عباس قمی.

۱۱۷- سرچشمه حیات: محمّد أمینی گلستانی- قم، انتشارات مکتب اسلام، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۲

۱۱۸- سیمای جهان در عصر اما زمان (عج) محمد امینی گلستانی قم انتشارات مسجد مقدس جمکران.

۱۱۹- سعدالسّعود ابن طاووس.

۱۲۰- شرح اصول کافی: محمّد صالح مازندرانی.

۱۲۱- شرح نهج البلاغه: عبد الحمید بن ابی الحدید معتزلی مداینی (م ۶۵۶ ه. ق) قم، کتابفروشی اسماعیلیان.

۱۲۲- شوق المهدی: فیض کاشانی.

۱۲۳- صحیح بخاری: ابو عبداللَّه محمّد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ ه. ق).

ص: ۲۹۱

۱۲۴- صحیح مسلم: ابوالحسین مسلم بن الحجاج القشیری (م ۲۶۱ ه. ق).

۱۲۵- ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسدالله هاشمی انتشارات مسجد جمکران.

۱۲۶- عصر الظهور: الکورانی العاملی.

۱۲۷- عقد الدّرر فی أخبار المنتظر: یوسف بن محیی بن علی بن عبدالعزیز مقدسی شافعی سلمی از دانشمندان قرن هفتم.

۱۲۸- علل الشّرائع: محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمی شیخ صدوق (م ۳۸۱ هق) قم کتابفروشی داوری.

۱۲۹- عیون أخبارالرّضاء: شیخ صدوق، قم کتابفروشی طوس ۱۳۶۳ (ه. ش).

۱۳۰- غایهالمرام فی حجه الخصام: سیدهاشم بحرانی.

۱۳۱- غیبت طوسی: شیخ الطّائفه ابی جعفر محمّد بن حسن طوسی (۴۶۰ هق) قم، مؤسسه معارف اسلامی ۱۴۱۷ هق.

۱۳۲- غیبه النّعمانی: محمّد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، ابن ابی زینب از دانشـمندان قرن سوم هق- بیروت- مؤسـسه أعلمی ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۳۳- فروع کافی ثقه الإسلام محمّد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ هق) تهران دارالکتب الإسلامیه ۱۳۷۶ (ه. ش).

۱۳۴- فرائد السمطین: شیخ ابراهیم بن مؤید ذهبی جوینی خراسانی شافعی (م ۷۳۰ ه. ق).

۱۳۵- قرب الأسناد: ابی جعفر محمّدبن عبداللَّه بن جعفرالحمیری قمی (م ۲۹۰ ه. ق).

۱۳۶- قادتنا کیف نعرفهم: سیّد محمّد هادی حسینی میلانی، قم ۱۴۱۳ ه. ق.

۱۳۷- قصص الأنبیاء: للسیّد أبی الرّضا فضل اللَّه الرّاوندی.

۱۳۸- کامل الزّیارات: جعفر بن محمّد بن قولویه (م ۳۶۷ ه. ق)

۱۳۹- کتاب فضل بن شاذان.

۱۴۰- کشف الأستار: حاج میرزاحسین محدث نوری.

۱۴۱- کتاب سرور أهل الایمان فی علامات ظهورصاحب الزّمان عجّل اللّه فرجه: سید

ص: ۲۹۲

بهاءالدین علی بن عبدالکریم النیلی.

۱۴۲- کتاب محتضر: حسن بن سلیمان

۱۴۳- کتاب الخطب عبدالعزیز بن یحیی جلودّی.

۱۴۴- کشف السُّتره عن وجه الغیبه: سیّد محمّد وحیدی معاصر. قم- انتشارات وفایی ۱۳۷۹ (ه. ش)

۱۴۵- کشف الغمّه: شیخ علی بن عیسی أربلی (م ۶۹۳ هق) قم، چاپخانه علمیه ۱۳۸۱ ه. ق.

۱۴۶- کمال الدین: شیخ صدوق.

۱۴۷- کفایه الأثرفی النّصوص علی الأئمّه الإثنی عشر: أبی القاسم علی بن محمّد بن علی الخزّاز الرازی، به او قمی هم می گوینـد و از شاگردان شیخ صدوق است.

۱۴۸- کنز العمال: علاءالدین علیّ بن حسام الدین مشهور به متقی هندی جونپوری (۹۷۵ ه. ق).

۱۴۹- گفتمان مهدویت: صافی گلپایگانی، چاپ کوثر ۱۳۷۷ ه. ش.

۱۵۰- لسان العرب: جمال الدین ابوالفضل محمّد بن مکرّم ابن منظور مصری.

۱۵۱- مأثرالنّفیسه

۱۵۲- مثیرالأحزان: جعفربن محمد بن نما.

۱۵۳- مختصر بصائر الدّرجات: عزّالدّین حسن بن سلیمان حلّی از بزرگان قرن نهم- نجف- منشورات مطبعه الحیدریه ۱۳۷۰ ه. ق.

۱۵۴- مختار الصّحاح: محمّد بن عبدالقادر.

۱۵۵- مسند: احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱ ه. ق)

۱۵۶- مصباح المتهجّد: شیخ طوسی.

۱۵۷- معانی الأخبار: شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه. ق).

۱۵۸- معجم احادیث الإمام المهدی: مؤسّسه المعارف الإسلامیّه قم- ۱۴۱۱ هق.

۱۵۹- معجم الملاحم و الفتن: سیّد محمودبن سیّد مهدی موسوی ده سرخی اصفهانی، معاصر، قم- ۱۴۲۰ ه. ق.

ص: ۲۹۳

۱۶۰- معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرّواه: سیّد ابوالقاسم خویی؛ چاپ مرکز نشر آثار شیعه.

۱۶۱- مفاتیح الجنان: حاج شیخ عباس قمی.- م ۱۳۵۹ (ه. ق).

۱۶۲- مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم: سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی.

(م ۱۳۴۸ ه. ق) چاپ دوّم ۱۳۹۸ ق.

۱۶۳- منتهی الامال: شیخ عباس قمی.

۱۶۴- مشارق الأنوار شیخ برسی.

۱۶۵- مهدی منتظر: شیخ محمّد جواد خراسانی. قم- نور الأصفیاء ۱۳۸۲ ه. ش.

۱۶۶- مکارم الأخلاق: رضی الدّین ابی نصر حسن بن فضل بن حسن طبرسی.

۱۶۷- مناقب آل ابی طالب: ابوجعفر رشید الدین محمّدبن علی بن ابن شهرآشوب.

۱۶۸- مناقب المهدی: حافظ ابو نعیم اصفهانی.

۱۶۹- منتخب الأثر: لطف اللَّه صافی گلپایگانی- قم- مؤسسه المعصومه (۱۴۱۹ ه. ق).

۱- منتخب الأنوار المضیه فی ذکر القائم الحجه علیه السلام: بهاءالدین علی بن عبد الکریم النیلی النّجفی از دانشمندان قرن نهم، قم- مؤسسه الإمام الهادی ۷ ۱۴۲۰ ه. ق

۱۷۱- منهاج الدموع: قرنی گلپایگانی.

۱۷۲- من لایحضره الفقیه: شیخ صدوق قم- انتشارات جامعه مدرسین ۱۳۶۴ ه. ش.

۱۷۳- ناسخ التواریخ، میرزا تقی سپهر، ص ۱۱۹.

۱۷۴- نورالابصار، فی مناقب آل البیت النبی المختار، سید مومن بن حسن بن مومن الشبلنجی؛

۱۷۵- نجم الثاقب: میرزا حسین نوری؛ مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵؛ دو جلدی.

۱۷۶- نهج البلاغه: سید رضی الدین.

۱۷۷- نهج الفصاحه: گرد آوری ابوالقاسم پاینده.

۱۷۸- نور الأبصار فی مناقب آل بیت النّبیّ المختار: سیّد مؤمن شبلنجی (م بعد از ۱۳۰۸ ه. ق). چاپ مصر؛

۱۷۹- وسائل الشّیعه الی تحصیل مسائل الشّریعه: محمّد بن حسن حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ (ه. ق) بیروت دار احیاء التّراث العربی ۱۳۹۱.

ص: ۲۹۴

۱۸۰- یاد مهدی: محمّد خادمی شیرازی، انتشارات مسجد جمکران چاپ ۱۳۷۱ ه. ش.

۱۸۱- ینابیع الموده لذوی القربی: سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ هق) قم- انتشارات اسوه ۱۴۱۶ (ه. ق).

۱۸۲- یوم الخلاص فی ظلّ القائم علیه السلام: کامل سلیمان چاپ اوّل ۱۳۸۲ (ه. ش) چاپ نگین.

۱۸۳- یوم الوقت المعلوم: محمّد حسین گنجی فرد، چاپ نگین زمستان ۱۳۷۸.

مختصری از زندگی نامه مؤلّف کتاب

نام: محمد نام خانوادگی: امینی گلستانی ش ش ۱۵ فرزند: حاج سردار مرحوم کشور: ایران، استان: اردبیل.

تخصّص: فلسفه و فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ. تألیفات (۲۲).

تحصیلات (خارج فقه و اصول و فلسفه). استادان معروف (۱۱ نفر).

در سال ۱۳۲۹ شمسی از زادگاهش قریه گلستان در ۳۰ کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملاـ ابراهیم اردبیل وارد و پس از گذراندن دوره مقدماتی صرف و نحو و منطق از استاد سید مسلم خلخالی و شیخ سعید اصغری و غیرهما.

در سال ۱۳۳۱ به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا (آقایان شیخ عبدالکریم ملائی و سید جواد خطیبی و میرزا احمد پایانی و مسلم ملکوتی و میرزا محسن دوزدوزانی وغیرهم) استفاده نموده است، و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا (آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و شیخ مجتبی لنکرانی و عارف بزرگ شیخ محمدعلی سرابی و آقای تسوجی وسید اسدالله مدنی آذرشهری و غیرهم دروس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر وغیره)، استفاده نموده است. و درتاریخ ۱۳۴۰ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل با صبیه آیت الله حاج شیخ علی عرفانی از شاگردان علامه محمدحسین نائینی و هم دوره آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی و سید محسن حکیم ازدواج کرده و به مدت یازده سال در آن شهر که آن وقت یک روستای کوچک بیش نبود اقامت نموده است. در طول این مدت مشغول کارهای تبلیغی و علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشته.

مانند.

۱- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات و فضای باز مسجد ۱۴۰۰ متر.

۲- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۴- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صندوق شروع و فعلًا بیشتر مناطق

استان اردبیل را فراگرفته است.

در سال ۱۳۵۱ شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نموده و مقیم گشته و در خلال مدت ۱۴ سال اقامت در اردبیل به کارهای روحانیت و تبلیغاتی اسلامی و ۱۱ سال سرپرستی حجاج بیت الله الحرام را ادامه داده است.

در سال ۱۳۵۷ شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و در بحبوحه انقلاب اسلامی در نازی آباد ساکن شده و پس از پیروزی انقلاب.

در سال ۱۳۵۹ به اردبیل برگشته مشغول کارهای روحانیت خود شده و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشته است. تا اینکه در سال ۱۳۶۵ دوباره به تهران برگشته و در خانه خیابان دانشگاه جنگ ساکن گشته و مشغول تبلیغ و تفسیر وکارهای مربوط به روحانیت شده است. تا این که در سال ۱۳۷۵ از تهران به قم هجرت نموده و در خانه پشت صدا و سیما ساکن شدند.

در سال ۱۳۷۵ شمسی در اردبیل زلزله ویرانگر به وقوع پیوست که در اثر آن تعداد یک صد و یازده روستا را از ۲۵ درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد.

در سال ۱۳۸۱ بنا به دعوت بزرگان سرعین جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان، به آنجارفته و با دیدن وضع مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و تقویت و توسعه داده و تعداد چهار باب مغازه برای هزینه مسجد، و ایجاد گنبد و مناره هاو کاشیکاریهای آنرا انجام داده است.

در این سفر باز به کارهای امور خیر شروع و ادامه داده است از جمله.

۱- مسجد مجلل باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام به مساحت ۱۵۰۰ متر با متعلقات آن که در سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲ ادامه پیدا کرد، و الان مورد استفاده مردم محل و دهها هزار مسافر شهرتوریستی می باشد و در نظر است که تأسیس حوزه علمیه و درمانگاه عمومی و ۱۵ باب مغازه برای هزینه های مسجد را شروع نمایند انشاءالله.

۲- در زادگاهش روستای گلستان، که در اثر زلزله دو مسجد آنجا خراب شده بود، مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) را بنا و تأسیس نموده و به پایان رساند.

۳- در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورتچی احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

۴- احداث غسال خانه های متعدد در روستاهای اطراف سرعین.

۵- با حصارکشی قبرستان سرعین که در وسط شهر، زیر پای حیوانات و مورد تجاوز ساکنین دور و بر قبرستان بود، محافظت نمود.

در دوران سکونت جدید قم مشغول تألیفات متعدد گشته که تعدادی از آنها را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانیم.

تالیفات چاپ شده از مؤلّف.

۱- سرچشمه حیات- وزیری یک جلد ۴۰۲ صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، درباره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه ۴ مرتبه چاپ شد و فعلًا کمیاب می باشد.

۲- سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوجلد ضخیم وزیری ۱۲۸۳ صفحه در باره کیفیت کشورداری و مدیریت آن حضرت کشوری به وسعت کره زمین را از نظر فرهنگی و قضائی واقتصادی و نظامی و اجتماعی و هزاران مطالب نو و متنوع در این مورد که امتیازش را به انتشارات مسجد مقدس جمکران، واگذار و آن را چاپ و نشر می کند.

خواب سیده سکینه خانم طباطبائی

در ۲۹ ماه صفر سال ۱۳۸۶ در روز آخر روضه دخترم امینه خانم در شهر قدس من صحبت کردم و برای خانمها مسائل گفته و موعظه کرده و درنهایت چون روز شهادت امام رضا علیه السلام بود، به امام رضا علیه السلام توسل نمودم، چند روز بعد دخترم امینه گفت: بابا یک نفر سیده خانم هست به نام سکینه طباطبائی که آن روز در مجلس روضه حضور داشت باگریه شدید گفت: از مجلس شما که رفتم شب خوابیدم در خواب دیدم درمجلس روضه شما هستم، ناگهان یک نفر سید نورانی که من تا آن روز شخصیت چنانی با آن نورانیت ندیده بودم وارد شد و مستقیماً رفت پیش حاجی آقا روبرو نشست و حاجی آقا در دستش دو جلد کتاب بود و با زبان عربی باهم صحبت زیاد نمودند و من هم پشت سر آن آقا نشسته گریه می کردم و به من متوجه شده و فرمود: زیاد گریه نکن چشمهایت خراب می شود تو که هرهفته نزد من هستی، دوباره با حاجی آقا به صحبت ادامه دادند و می دانستم راجع به آن کتاب صحبت می کردند، حاجی آقا آن دو جلد کتاب را به آن آقا تحویل داد و ایشان هم تحویل گرفتند و چون آش شما را من تقسیم می کردم آن آقا به من فرمود: به هرکس که از آش می دهید هم نامش را بنویسید و هم آن را مهر نموده به من دهید و ما هم به این دستور عمل کردیم و تمامی آنها را لای کتاب حاجی آقا گذاشت و با خود برد، در این حال من به صدای گریه خودم از خواب بیدار شدم.

البته آن دو جلد کتاب (سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام) است که در باره حالات و نحوه مدیریت و حکومت آن حضرت بعد از ظهور نوشته ام که انشاء اللّه مورد قبول آن آخرین امید قرار گرفته است و امتیاز آن را مسجد مقدس جمکران قم از من گرفت و خودشان چاپ کردند که خدا را شکر مورد قبول اقشارمختلف جامعه قرار گرفته است که در مدت یک سال دوبار با تیراژ بالا ۱۶ هزار جلد چاپ شده است والحمدللّه.

۳- از مباهله تا عاشورا- در یک جلد وزیری ۶۸۴ صفحه در باره مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران و سر انجام تسلیم آنها و مقایسه آن جریان باسرگذشت پنج تن آل عبا علیهم السلام و عدم تسلیم مسلمان نماهای دشت کربلا به امام حسین علیه السلام فرزند آن حضرت و شهید کردن آن امام را با مظلومیت تمام. این کتاب حاوی مطالب جالب و مفید فراوان می باشد.

۴- والدین دو فرشته جهان آفرینش- در یک جلد وزیری در ۳۲۰ صفحه در باره حقوق متقابل والدین و اولاد در برابر هم از نظر آیات و اخبار وگفتار بزرگان و مطالب فراوان در این مورد.

۵- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی- وزیری ۲۷۶ صفحه. کتابیست تحقیقی و تحلیلی درباره ازدواج جوانان عزیز و راهنمائی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام العمر، از منظر آیات و اخبار و ...

که در واقع مکمّل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

۶- کتاب مهم اسلام فراتر از زمان- درباره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند. در این کتاب قسمت مهمی از پیشگوئیهای بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثمّ أشار بیده المبارکه یمیناً و شمالًا و قال ستبنی من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بیت فی ذلک الزّمان الّا و فیه شیطاناً أریل.

کلمه أریل لغت انگلیسی است که به گیرنده و آنتن أریال گویند، حضرت ۱۴۰۰ سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی أمّتی یُخربون قباب الأئمّه بالبنادیق به زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد) های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی با نارنجک یا بمب) ویران سازند!!. دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است که نه امامی شهید شده و نه در جائی مدفون شده بود و نه از گنبد حرمها و اختراع بمب خبری بود که پس از قرنها در سامرا و قبلًا نیز در بقیع اتفاق افتاد یا روایت در مورد ازدواج همجنسها یتزوّج الرّجال بالرّجال و یتزوّج النساء بالنساء، و روایت لعن اللّه المتشبّهین من الرّجال بالنّساء و المتشبّهات من النّساء بالرّجال درباره تغییر جنسیت دهندگان و صدها امثال این روایتها، در ۶۸۸ صفحه وزیری. پیشگوئی های آیات و روایات، از بزرگان دین در باره پیشرفت علوم آیندگان و اوضاع حیرت انگیز جهان، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد و حاوی مطالب نو آوری زیاد می باشد.

۷- آغلار ساولان- سبلان گریان یا سبلان می گرید: رقعی ۵۰ صفحه.

با زبان آذری در باره زلزله سال ۱۳۷۵ استان اردبیل و تخریب ۱۱۱ بخش و روستا از ۲۵ در صد تا صد در صد که یکی از آنها روستای گلستان زادگاه مؤلف و کشته شدن و زیر آوار ماندن ۷۷ نفر ا ز نزدیکان نسبی و سببی او و بیان نام تک تک آنها.

۸- ۱۱۱ پرسش و پاسخ در بار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف- رقعی در ۲۹۵ صفحه سوال و جواب های متنوع در طول سال های تبلیغی مؤلف در شهر توریستی و ییلاقی سرعین اردبیل و بیان مطالب نو.

۹- فلسفه قیام و عدم قیام امامان- در ۱۹۸ صفحه جیبی در باره این که چرا بعضی از آن بزرگواران قیام و اکثرشان قعود نمودند و اساسا قیامی از آنها وجود داشت یا برایشان تحمیل نمودند و مطالب متنوع و مفید دیگر.

۱۰- گلستان سخنوران شامل ۱۱۰ مجلس سخنرانی مذهبی در دو جلد وزیری ۱۵۱۱ صفحه چکیده ای از تبلیغات متنوع مؤلف چاپ و در دسترس عزیزان قرار گرفت..

کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف

۱- آیا و چرا- درباره زیر سؤال بردن برادران اهل سنت و علمای آنان و آوردن دلایل فراوان از کتاب های معتبر خود آنان در بار ه

امیرمؤمنان و فاطمه زهراء علیهماالسلام و به زیر سوال بردن آنها در عمل نکردن به این دلیلها و اسناد خودشان.

۲- ۶۰۰ مجلس سخنرانی مذهبی از منبرهای ۵۵ ساله مؤلّف و بیان مطالب متنوع دینی و اسناد و روایات فراوان در هر مقوله، که سخنرانان مذهبی و منبری های محترم را از مراجعه به کتاب های متفرقه و جمع آوری مطالب برای بیان در سخنرانی هایشان. بی نیاز می سازد در ۱۲ جلد و در دست تنظیم و آماده سازیست و بخواست خدا، بتدریج به چاپ خواهد رسید.

۳- رحمت واسعه- در باره رحمت عالمگیر و فراگیر خدای متعال و آوردن آیات و روایات متنوع و جریان های توبه کننـد گان و شمول غفران الهی در باره آنها. این کتاب امید دهنده گناهکاران و دور ساختن آنان از یأس و نومیدی و جذب دور شدگان از خدا را به سوی پروردگار بخشنده و مهربان.

۴- شب- کتابیست در باره برکات و فضایل و امتیازات شب و اینکه شب مردان خدا روز جهان افروز است و شب خود از مورد توجه بزرگان عالم و خلوتگه راز و نیاز آنان با معبودشان و مطالب فراوان در این موارد.

۵- عتابات قرآن- در باره این که چرا خداوند متعال بعضی از انبیاء علیهم السلام را، مورد عتاب قرار داده و آیا این عتاب ها با عصمت آنها منافات دارد؟ مانند (عفا الله عنك لم اذنت لهم) یا مسئله چیز دیگر است.

۶- خاطرات زندگی یا سرگذشت تلخ و شیرین من- این نوشته حاوی شرح حال دوران زندگی از بدو تولد تا امروز ۳۰/ ۱۱/ ۱۳۹۳ که به ۴۰۰ صفحه رسیده است و هنوز هم خلاصه و امهات اوضاع و زوایای زندگی اش را می نویسند.

۷- دعای عرشیان برفرشیان- درباره استغفار فرشتگان و حاملان عرش خدا برای بنی آدم به استناد آیه ۷ سوره غافر و سایر آیات، نزدیک به اتمام.

۸- نشانه هائی از او- کتابیست در باره آیات بیان کننده نشانه های خدا شناسی و روایات پیرامون آن.

۹- مرزهای زندگی- از دید آیات و روایات و سیره پیشوایان.

۱۰- مرزخوراکی ها و نوشیدنی ها- از منظر آیات و احادیث و پزشکی.

۱۱- نوادر- روایات و سرگذشت ها و نوادر جریان های گوناگون به صورت کشکول.

۱۲- شیطان: علت وجودی او و پرسش و پاسخهائی درباره وی.

۱۳- متفّرقات مطالب گلچینی شده از کتاب های فراوان گوناگون.

و چندین کتاب دیگر ناتمام و در دست تألیف و مقاله های زیاد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹